جمهوری اسلامی ایران
وزارت فرهنگ و آموزش عالی

واژه نامه

مخابرات و ارتباطات راه دور

«انگلیسی ـ فارسی»



مرکز اسناد و مدارک علمی
تهران ـ ۱۳۶۴

واژه‌نامه مخابرات
0025777
پژوهشگاه علوم و

TK
۵۱۰۲
۲و۵ح/

حسینی
واژه‌نامه مخابرات وارتباطات راه‌دور:
انگلیسی ـ فارسی/ تالیف حسن حسینی الست.ـ
تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مرکز اسناد و
مدارک علمی، ۱۳۶۴.
ب، ۵۸۹ص.: مصور، جدول
ص.ع. به انگلیسی:
A dictionary of telecommunication " English - Persian"

(ادامه روی برگه بعد)

TK
۵۱۰۲
۲و۵ح/

حسینی الست، حسن...واژه‌نامهٔ مخابرات وارتباطات
راه دور:... ۱۳۶۴.

(برگه ۲)

۱. مخابرات ـ واژه‌نامه‌ها. ۲. ماهواره‌های
مخابراتی ـ واژه‌نامه‌ها. ۳. ارتباط ـ واژه‌نامه‌ها.
۴. مخابرات ـ نشانه‌های اختصاری. ۵. ماهواره‌های
مخابراتی ـ نشانه‌های اختصاری. ۶. زبان انگلیسی
ـ واژه‌نامه‌ها ـ فارسی. الف. عنوان.

I. English language - Dictionaries - Persian.

واژه نامهٔ مخابرات و ارتباطات راه دور

" انگلیسی ـ فارسی "

تالیف : حسن حسینی الست

از انتشارات مرکز اسناد و مدارک علمی

تهران : خیابان انقلاب ، چهارراه فلسطین ، شماره ۱۱۸۸

صندوق پستی ۱۵۶۸ ـ ۱۵۸۱۵

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت : ۶۰۰ ریال

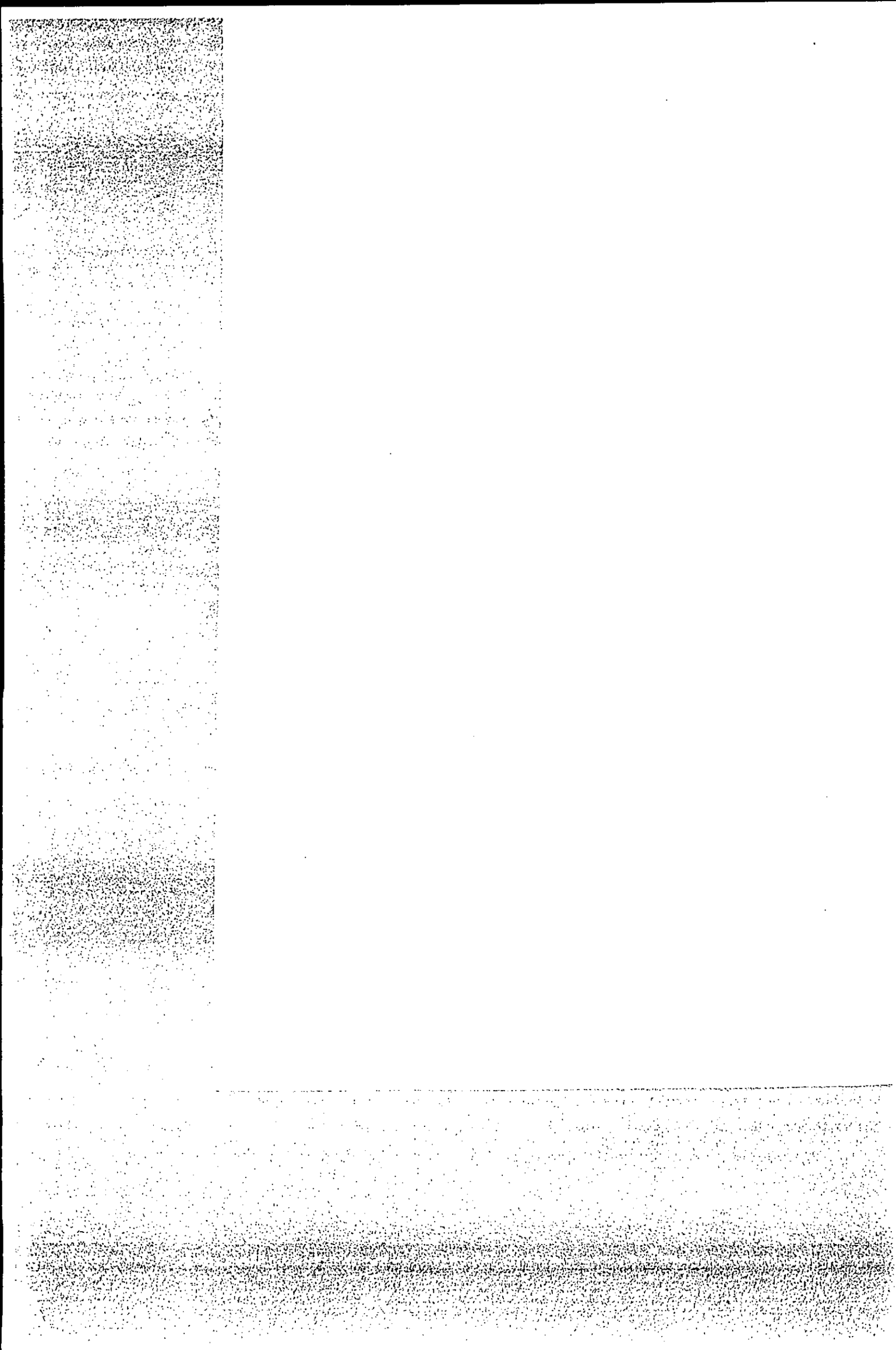
25777

این نشریه در چاپخانه مرکز اسناد و مدارک علمی بچاپ رسیده است.

" بسمه تعالی "

در پی اعلام مرکز اسناد و مدارک علمی به کلیه مراکز آموزش و پژوهش مبنی بر اینکه این مرکز در ارتباط با وظایف خود ، نسبت به چاپ کتب و نشریات هماهنگ با زمینه کاری مرکز (علوم کتابداری و اطلاع رسانی) اقدام می نماید ، بسیاری از پژوهشگران ما را مورد لطف قرار داده و آثار خود را اعم از تالیف یا ترجمه برای چاپ در اختیار این مرکز قرار داده اند که از همه آنها سپاسگزاری می شود • کتاب حاضر نیز از آن جمله است که بدین وسیله از تهیه کننده آن و همچنین از آقای علی اکبر اقابخش که ویرایش آنرا بعهده داشته اند صمیمانه تشکر می گردد •

رئیس مرکز اسناد و مدارک علمی

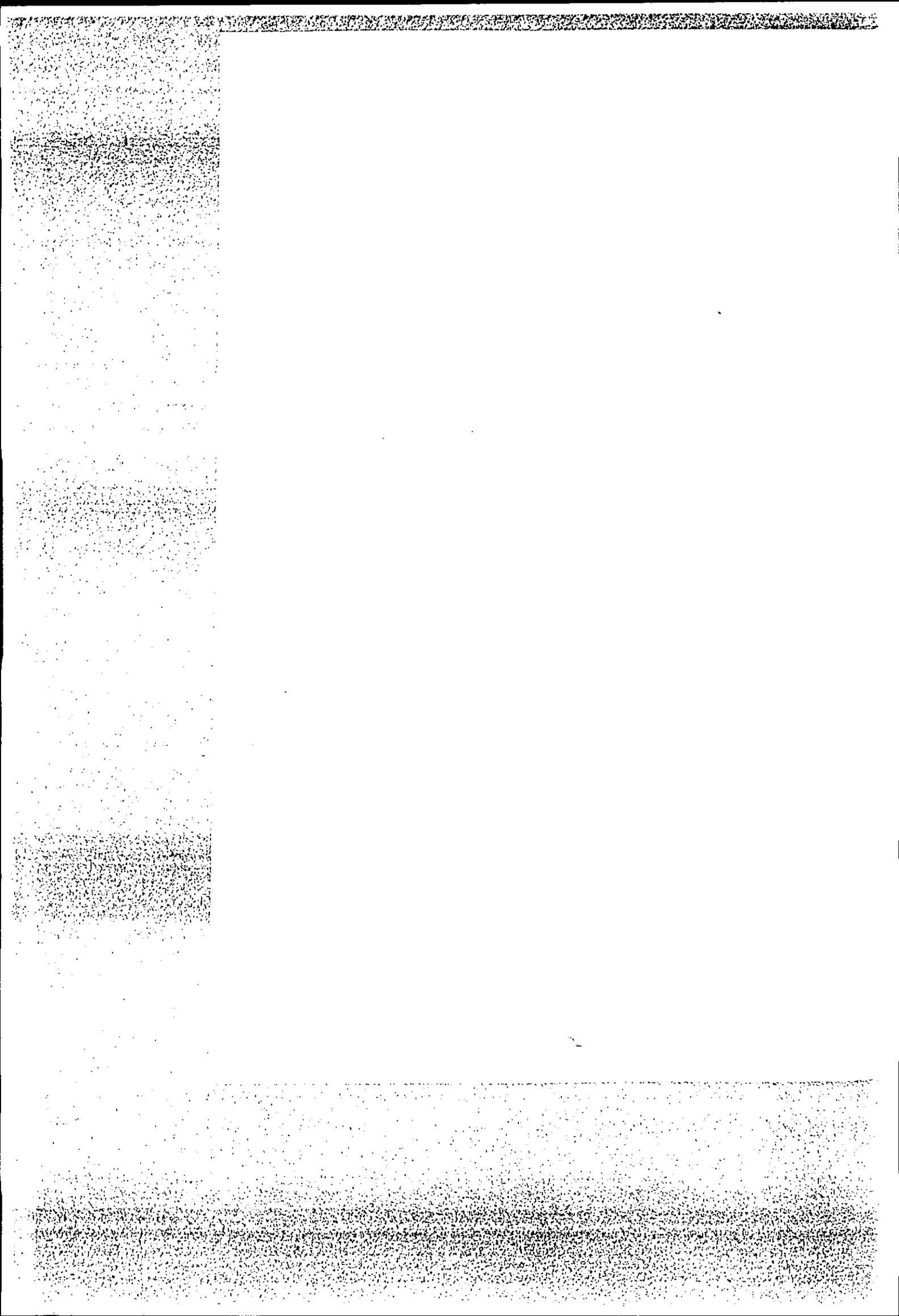


"بسمه تعالی"

نخست در نظر داشتم تا فرهنگ حاضر را مثل بسیاری از لغتنامه ها، به صورت مجموعه ای از واژه ها که بطور مختصر تعریف می شوند درآورم، ولی ترجیح دادم که آن را با طرحی جدید و براساس تجربیات شغلی و مطالعات و سابقه تدریس خود در زمینه ارتباطات و نیز با استفاده از منابع متعدد تهیه کنم. باید یادآور شد که در آخرین قسمت کتاب، یعنی فصل ارتباطات به روایت تصویر، عنوانهای مهم و متداول دنیای اطلاعات به صورت تصاویری آمده که مباحث مختلف مخابرات را به زبان تصویر بیان می کند. امیدوارم این لغتنامه برای دانش پژوهان و علاقه مندان رشته ارتباطات مفید واقع گردد. در پایان رواست که از مرکز اسناد و مدارک علمی وزارت فرهنگ و آموزش عالی که امکانات آماده سازی و چاپ کتاب حاضر را فراهم نمود، تشکر کنم.

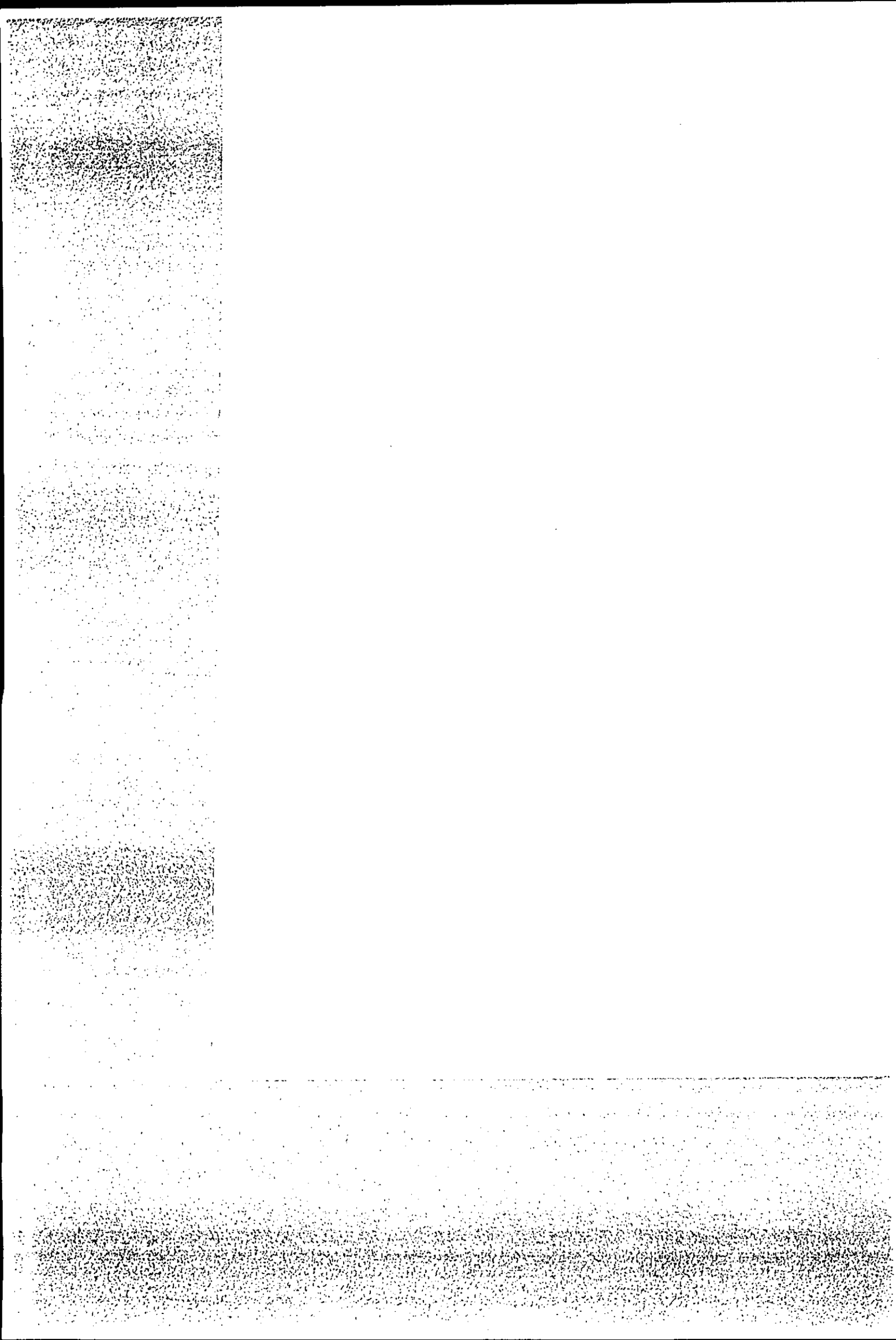
حسن حسینی الست

تیرماه ۱۳٦٤



فهرست مندرجات

واژه نامه (A - Z)	۱ــ ۴۵۲
علائم اختصاری در تکنولوژی ارتباطات	۴۵۳
سمبولهای سرویسهای مخابراتی	۴۹۲
علائم و سمبولهای عمومی	۵۰۰
جدول علائم قراردادی برق والکترونیك و ارتباطات	۵۰۳
علائم و مشخصه های الکترونیکی	۵۲۴
علائم دستگاههای اندازه گیری	۵۲۹
علائم نرم افزار	۵۳۰
شناسائی پایه چند خانواده از مدارهای مجتمع (IC)	۵۳۳
جدول آسکی	۵۴۲
سمبل کلیدها در دو حالت آنالوگ و دیجیتال	۵۴۳
بعضی از دستگاهها یا وضعیتهای دوتایی ساده الکتریکی و الکترونیکی	۵۴۴
ارتباطات به روایت تصویر	۵۴۵ــ ۵۸۹



A

مکالمه بیهوده • Abandoned call

برقراری ارتباطی است که قبل از دریافت پاسخ ، تلفن کننده ارتبـــاط راقطع می‌کند •

شماره گیری اختصاری Abbreviated dialing

استفاده از دو تا سه رقم بعنوان کد بجای بکارگیری تمام مشخصات •

حک مقاومت Abrasion resistance

قابلیت مقاومت پوشش سطح یک کابل یا سیم •

امتحان سائیدگی Abrasion test

جذب Absorption

افت انرژی برروی مسیرهای بی سیم یا باسیم در اثر تبدیل شدن به حرارت و یا شکلهای دیگری از انرژی •

پذیرش • قبول • دریافت Acceptance

آزمایش برای پذیرفتن Acceptance test

اعداد قابل پذیرش Acceptance number

حداکثر اعدادی که یك دستگاه برای نمونه قبول می‌کند •

تداخل قابل قبول Accepted interference

مقدار تداخلی که اشکالی را بوجود نمی‌آورد •

کد دسترسی Access code

اعدادی را شامل می‌شود که به یك سیستم یا سرویس خاص اختصاص داده می‌شود •

زمان دسترسی Access time

۱ــ مدت زمان لازم برای دریافت اطلاعات از حافظه ماشینهای محاسب و مغزهای الکترونی •

۲ــ حد متوسط زمانی که طول می‌کشد تا یك بیت یا یك کلمه بطور اتفاقی در یك واحد حافظه خوانده شود •

حساب • حسابداری Accounting

۱ــ یك اصطلاح اقتصادی است که در مورد اندازه گیری نتایج سازمانها و ادارات بکار می‌رود •

۲ــ روش گزارش درآمدها و مخارج و نیز آمار تکمیل کارها •

باتری اسیدی Acid battery

اسید سولفوریك رقیق بعنوان محلول الکترولیت در انباره اینگونه باتری عمل می‌کند •

Acoustic

صوتی

مربوط به صوت

Acoustic feed back

برگرداندن قسمتی از امواج صدای بلندگو به دستگاه تقویت صوتی برای قدرت بیشتر.

Acoustic filter

صحافی مخصوص صدا برای بهتر عبور دادن بعضی از امواج .

Acoustic shock

ضربه شنوائی

درد ، گیجی و گاهی اوقات حالت تهوع که بوسیله شنیدن صدای خیلی بلند و ناگهانی در انسان سبب می شود ، حدود این حالت ۱۲۰ است.

Acoustic line

هدایت صوت

Acoustic lining

پوشش صوت

Acoustic oscillation

نوسانات صوتی

Acoustics

علم صوت

خاصیت صوت در یک فضای بسته .

Activation

فعال کردن سطح فلز برای اینکه بتواند الکترونهای بیشتری صادر کند .

Active

شاخه ای از یك مدار یا قسمتی از یك دستگاه که محتوی یك مولد انـــــرژی باشد •

Active electrical Network

شبکه فعال الکتریکی

Active Power

توان مفید الکتریکی که برحسب وات سنجیده می شود •

Active satellite

ماهواره فعال

یك نوع ماهواره ای است که دارای دستگاههای فرستنده و گیرنده است •

Active sensor

یك وسیله اندازه گیری در سرویس ماهواره ای اکتشافات زمین و یـــــادر سرویسهای تحقیقات فضائی •

Active Singing Point

نقطه شدت تولید صدا

قسمتی از مدار که متضمن تقویت کننده هایی است (دارای بهره هایـــــی در رد وجهت انتقال) و در شرایط مخصوص ختم می گردد •

Actuating transfer function

نسبت تقویت در یك سیستم کنترل

Actuat or

دستگاهی برای تنظیم سرعت وکار ماشینها

Adapter

وفق دهنده •

وسیله ارتباط مرکز تلفن خودکار به مدار فرستنده •

Addend

عددی که به عدد دیگر اضافه شود •

Addendum

انتقال عینی ، بجای وارد کردن

Adder

جمع کننده •

۱ــ قسمتی از یك کامپیوتر که جمع دو یا چند عدد را ثبت می‌کند •

۲ــ بعبارتی ، مدارهای سوئیچینگی است که از ترکیب بیت های باینری (با استفاده از 0 و 1) ایجاد یك مجموع را می‌کنند •

Add-On

یك نوع سرویس است که بعضی از دستگاههای PABX ومراکز سوئیچینگ کـه مکالمه ورودی را با ایستگاه بعدی تقسیم می‌کند و در واقع بدون کمك اپراتـور کنفرانس سه طرف انجام می‌گیرد •

Add-On Conference

کنفرانسی که بصورت مکالمه تلفنی انجام می‌شود و تلفن کننده بـــــرای مکالمات متعدد به مشترکین مختلف مسیر صحبت را بصورت اشتراکی یکی‌یکـی وصل می‌کند •

آدرس Address

اطلاعاتی که غالبا" بصورت عدد بوده و موقعیت خاصی را در یک دستگاه حافظه تعیین می‌کند .

آدرس در تلفنهای بین المللی Address,international telephone

در تلفن بین‌المللی کد نبایستی از ۱۲ عدد بیشتر باشد • برای هرتلفن در جهان مطالب زیر را داریم که کد شناسایی ناحیه یا کشور شامل ۱ ، ۲ یا ۳ عدد است• ۳ عدد برای شماره گذاری کد منطقه در نظرگرفته می‌شود ، ۲ یا ۳ عدد برای کد مرکز تلفن یک منطقه و ٤ عدد برای شماره تلفن مشترکین •

سیگنالهای مشخص‌کننده Add ress signals

سیگنالهایی که برای انتقال اطلاعات مکالمه بکاربرده می‌شود (مانند کد مشترکین ، کد مرکز تلفن ، کد منطقه و غیره) .

تنظیم کننده Adjustor

ابزارمخصوص برای تنظیم ماشین آلات و ادوات•

سرویس اداری Administration

عملیاتی که توسط یک سیستم سوئیچینگ انجام می‌گیرد و شامل واگذاری خطوط و ترانکها به ترمینالهای سیستم سوئیچینگ و حتی جمع‌آوری اطلاعات ترافیک و آنالیز کردن مشکلات و شکایات مشترکین و غیره است •

Administration

موسسات مخابراتی دولتی

طبق تعریف مقررات رادیویی ، یك اداره دولتی است مربوط به قراردادهای مخابراتی بین المللی که شامل کشورهای عضو اتحادیه بین المللی راه دورمی شود .

Adminittance

هدایت ظاهری

هدایت ظاهری الکتریکی یك مدار رجریان متناوب و عکس امپدانس (مقاومت ظاهری) است .

Advance ball

گلوله کوچکی که روی سوزن حکاکی جلو می رود ، کارآن یکنواخت کردن عمق شیارهادر دستگاه ساخت صفحه گرام است .

Advance wire

آلیاژی از مس و نیکل جهت ساختن سیمهای مقاومت.

Aeronautical earth station

ایستگاه زمینی ماهواره ای مربوط به هوانوردی .

Aeronautical fi xed service

سرویس ثابت مربوط به هوانوردی .

Aeronautical fixed station

مرکز مخابرات هوا پیمایی

Aeronautical mobile satellite

سرویس ماهواره ای سیارمربوط به هوانوردی .

Aer onautical mobile service

سرویس سیار هوانوردی

Aeronautical radionavigation land station

مرکز مخابراتی ثابت برای هدایت هواپیماها

Aeronautical radionavigation mobile station

مرکز مخابراتی سیار برای هدایت هواپیماها

Aeronautical radionavigation satellite service

سرویس ماهواره ای ازطریق دریامربوط به هوانوردی

Aeronautical radionavigation service

هوانوردی ازطریق دریا

Aeronautical station

مرکزمخابراتی زمینی که معمولا " باماهواره هاتماس دارد •

Air-Blast trasformer

ترانسفورماتوری که باهوای دم یاپنکه خنك می‌شود •

Air capacitor

خازنی که دی الکتریك آن هواست •

Air cleaner

دستگـــــــاه الکترونی تصفیه هوابا استفاده از خواص الکتریسیته ساکن •

Air core هسته هوایی یك سیم پیچ

درواقع سیم پیچی است که درمدارمغناطیسی آن مواد مغناطیسی وجـــود ندارد •

Air craft

صنعت هواپیماسازی • وسیله هوایی (حمل ونقل)

Air craft bonding

اتصال بدن یاکلیه قطعات فلزی هواپیمابیکدیگر برای جلوگیری از تداخل امواج رادیوئی و تخلیه الکتریسیته ساکن بین دوفلز •

Air craft station

مرکز مخابراتی هوایی

Air gap

فاصله هوایی بین دوقطب مغناطیسی یاقسمت ثابت و گردنده ماشینهـــای الکتریکی یادوکنتاکت رله ها و کنتاکتورها •

Air glow

روشنائی که گاه گاه براثر یك پدیده فیزیکی ، شیمیایی یاالکتریکی درهوای جو مشاهده می‌شود .

Air inductor

سیم پیچی که هسته آن هوایاجسم غیرمغناطیسی باشد .

Alarm

اخطار

علامت سمعی یابصری که درست کارنکردن وپاازکارافتادن دستگاه رانشـــان دهد .

Alarm call service

سرویس خبرد هنده درمکالمه

توسط دستگاه اپراتور یابطور اتوماتیك شماره تلفن درزمان مشخص بـــه مشترك اعلام می‌شود .

Alarm sending

فرستادن اخطار

اخطار از یك مرکز تلفن داخلی به محل دیگر.

Alarm Switch

کلید آژیـــر

Alarm system

سیستم اعلام خطر

Alerting(Alerting signal)

سیگنالی که به مشترك فرستاده می‌شود (مخصوصا " برای PBX) و یا توســـط

آن سیستم سوئیچینگ یك مکالمه ورودی رانشان می‌دهد •

Algol

زبان رمزی که در تهیه برنامه حل مسائل ریاضی بوسیله کمپیوتربکار می‌رود ؛ به عبارت دیگر یك زبان برنامه نویسی سطح بالااست •

Algorithm

طرحی برای اجرای یك کار بعنوان یك سری از کارهای کوچکتر که بطور نمونه صحبت ازمحاسبه عددی است • بطورکلی تر مجموعه ای است ازقواعد وروشهای معین برای حل مسائل درچند مرحله محدود •

Align ment

تنظیم مدارهای الکترونی به منظور عبوردادن موجی بافرکانس معین •

Align ment tools

پیچ گوشتی غیرفلزی مخصوص تنظیم خازن وهسته بوبینهای القائی •

Alive

دارای نیروی محرکه و قدرت جریان ، هادی جریان:برای استفاده در انرژی دادن به یك دستگاه،وصل شدن به یك منبع ولتاژ الکتریکی، شارژ بعنوان داشتن یك اختلاف پتانسیل الکتریکی •

Alkaline battery

باتریهایی که الکترولیت آنها رایك محلول قلیایی تشکیل می‌دهد •

All-day efficiency

ضریب بهره متوسط شبانه روزی

Allen-Screw

نوعی پیچ دارای حفره شش گوش

All/Number Calling(ANC)

شماره گذاری سیستم تلفن است که در آن از دو حرف و ۵ عدد استفاده می شود .

Allocation

اختصاص ، پخش فرکانس .

Allotment

تقسیم ، تخصیص فرکانس و غیره .

Allotter

تقسیم کننده . پخش کننده .
دستگاهی که تعیین می کند کدام گروه از لوازم مورد استفاده قرار خواهد گرفت .

Allowed band

باند مجاز ، سطوح انرژی که الکترونها در یک اتم می توانند به آنها برسند .

مرکز اسناد و مدارک علمی ایران
IRANDOC
۱۳۴۷
1968

Alloy

آلیاژ

ترکیب دو یا چند عنصر شیمیائی است که فلزی جدید با خواص دیگر را بـــه دست می دهد .

Alloy diode

یکسوکننده ای که از یک پولک نیمه هادی مثلا" سیلیسیم ساخته شـــده و سیمهای اتصال بطریقه حرارتی به آن جوش شده اند .

Alloy transistor

ترانزیستوری که از آلیاژ یک نیمه هادی با یک فلز ، مثلا" ژرمانیوم و ایندیـوم ساخته شده است .

All trunks busy

اشغال تمام

شرائطی است که تمام ترانکها مخصوصا" در یک گروه مشغولند .

Alnico

آلیاژی از آهن ، نیکل کبالت ، آلومینیم و مس که در ساختن آهنربا هـــای دائمی کوچک و بادوام بکار می رود .

Alpha counter

یک سیستم الکترونی جهت شمارش تعداد شعاعهای آلفا ، شامل یک لامـپ مخصوص با محفظه شمارش .

ذره آلفا Alpha particle

ذره بسیار کوچکی با بارمثبت که شبیه به هسته اتم هلیوم است و در اثر تشعشع عناصر رادیواکتیو پرتاب می شود ٠

Alpha ray

اشعه آلفا که از پرتاب ذراتی با بارمثبت بوجود می آید ٠

Alpha-numeric

نمایش بوسیله اعداد و حروف (در اصطلاح کامپیوتر)

جریان متناوب Alternating current

جریانی که از حیث شدت و ازلحاظ جهت متناوبا " تغییر می کند ٠

ژنراتور جریان متناوب Alternating Current generator

ژنراتوری است که قدرت جریان متناوب تولید می کند و در مراکز مخابراتی به عنوان تغذیه نیروی کمکی استفاده می شود ٠

مسیر متناوب (برای مراکز سوئیچینگ) Alternative route

مولد برق ٠ آلترناتور Alternator

Altimeter

دستگاه سنجش ارتفاع هواپیما از سطح زمین که با استفاده از تغییر ظرفیت الکتریکی آن با زمین کار می کند ٠

Amateur

آماتور

کسانی که بعنوان سرگرمی بافرستنده های رادیوئی کارمی‌کنند • یك دسته امواج رادیوئی بکارآماتورها اختصاص داده شده واین افراد باکسب اجازه می‌توانند بوسیله فرستنده های خود با سایرین ارتباط برقرار کنند •

Amateur satellite

ماهواره آماتوری

Amateur service

سرویس آماتوری

Amateur station

ایستگاه آماتوری (مرکز مخابراتی آماتوری)

Ambient noise (Room noise)

همهمه صوتی

همهمه ای که در یك اطاق یا مکانهای دیگر وجود دارد و مقدارقدرمطلق آنرا می‌توان بدست آورد. اصطلاح اطاق همهمه مربوط به ایستگاه تلفن می‌باشد •

Ambient temperature

درجه حرارت محیط و هوای اطراف یك ماشین و یا درجه حرارت اطراف محیط مانند گازهوا ، مایع •

Ambiguity

شرطی برای جستجوی بیش از یک نقطه صفر.

American Morse code

الفبای مرس آمریکائی جهت مخابره مطالب تلگرافی .

American Radio Relay League(A.R.R.L.)

موسسه رادیویی آماتورهاکه جنبه مخابراتی ندارد . این موسسه در مواقع ضروری منشاء خدماتی شده ودرتحقیقات رادیوئی مورد استفاده قرارمی‌گیرد .

American wire gage (B.S.G.)

اندازه های استانداردکه برای قطر سیمهاوضخامت ورقه های فلزی درایالات متحده انتخاب شده است .

آمپرمتر Ammeter

دستگاه اندازه گیری شدت جریان الکتریکی برحسب آمپر.

آمپر Ampere

واحد سنجش جریان الکتریکی و معادل عبوریک کولن الکتریسیته (۶/۰۲×۱۰^۱۸ الکترون) دریک ثانیه. به عبارت دیگر، با عبور یک ولت از مقاومت یک اهم جریانی برابر یک آمپر عبورمی‌کند .

آمپرساعت Ampere hour

۱ــ عبوریك آمپرجریان به مدت یکساعت • معمولا " برای تعیین ظرفیت باتری بکارمی رود •

۲ــ واحد سنجش مقدار الکتریسیته که معادل عبور ۳۶۰۰ کولن ($۲/۲ \times ۱۰^{۲۲}$ الکترون) است •

Ampere hour meter

دستگاه شمارش تعداد آمپرساعتهای الکتریسیته که ازیك مصرف کننده گذشته است و نوعی کنتوربرق •

آمپرد ور Ampere turn

۱ــ اندازه گیری نیروی محرکه مغناطیسی •

۲ــ آمپرد ور یا نیروی محرکه مغناطیسی که برحسب حاصل ضرب تعداد حلقه یك سیم پیچ در شدت جریان آن سنجیده می‌شود ومعادل $\frac{۴\pi}{۱۰}$ ژیلبرت است •

Ampere turn per meter

آمپرد ور برمتریا نیروی مغناطیس‌کنند • که برای سنجش شدت میدان مغناطیسی در هرنقطه بکارمی‌رود و معادل $\frac{۴\pi}{۱۰۰۰}$ اورستد است •

Amplidyne

آمپلیدین

دینامو کوچکی است که برای تنظیم وکنترل سرعت گرد ش، ولتاژ و شدت جریان ژنراتورهای بزرگ بکارمی رود •

Amplification

تقویت
یك اصطلاح كلی برای توسعه دامنه سیگنالهای الكترونی و هرگونه نوسان الكتریكی ، مغناطیس یا مكانیكی .

Amplification factor

ضریب تقویت (در لامپهای الكترونی) نسبت تغییرولتاژ آند به تغییرولتاژ شبكه در صورتی كه شدت جریان آند ثابت بماند .

Amplifier

تقویت كننده .
۱ــ دستگاهی برای افزایش بزرگی یك سیگنال .
۲ــ هرنوع دستگاهی كه سیگنالهای الكترونی را با استفاده از یك منبع انرژی تقویت كند .

Amplifier,Hard-of-hearing

تقویت كننده سیگنالهای دریافتی

تقویت كننده ترانزیستوری است كه جزئی از یك دستگاه تلفن یا پلاك دستگاه تلفن اپراتور بوده كه سیگنالهای ورودی را تقویت می كند .

Amplify

تقویت كردن
اضافه كردن دامنه یا قدر مطلق بویژه در یك سیگنال الكتریكی .

Amplistat

نام تجارتی یك تقویت كننده مغناطیس كه بخودی خود اشباع می شود .

Amplitron

نام تجارتی یك لامپ تقویت امواج خیلی کوتاه (میکروویو)•

Amplitude

دامنه

۱ــ حداکثر اندازه جریان متناوب یا یك موج در مقایسه با حد متوسط آن•

۲ــ عرض بالاترین نقطه یك منحنی، حداکثر مقدار ولتاژ، جریان یا توان در یك دوره تناوب کامل•

Amplitude Distortion

تغییرشکل یا اعوجاج دامنه

تغییرشکل دامنه و نسبت RmS •

Amplitude modulation

مدولاسیون دامنه

ترکیب دو موج از راه تغییر دامنه، موج حامل، سینوسی و دارای فرکانس زیاد بوده و دامنه آن متناسب با موج یا سیگنال دیگر تغییر می‌کند•

Amplitude separator

جداکننده امواج بین دو حداز دامنه آنها•

Analog

آنالوگ

Analog Facility Terminal (AFT)

یك فرکانس صوتی است که عملیات سیگنالینگ و انتقال را انجام می‌دهد•

Analog signal

سیگنالی الکتریکی است که دامنه یافرکانس آن دراثر صدا ، نور ، حـــرارت موقعیت یافشار تغییرمی کند •

Analog to digital converter

تبدیل کننده آنالوگ به دیجیتال

وسیله ای بـرای تبدیل تغییرات فیزیکی به صورت اعداد •

Analyzer

آنالیزر

به طورکلی به هـرد ستگاهی که برای آزمایش و تعیین عیب وسایل و تجهیزات الکتریکی یاالکترونی بکارمی رود آنالیزرمی گویند • د ستگاههای متعـــــد و مخصوص برای کنترل رادیو ، تلویـزیون ، موتورشبکه ، مدارالکتریکـــــی اتومبیل و غیره وجود دارند •

Analyzer, Circuit

مدارآنالیزر

به د ستگاههای اندازه گیری و مدارهای اندازه گیری د ریك سیگنال گوینـد که د رآن تغییرات جریان و ولتاژ نیز د رنظر گرفته می شود •

Analyzer, line fault

د ستگاه بررسی خطای خط

یك وسیله اندازه گیری است که د راصول رادار ، آشکارسازی و تعییـــــن موقعیت خطای خط رامشخص می کند •

Analyzer, Traffic

د ستگاه بررسی ترافیك

د ستگاهی است برای بد ست آوردن ترافیك که پریود آن ۱۰۰ ثانیه می باشد•

Anchor

پایه یامیخ مهار برای بستن سیمهایاطنابهای حایل ، جهت نگهـــداری تیرهای قائم.

Anchor dead man

پایه یامیخ برق تیرهای برق وتلفن .

Anderson bridge

پل آندرسن

نوعی پل اندازه گیری شبیه پل ماکسول که دارای دووضع تعادل مستقـــل از یکدیگر است و برای سنجش اندوکتانس برحسب ظرفیت و مقاومـــــت الکتریکی بکارمی رود .

And Gate

۱ــ وسیله یامداری بادویاتعداد بیشتری ورودی اطلاعات دیجیتال باینری ویك خروجی .

۲ــ مدارالکتریکی که فقط درصورتی درقسمت خروجی آن سیگنالی ظاهـــر می شود که سیگنال ورودی باآن هم آهنگی داشته باشد .

Angels

اصطلاحی درراداروبه حالتی اطلاق می شودکه باوجودنبودن هواپیمـــا درهوا ، وجود حشرات ، پرندگان ، بخارآب انعکاس امواج رادیوئـــی و ذرات مدارآلی باعث ظهورعلائمی درصفحه راداری می شود .

Angle modulation

مدولاسیون زاویه ای یا مدولاسیون فرکانس ، چون تغییرفرکانس موج حامل ، موجب تغییرزاویه فاز آن نیز می شود •

Angle of deflection

زاویه انحراف زاویه ای که تحت آن شعاع الکترونی در لامپهای کاتدی ازمسیر مستقیم خود منحرف می شود •

Angle of lag

زاویه عقب ماندگی جریان از نیروی محرکه (پسفاز) برحسب درجه الکتریکی •

Angle of lead

زاویه جلوافتادن جریان از نیروی محرکه (پیشفاز) برحسب درجه الکتریکی •

Angle of incidence

زاویه تابش ، بین شعاع تابنده وخط عمود برصفحه تابش •

Angle of reflection

زاویه انعکاس ، بین شعاع منعکس و خط عمود برصفحه تابش •

Angle of refraction

زاویه انکسار ، بین شعاع منکسر با خط عمود برصفحه تابش •

Angstrom

آنگستروم ، واحد کوچکی برای سنجش طول و معادل 10^{-8} سانتی متـــــر 10^{-10} متر.

Angular frequency of velocity

فرکانس یا سرعت زاویه ای که برحسب دادیان برثانیه بیان می شود . زاویـــه پیموده شده در واحد زمان .

Anion

یون منفی که جذب آند می شود . در باتری اکومولاتور یونهای منفی آنـــد را منفی می کنند .

Aniseikon

نوعی آشکارسازی جریان الکترونی .

Anneal

تاباندن - گرم کردن فلز تا درجه حرارت سرخ و خنک کردن تدریجـــــی آن به منظور نرم کردن یا ازبین بردن آثارمغناطیسی و تنشهای داخلی .

Announcement macnine

ماشین اعلام کننده

ماشینی که برای ضبط پیامهای مشترک و یا برای هدفهای دیگر مورد استفاده قرار می گیرد .

Announcement trunk

ترانك اعلام كننده

ترانکی است برای ضبط بعد از برقراری مکالمه .

Anode

آند

الکترودی که ازطریق آن جریان الکتریکی وارد می شود.آند باتری‌ها ، قطب منفی و آند دستگاههای آبکاری ، قطب مثبت راتشکیل می دهد . پلاك یا صفحه آند لامپ الکترونی است که الکترونها را جذب می‌کند .

Anode-bend detector

نوعی آشکارساز که درآن یك لامپ تریود درنقطه ای بالاتر از قسمت خمید منحنی مشخصه جریان آند برحسب ولتاژ شبکه کارمی‌کند .

Anode-break down voltage

ولتاژ آندی لازم برای درگیری قوس الکتریکی در لامپهای گازی باکاتد سرد .

Anode-characteristics

مشخصه آند

منحنی نمایش جریان آند لامپ الکترونی برحسب ولتاژ آن .

Anode-current

جریان آندی

جریانی که بطرف آند لامپ الکترونی می رود یا ازآن خارج می شود .

Anode-dark space

نقطه تاریکی که نزدیك به صفحه آند در لامپهای مولد قوس الکتریکی دید می شود .

Anode dissipation

توان الکتریکی که بصورت حرارت براثر بمباران الکترونی در آند تلف می شود •

Anode efficiency

ضریب بهره آندی

نسبت توان ac مصرفی در مدار خارجی آند به توان dc ورودی آند .

Anode fall

افت پتانسیل در آند لامپ گازی هنگام تخلیه الکتریکی •

Anode glow

نقطه درخشنده ای روی صفحه آند لامپ گازی •

Anode resistance

مقاومت آندی

نسبت تغییرجزئی ولتاژ آند به تغییرجزئی که درجریانی آند بوجود می آید •

Anode saturation

اشباع آندی

شرایطی که باعث می شود تاآند نتواند الکترون جذب کند •

Anode voltage

ولتاژ آندی

اختلاف پتانسیل بین آند و کاتد لامپ الکترونی •

Anodige

نوعی مبدل تغییرات فیزیکی به شماره های عددی در کامپیوتر.

Anotron

یک لامپ دوقطبی گازی باکاتد سرد که معمولا " آند آن راکلسیم وکاتد آن را سدیم تشکیل می دهد .

Answer delag

مدت زمانی که دستگاه تلفن شونده شروع به زنگ زدن می‌کند تازمانی که گوشی تلفن برداشته شود .

Answer singnal

سیگنال جواب

سیگنالی است که ازمرکز تلفن فرستاده می‌شود تا جواب دادن تلفن شنونده را آگاه نماید در ضمن درکارهای نیمه الکترونیکی و الکترونیکی از سیگنال فوق برای اندازه گیری ومدت مکالمه بخصوص برای هدفهای بین المللی استفاده می‌شود .

Answer supervision

حالتی از عملیات سیگنالینگ است که ازطرف تلفن کننده به تلفن شنونده ارسال می‌شود .

Antenna

آنتن

قسمتی ازسیستم مخابراتی که انرژی از طریق آن ارسال و یاازسیستم دیگری اخذ می‌گردد .

Antenna aperture	روزنه یا محل عبور تشعشع آنتن
Antenna arrangement	شبکه ترتیب و تنظیم آنتن
Antenna array	شبکه تنظیم آنتن
Antenna base	پایه آنتن
Antenna base cover	سرپوش آنتن
Antenna cable	کابل آنتن
Antenna capacity	ظرفیت آنتن
Antenna change over switch	کلید تعویض آنتن
Antenna characteristics	خصوصیات آنتن
Antenna charging	شارژ آنتن
Antenna choke	صافی آنتن
Antenna ckt.	مدار آنتن

کلید اتصال مدار آنتن Antenna ckt keying

بوبین آنتن Antenna coil

اندوکتانسی که جریان آنتن گیرنده یا فرستنده از آن می‌گذرد .

ترکیب آنتن Antenna combination

سیم هادی آنتن Antenna conductor

اتصال آنتن . گیره آنتن Antenna connection

میله آنتن Antenna cord

میله یا نخ آنتن Antenna cording

رابط آنتن Antenna coupler

هروسیله ای که آنتن را به سایر قسمتهای گیرنده یا فرستنده متصل کند .

مزدوج نمودن آنتن . کویل آنتن Antenna coupling

جریان آنتن Antenna current

انتشار جریان در آنتن ها کاملا" مانند انتشار آن در خطوط انتقال انـــــرژی الکتریکی است .

Antenna cut back kit	کلید اتصال یا تعویض اتصال آنتن
Antenna damping	تخفیف یا تضعیف آنتن
Antenna decrement	تخفیف یا تضعیف آنتن
Antenna design	آنتن سازی
Antenna designer	سازنده آنتن
Antenna dip	شیب یا میل آنتن
Antenna diplexer	انحراف آنتن
Antenna distance	فاصله آنتن
Antenna down lead	هدایت بخارج آنتن
Antenna duct	مجرای آنتن
Antenna earthing switch	کلید وصل کننده به آنتن زمینی

اثرآنتن	Antenna effect

هرگونه علامتی که ازجهت دیگری غیرازجهت هدایت شده آنتن دریافت شود .

اجزای آنتن	Antenna element
انرژی تشعشعی آنتن	Antenna energy
محرک آنتن	Antenna excitation
روپوش آنتن	Antenna fairing
محکم نمودن آنتن	Antenna fastening
مقاومت ورودی آنتن	Antenna feed impedance
سیم هادی تغذیه آنتن	Antenna feeder
بازده قدرت انتشارآنتن	Antenna field gain
صافی آنتن	Antenna filter
فیوز آنتن (تغییرمدارآنتن درجریان زیاد)	Antenna fuse

Antenna gain

بهره آنتن

قدرت هدایت آنتن در جهت معین با مقایسه با یک آنتن استاندارد .

Antenna grounding switch

کلید اتصال به زمین آنتن

Antenna height

ارتفاع آنتن

Antenna house

محفظه تنظیم صوتی آنتن

Antenna housing

محفظه آنتن

Antenna hut

محفظه تنظیم صوتی آنتن

Antenna inductance

القاء آنتن

Antenna input

ورودی آنتن

Antenna in put power

قدرت ورودی آنتن

Antenna insulation

عایق بندی آنتن

Antenna insulator

عایق کننده آنتن

عدسی آنتن — Antenna lens

قسمتی از آنتن که امواج راد رجهت معینی متمرکز می‌کند •

شاخه آنتن — Antenna limb

پایه آنتن رادار — Antenna pedestal

منعکس‌کننده • آنتن — Antenna reflector

قسمتی از آنتن که وضع میدان الکتریکی را به نفع قدرت هدایت آنتن تغییر می‌دهد که درآنتنهای گیرنده • باعث افزایش بهره آنتن و جلوگیری ازتداخل امواج می‌شود •

رله آنتن — Antenna relay

در ایستگاههای فرستنده • رادیوئی رله هایی بکارمی‌رود که آنتن رافقط به دستگاه فرستنده • یاگیرنده • متصل می‌کند و به این طریق مدارهای گیرنده • هنگام کاردستگاه فرستنده • بطورخودکارحفاظت می‌شود •

فاصله بین دوپایه آنتن — Antenna span

کلید وصل طبقات آنتن — Antenna stage switch

وسایل تنظیم آنتن — Antenna tuner

میله دلورونده • آنتن — Antenna winch

Anti-cyclotron

نوعی لامپ عبورد هنده امواج

Anti-hunting circuit

مداری شامل خازن و ترانسفورماتورجهت تثبیت و جلوگیری از نوسان ولتاژ•

Antimony

آنتیموان ــ عنصرفلزی بامداراتمی ۵۱•

Anti-node

نقطه حداکثر ولتاژ یا جریان متناوب •

Anti-resonance

دوپا چند امپدانس موازی که در برابر فرکانس رزونانس حداکثر مقاومت را از خود نشان می دهند •

Anti-sidetone circuit

مداری در تلفن که مانع اتصال منبع تغذیه میکروفون به گوشی می شود • در این حالت موقعی که بافرستنده تلفن صحبت می شود دریافت کننده تلفن صدای خود را می شنویم •

Aperiodic

فاقد تناوب • ناهماهنگ

مداری که در مقابل فرکانسهای معینی به حالت رزونانس در نمی آید .

Aperiodic antenna

آنتنی که بین دوحد وسیع فرکانس دارای امپدانس ثابتی است •

Aperiodic damping

حرکت یك سیستم مکانیکی که پس از انحراف بدون نوسان بجای خود بـــــر می‌گردد •

Aperture

روزنه • دریچه

سوراخ کوچکی که شعاعهای الکترونی بتوانند از آن عبورکنند •

Aperture compensation

تقویت پاسخ HF در تقویت کنند های امواج تصویر برای جلوگیری از اعوجـــاج آن •

Aperture distortion

اعوجاج ناشی از برخورد شعاعهای الکترونی به دیواره روزنه ها •

Aperture lens

روزنه ای که باعث تمرکز اشعه الکترونی شود •

Aperture mask

صفحه مشبکی که بین الکترونها وصفحه فلورسنت لامپ تصویر تلویزیون رنگـی بکار می رود تا در هرلحظه امواج مربوط به رنگ مخصوصی از آن بگذرند •

منبع ولتاژ برای تغذیه رشته های ...

قسمتی از استاندارد شده سخت افزا... ه وخازن ...
بوده و عمل سیگنال راانجام می دهد ... ی موارد ...
راگویند ، مانند دستگاه تلفن.باید توجه ... نه این قس...
شده سخت افزار ، قابل تغییرو تعمیر...

ایستگاه مشترک

لوازمی که به خواست مشترک نصب می شو... لفن یاسا... ارت...

قدرت ظاهری

توان ظاهری یاحاصل ضرب شدت جریا... یروی محر... بر...
ولت - آمپر.

اتصال مداربه ترمینالها .

لامپ کاتدی مخصوصی که برای تلویزیون ر... ساخته...
این لامپ از نوارهای فسفری باریک به رنگ... قرمز ، سبز...
است .

Appleton layer

قشرهای هادی از جوزمین در ارتفاع ۱۸۰ کیلومتری که بوسیله دانشمندی انگلیسی بهمین نام کشف شد ۰

Applicators

صفحات هادی به اشکال مختلف که بین آنها میدان الکتریکی بسیارقوی با فرکانس زیاد برای گرم کردن اجسام عایق تولید می‌کنند ۰

Aquadag coating

قشرنازك گرافیت که روی جدار داخلی بعضی از لامپهای کاتدی کشیده می‌شود ۰ این قشر ، منبع صدور ثانویه الکترون بوده وبه منزله آند شتاب دهنده است ۰

ARC قوس ۰ جرقه

تخلیه الکتریکی همراه باانتشارنور ۰ تخلیه الکتریکی درداخل لامپهای گازی همراه افت ولتاژی معادل پتانسیل ایونیزاسیون گاز ۰

Arcback

قوس الکتریکی از آند بطرف کاتد در یکسوکننده های گازی (درجهت معکوس)

Arc-baffle

مانعی درداخل یکسوکننده های جیوه ای برای جلوگیری از پاشیدن جیوه به آند ۰

Arc-chute

مسیری از فلزات مقاوم برای انحراف وخاموش کردن قوس الکتریکی در کلید های قطع جریان قوی •

Arc conventer

نوعی نوسان سازکه بااستفاده ازقوس الکتریکی جریان متناوب تولید می‌کند •

Arc drop

افت اختلاف سطح بین آند وکاتد یکسوکننده های گازی •

Arc furnace

کوره قوسی

بااستفاده از حرارت قوس الکتریکی برای ذوب فلزات یااجسام دیرگداز ، کوره های مخصوصی ساخته شده است •

Arch

یك سیستم کنترل کامپیوترکه بااستفاده از چند کامپیوتربصورت زنجیره ای وهر یك از آنها دستگاه ماقبل خود ش راکنترل می‌کند •

Arclamp

لامپ قوسی که نورآن از تولید قوس الکتریکی بوجود می‌آید •

Arc welding

جوشکاری باقوس الکتریکی • فاصله بین الکترود یا مفتول جوش هرد وقطعه

فلز طوری تنظیم می شود که قوس پاید ارماند ومفتول به حالت مذاب وارد درز بین دوفلز شود •

Area,code

کد منطقه یا محل.

منطقه مرکز تلفن Area, exchange

یك واحد جغرافیائی که برای سرویس تلفنی درنظرگرفته می شود نظیر یك شهر ، بخش یا روستا و غیره •

ارتباط خارج از منطقه Area, foreign

معمولا " دربرنامه شماره گذاری درخارج ازمنطقه مشترك درنظر گفته می شود •

مرکز تلفن محلی (منطقه ای) Area,home

منطقه ای است که مشترکین تلفن دریك محدوده مشخص قرارگرفته اند •

Area,multi-office exchange

یك مرکز تلفن منطقه ای برای چندین اداره ، درواقع یك مرکز توسط چندین مرکز تلفن بخدمت گرفته می شود •

برنامه شماره گذاری منطقه ای Area,numbering plan

همان دورقم اول شماره تلفن مشترکین است که بنام کد محلی شناخته می شوند •

سرویس محلی Area,service

تمام مشترکین بزرگ و کوچك از مرکز سوئیچینگ یك منطقه استفاده می‌نمایند .

انتقال منطقه ای Area transfer

انتقال یك گروه مشترکین به یك سیستم جدید از مرکز.

Arithmetic unit

قسمتی از کامپیوترکه عملیات عددی وریاضی راانجام می‌دهد .

آرمیچر Armature

قسمت گردنده یك موتورالکتریکی ، قطعه متحرك دستگاههای مغناطیسی ، سیم پیچی القاء شونده مولد هاکه انرژی ازآن گرفته می‌شود ، قسمت متحرك بلندگو یارله پیکاپ .

Armature air gap

فاصله هوائی بین قسمت ثابت وگردنده که آرمیچر می‌تواند در داخل آن حرکت کند .

نوارآرمیچر Armature band

نواری که سیم پیچی آرمیچررابه بدنه آن می‌بندد و آن رامحکم نگاه می‌دارد .

Armature chatter

ارتعاش آرمیچر در رله ها .

مدارالکتریکی آرمیچر Armature circuit

مسیرجریان در سیم پیچی قسمت گردنده ماشینها از یک جاروتا جاروی دیگر.

کلاف آرمیچر Armature coil

قسمتی ازسیم پیچی آرمیچر که یک کلاف راتشکیل می دهد.

کنتاکت متحرک در یک رله . Armature contact

تنه یا بدنه آرمیچر Armature core

قسمتی ازمدارمغناطیسی که سیم پیچ آرمیچرروی آن قرارگرفته است .

Armuture demagnetization

ضعیف شدن میدان مغناطیسی براثر عکس‌العمل آرمیچر.

صفحه آرمیچر Armuture disk

هریک ازبدنه های آهنی که درساختن آرمیچر بکاررفته است .

عکس‌العمل آرمیچر Armuture reaction

اثر مغناطیسی جریان آرمیچر که مخالف حوزه مغناطیسی اصلی اثرمی‌کند .

رله آرمیچر Armature relay

رله الکترومغناطیسی که آرمیچر رابطرف قطبهای ثابت می‌کشد .

Armature resistance

مقاومت آرمیچر

مقاومت الکتریکی سیم پیچی آرمیچر بین دو حلقه (رینگ) یا دو جارو (زغال) •

Armature slot

شیار آرمیچر

هریك ازشیارهائی که برای جادادن سیم پیچی روی بدنه آرمیچرتعبیه می شود •

Armature tester

دستگاهی برای تعیین عیب و آزمایش سیم پیچی آرمیچر •

Armature tooth

دندانه آرمیچر

Armature travel

مسیرحرکت آرمیچر در یك رله •

Armature winding

سیم پیچی آرمیچر

سیم پیچی حامل جریان القاء شونده • درماشینهایاسیم پیچی قسمت متحرك در رله ها •

Armor

یك نوع محافظت کابل تلفنی است که درطول عمرآن بکاربرده می شود •

Armored cable

کابل مسلح

سیمهای هادی غایق پوش باسلاح فلزی • کابل باسلاح فولادی که بجای اتصال زمین نیز مورد استفاده • واقع می شود •

Armstrong oscillator

نوعی مدارنوسانی که درآن مدارهای آند وشبکه باهم تطبیق شده اند .

Array

۱ــ گروهی از عناصرکه بصورت طرحی مرتب شده باشند .
۲ــ ترکیبی ازاجزاء آنتن که باآن خاصیت تشعشع یاگیرندگی درجهت معینی می دهد .

Arrester lightning

دستگاهی که ولتاژ رادردوانتهای ترمینال کنترل می‌کند و درخود شارژ ذخیره می‌کند تادرشرایط اصلی موردا ستفاده قرار دهد .

Articulation

مفصل ، لولا ، مجموعه گفتارو گویندهٔ رادیوئی که مطالب پخش‌شده بوسیله آنهابرای شنوندگان قابل فهم باشد .

Artificial ear

گوش مصنوعی

وسیله ای برای آزمایش‌و تعیین حساسیت سمعکها ، بامقایسه باقدرت شنوائی گوش‌سالم وطبیعی .

Artificial larynx

تیغه ارتعاشی که برای کمك به ادای کلمات درحنجره بعضی اشخاص‌کار گذاشته می‌شود وبادم تنفس‌کارمی‌کند .

خط ساختگی Artificial line

مدار نمونه یك خط انتقال انرژی که دارای همان مشخصات الکتریکی باشد •

بار ساختگی Artificial load

شبکه یا مداری که جانشین یك خط انتقال هوائی می‌شود و همان مقدار توان الکتریکی بدون تشعشع مصرف می‌کند

صدای ساختگی Artificial oice

وسیله ای برای آزمایش و تعیین حساسیت میکروفون شامل یك بلندگو که صداهای طبیعی را آن را تقلید می‌کند •

آزبست • پنبه نسوز Asbestos

الیاف پنبه یك سیلیکات طبیعی که عایق الکتریسیته و در برابر آتش مقاوم است و در ساختن کاغذ و مقوای نسوز بکار می‌رود .

Asdic

نامی برای کمیته تحقیقات کشف زیر دریائی ها و دستگاهی بهمین منظور•

Askarel

نام تجارتی مایع صنعتی و غیرقابل اشتعال ، برای خنك کردن ترانسفورماتورهاکه بجای روغنهای نفتی بکار می‌رود •

Aspect ratio

نسبت طول به عرض صفحه تصویر تلویزیون این نسبت مساوی $\frac{4}{3}$ = $\frac{W}{H}$ و به

صورت استاندارد انتخاب شده است .

Assembler

برنامه کامپیوتر برای تبدیل زبان سمبولیك (اشاره ای) به زبان معمولی .

Assembly

مونتاژ . ترکیب

گروهی از قطعات الکترونیکی که برای عملیات خاص مونتاژ می شود .

Assembly,cable

مونتاژ کابل

ارتباط دردوانتهای کابل ، همراه با دوشاخه مربوطه راگویند .

Assigned frequency

فرکانس واگذارشده به سرویس خاص .

Assigned frequency band

باند فرکانس واگذاری .

Assistance call

مکالمه کمکی

ارتباط بایك اپراتوربرای کمك گرفتن دربرقراری یك مکالمه .

Astable circuit

مداری که موج مداومی بدون حالت تحریك خارجی تولید می‌کند .

Astatic

تعادل بی تفاوت • جلوگیری از اثر میدان مغناطیسی خارجی •

Astatic meter

وسیله اندازه گیری که قسمت متحرك آن دارای تعادل بی تفاوت است •

Astatic system

سیستمی شامل دوآهن ربا که برخلاف جهت یکدیگر اثر می‌کنند تا تحت تاثیر میدان مغناطیسی زمین قرارنگیرد •

Aston dark space

نوارتاریك و باریکی درمجاورت کاتد لامپهای قوسی •

Astigmatism

عیبی در عدسی چشم که مانع تمرکز اشعه نورانی روی نقطه حساس چشم می‌شود.عیبی در دستگاههای الکترونی که ازتمرکز شعاعهای الکترونی در یك نقطه جلوگیری می‌کند •

Asymetrical

نامتقارن • نامتعادل • دارای مشخصات متفاوت نسبت به یك محور •

Asynchronous

ناهماهنگ ، دارای دوفرکانس متفاوت و غیرهمفاز به مداربندی و عملیات بدون سیگنالهای ساعت مشترك اطلاق میگردد •

Asynchronous computer

کمپیوتری که هرعمل آن مکمل عمل پیشین آن‌است •

Asynchronous data tranmission

انتقال اطلاعات بطورغیریکنواخت •

Asynchronous generator

ژنراتور القائی که سرعت گردش آن بیشتر از سرعت سنکرون بوده و توان آن بامیزان افزایش این سرعت متناسب است.

Asynchronous inputs

ورودی های غیرهمزمان

شامل آن دسته از ترمینالهایی است که بدون دربنظر گرفتن زمان (ساعت مرکزی) کارمی‌کنند •

Asynchronous machine

ماشینی که سرعت گردش آن باسرعت فرکانس جریان محرکش متفاوت باشد •

Asynchronous motor

موتورالقائی • سرعت گردش روتوراین موتورکمتراز سرعت نوسان شبکه تغذیه کننده آن است •

Atomspheric bending

خمیدگی مسیرانتشار امواج بوسیله قشریونیزه جو(یونوسفر)•

Atmospheric electricity

الکتریسیته ساکن که بین دو قطعه ابر یا ابرها و زمین تولید می شود •

Atmospherics

اختلالات رادیوئی و تلویزیونی ناشی از الکتریسیته ساکن جو زمین •

Atom

اتم

کوچکترین ذره یك عنصر .

Atomic charge

بار الکتریکی اتم

کمبود یا اضافه الکترون که هنگام یونیزه شدن اتم حاصل می شود •

Atomic clock

ساعت اتمی

ساعت بسیار دقیقی که براساس نوسان اتم ها یا مولکولهای یك گاز کار می کند •

Atomic distance

فاصله متوسط بین مراکز دو اتم مجاور •

Atomic frequency

فرکانس اتمی

فرکانس ارتعاشات طبیعی اتمها در داخل مولکولها •

Atomic hydrogen welding

جوشکاری با جریان متناوب همراه با عبور گاز ئید روژن از قوس الکتریکی بین دو الکترود تنگستن •

Atomic kernel

اتمی که الکترونهای والانس (قشرخارجی) خود راازدست داده است •

عدد اتمی Atomic number

تعداد پروتونهای موجود درهسته یك اتم بابارمثبت که مساوی تعـــــداد الکترونهای موجود دراطراف هسته اتم اســت •

طیف اتمی Atomic spectrum

نوارتشعشع که باتغییرات داخلی اتم و بخصوص انتقال الکترونهاکه ازیـــك سطح به سطح دیگر انرژی همراه است •

ساختمان اتمی Atomic structure

شامل فرضیه وجود پروتونهادرهسته و الکترونهاکه درمیدان الکتریکی مثبت هسته حرکت موجی دارد •

ATR tube

لامپ فرستنده که مدارفرستنده راهنگام گرفتن امواج از مدارگیرنده جـــدا می‌کند •

Attachment

اتصال دوشاخه به پریز .

Attempts per circuit per hour

تعداد دست یابی به مدارد رهرساعت •

Attendant

اداره کننده ماشین یا دستگاه •

Attenuation

تضعیف • کاستن

روش کاستن دامنه سیگنالهای الکتریکی ، استهلاک امواج براثر کاهش تدریجی دامنه آنها •

Attenuation coefficient

ضریب کاهش دامنه

کسری از شدت اولیه تشعشع که براثر عبورآن از یك صفحه به ضخامت واحد کاسته می شود •

Attenuation constant

میزان کاهش دامنه ولتاژ ، جریان یا مولفه میدان امواج در جهت انتشار آنهاکه برحسب db برمتربیان می شود •

Attenuation distortion

تغییرات کاستن بافرکانس ، بدین ترتیب که یك فرکانس را ، به عنوان مراجعه درنظر گرفته و تغییرکاهش فرکانس را باآن می سنجند •

Attenuation ratio

نسبت کاهش انرژی امواج الکترومغناطیسی •

Attenuation voltage

نسبت کاهش ولتاژ خروجی به ولتاژ ورودی در ترانسدوکتورها •

کاهنده ۱ Attenuator

وسیله ای قابل تنظیم برای کاهش قدرت امواج صوتی (کاهش سیگنال) بدون اینکه آنها راتغییرشکل دهد ۰

Attoampere

واحد بسیارکوچکی برای اندازه گیری شدت جریان معادل 10^{-18} آمپربا عبور ۶ الکترون در ثانیه ۰

جاذبه.کشش Attraction

نیروئی که دوجرم هادی ، دوبارالکتریکی مخالف ، یادوقطب مغناطیسی غیرهمنام رابربکدیگر وارد می‌کنند (قانون کولن) ۰

Audibility

قابلیت شنوائی امواج صوتی بافرکانسهای ۲۰ تا ۲۰۰۰۰ سیکل در ثانیه برحسب شدت آنها درگوش انسان تاثیر می‌کنند وشنیده می‌شوند که قدرت یك سیگنال الکتریکی برحسب db معادل ۰/۰۰۱ وات است سنجیده می‌شود 1mw=1dbm

Audibility threshold

حداقل شدت صوتی که دریك محل آرام بوسیله گوش انسان قابل شنیدن است که میزان آن به فرکانس موج وعوامل دیگر بستگی دارد ۰

Audible

قابل شنیدن ، امواج صوتی قابل تشخیص بوسیله حس شنوائی طبیعی ۰

تن زنگ قابل شنیدن Audible ringing tone

تنی است که به تلفن کننده ارسال می‌شود جهت آگاه نمودن از زنگ تلفن شنونده .

مربوط به صوت Audio

تقویت کننده صوتی Audio amplifier

Audio choke

اندوکتانسی که مانع عبور امواجی با فرکانس صوتی می‌شود .

فرکانس صوتی Audio frequency

سیگنالهای صوتی قابل شنیده شدن (حدود فرکانس صوتی معمولاً از ۲۰ الی ۲۰۰۰۰ سیکل در ثانیه است) .

علائم صوتی Audio information

Audio oscillator

نوسان سازمدار امواج با فرکانسهای صوتی .

Audio signal

علائم صوتی . سیگنالهای الکتریکی که در وسایلی مانند گوشی و بلندگو تولید صدا می‌کنند امواجی که در گیرنده های رادیو و تلویزیون صداها را بوجود می‌آورند .

Audiogram

منحنی نمایش قدرت شنوائی برحسب تغییرفرکانس امواج صوتی .

Audiometer

وسیله اندازه گیری قدرت یا شدت امواج صوتی .

Audit

یك برنامه مخصوص کامپیوترجهت آزمایش سایربرنامه ها واطلاعات.

Auger effect

پدیده ای که براثر تحریك اتم یك الکترون بدون تشعشع از آن بخارج پرتاب می شود که بنام کاشف آن Auger نامیده شده است .

Aurora borealis

هاله نورانی که گاهی هنگام شب درآسمان دیده می شود که ظهورآن غالباً با طوفان مغناطیسی همراه است و در قطب بهتر دیده می شود .

Autocall

دستگاهی برای اعلام خبرد رساختمانها وکارخانجات .

Autodyne

مداری که عناصرمتشکله و لامپهای آن ، هم بصورت آشکارساز وهم نوسان ساز کار می کنند .

Autoelectric effect

صد ورالکترون از کاتد سرد ، تحت تاثیر یك میدان الکتریکی بسیار قوی.

Autolector

ماشینی که نوشته های چاپی و خطی را با سرعت زیادی برای ذخیره در کامپیوتر می خواند .

Automatic

خودکار (اتوماتیك)

وسیله ای که طبق برنامه وبدون دخالت انسان کاری را انجام می دهد .

Automatic bias

بایس خودکار. تامین ولتاژ ثابت dc برای شبکه وکاتد لامپها بطورخودکار.

Automatic brightness control

تنظیم خودکار درخشندگی صفحه تصویر تلویزیون که با برگرداندن قسمتی از سیگنال خروجی به شبکه لامپ ، بایس شبکه سیگنال خروجی بطورخودکار تنظیم می شود .

Automatic call distribution (ACD)

تقسیم کننده مکالمات بطوراتوماتیك .

Automatic check

وسیله کنترل کارکامپیوترپس از انجام هرعمل بطورخودکار.

Automatic chrominance control

تنظیم رنگ صفحه تلویزیون رنگی بطورخودکار.

Automatic computer

کامپیوتری که بطورخودکار شروع بکار می‌کند و عملیاتی را طبق برنامه با استفاده از اطلاعاتی که درحافظه آن ذخیره شده است انجام می‌دهد.

Automatic contrast control

تنظیم شدت سیاهی و سفیدی تصویرتلویزیون بطورخودکار.

Automatic control

بازوبسته شدن کلید های فرمان بطورخودکاربرای تنظیم مشخصات یک دستگاه یاماشین الکتریکی.

Automatic controller

کنترل کننده خودکارکه بااستفاده از اندازه گیری یک کمیت متغیر، کار دستگاه رابین دو حد معین تنظیم می‌کند.

Automatic cutout

وسیله ای که تحت شرایط معینی جریان رابطور خودکاردریک مدارقطع می‌کند.

Automatic direction finder

آنتنی که بطورخودکاردرجهت فرستنده قرارمی‌گیرد. درهواپیما ها برای

تعیین جهت حرکت سوی فرودگاهها استفاده می شود .

Automatic exchange

مرکز تلفن خودکار

مرکز تلفنی که در آن تمام اتصالات مدارها بطورخودکار صورت می گیرد .

Automatic gain control (AGC)

مداری که سیگنالهای خروجی رادربرابر تغییرسیگنال ورودی بطورخودکار ثابت نگاه می دارد .

Automatic grid bias

تنظیم خودکار پتانسیل شبکه لامپهای الکترونی .

Automutic message recording

جمع آوری و ضبط و بیرون کردن اطلاعات مکالمات برای صورت حساب بطور اتوماتیک .

Automatic phase and frequency control (APFC)

مجموعه مدارهائی در تلویزیون رنگی که هماهنگی رنگها را بطورخودکار تنظیم می کند .

Automatic pilot

تجهیزاتی که برای هدایت هواپیماها یا دریسیرمعین بوسیله کامپیوترها بکارمی رود این وسایل شامل ژیروسکوپ ، تقویت کننده وسیستم فرمان خودکار است .

Automatic programming

اصلاح یا تغییربرنامه کارکامپیوتربطورخودکار •

Automatic radio compass

آنتنی که بطورخودکار د رجهت فرستند • قرارمی‌گیرد •

Automatic starter

وسیله ای که یك ماشین یاالکتروموتوررا بـطورخودکار بکارمی‌اندازد •

Automatic telephone

سیستم تلفنی که بـطورخودکاراز قسمتی به قسمت دیگر مربوط می‌شود •

Automatic time switch

کلیدی که بوسیله یك ساعت د رزمان های معین بکارمی‌افتد •

Automatic tracking

وسیله ای که بطور خودکارشعاع الکترونی رادارراد رمسیرمعین نگاه می‌دارد •

Automatic transfer equipment

تجهیزاتی که بطورخودکاربارشبکه رابین مولد هاتقسیم کرد • یاآن راازیـــك مولد به دیگری منتقل می‌کند •

Automatic transformer equipment

وسیله ای که بطورخودکارترانسفورماتورهای یک پست رابرحسب تغییربـــــار وارد شبکه کرده یاازآن خارج می‌کند •

Automatic tuning

وسیله الکتریکی یامیکانیکی کهمداری رابه طورخودکاربافرکانس‌معین تطبیـق می‌دهد •

Automatic voltage regulator

وسیله ای برای تنظیم ولتاژ بطور خودکار • مدارهای مغناطیسی ، مدارهـا یالامپهای الکترونی در این گونه وسایل بکارمی‌روند •

Automatic volume control (AVC)

مداری برای تنظیم قدرت سیگنال خروجی دربرابر نوسانهای سیگنال ورودی •

Automation

خودکارکردن ماشینهای صنعتی برای افزایش‌و بهبود تولید • این اصطـلاح مخصوصا" درمورد ماشینهائی که چندین عمل رابطور متوالی و خودکـــــار انجام می‌دهند بکارمی‌رود •

Autonomous working

سیستمی که درآن هرقسمت مستقلاً و به تنهایی کارمی‌کند •

Auto pilot

وسیله هدایت خودکار هواپیما یا کشتی در مسیری که قبلا" تعیین شده است.

Autosyn

نام تجارتی تجهیزاتی که حرکات مکانیکی را با وسایل الکتریکی از نقطه ای به نقطه دیگر منتقل می‌کنند و در هواپیماها بکار رفته اند .

Autotranductor

تقویت کننده مغناطیسی که برای تغذیه و کنترل آن فقط یك سیم پیچی بکار رفته است .

Auto transformer

ترانسفورماتوری که قسمتی از سیم پیچی اولیه آن بجای ثانویه نیز کار می‌کند و نسبت تبدیل در اینگونه ترانسفورماتورها کوچك بوده و فقط برای تنظیم ولتاژ مورد استفاده قرار می‌گیرند .

Auxiliary bus

شبکه فرعی که ولتاژ آن با شبکه اصلی فرق می‌کند .

Auxiliary circuit

مدار فرعی که معمولاً برای کنترل و همراه با مدار اصلی است .

Auxiliary relay

رله فرعی

Auxochrome

یك دسته اتمهایی كه تشعشع‌ها را جذب كرده و رنگها را ظاهر می‌كنند .

Availiable line

قسمتی از شعاع الكترونی كه خطوط تصویر را رسم كرده و اختصاص به سیگنالهای تصویر دارد .

Availiable power

توان مجازكه از یك منبع مولد برق خطی بدست می‌آید و عبارت از خارج قسمت مجذور مقدار موثر ولتاژ برچها ربرابر مقاومت اهمی آن است .

Avalanche

ازدیاد یونها در مراحل متوالی و بصورت حاصل ضرب.

B

B

علامت اختصاری برای تراکم خطوط قوای مغناطیسی

Babbit

آلیاژی از سرب وقلع و آنتیموان و مقدارکمی مس یا روی که درساختن یاتاقان ماشینها بکارمی رود.ضمناً نقطه ذوب و ضریب اصطکاک این آلیاژ کم است .

Back connected switch

کلید اتصال برگشتی

Back electromotive force

نیروی ضد محرکه الکتریکی

Back emission

انتشار در جهت معکوس یا مخالف جهت قراردادی

Back ground

زمینه و متن درصحنه های استودیو ، تصاویر وصدا

Back noise

هرنوع سیگنال خارجی که بعلت تداخل در موج اصلی باعث تولید صدا یا ظهور علائم اضافی در وسایل الکترونی شود •

Back pitch

گام عقب در سیم پیچی آرمیچر

Back plate

الکترود ی د رلا مپ تصویرتلویزیون •

Back porch

مدت زمان کوتاهی که سیگنال تصویرتلویزیون پس از سینکرونیزاسیون، سیاه است ؛ پس‌ماند •

Back porch effect

مدت زمان کوتاهی که جریان جمع‌کننده (کلکتور) پس‌از از بین رفتن سیگنال در پایه ترانزیستور ادامه می‌یابد ؛ اثر پس‌ماند •

Back to Back

پشت به پشت ، نوعی اتصال د رلا مپهای تیراترون

Back wave

موجی که بین علائم تلگرافی براثر تداخل و تقویت فرکانسهای رادیوئی بوجود می‌آید •

Backward wave

موجی که در خلاف جهت حرکت الکترونها اثر می‌کند (در لامپهای الکترونی).

Back wash diode

لامپ دیودی که در مسیر مدولاتور ضربان قرار می‌گیرد و انرژی ضربانها را در زمان معکوس شدن ولتاژ آنها جذب می‌کند .

Baffle

۱ــ صفحه یا جعبه ای که از پخش صدای بلندگو از قسمت عقب آن جلوگیری می‌کند .

۲ــ هرنوع وسیله ای که به انتقال صدا از نقطه ای به نقطه دیگر کمک کند.

۳ــ الکترود فرعی در مسیر قوس الکتریکی که جریان ذرات باردار یا بخار جیوه را تنظیم می‌کند .این الکترود ممکن است هادی یا عایق باشد ،وبه جایی اتصال ندارد .

Balance

تعادل

۱ــ تقسیم ترافیکی در یک مرکز تلفن روی ترمینال خط بطور یکنواخت.

۲ــ میزان کردن امپدانس در مدارها و شبکه .

Balanced amplifier

تقویت کننده ای که از مدار خروجی آن به صورت پوش ــ پول استفاده شده باشد .

Balanced circuit

مدارمتعـــادل

مداری که ولتاژ یاجریان درتمام شاخه های آن برابر باشد •

Balanced current

جریان متعادل

Balanced line

خط متعادل

خط انتقال انرژی دوسیمه که ولتاژ هریك از سیمهای آن درمحل تقاطع بـا یك صفحه قائم نسبت بزمین مساوی ومختلف العلامت باشد •

Balanced load

بارمتعادل

مصرف کننده ای که از یك سیستم سه فازه جریانهای مساوی با زاویـــــه اختلاف فازمساوی می گیرد •

Balanced method

روش تعـــادل

Balanced modulator

مدولاتور متعادل

مدولاتوری که درآن از لامپ بصورت پوش ــ پول استفاده شده ، بطـــوری که مدولاسیون درهرد و سمت موج حامل صورت می گیرد •

Balanced voltage

ولتاژهای یك خط متعادل دوسیمه که نسبت به زمین مساوی ومختـــلف ــ العلامتند •

Ballistic

پرتابـی

هروسیله ای که با نیروی پرتابی بحرکت در آید (مانند موشك)•

Ballistic galvanometer

گالوانومترپرتابی

Balun

مدارهم آهنگ کننده که بین یك سیستم متعادل ونامتعادل بکارمی رود •

Banana jack

مادگی برای فیش یك سیمه • بوش تلفن

Band edge energy

باند انرژی بین بالاترین و پایین ترین حدی که الکترون می تواند بصورت آزاد درآن باقی بماند (درنیمه هادیها)•

Band exclusion filter

نوعی صافی که فقط باند فرکانس معینی راازخود عبورنمی دهد •

Band pass filter

نوعی صافی که فقط باند فرکانس معینی راازخود عبورمی دهد •

Band spread

روشی برای جداکردن باند های کناری از فرکانس حامل ؛ خازن کوچك متغیری که برای توسعه دامنه تطبیق باند به خازن اصلی اضافه می شود •

Band switch

کلید یا وسیله کنترل برای انتخاب باند فرکانس.

Band voice frequency

باند فرکانس صوتی

یك پهنای باند فرکانسی است بین ۲۰۰ تا ۳۴۰۰ هرتز.

Bang

صدای انفجار

Bank

دسته ای از وسایل الکتریکی که مانند یك وسیله واحد بکار می‌رود ، مانند یك جعبه مقاومت ، یك گرده خازن یا ترانسفورماتور.

Bank winding

سیم پیچی که در آن ابتدا تمام طبقات هرحلقه بصورت مارپیچ روی هم پیچیده شده و سپس حلقه مجاور آن.

Bantam

نوعی لامپ خلاء بسیار کوچك

Barber pole

اختلال یا اعوجاجی در تلویزیون رنگی که هنگام گرفتن تصویر سیاه و سفید بوجود می‌آید.

Bar genrator

مولد ضربه های منظم و سنکرونیزه برای تولید خطوط نمونه روی صفحه تصویر جهت آزمایش لامپ تصویر.

Barkhausen effect

پدیده باركهازن که حکایت از مغناطیس شدن آهن در مراحل متعدد و متوالی می‌کند.

Barium(Ba)

باریوم، عنصری فلزی برنگ نقره ای با عدد اتمی ٥٦.

Barium titanate

تیتانات باریوم

Barnett effect

پدیده بارنت

براساس این پدیده اجسام مغناطیسی براثر حرکت دورانی بسیار سریع و بدون کمك یك حفره مغناطیسی، خاصیت آهن ربائی پیدا می‌کند.

Bar pattern

مجموعه خطوطی که بطور نمونه روی لامپ تصویر تلویزیون وبرای آزمایش آن تولید می‌کنند.

Barrage reception

سیستم گرفتن امواج رادیوئی درجهت معین و باکمك آنتن جهت دار.

Barrel distortion

اعوجاج بشکه ای • نوعی اعوجاج براثر بدی وضع تمرکز شعاعهای الکترونی که شکل دایره ای رابصورت بشکه نشان می دهد •

بارتر

Barretter

نوعی مقاومت فلزی که مقدارآن براثر زیاد شدن درجه حرارت افزایش می یابد • از این مقاومت برای ثابت نگاهداشتن میزان جریان استفاده می شود •

Barrier

محل اتصال دوجسم نیمه هادی که درآن حرکت بارهای الکتریکی متقارن نیست •

Bar winding

سیم پیچی که از تیغه های هادی (بجای مفتولهای گرد) تشکیل یافته است •

باری

Barye

واحد سنجش فشار درسیستم آحاد cgs و معادل یك دین برسانتی مترمربع•

پایه • بیس

Base

۱ــ آن قسمت از ترانزیستورکه امیتر و کلکتوررا ازهم جدا می کند •

۲ــ پایه عایق لامپ الکترونی که سرالکترودها از آن خارج شده است •یکی

از الکترود های ترانزیستور پیوندی بین دهنده وجمع کننده که سیگنال به آن داده می شود .

Base band

باند فرکانسی که بعنوان موج حامل مورد استفاده قرار می گیرد .

Base line

خط روشنی روی صفحه رادارکه نشان دهنده مسیرتعقیب شده بوسیله آنتن است .

Base region

ناحیه ای استرترانزیستوربین منتشرکننده و کلکتور.

Base station

درسرویسهای سیار ایستگاه زمینی است که درفاصله مشخص از استفاده کننده قرار می گیرد .

سیم پیچی سبدی Basket winding

برای کاهش ظرفیت الکتریکی ، حلقه های سیم پیچی یکدیگر راقطع می کنند و ظاهراً بافت سبد های حصیری را دارد .

Bass

پایین ترین فرکانس صوتی ، صدای بم.

Bass boost

۱ــ افزایش تقویت فرکانسهای کم با مقایسه با میزان تقویت فرکانسهای زیاد
۲ــ هم آهنگ بعنوان میزان تقویت فرکانسها •

Bass compensation

مداری برای اصلاح پاسخ فرکانسهای کم •

Bass reflex

روش انتشار امواج صوتی بلندگو در جهت مقابل با ایجاد روزنه های مناسب در قسمت جلوی جعبه بلندگو •

Batho chrome

نام بعضی از اتمهای مواد غیرآلی که فرکانس تشعشع ها را کاهش می دهند •

Bathtub capacitor

مجموعه ای از خازنها در داخل یك جعبه بشکل وان ــ مخزن خازن •

Battery

باتری

تعدادی پیل که جهت تولید انرژی الکتریکی قابل توجهی به یکدیگر وصل شده اند •

Battery acid

اسید باتری

محلول اسیدی که در انباره ها بعنوان الکترولیت ریخته می شود •

باتری آلکالیـــن — Battery, alkaline

باتریهای مرکز تلفن — Battery, central exchange

Battery charger

دستگاهی برای شارژ باتریها •

Battery clip

گیره فنری برای اتصال موقت به قطبهای باتری

Battery connector

اتصال سری دوسرباتریهـا

Battery discharger

مقاومت متغیروقابل تنظیم برای آزمایش چگونگی خالی شدن باتری•

شبکه باطـری — Battery,grid

منبع انرژی است که ولتاژ مورد نیازرا تهیه می‌کند •

صفحه باطری — Battery,plate

منبع جریان مستقیمی است که جریان رادرصفحه مدار لامپ خلاء عبـــــور می‌دهد •

مقاومت داخلی باتری — Battery resistance

مقاومتی که از دوسرباتری دیده می‌شود •

ذخیره انرژی باطری (انباره باطری) Battery, storage

گروهی پیل که بطور سری وصل شده که درمراکز تلفن ، انرژی مورد نیاز را ذخیره می نمایند .

باود Baud

واحدی برای سنجش سرعت کار تلگراف

Baudot code

الفبای قراردادی (کد) ماشین تحریر پنج کانالی که از یك قرن پیش در صنعت تلگراف از آن استفاده می شود .

Bay

یك جزء ساده از اجزاء یك آنتن مرکب .

Beacon

علامتی که برای راهنمائی کشتی یا هواپیما فرستاده می شود .

Beacon code

یك سری علائم بشکل خط و نقطه جهت مخابره بابی سیم (رادیو) .

Bead

عایق بشکل دانه تسبیح یا مهره

Bead memory

قطعه حافظه مغناطیسی

Bead thermistor

ترمیستوری که از یك قطعه کوچك نیمه هادی ساخته شده و دورشته سیم هادی درطرفین آن کارگذاشته شده است .

Beam

یك دسته الکترون یاذرات باردار یاامواج الکترومغناطیسی که بصورت شعاع باریکی متمرکز شده و در یك جهت حرکت می‌کنند .

Beam alignment

تنظیم و تمرکز شعاعهای الکترونی در جهت عمود برصفحه لامپ دوربین تلویزیون .

Beam bender

آهن ربایی درلامپهای کاتدی که شعاعهای الکترونی رامنحرف کرده ولی تاثیری درپونهاندارد . به این ترتیب الکترونهابطرف صفحه تصویررفته و پونهابه جدارلامپ برخورد می‌کنند .

Beam bending

انحراف شعاعهای الکترونی براثر میدان بارهای الکتریکی که درمسیر آنها بوجود می‌آید .

Beam convergence

تقارب شعاع الکترونی در لامپ تصویر تلویزیون رنگی

Beam coupling

تولید جریان متناوب دو الکترودی که از میان آنها یك دسته شعاع الکترونی میگذرد .

Beam culoff

شرایطی که باعث قطع شعاعهای الکترونی می شود .

Beam loading

ایجاد هدایت الکتریکی بوسیله تولید شعاعهای الکترونی در فاصله بین دو الکترود .

Beam power tube

لامپ تترود یا پنتود که در آن شبکه و پلاك از مفتولهائی که در یك امتداد قرار گرفته اند ، به منظور افزایش قدرت تشعشع لامپ ساخته شده اند .

Beam rider guidance

روشی برای پرتاب گلوله در مسیر اشعه رادار .

Bearing bracket

قسمت خارجی بدن ماشین که تکیه گاه یا تاقانها است .

Beat frequency

ضربانهای متناوب ، حاصل از تداخل دو موج با فرکانسهای متفاوت.

Beating

روش ترکیب دو فرکانس در یک نوسان ساز برای بدست آوردن نوسانی یا فرکانس معادل تفاضل آنها .

Beat note

موجی که از تفاضل دو نوسان سینوسی با فرمانسهای متفاوت در یک مدار غیر خطی (مثلا در یک لامپ خلاء) بدست می آید .

Becquerel ray

مخلوطی از شعاعهای آلفا و گاما که از املاح رادیوم منتشر میشود .

Bel (Decibel)

واحد سنجش نسبت لگاریتمی دو توان بر مبنای ده .

Beliminator

هر نوع منبعی که جانشین باتری منبع تغذیه آند شود .

Bell

زنگ

دستگاه تولید کننده صدا که برای اخطار بکار برده می شود .

Bell system practice (BSP)

انتشارات شرکت بل

Bell transformer

ترانسفور ماتور پائین آورنده ولتاژ برای زنگ اخبار

Bell wire

سیم نازك با روكش نخی یا پلاستیكی برای سیم كشی زنگ اخبار

Bend

تغییر مسیر مستقیم الخط امواج خیلی كوتاه (میكروویو) خمیدگی در مسیر هدایت امواج خیلی كوتاه ·

Bend H plane (H type)

خمیدگی مسیر هدایت امواج خیلی كوتاه در سطح میدان مغناطیسی·

Beta circuit

مدار بتا

مداری كه قسمتی از انرژی خروجی یك تقویت كننده رابه قسمت ورودی آن برمی گرداند ؛ مدارفیدبك ·

Beta decay (disintegration)

نوعی تغییررادیو اكتیو درهسته اتم كه عدد اتمی آن رابدون تغییرعدد جرمی باندازه یك واحدكم یازیاد می كند ·

Beta particle

ذره بتا

یك الكترون بابارمنفی یامثبت كه براثر تجزیه هسته اتمی پرتاب می شود ·

Beta ray

اشعه بتا

دسته ای از ذرات بتاكه بصورت اشعه منتشرمی شوند ·

Betatron

مولد قوی برای تولید شعاعهای الکترونی واشعه X باقدرت نفوذ زیـــــاد الکترونها تحت تاثیر یك میدان الکتریکی یامغناطیسی دوار در ، مدارهائی باشعاع ثابت ، شتاب دورانی پیدا می‌کند •

B.E.V.

علامت اختصاری برای بیلیون الکترون ولت که واحد سنجش انرژی ذرات بسیار کوچك است •

Bevatron

دستگاه پرتاب پروتون که برای اولین بار در سال ۱۹۵٤ در دانشگاه برکلـی کالیفرنیا بکارگمارده شد •

B.F.O.(Beat frequency oscillator

نوسان سازی که تفاضل دوفرکانس سینوسی راتولید می‌کند •

B.H.Curve B=f(H)

منحنی نمایش تراکم خطوط قوای مغناطیسی برحسب تغییرمیدان باینـــری مغناطیس‌کننده •

Bias

بایـاس

ولتاژی که برای تعیین حدکار یك وسیله الکتریکی بکارمی رود •

Bias cell

پیل کوچك مولد برق که مدت زیادی می تواند ولتاژی در حدود ۱/۵ ولت تولید کند .

Bias meter

وسیله اندازه گیری بایس سیگنال در نقطه تایپ برحسب درصد .

Bias resistor

مقاومت بایاس

مقاومتی که کاتد را به شبکه لامپ الکترونی مربوط کرده و پتانسیل شبکه را نسبت به کاتد منفی می کند .

Bias winding

سیم پیچی کنترل در رآکتور قابل اشباع .

Bidirectional current

جریان دوجهتی که دارای نیمه مثبت و نیمه منفی است .

Bifilar transformer

ترانسفوماتوری که سیم پیچی اولیه و ثانویه آن به منظور تامین ارتباط مغناطیسی بیشتر ، باهم و در یك جهت پیچیده شده است .

Bifilar winding

سیم پیچی دولا

سیم پیچی که از یك رشته سیم دولا پیچیده شده است بطوری که جهت جریان در حلقه با حلقه دیگر مخالف بوده و درنتیجه سیم پیچی تقریباً

فاقد خاصیت القائی است .

Bin

نوارحافظه مغناطیسی

Bimetal

دوقطعه نوارفلزی که بهم جوش داده شده اند .

Bimetal strip

نوارد وفلزی

Bimorph cell

دولایه کریستالی متصل بهم که براثر فشاریاارتعاش ، ولتاژی بین آنها بوجود می آید .

Binary

داشتن دوحالت یامقادیر ممکنه .

Binary cell

یك عنصر ذخیره کننده اطلاعات در کامپیوترکه می تواند در دوضلع پایدار قرار گیرد .

Binary code

قاعده ای که براساس آن هرجزء دارای دوحالت پایدار یادومقداراباشد .

Binary coded decimal

اعدادی بشکل اعشاری که هرعدد برحسب باینری (برپایه دو) است .

Binary point

ممیز یانقطه برای مشخص‌کردن عدد اعشاری درسلسله اعداد برمبنای دو.

Binary scaler

ویبراتوری باد وحالت پایدار برای شمارش در سلسله اعداد برمبنای دو.

Binary state

یکی از شرائط ممکن حالت (یك) یاحالت(صفر).

Binaural amplifier (stereophonic)

تقویت‌کننده باد وکانال صوتی که دو دسته علائم صوتی جداگانه راتقویت می‌کند .

Binaural broadcast

فرستنده رادیوئی دوکانالی برای پخش دودسته امواج درآن واحد .

Binaural disk

صفحه گرام که دارای دودشته شیاربرای ضبط دودسته ارتعاشهای صوتی است .

Binaural intensity effect

خاصیت شنوائی که دوصدای هم فرکانس و همفاز راکه دارای دوشـــدت مختلف هستند از یکدیگر تشخیص می دهـد ·

Binaural receiver

گیرنده رادیوئی که دودسته موج رادرآن واحد ، دریافت و تقویت کـــرده و دودسته امواج صوتی رادردو بلندگوی جداگانه بگوش می رساند ·

Binaural tape

نوارضبط صوت که دودسته موج صوتی رابطورجداگانه ضبط می کند ·

Binaural tuner

مدارتطبیق بادوکانال جداگانه برای دریافت دودسته موج استریو ·

Binding energy

مقدارانرژی لازم برای جداکردن یك الکترون از یك اتم ·

Biding posts

ترمینالهای یك دستگاه یایك مدارالکتریکی که برای اتصال مدارهای دیگـر به آن پیش بینی می شوند ·

Binistore

نوعی از نیمه هادیهای باضریب مقاومت منفی متغیر ·

Bionics

مشخصه ها و آثار و پدیده های الکترونی زندگی (حیات).

قانون بیوساوارت Biot-savarts's law $dh=k\frac{Idssin}{x2}$

رابطه ای که شدت میدان مغناطیسی حاصل از عبور جریان از یك سیم راد راطراف آن تعیین می کند بنام قانون آمپر نیز معروف است .

Bipolar

دارای دوقطب یا حامل دونوع بارالکتریکی غیرهمنام .

الکترود دوقطبی Bipolar electrode

الکترودی که در یك الکترولیت قرارگرفته بطوری که یك رویه آن آند ، ورویه دیگرش کاتد راتشکیل می دهد .

Bipolar transistor

ترانزیستور دوقطبی که درآن حاملهای بارمثبت ومنفی به یك اندازه اهمیت اساسی دارند .

بیسموت Bismuth

عنصر فلزی با عدد اتمی ۸۳، مقاومت الکتریکی این فلز با قرار گرفتن آن در میدان مغناطیسی افزایش می یابد .

Bistable

مداری که داری دو حالت پایدار است.

ذره • رقم دودوئی Bit

۱ــ کوچکترین قطعه ممکن اطلاعات•

۲ــ مخفف سلسله اعداد بر مبنای دو•

Bits per second(b/s)

نسبت اطلاعات دیجیتالی است که بعنوان اعداد واحدهای اطلاعات باینری در ثانیه انتقال می یابند •

Bit rate

سرعت ارسال اطلاعات دیجیتالی که معمولاً بر حسب بیت در ثانیه بیان می شود •

Bitter pattern

اطلاعات ثبت شده در گردهٔ مغناطیسی روی صفحه یك کریستال.

سیاه بعد از سفید Black-after white

نقص در تصویر تلویزیون که باعث تولید خط سیاهی بدنبال یك شیئی سفید می شود •

جسم سیاه Black body

سیاه مطلق که بهترین جذب کننده و منتشرکننده تشعشعات است• عملا" روزنه کوچکی که در بدنه یك حفره مسدود با دیوارهای کدر بوجود می آید دارای چنین خاصیتی است•

Black box

جعبه سیاه

معمولا " اجزاء و تجهیزات الکترونی نظامی و صنعتی در جعبه های سیاه رنگی کار گذاشته و حفاظت می شود ·

Black compression

صعف تصویر تلویزیون در تولید نقاط سیاه نسبت به نقاط نیمه روشن ·

Blacker than black

سیاه تر از سیاه

قسمتی از سیگنال تصویر تلویزیون که بیش از حد معمول تقویت می شود و برای سنکر و نیزاسیون و کنترل بکار میرود ·

Black face tube

نوعی لامپ تصویر تلویزیون که صفحه آن دارای پوششی به رنگ خاکستری تیره است تا از انعکاس نورهای خارجی جلوگیری کند ·

Black level

دامنه لحظه ای قسمتی از موج تصویر تلویزیون که خطوط سیاه تصویر را تولید می کند ·

Black light

نور سیاه یا غیرمرئی · نوراورا بنفش با طول موج بین ۳۲۰۰ـ۴۰۰۰ آنگستروم ·

Black out

از بین رفتن موقتی حساسیت یك لامپ یا دستگاه الکترونی پس از تحمل یك ضربه شدید الکترونی ·

Black peak

حداکثر دامنه نوسان موج تصویر که مولد خطوط سیاه است ·

Black signal

سیگنالی که نقطه خیلی سیاهی در کپیه های یك ماشین کپی تولید می‌کند ·

Blank

حذف قسمتها از اثر مولد تصویر مثلاً اثر برگشت خطوط در لامپ تصویر تلویزیون ·

Blanking level

دامنه سیگنال حذف کننده تصویر که قسمت مولد تصویر را از قسمت مولد ضربه های سنکرونیزاسیون جدا می‌کند ·

Blanking pulse

ضربه ای که دامنه آن بیش از قسمت مولد خطوط سیاه تصویر است و باعث می‌شود که اثر برگشت خط روی تصویر دیده نشود ·

Blanking signal

سلسله ضربه هائی در موج تصویر که فاصله های زمانی کوتاه باعث حذف

آن می شود .

Blasting

اختلال ناشی از اضافه بار در تقویت کننده های رادیوئی .

Blattnerphone

نوعی ضبط صوت مغناطیسی که در آن بجای نوار از سیمهای مغناطیسی استفاده شده است .

Bleeder current

جریانی که بطور دائم از یك منبع مولد برق گرفته می شود .

Bleeder resistor

مقاومتی که بطور دائم به مدار خروجی یك منبع مولد برق وصل می شود .

Blemish

نقص در صفحه لامپ ذخیره کننده بار .

Blip

انحراف یا نقطه نورانی روی صفحه تصویر رادار که از اجسام منعکس کننده نور تولید می شود .

Blister(radome)

پوشش محافظی برای سیستم آنتن رادار هواپیما که امواج رادار می توانند از آن

عبورکنند ·

Blochwall

ناحیه بالا برای بین دوقطب مخالف دریك جسم آهن ربائی ·

Block

تجهیزاتی که بصورت یکپارچه درنظر گرفته می‌شوند · یك سلسله کلمات ، حروف یا ارقام بصورت یك واحد اطلاعات در کامپیوترها ·

Block diagram

طرح کلی

طرح نقشه ای که قسمتهای مهم سیستم برروی آن درمستطیل های مجزا ترسیم شده باشد ·

Blocked impedance

مقاومت ظاهری دستگاه درحالت سکون یا بیکاری ·

Blocking

متوقف کردن : قطع جریان آند لامپ الکترونی با اضافه کردن پتانسیل منفی شبکه لامپ،غیرممکن شدن مکالمه بخاطر مشغول بودن تمام مسیرهای ترانك مناسب و یا نبودن مسیربین ورودی وخروجی ·

Blocking capacitor

خازنی که مانع عبورجریان مستقیم یاجریان متناوبی که فرکانس آن کم است می‌شود ولی فرکانسهای زیاد راازخود عبورمی دهد ·

Blocking oscillator

نوسان سازی که فقط در نیم دوره تناوب و پیش از اینکه جریان آند بوسیله شبکه قطع شود کار می‌کند ·

Bloodming

بزرگ ودرخشان شدن نقاط تصویر براثر عدم تمرکز شعاعهای الکترونی در لامپهای کاتدی ·

Blooper

گیرنده رادیوئی که بصورت فرستنده درمی‌آید ·

Blowout coil(magnet)

آهن ربای الکتریکی که جرقه را ازمیان دوکنتاکت کلید دورمی‌کند ·

Blue glow

نورآبی رنگی که براثر ایونیزاسیون گاز داخلی لامپ الکترونی بین آند وکاتد آن تولید می‌شودکه نشانه خرابی لامپ است ·

BMEWS.(Balistic Missile Early Warning System)

سیستم اعلام خبرحمله موشکی ·

Board of trade unit(B.T.U.)

اداره آحاد ومقیاسات (درانگلستان)·

Bode diagram

منحنی نمایش تغییرات لگاریتمی میزان تقویت یا انحراف فازیک تقویت کننده ٠
یا دستگاه فرمان برحسب فرکانس ٠

Body capacitance

ظرفیت خازنی یک مدار براثر مجاورت با بدن انسان ٠

Bolometer

دستگاه بسیارحساس سنجش درجه حرارت (نجوم) ٠ عنصرمقاومتی کوچکی که براثر تشعشع امواج خیلی کوتاه مقدارمقاومت آن تغییرمی کند (الکترونیک) بطورکلی ، برخورد مقدارکلی انرژی به یک سیم پلاتین باعث انحراف عقربه گالوانومتری می شود و برای اندازه گیری شدت جریان یا توان بکارمی رود ٠

Bombardment

بمباران ــ پرتاب و هدایت ذرات بسیارکوچکی مانند الکترون و یون باسرعت زیاد ، بسوی یک صفحه برای تولید آثارمختلف مانند صدورمجدد الکترون ، فلورسانس ، واشعه × ٠

Bond

حسیت وجهش ، اتصال کوتاه بین دوسیم ٠

Bonded-barrier

ترانزیستوری که پایه آن به سیمی جوش یا پیوند داده شده است ٠

Bonding

پیوند بوسیله جوشکاری یا لحیم قطعات مختلف به یکدیگر برای یکسان کردن پتانسیل آنها •

Bonding electron

الکترونی که دو اتم را در یک مولکول بهم پیوند می دهد •

Bone conduction

هدایت صوت از گوش خارجی بگوش داخلی •

Book capacitor

خازن کوچکی که دو صفحه آن مانند کتاب بازو بسته می شود تا ظرفیت آن تغییر کند •

Boom

بوم ، پایه قابل تنظیم برای میکروفون یا دوربین تلویزیونی •

Boost capacitor

خازن تقویت • خازنی که در مدار مولد خطوط افقی تصویر قرار می گیرد •

Boost charge

شارژ کمکی

شارژ با قدرت زیاد که برای مدت کمی به باطری داده می شود •

Booster

تقویت کننده ولتاژ.ایستگاه تقویت علائم رادیو و تلویزیون باانتشارمجدد آنها .

Bootstrap amplifier

تقویت کننده یك طبقه ای که بارآن بین قطب منفی منبع تغذیه ، وکاتد و سیگنال ولتاژ بین شبکه وکاتد قرارگرفته است . این روش اتصال باعث می شود که تغییر ولتاژ شبکه ، پتانسیل منبع ورودی رابه اندازه پتانسیل سیگنال خروجی تغییرمی دهد .

Bootstrap circuit

مدارمولد موج دندانه اره ای برای شارژ خازن باجریان ثابت.پتانسیل دو نقطه ازاین مدارد رآن واحد باشارژ شدن خازن افزایش می یابد .

Boro-carbon resistor

مقاومتی که از سوزاندن کربن و ئیدرات بورون بصورت سرامیك ساخته می شود.

Boron(B)

عنصر شبه فلزی باعدداتمی ۵ .

Boron counter

دستگاه شمارشی که بورنوترونهای کم سرعت رانشان می دهد .

Boundary p-n

مرزیاسطح جداکننده دوفازه از نوع p و n در یک نیمه هادی.

Bound charge

قسمتی از بارالکتریکی یک هادی که هنگام اتصال به زمین تخلیه نمی‌شود.

Bound electron

الکترونی که در داخل اتم، آزادانه حرکت نمی‌کند. اکثر الکترونهای اتمهای یک جسم عایق آزاد نیستند.

Box connector

جعبه اتصال برای بهم بستن سرکابلها.

B power supply

منبع جریان مستقیم برای تامین پتانسیل آندلامپهای الکترونی.

Braided wire(litz wire)

سیم رشته دار؛ سیم هادی که از چند رشته سیم نازک و بهم تابیده یا افشان تشکیل شده است.

Brain voltage ولتاژ مغز

ولتاژی که بوسیله مغز انسان تولید می‌شود و دارای دامنه‌ای بین ۱۰ تا ۶۰ میکروولت وفرکانس ۱ تا ۶۰ سیکل در ثانیه است.

Brain wave

موج مغزی

موج حاصل از تغییرولتاژ مغز انسان که شکل آن در اشخاص و شرایـــط مختلف تغییرمی‌کند •

Branch cutout

پایه فیوز برای قطع جریان یك شاخه •

Brazing

جوشکاری دو قطعه فلز بوسیله آلیاژ برنج ، جوش برنج •

Bread board

تابلوئی که اتصال موقت ترمینالها و تعویض عناصر مدارهای الکترونـــــی را ممکن می‌سازد ؛ تابلوی آزمایش •

Break

کمترین فاصله بین دو کنتاکت یك کلید باز •

Break down

ازکارافتادن

۱ــ ازکارافتادن یك مدارالکتریکی •

۲ــ تخلیه ناگهانی الکتریسیته در عایقها که آنها را خراب می‌کند • عبـــور جریان در جهت عکس در یکسو کننده های نیمه هادی •

Break down voltage

ولتاژشکننده : ولتاژی که می تواند جریان الکتریکی را در یک عایق برقرار کند ؛ ولتاژی که موجب ایونیزاسیون گازها و تولید قوس الکتریکی در آنها می شود .

Breaker

قطع کننده جریان

Breaker circuit

دستگاهی که جهت قطع عبور جریان در یک مدار استفاده می شود ، موقعی که مقدار آن از حد معمول بالا تر رود .

Break-in

وسیله خودکاری که هنگام قطع مکالمه در ارتباطات ، علائمی را وارد دستگاه می کند .

Break point

نقطه ای در برنامه یک کامپیوتر که کار دستگاه را برای بازرسی و کنترل متوقف می کند ، نقطه قطع .

Bridge

پـــل

Bridge rectifier

پل یکسوساز

۱ــ یکسوکننده ای با مدار پل ، برای یکسوکردن هردو نیم دوره تناوب از یک جریان متناوب .

۲ــ چهار یکسوکننده که دوبدوباهم سری شده و پلی را تشکیل می دهند .

Bridging

موازی کردن یک مدار با مدار دیگر .

Bridging set

یک دستگاه تلفن موازی با تلفن دیگر در مدار تلفنی .

Bright level

ولتاژ صفر در سیگنال تلویزیونی که روشن ترین نقاط را روی صفحه تصویر تولید می کند .

Brightness

درخشندگی

مقدار نوری که برروی یک صفحه دیده می شود .

Broad band amplifier

تقویت کننده ای که باند وسیعی از امواج را بدون اعوجاج تقویت می کند .

Broad band tube

لامپ الکترونی گازی که باصافی مخصوص تطبیق شده و از عبورفرکانسهای رادیوئی جلوگیری می کند .

Broadcast

ایستگاه فرستنده رادیوئی که برنامه های روزانه جهت عموم پخش می کند .

Broadcast band

باند امواج رادیوئی از ۵۵۰ تا ۱۶۰۰ کیلوسیکل در ثانیه ٠

Broadcasting

انتشار امواج رادیوئی

Broadcasting-satellite service

سرویس پخش برنامه از طریق ماهواره ٠

Broadcasting service

سرویس پخش برنامه های رادیو و تلویزیون ٠

Broadcasting station, sound

مرکز پخش رادیـــو

Broadcasting station, television

مرکز پخش تلویزیون

Broadcast transmission

انتشار امواج رادیوئی برای تعداد نامحدودی گیرنده ٠

Broad tuning

وضع یك مدار برای عبور دادن تمام امواج رادیوئی

Bromine

عنصر مایع شبه فلزی با عدد اتمی ۳۵ .

Brown and sharpe wire cage (B.S.W.G)

اندازه های استاندارد آمریکایی برای قطر سیمها وورقه های فلزی •

جـــارو Brush

۱ــ قطعه ای ذغال گرافیت یا فلز که برای ایجاد اتصال بین دو قسمـــــت متحرك و ثابت یك وسیله الکتریکی بکار می رود •

۲ــ کنتاکت متحرك برای ازبین بردن الکتریسیته ساکن •

Brush dischavge

تخلیه الکتریکی در فاصله هوائی بین دو الکترود که جرقه های آن بشکـــــل شاخه های یك درخت است •

Brush holder

نگهدارنده جاروبازغال • قسمت ثابتی که جارورا در خود نگاه می دارد و بـــا فشار فنر ، آن را به قطعه گردنده اتصال می دهد •

Brush lag(or)lead

فاصله زغالها از خط خنثی برحسب زاویه انحراف آنها در خلاف جهت گردش ماشین •

Brush pigtail

نوار یا سیم رشته دار کوتاهی که جارو را به قسمت نگهدارنده آن وصل می کند •

Brush rocker

حلقه ای که جاروهارانگاه داشته و باکمك آن می توان آنهارا حول محـــــور کلکتورگردش داد •

Brush shift

انحراف جاروهااز خط خنثی برای جلوگیری از جرقه کموناسیون •

Brush yoke

حلقه ای که جاروهارانگاه داشته و باکمك آن می توان آنهارا حول محورکلکتور گردش داد • حلقه آهنی که پایه جاروهارانگاه می دارد •

B supply

منبع جریان مستقیم برای تغذیه آندلامپ الکترونی •

Bubble chamber

محفظه ای ابری شکل درداخل مایع شفافی که بیش از حدگرم شده باشـــد • ذرات یونیزه بشکل یك توده ابری •

Buck

ولتاژی که درجهت مخالف باولتاژ دیگری بطور سری بسته می شود •

Bucking coil

سیم پیچی فرعی که درآن ولتاژی درجهت عکس سیم پیچی اصلی القـــــاء می شود • دربلندگوهاوظیفه این سیم پیچ کاهش دامنه ضربه های منبع ولتاژ

است •

Buckling

پیچیدگی صفحات باتری براثر جریان شارژ یا دشارژ خیلی قوی •

ضربه گیر

Buffer

قسمتی از رله که از ضربه جلوگیری کرده و فنرراد رحال عادی نگـــــــاه می دارد •

Buffer capacitor

خازنی که برای حذف تغییرات ناگهانی ولتاژ به دوسربک مداربسته می شود •

Buffered computer

کامپیوتری که دارای حافظه ای موقتی برای تطبیق سرعت عملهای کند و تنـد باشد •

Bug

سیستمی که می تواند بطورنیمه خودکارعلائم مرسوم دستی رابا سرعت زیاد مخابـره کند •

بلوک ساختمانی

Building block

دررشته طرحهای سیستمهای الکترونیک ، ترکیبی از مدارهایازیرسیستمهـا که بتوانند بابلوک ساختمانی دیگر دربسیاری ترکیبات مختلف بدون طراحـی مجدد بکاررروند • ساده ترین بلوکهای ساختمانی دیجیتال گیت های منطقی می باشند •

Build-up time

زمان لازم برای برقراری جریان

Bulb

محفظه شیشه ای لامپ

Buncher

الکترودی که الکترونها را بشکل خوشه ای متمرکز می کند .

Bunching

۱ــ اصطلاحی است که جهت تشریح دسته بندی ناصحیح فنرهای رلـــــه (اگر فنرها خیلی بهم نزدیك باشند) بکار می رود .

۲ــ روش تولید جریان متناوب الکترونی که در آن سرعت الکترونها متفـــــاوت است .

Buried service wire

اتصال یکزوج سیم سوخته به کابل تقسیم .

Burst signal

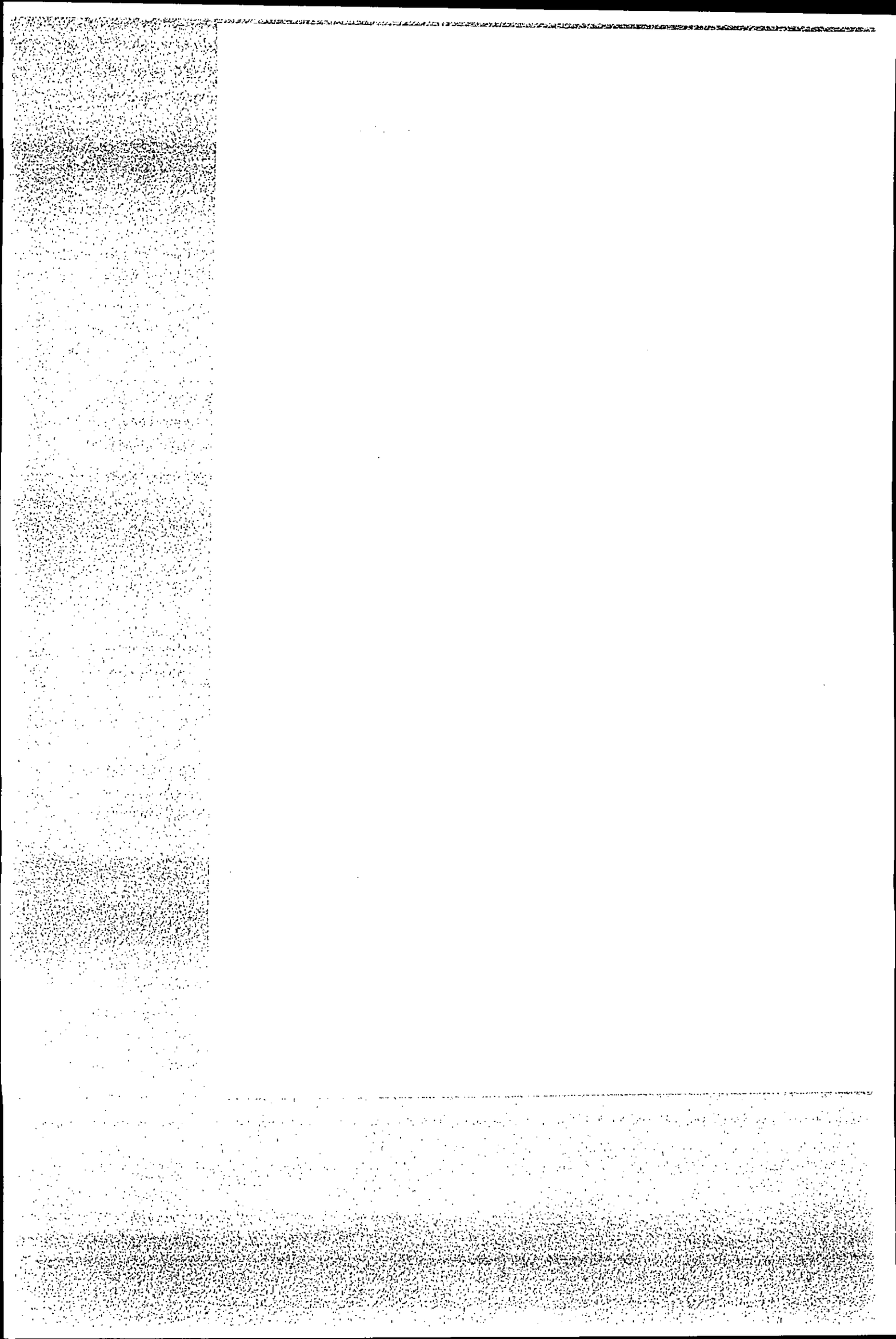
سیگنالهای سنکرون کننده برای کنترل فازوفرکانس نوسان سازگیرنـــــــده تلویزیون رنگی .

Busbar

شاه سیم

۱ــ تسمه های فلزی که برای عبورجریان های زیاد بکار می رود .

۲ــ میله یا نوارهای هادی برای عبورجریانهای قوی و تامین اتصال مشتـرك انشعابهای متعدد سیمهای اصلی که تمام دولد های برق به آنها وصل می شوند .



تن اشغال Busy tone

علامتی که مرکز تلفن خود کار درصورت مشغول بودن شماره مورد نظر ارسال می نماید .

Butter fly resonator (capacitor)

خازن پروانه ای . مدار رزنانس قابل تنظیم باقدرت کم که از صفحات ثابت و متحرك ساخته شده ، باگردش صفحات متحرك ، هم اندوکتانس وهم ظرفیت این خازن تغییرمی کند . برای عبورفرکانسهای ۱۰۰۰ یا ۳۰۰۰ ـ مگاسیکل قابل تنظیم است .

Butt joint

محل اتصال جوش داده یابهم تابیده دوهادی .

Button

تکمه

۱ـ کلیدی که بوسیله فشاردادن عمل می نماید .

۲ـ محفظه فلزی که دانه های زغال میکروفون رادرخود نگه می دارد .

Button mica capacitor

خازن کوچکی بشکل تکمه که عایق آن میکااست .

Butt welding

نقطه جوش یاخط جوش . جوشکاری بااستفاده از خاصیت مقاومت فلزات .

B.y.amplifier

مداری ـ رگیرنده تلویزیون رنگی که سیگنالهای رنگی R-Y و GY را باهم جمع و تقویت کرده و مبدل به سیگنالهای B-Y می‌کند .

By pass

منحرف کردن جریان به مسیری غیراز مسیر اصلی .

By pass capacitor

خازنی که موازی با عنصر یا مدار ، امپدانس کوچکی را برای عبور مولفه متناوب جریان فراهم می‌کند .

B.Y. signal

سیگنال یکی از سه رنگ اصلی در تلویزیون رنگی .

Byte

بایت

چند عدد متوالی از سلسله اعداد برمبنای دو که بجای یک کلمه در برنامه ریزی کامپیوتر بکار می‌رود (معمولاً بیش از یک بایت برای ساختن یک کلمه لازم است).

Buzzer

بازر

دستگاهی شبیه زنگ اخبارکه برای اعلام برقراری اتصال تلفنی (وارده) یا برای آزمایش مدار الکتریکی بکاربرده می‌شود .

C

C

۱ــ حرفی برای نمایش خازن در مدارهای الکتریکی ٠

۲ــ نماینده ظرفیت خازن در فرمولهای الکتریسیته ٠

۳ــ علامت اختصاری کربن شیمیائی ٠

C° درجه سانتی گراد برای تعیین دما ٠

Cabinet قفسه فلزی برای نصب تجهیزات الکتریکی ٠

Cable

کابل

سیم هادی که روی آن با عایق پوشیده شده و برای انتقال جریان الکتریکی بکار می رود ٠

Cable aerial

کابل هوائی

کابلی است که دوطرف آن توسط قطبها نگهداری می شود ٠

Cable box

جعبه کابل

جعبه فلزی که محل اتصال کابلها را محافظت می کند ٠

Cable buried

کابلی است که مستقیماً در زمین نصب می‌شود •

محفظه کابل Cable chamber

کابل زیرزمینی که از آنجا کابلها وارد مرکز تلفن خودکار می‌شوند •

بست کابل Cable clamp

بست فلزی یا غیرفلزی برای ثابت نگاهداشتن کابل •

کابل هم محور Cable, coaxial

کابلی است که دارای چندین خطوط هم محوربوده و در یک محفظه قرار داده می‌شود •

کابل تقسیم Cable,distribution

۱ــ کابلی که دارای ترمینالهایی است برای تغذیه مصرف کننده (مشترک)•

۲ــ یک شاخه از یک سیم تغذیه کابل است که تقسیم می‌شود و مورد استفاده مصرف کننده قرار می‌گیرد •

قرقره کابل Cable drum

استوانه‌ٔ چوبی که برروی آن کابل را پیچیده و نگاهداری می‌کنند •

مجرای کابل Cable duct

مجرائی که کابلها در آن قرار می‌گیرند معمولاً " بشکل مستطیل است •

ورودی کابل Cable,entrance

کابلی است که مدارها و سیمهای مشترکین را به مرکز تلفن می‌آورد •

جابجاشدگی کابل (عیب کابل) Cable fault

بوجودآمدن نقص کلی یا جزئی در پوشش یا در اتصالات سیم های کابل •

Cable feeder

یکی از کابلهای بزرگ و متعددی که از تلفن خارج می‌شود و مورد استفاده یک منطقه خاص قرار می‌گیرد •

Cable grip

گیره یا چنگک برای نگاه داشتن کابل •

Cable house

جایگاه کابل

نقطه اتصال یک دسته کابل که از آنجا به نقاط دیگر پخش می‌شود •

کابل پوشیده شده از سرب Cable lead covered

کابلی است که دارای پوشش از سرب است • اکنون تا اندازه زیادی کابلهای با پوشش پلاستیکی جانشین آن شده است •

بارکابل Cable,loaded

کابلی است دارای سیم پیچ های بوبین برای کم کردن افت انتقال •

کابل محلی Cable,local

کابلی است که تماماً یا قسمت عمده بیم نگه داشته شده در کابل بشکل پیچش ترکیب شده است .

کابل ضد رطوبت Cable, Moisture barrier

کابلی است که قسمت بیرونی آن از پلاستیک پوشیده شده و قسمت داخلی آن از آلومینیم .

Cable, PAP

کابلی پوشیده شده از پلی اتیلن ـ آلومینیم ـ پلی اتیلن (PAP) که در مقابل عوامل مکانیکی رعد و برق آسمان محافظت می شود .

کابل با پوشش کاغذی Cable ,Paper insulated

کابلی است که منحصراً با پوشش مارپیچ نوار کاغذی غلاف شده است .

Cable,PASP

کابلی است از جنس پلی اتیلن ، آلومینیم استیل پلی اتیلن (PASP) که مورد استفاده در مناطق روستائی ونقاط دورافتاده قرار می گیرد و مانند کابل PAP در مقابل خسارتهای مکانیکی و رعد وبرق آسمان محافظت می شود .

کابل با پوشش پلاستیکی Cable,Plastic insulated

کابلی است که منحصراً پوشش آن از جنس پلاستیک، و معمولا " پلی اتیلن است .

کابل باپوشش خمیر کاغذی Cable,pulp insulated

کابلی که منحصراً با پیچش خمیر کاغذی برروی قسمت هادی آن شکل گرفته است.

Cable rack

چارچوب یا پایه ای برای تکیه گاه کابل •

گذرگاه کابل Cable Runway

اسکلت فلزی برای توزیع و نگهداری کابلها در مرکز تلفن •

کابل مسلح Cable sheath

کابل با رویه یا پوشش.

Cable,stub

شاخه کوچکی از کابل اصلی که به جفت بزرگ کابل اصلی دسترسی دارد، بدون آنکه لازم باشد قسمتهای لایه لایه کابل اصلی راکه به هم پیچیده شده بازکنیم • قسمت پایانی این شاخه آزاد است و برای استفاده در مواقع ضروری مهروموم می شود •

کابلهای زیر دریایی Cable submarine

این نوع کابلها را قیانوسها و دریاها قرار می گیرد و جهت ارتباطات راه دور مورد استفاده واقع می شود •

Cable switchboard

کابل سویچ برد

کابلهای ارتباط لوازم داخل رنز تلفن نظیر پخش از فریم و غیره •

Cable,tie

کابل بین دو فریم پخش و یا بین دو سانترال تلفن و یا ارتباط بین دو کابل دیگر•

Cable,underground

حوضچه های کابل که جهت جایگزینی و دیگر تغییرات کابل ، در شبکه کابل از آن استفاده می‌شود •

Cadmium(cd)

کادمیوم

عنصر فلزی سفید رنگ باعدد اتمی ٤٨ که دارای خواص شیمیایی شبیه به روی است.این فلز بعنوان پوشش ضد رنگ در آبکاری موارد استعمال فراوانی دارد •

Cadmium cell(weston cell)

پیل کادمیوم

پیلی که قطب مثبت آن جیوه و قطب منفی آن کادمیوم و ولتاژ ثابتی تولید می‌کند • این پیل بعنوان منبع ولتاژ استاندارد در اندازه گیری بکار می رود •

Caesium(CS)

کازیوم

عنصرفلزی به رنگ سفید نقره ای باعدد اتمی ٥٥ • این فلز بصورت الکترود مثبت در سلولهای فتوالکتریك وجذب کننده گازهای باقی مانده در لامپهای الکترونی کار می رود •

Caesium clock

ساعت بسیار دقیقی که در آزمایشگاه های علمی بکارمی رود • دقت این ساعت 10^{-10} ثانیه است یعنی در ۳۰۰ سال فقط یك ثانیه در اندازه گیری زمان اشتباه دارد •

Calcium (Ca)

کلسیم

عنصری فلزی سفید رنگ با عدد اتمی ۲۰ • در ساختمان لامپهای کاتدی به عنوان جذب کننده گازهای باقی مانده در لامپهای الکترونی بکارمی رود •

Calculator

ماشین حساب

ماشینی که بطور خاصی برای اجرای چهارعمل اصلی و محاسبات طرح شده که نیاز به ورودی های متعددی توسط شخص که باآن کارمی کند دارد •

Calibrate

مدرج کردن یك دستگاه اندازه گیری بامقایسه یاوسیله اندازه گیری که میزان دقت آن مشخص شده باشد •

Call abandoned

مکالمه ای است که تلفن کننده قبل از دریافت جواب ارتباطش قطع می گردد •

Call-assistance

مکالمه ایست که اپراتور درجهت برقراری آن کمك می کند

Call back

نگاهداری خط

مدارمخصوصی است در سیستمهای تلفن که بوسیله آن می‌توان یك مکالمه راه دور را برروی خط نگه داشت و با اپراتور یا انشعاب داخلی دیگری تماس گرفت •

Call delay

تأخیر مکالمه

در لوازم سوئیچینگ اتوماتیك نظیر خط و غیره تأخیری ظاهر می‌شود که چنانچه مدت زمان این تاخیر از ۱/۵ ثانیه تجاوز ننماید قابل قبول است •

Call forwarding

انتقال یك مکالمه از یك مشترك به مشترك دیگر • درواقع یکی از مزایای سیستم سوئیچینگ است که مسیر مکالمه اثر را به مشترك دیگر انتقال می‌دهد •

Call-hold

نگه داشتن یك مکالمه و گرفتن یك کد بطوری که بتوان همان خط را برای مدتی آزاد ساخت و مکالمه دیگری را شروع نمود و مجدداً به مکالمه قبلی برگشت •

Call-in

تلفن کردن

ارتباط تلفنی با مرکز تلفن و بعد با مشترك دیگر • و بطور کلی به عنوان ارتباط تلفنی است •

مرکز اسناد و مدارك علمی ایران
۱۳۴۳
1968
IRANDOC

ذخیره مکالمه Call store

یك قسمت از لوازم سیستم سوئیچینگ الکترونیکی است که یك سری از اطلاعات مکالمه را در حافظه ماشین ذخیره می‌نماید •

مکالمه انتظاری Call waiting

امکاناتی است برای مشترك بدین معنی که وقتی مشترك در حال صحبت با شخص دیگری است ، فرد سومی نیز می‌تواند به همان شماره تلفن بزند و ارتباط تلفنی داشته باشد •

شماره گرفته شده Called number

شماره تلفنی است که بوسیله طرف مکالمه گرفته شده است که شامل کد منطقه ، کد سوئیچینگ و شماره تلفن خط مشترك می‌شود •

Called party

مکالمه شخص به شخص یا ارتباط شخص از ایستگاه به ایستگاه •

شماره گیری اختصاری Calling abbreviated

سرویس مخصوصی است در بعضی از سیستمها که با گرفتن یك یا دو عدد ، به شماره تلفنهای ۸ تا ۱۳ رقمی می‌رسیم•

لامپ اخطار Calling lamp

لامپی است که شروع یك ارتباط وارده را به اپراتور اعلام می‌کند •

شماره تلفن کننده

Calling number

شماره مشترک تلفن کننده •

تلفن کننده

Calling Party

کسی که شروع به مکالمه می‌کند •

علامت ارتباط واصله

Calling signal

علائم سمعی و بصری جهت جلب توجه وجواب دادن به یک ارتبـــاط واصله •

Camp on

در یک سیستم سوئیچینگ اتوماتیک یک مکالمه بصورت انتظار یا مشغـــول در ترمینال می‌ماند تااینکه خط مورد نظر آزاد گردد •

Camp on busy

در سیستم سوئیچینگ اتوماتیک چنانچه تلفن طرف مقابل مشغول باشـد تلفن کننده باید درحال انتظار بسر برد تاخط تلفن شونده آزاد و بطور اتوماتیک به تلفن کننده وصل شود •

ظرفیت

Capacitance

خاصیتی که باعث ذخیره شدن بارالکتریکی بین دو هادی می‌گـــردد هنگامیکه بین آنها اختلاف سطح الکتریکی وجود داشته باشد •

خازن Capacitor

وسیله ای است متشکل از دوصفحه هادی و قطعه ای عایق که بین دو صفحه قرار می‌گیرد و قادر است بارالکتریکی را در خود ذخیره نماید •

Capacitor building-out

نوعی خازن برای اضافه کردن ظرفیت در یک مدارالکتریکی باتوجه به مقدار استاندارد •

خازن سرامیکی Capacitor, ceramic

در فرکانسهای زیاد ومتوسط بکار می‌رود ، قطب ندارد و دارای ضریب حرارتی خوبی نیست •

خازن الکترولیت Capacitor electrolytic

ولتاژ این خازن تا ۵۰۰ وات می‌رسد و دارای دوقطب مثبت ومنفی است و در مدارهای فرکانس کم و تهیه قدرت استفاده می‌شود •

خازن متغیر Capacitor variable

خازنی است که ظرفیت آن باحرکت صفحات آن تغییر می‌کند •

ظرفیت Capacity

حداکثر تعداد ارتباط ممکنه بوسیله یک مرکز تلفن •

کربن Carbon

عنصری است غیر فلز که در ساختمان مقاومتها ،میکروفونها ، الکترود ها و

با طریقها بکار می رود .

Carbon microphone

میکروفون کربنی

میکروفونی است که طرز عمل آن بستگی به تغییر مقاومت بین ذرات کربن به هنگام برخورد با امواج صوتی دارد .

Carbon resistor

مقاومت کربنی

مقاومتی است که از ذرات بسیار ریز کربن درست شده و در کارهای الکترونیکی بکار برده می شود .

Card

کارت (کارت منگنه)

کارتی است که در دستگاه کامپیوتر مورد استفاده قرار می گیرد .

Card code

کد کارت

ترکیبی از موقعیت سوراخهای کارت منگنه که معرف یک کاراکتر است .

Card data

اطلاعات کارت

کارتی است که با سوراخهایی که نمایانگر حروف یا اعداد هستند پانچ می شود و اطلاعات ثبت شده را مشخص می کند .

Card format

طرح کارت منگنه از نظر ثبت اطلاعات .

Card punch

کارت منگنه کن

قسمتی که اطلاعات داده شده توسط کامپیوتر رابرروی کارت سوراخ می‌کند •

Card random access memory

کارت مغناطیسی

کارت مغناطیسی ذخیره اطلاعات که دسترسی بدانها باروش انتخابی امکان پذیراست •

Card reader

دستگاه کارت خوان

Carriage control

نوارکنترل

نواری از جنس کاغذ یاپلاستیک که به کمک سوراخهایی که روی آن ایجاد شده عمل دستگاه چاپ راتنظیم می‌کند •

Carrier

کاریر

دستگاهی است برای جریان سینوسی فرکانسهای بالا که جهت انتقال سیگنالهای صوتی یا دیجیتالی از طریق سیستمهای بی‌سیم (رادیوئی) یاکابلی بکاربرده می‌شود •

Carrier Frequency

فرکانس کاریر

فرکانسی است که برای انتقال صوت به فواصل دوردکاربرده می‌شود •

Carrier system

سیستمی است برای ارسال یک یاچند کانال اطلاعات •

تلفن کاریر Carrier telephony

سیستمی است تلفنی که درآن امواج کاریر حامل امواج صوتی می‌باشند .

انتقال دادن Carry

عددی که از حاصل جمع دورقم در یك عمل جمع به دست می آید وقتی که این حاصل جمع از پایه عدد بیشتر باشد ، مانند ده بریك‌ها درجمع اعداد دهدهی ،ویا دوبریك ها درجمع اعداد دودویی .

کاتد Cathode

الکترود منفی یك منبع الکترونها .

کاتد حرارتی Cathode,hot

یك لامپ الکترونی کاتداست که انتشار الکترون راتوسط حرارت تولید می‌کند .

Cathode ray-tube terminal

ترمینال لامپ اشعه کاتودیك

یك ترمینال کامپیوتر با صفحه ای شبیه گیرنده تلویزیون همراه بایك کی‌بورد .

پیل Cell

یك واحد باطری است که انرژی شیمیایی رابه انرژی الکتریکی تبدیل می‌کند و انواع آن از قبیل فتوسل و پیل خورشیدی است ؛ واحد اولیه مولد الکتریسیته .

Cell

واحد ذخیره اطلاعات باینری در دستگاه کامپیوتر.

Cell, Alkaline

یك پیل خشك اولیه است که ولتاژ ۱/۵ ولت را تهیه می‌کند.

Cell resistance

مقاومت پیل

مقاومت داخلی پیل (ناشی از مواد متشکله پیل) که در مسیر جریان قرار می‌گیرد.

Center test

مرکز آزمایش

موقعیت مرکزی جهت تعمیر و آزمایش و سایر عملیات مربوط به امور نگه داری.

Centigrade (C°)

سانتی گراد

مقیاس درجه حرارت که در آن آب در صفر درجه یخ می‌بندد و در ۱۰۰ درجه سانتی گراد جوش می‌آید.

Centrex

یك سرویس تلفنی در سیستم سوئیچینگ اتوماتیك سانترال است که علاوه بر شماره گیری مستقیم داخلی دارای امکانات شماره گیری خارجی نیز هست.

Central exchange

مرکز تلفن

یك سیستم سوئیچینگ است که خطوط را به خطوط و خطوط را به ترانك وصل می‌کند، در واقع همان ساختمان شرکت تلفن است که در آن علاوه بر سیستم

سوئیچینگ شامل سایرتجهیزات از قبیل تغذیه تقسیم کننده های اصلی و غیره نیز می‌باشد .

واحد مرکزی عمل Central processing unit

Challenge

عملی است که اپراتور داخل یك مدار شده وسئوالاتی از قبیل چه شماره ای را می‌خواهی ؟ می‌کند . داخل مدار شدن وبرقراری یك ارتباط داخلی راگویند .

Chain

زنجیر . زنجیرچاپ

Chain printer

دستگاه چاپ زنجیره ای

محفظه فیوز Chamber fuse

یك ترمینال کابل است که تمام جفتهای کابلی به آنجا ختم می‌شود.

Change over

برگردان . وسیله ای ست در سیستم کراس بار که عدد های فرد یا زوج را انتخاب می‌کند .

کانال Channel

یك مسیرانتقال بین دونقطه راگویندکه‌ممکن است یك طرفه یا دوطرفه باشد • دستگاهی ایست‌که بر سرراه واحد های ورودی وخروجی وواحد مرکزی قرارمی‌گیرد ونقش‌واسطه رادرانتقال اطلاعات بازی می‌کند •

کانال صوتی Channel،voice

یك مسیر انتقالی جهت حمل سیگنالهای آنالوگ صوتی که باند فرکانس‌بین ۲۵۰ تا ۳۴۰۰ هرتزرادارابی‌باشند •

کاراکتر Character

یك حرف ، یك علامت مخصوص یایك رقم در دستگاه کامپیوتر •

Character printer

دستگاه چاپی که کاراکترها رااز‌چپ‌به راست ، یکی بعداز دیگری چاپ می‌کند ، برخلاف دستگاه چاپ‌که اطلاعات راسطربه سطرچاپ می‌کند •

زمان قابل ارزیابی Chargeable time

زمانی است جهت تعیین ارزش پیغام برحسب دقیقه •

شارژ (بار) Charge

۱ــ ذخیره انرژی الکتریکی دریك خازن •

۲ــ مقدار کل الکتریسیته موجود دریك هادی •

Charge coupled device (CCD)

وسیله کوپل شده بار

وسیله ای برای ذخیره سازی بسیار متراکم دسترسی بیت ها بصورت بسته‌های کوچك بارهای الکتریکی که در امتداد سطح چیپ نیمه هادی حرکت می‌کند •

Choke

چـك

القاکننده ، سیم پیچ با هسته آهنی •

Circuit

مـدار

یك مسیرالکتریکی کامل بین ترمینالها دارتباطات و عناصر مدارد یك شبکـه که عبارتند از مقاومتها ، خازنها ، بوبین ها ، نیمه هادیها و غیره که یـك عمل مشخص را انجام می‌دهند •

Circuit breaker

کلید خودکار

وسیله ای که مداری رادراثر نقص ، قطع و یا وصل می‌کند •

Circuit closed

مداربسته

یك مدارالکتریکی کامل • پخش برنامه مداری بصورت صوتی یا تصویری نـه بصورت پخش عمومی نامحدود بلکه دریك حوزه محدود •

Circuit common-battery

مداری است جهت متمرکز کردن منبع قدرت باتری •

دیاگرام مدار Cir cuit diagram

نمودار طرز کاریک دستگاه بااستفاده از علائم ·

عناصر مدار Circuit element

قسمتهای متشکله یک مدار ·

مدارچهارسیمه Circuit four-wire

مداری است که جهت انتقال دومسیر یک طرفه استفاده می شود ·

مدارمتالیک Circuit metallic

مداری است که تماماً باسیم است ، نه ازطریق زمین یاازطریق کاربرونـــه از طریق سیستمهای رادیوئی ·

Circuit order

اسنادی است جهت ارسال طرح مهندسی به شبکه ترانک تلفنی یامـــدار مخصوص جهت بکارگیری طراحی ·

مدارد وسیمه Circuit two-wire

یک مدارمتالیکی است بااستفاده از دوسیم زیرزمینی ·

طبقه بندی Class of service

اصطلاحی است جهت تشریح محدودیت انشعابهای یک سیستم تلفنـــی از نظر دسترسی به خطوط خارجی ·

پاک کردن(آزاد) Clear

۱- وقتی که دستگاه به حالت اولیه بدون کار برگردد .

۲- برداشتن دیتا و برگرداندن تمام مداربندی به حالت اولیه که معمولاً " 0 " است .

Clear dowr

آزادکردن و به حالت عادی برگرداندن دستگاهی که درحال کار بوده است .

بست فیوز Clip,fuse

ارتباطات فنری جهت نگهداشتن فیوز .

Clipping

تغییرشکل سیگنالهای صحبت در اثر محدود بودن حداکثر دامنه سیگنالها .

ساعت Clock

۱ - منبع اولیه جهت هم زمان کردن سیگنالها .

۲ - دستگاهی است برای اندازه گیری زمان .

مدارساعت Clock circuit

مداری است که بطور دقیق از پالسهای زمانی درکنترل کردن وهم زمان نمودن سایر مدارها استفاده می‌کند .

Clock generator

مولد ساعت

یك بلوك ساختمان که سیگنالهای ساعت تولید می‌کند •

Clock input

ورودی ساعت

ترمینال ورودی روی یك بلوك ساختمانی که بطور نمونه برای دریافت یك سیگنال ساعت کنترل تنظیم بکار می‌رود ، ویا برای یك سیگنال کنترل یا حتی دیتا مورد استفاده قرار می‌گیرد •

Clock signal

سیگنال ساعت

یك سیگنال بطور منظم تکرارشده که به بیش از یك بخش از سیستم یا زیر سیستم تغذیه می‌شود تا باعث گردد که چیزها در زمان واحدی اتفاق بیفتند •

Closed circuit

مدار بسته

مسیری که جریان الکتریکی بتواند از آن بدون هیچگونه توقفی عبور کند •

Coaxial cable

کابل کواکس (کابل هم محور)

هادی حفاظت شده ای است برای خطوط انتقال که چندین خطوط هم محور را در یك غلاف محافظت می‌کند •

Coaxial line

خط انتقالی است دارای سیم مرکزی که در کابلهای هم محور استفاده می‌شود •

COBOL

یك نوع زبان برنامه نویسی سطح بالا برای کاربرد های آماری (وبازرگانـــی

مرکب از کلمات Common Business Oriented Language

کد • رمز • علامت C6de

مجموعه ای از ارقام یا اعداد یاعلامتهاکه معرف یك کیفیت یایك موقعیـــت است •

کد دسترسی Code access

عدد یااعداد مقدماتی هستندکه استفاده کننده باید بااستفاده از ایـن اعداد شماره گیری کند تاباگروهی ترانك خروجی مخصوص ارتباط برقـــرار نماید •

کد رنگ Code ringing

رنگهایی هستندکه برای شناسایی کابلهای رابط و تعیین ظرفیت مقاومتها و خازنها از آنهااستفاده می‌شود و عبارتنداز پنج رنگ آبی ، نارنجی ، سبز، قهوه ای و طوسی ،

مبدل کد Code converter

نامی برای طبقه ای از بلوك ساختمانی ترکیبی که اطلاعات از یك کد دریافت کرده و به کد دیگری می‌فرستد •

کد بین‌المللی مورس Code international morse

سیستم کد مورس که شامل نقاط و خطوط بوده و نمایانگر حرف یاعدد مخصوص

است که در ارتباطات تلگرافی رادیوی دستی نیز استفاده می‌شود •

Code number

شماره رمز

شماره های بخصوصی است که در سیستمهای تلفنی جهت گرفتن خطـــوط مخصوص بکار برده می‌شود •

Code ringing

کد زنگ

یك ردیف زنگهای کوتاه وطولانی است که در سیگنالهای مخصوص خط تلفـن استفاده می‌شود •

Code,two-out-of-fiye

کدی است برای انتقال اطلاعات ارقام بصورت موازی ویا برای ذخیره اعـداد درروی پنج واحد حافظه است که هریك از این پنج بیت اطلاعات بصـــورت اعدادی ظاهر می‌شوند : مانند 7 - 4 - 2 - 1 - 0، وهرجفت از بیت هـــــا می‌تواند بعداً بصورت یك عدد مخصوص ظاهرشود

Coeficient reflection

ضریب انعکاس

Coherent

یك رابطـه فازی‌ثابتی است • در آشکارسازی سیگنال مزایای زیادی دارد •

Coherent phase shift keying(CPSK)

تکنیك مدولاسیونی است جهت ارسال اطلاعات دیجیتالی که در آن اطلاعات توسط انتخاب یك فاز مجزا به کاربر مربوطه تبدیل می‌شود •

Coil

سیم پیچ(کویل)

سیم پیچ رله یا دستگاه دیگری که هنگام عبورالکتریسیته عمل میکند .

Coil,heat

دستگاه محافظت کننده ای که بصورت یك سری یا خط در یك تقسیم فریم اصلی استفاده می شود و چنانچه جریان زیاد بالا برود ، مدار را قطع یا باز می کند .

Coil,induction

بوبین القاء

Coin-first service

سرویس تلفن سکه ای است که هزینه اولیه در جای مخصوص تلفن عمومی انداخته می شود تا بوق شماره گیری آزاد و بقیه فعل و انفعالات توسط سیستم سوئیچینگ مربوطه انجام گیرد .

Coin relay

رله ای است در یك تلفن عمومی که تحت کنترل مرکز تلفن سکه ها را جمع و یا برگشت می دهد .

Coin telephone

تلفن سکه ای (عمومی)

تلفن عمومی با یك جمع کننده سکه ای که برای پرداخت هزینه مکالمه سکه ها را قبول می کند .

کولکتور Collector

الکترودی است در یک ترانزیستورکه از طریق آن جریان ترانزیستورخـــــارج می‌شود (یکی از سه پایه ترانزیستور)•

رنگ بندی Colour code

نشان دادن اندازه وحدود تغییرات درقطعات بوسیله نوارها یا نقاط رنگی •

ستون Column

ستون کارت منگنه ، محل ثبت یک کاراکترروی کارت منگنه •

بلوک ساختمانی ترکیبی یا شبکه Combinational building block or network

گروهی از بیت های منطقی بدون قابلیتی برای ذخیره اطلاعات • بطـــور نمونه برای هرترکیب از بیت ها د رورودیها ، ترکیب معین و از پیش‌مرتـــب شده ای از بیت ها د رخروجی وجود دارد •

Commercial language

زبان برنامه نویسی درکاربرد های آماری و بازرگانی • نقطه مقابل زبـــــان برنامه نویسی علمی درکاربرد های علمی وپژوهشی •

Common channel inter-office signaling

یک سیستم **سیگنالینگی** است که جهت **استفاده بین سیستمهای سوئیچینـگ برنامه ذخیره** (SPC) **توسعه یافته است و بکارگیری** این سیستم **سیگنالینگ** نسبت **به سیگنالینگ** ترانک **انفرادی اقتصادی** تراست •

Common control

یك تركیب كنترل سیستم سوئیچینگ و سایرتجهیزات بصورت اتوماتیك است. به عبارت دیگر ، كنترل مشتركی است كه تمام فعل و انفعالات را شبكه سوئیچینگ نظارت و انجام می دهد .

Commcn language

زبان برنامه نویسی مشترك ، زبانی كه همه كامپیوترهای عمومی قادر به اجرای آن باشند .

Common language code

علامتی كه بطور اختصار برای یكنواختی لوازم و اسامی محل و غیره بكار می رود .

نقطه مشترك Common point

نقطه ای كه نیرورا به چند نقطه دیگر می دهد .

ارتباطات Communication

ارسال و دریافت اطلاعات ، سیگنالها ، پیغامها از یك نقطه به نقطه دیگر.

Communication devices

دستگاههای ارتباطی

Communication law

حق تلفنی • حقوق ارتباطات

Communications satellite corporation (Comsat)

در سال ۱۹۶۲ ارتباطات ماهواره ای در کنگره آمریکا مورد تایید قرار گرفته که در مخابرات فضائی بطور گسترده ای فعالیت می‌کند • می‌توان گفت پیمانکار شبکه جهانی اینتلست نیز هست •

Community dial office

سیستم سوئیچینگ اتوماتیک کوچکی است که منطقه جداگانه ای را سرویس می‌دهد و دارای برنامه ریزی ، شماره گذاری در همان منطقه خارج از شماره گذاری شبکه کشوری می‌باشد •

کموتاتور Commutator

وسیله ای استوانه ای متشکل از تعدادی هادی که از یکدیگر عایق شده اند •

Compandor

دستگاهی است که تغییرات حجم صحبت کننده در ورودی یک سیستم کاریر را تنظیم می‌کند • این تکنیک نسبت سیگنال به نویز را اصلاح می‌کند •

مقایسه کننده Comparator

بلوک ساختمانی که دو عدد باینری را مقایسه می‌کند •

گردآوری • ترکیب کردن Compile

۱ــ آزمایش مقدماتی یک برنامه از نظر جمله بندی و منطق •

۲ــ تهیه برنامه اصلی به زبان ماشین از روی برنامه اولیه که بصورت اشاره ای نوشته شده •

۳ــ برگردان برنامه از حالت مبداء به حالت مقصد •

مولف • مترجم • برنامه مترجم Compiler

برنامه پیچیده ای که یک برنامه را از زبان برنامه نویسی اشاره ای به زبان ماشین برمی‌گرداند و در عین حال این برنامه را از نظر قواعد برنامه نویسی و منطق وارسی می‌کند •

مکمل (متمم یک عدد) Complement

در هر پایه عدد نویسی هرگاه مجموع دو عدد برابر قوه صحیحی از پایه آن عدد باشد هریک از آن دو عدد را متمم دیگری می‌نامند •

قطعه Component

قطعه ای از یک دستگاه •

قطعات مداری Component circuit

یک عنصر یا جزئی از مدار نظیر مقاومت خازن ، بوبین ، ترانسفورمر یا ترانزیستور •

مدار مرکب Compound circuit

مداری که دارای بیش از یک منبع ولتاژ و بیش از یک شاخه مصرف کننده جریان باشد •

کمپرسور Compressor

دستگاهی است الکتریکی که جهت تغییرات حجم یك سیگنال از آن استفاده می‌شود .

متمرکز کننده Concentrator

نوعی سیستم سوئیچینگ که تعداد ورودیهای زیادی را به تعداد خروجیهای کمی تبدیل می‌کند .

Concentration

۱ــ متمرکز کردن تمام تجهیزات از قبیل تغذیه به نیرو ، امورنگه داری وغیره را در یك محل گویند .

۲ــ ترکیب مکالمات ورودی چند خط یا ترانك برای انتقال که بتوان بطور موثر در یك گروه ترانك ارسال نمود .

۳ــ یکی از سه حالت شبکه سوئیچینگ، است (در قسمت دیگر شامل پخش و بسط است) .

Condition

شرایط تنظیم مدار: اضافه ونیزان کردن لوازم مداربرای اینکه بتوان افت مدار ، سطوح ، اعوجاج یامقاومت را به حد استاندارد رسانید .

انتقال Conduction

عبورالکتریسیته ، حرارت ، صوت در یك ماده ها دی عبورالکتریسیته .

هادی Conductor

هرجسمی نظیرسیم یاکابل که جریان الکتریکی رابه آسانی از خود ش عبـــور می دهد .

مجرا . لوله Conduit

لوله ای فلزی یاپلاستیکی برای حمل و محافظت هادی هابکاربرده می شود .

کنفرانس تلفنی Conference call

هنگامیکه یك مشترك تلفنی بتواند باچند مشترك دیگر دریك زمان صحبـــت کند .

Configuration

اجزای فیزیکی تشکیل دهنده یك سیستم کامپیوتر مانند واحد مرکزی وانـــواع دستگاههای ورودی وخروجی .

Connecting arrangement

استفاده از یك سرویس مرتب شده اتصالی که شامل یك دستگاه ارتبـــاط داخلی ، یك مرجع فنی و پیشنهاد تعرفه باشد .

اتصال . ارتباط Connection

مسیرسیم مستقیمی جهت عبورجریان بین دونقطه دریك مدار .

Connection,loose

ارتباط بین دوهادی که آب بندی نشده (شل است) و درنتیجه دارای مقاومتی درمقابل عبورجریان می‌باشد • عبورجریان از میان این مقاومت تولید حرارت ونویز الکتریکی می‌کند •

ارتباط دهنده Connector

یك هادی الکتریکی است که بعنوان یك سوئیچ اتوماتیك بطور همزمان نقطه تماس چند دستگاه رابهم مرتبط می‌کند •

ارتباط دهنده پیل Connector cell

تسمه ای است مسی برای اتصال پیلهای تغذیه (پیلهای ذخیره) که مجاورهم قرارگرفته اند •

Console

دستگاه رابط که درمراکز تلفن خودکار برای پاسخ دادن ارتباطها بکار می رود •

Console tipewriter

دستگاه رابط همراه باماشین حساب •

Constant

ثابت • غیرقابل تغییر: مانندفاز ثابت ، ضریب انتشارثابت ، زمان ثابت و غیره •

Contact

اتصال

نقطه اتصال دوجسم هادی که موجب عبورجریان می‌شود •

Contact,back

برگشت اتصال (اتصال عقبی)

اتصال ثابتی از یك جفت کنتاکت که زمانی که کلید یا فیوز عمل نمی‌کنند ، بسته می‌شود •

Contact bounce

جهش اتصال

ارتعاش یا باز وبسته شدن اتصالات بعد از عمل و تماس اولیه •

Contact breaker

قطع کننده •

وسیله ای که بطور خودکار یك اتصال راقطع می‌کند •

Contact cleaner

تمیزکننده • اتصال

ابزارمخصوصی برای پاك کردن اتصالات •

Contact.dry

اتصالی که جریان مستقیم از آن عبورنمی کند •

Contact,front

اتصال ثابتی از یك جفت کنتاکت که قاعدتاً بازشده • وزمانی که کلید یا فیوز عمل می‌کنند این اتصال نیزبسته می‌شود •

فاصله اتصال Contact gap

فاصله بین دواتصال هنگامی که درحال عادی قرارگرفته باشند •

فشاراتصال Contact pressure

فشاری که سطوح اتصال بریکدیگر وارد می‌کنند ومعمولاً برحسب گرم اندازه گیری می‌شود •

مقاومت اتصال Contact resistance

مقاومت بین دوسطح اتصال •

کنتاکتها Contacts

عناصر هادی که باعمل آنهایک مدارتکمیل می‌شود •

Contacts break

تماسها یاکنتاکتهای قطع شده موقعی که کلید یافیوز شروع به عمل می‌کنند •

Contacts, make

تماس یاکنتاکتهاکه بسته می‌شوند موقعی که فیوز یاکلیدی عمل می‌کند •

ترتیب اتصال Contact sequence

ترتیبی که اتصالات راقطع یاوصل می‌کند •

خوردگی اتصال Contact wear

مقداری از فلز که دراثر کارکردن مداوم سائیده می‌شود •

مداومت Continuity

حالت مداربسته ای که درآن جریان می‌تواند بطور مداوم عبورکند •

کنترل فرکانس بطور اتوماتیک Control automaticfrequency

مداری است که فرکانس رادریك اسیلیتور درحد مشخص ثابت نگـــــــه می‌دارد ، نظیر یك گیرنده رادیوئی •

کنترل گین بطور اتوماتیك Control utomatic gain (AGC)

یکی‌از مشخصات گیرنده های رادیوئی که می‌بایست فرکانس میانی وتقویـــت کننده های خروجی‌توسط کنترل گین اتوماتیك ثابت نگه داشته شوند •

کنترل حجم صدا بطور اتوماتیك Control automatic volume (AVC)

دستگاهی است که سطح خروجی یك گیرنده رادیوئی یا تقویت کننده را حتی زمانی که ولتاژ ورودی تغییرمی‌کند ثابت نگه می‌دارد •

شبکه کنترل Control grid

شبکه یك لاسپ الکترونی که عبورجریان ازآند به کاتد راکنترل می‌کند •

کنترل کننده Controller

اجزاء یك سیستم برنامه ریزی شده که دستورالعملهای ذخیره شـــده را انتخاب نموده ، آنها راتعبیرکرده وسیگنالهای کنترل رابه قسمتهای دیگـــر سیستم می‌فرستد •

اداره کنترل Control office

یك اداره یایك میز آزمایش و یا امکانات کنترل تکنیکی که مسئولیت تعمیر و نگه داری خطوط ، ترانکها و مدارها را به عهده دارد .

واحد کنترل Control unit

۱ــ دستگاهی که رابطه بین واحد مرکزی و واحد های خروجی را تامین می‌کند .

۲ــ دستگاهی که ضمن انتقال اطلاعات ، شکل اطلاعات را به صورت قابل قبول دستگاهها تبدیل می‌کند و عوامل وارسی را به کاراکترها اضافه می‌نماید .

۳ــ در برخی موارد به بخش مفسر دستورالعملها از مواد اجرای عملیات واحد کنترل گفته می‌شود .

مبدل Converter

دستگاهی که نوعی از جریان یا فرکانس را به نوعی دیگر تبدیل می‌کند .

مس Copper

فلزی با رنگ روشن و بواسطه خاصیت هدایت خوبی که دارد ، در الکترونیك بسیار مصرف می‌شود .

خفه کننده مسی Copper damping

روشی که جهت افزایش زمان عمل کردن یا رها شدن رله بکار برده می‌شود .

Cord

هادی عایق شده قابل حرکت وخم شدن و یا تعدادی از هادیها که جهت ارتباط موقتی درسوئیچ برد ها استفاده می شود .

Cord,answering

یك جفت سیم سوئیچ بردکه اپراتورجهت جواب دادن به مکالمات ورودی استفاده می‌کند .

Cord calling

یك جفت سیم سوئیچ بردکه دراختیار اپراتورمی‌باشد و از آن برای کامل کردن مکالمات به مکالمه خطی یاترانك استفاده می‌شود .

Core

هسته

۱ــ قابی‌از آهن که سیم پیچهای مسی روی آن پیچیده شده .

۲ــ حلقه قابل مغناطیس شدن از جنس آهن .

Core induction

القاء هسته در ترانسفورماتور .

Core loss

افت هسته

Core memory

حافظه هسته ای . حافظه حلقه ای

Core memory circuit

اتصال هسته تغذیه • ارتباط هسته تغذیه

Core storage

حلقه ذخیره • ذخیره حلقه ای

Coulomb

کولن • واحد بارالکتریکی •

Count

شمارش • جفت اعداد متوالی در یک کابل

Count,count area

محل یا محفظه پیش بینی شده • درروی یک واسطه یا درحافظه که درآن حاصل جمع تعدادی از عناصر اطلاعاتی اعم از جزء یا کل ثبت می شود •

Count,data format

صورتبندی اطلاعات با شمارنده • روی دیسک مغناطیسی •

Counter

شمارشگر

نوعی خاص رجیستر که ازمدارهای فلیپ فلاپ یا یک ورودی ومعمولاً یک خروجی موازی ساخته شده است که پالسهای ورودی را شمرده ومجموع شمارش رابه کدمعینی ذخیره می نماید •

Count key data format

صورتبندی اطلاعات باکلید وشمارنده روی دیسك مغناطیسی ٠

Country code

کد کشوری

یك ، دویاسه رقمی که جهت شناسائی کشورهاازیکدیگر دراول شمـــاره قرار میگیردکه دربرنامه شماره گذاری بین المللی تعیین شده است ٠

Coupler

کوپل کننده

مداریاوسیله ای که یك مدار رابه مدار دیگر مرتبط می سازد ٠

Coupling

کوپل کردن

مرتبط کردن دومدار یابیشتر بطریقی که نیرو ازیك مدار به مدارهای دیگر منتقل گردد ٠

Coupling capacitor

خازن کوپل کننده

خازنی که برای متصل نمودن دوطبقه ازیك مدار بکارمی رود ٠

Cross

عمود برمحور ، متقاطع : نقطه تماس بین یك جفت سیستم که ازدوطـــــرف متقابل می آیند ٠

Cross bar

کراس بار

۱ــ وسیله ای درسیستم تلفن برای ایجاد اتصال بین میله های عمودی وافقی کنترل کننده ٠

۲ــ سیستم سوئیچینگی که کنترل مرکزی شماره های گرفته شده را دریافت ومسیررا آماده می سازد .

وصل سراسری Cross connect

وصل کردن یك نقطه از مداربه نقطه ای دیگر .

تداخل مکالمات Cross talk

عیبی درسیستم تلفن که باعث تداخل مکالمات تعدادی مشترك می گردد .

کریستال Crystal

ماده شیشه ای شکل .

جریان Current

میزان عبوروانتقال الکترونها .

جریان متناوب Current, alternating (Ac)

یك جریان الکتریکی است که بطور مداوم مقدار آن تغییرمی کند وجهت آن درهرپریود عوض می شود .

جریان مستقیم Current, direct (DC)

یك جریان الکتریکی است که تنها در یك جهت نقطه تقاطع عبورمی کند .

داخل خط شدن Cut in

وسیله ای است که توسط اپراتورتلفن ، برای داخل شدن به خطوط

و کالمات تلفنی بکار می رود .

قطع کننده
Cut out

وسیله الکتریکی جهت قطع جریان یك مدار .

Cut over

عمل انتقال از یك سیستم به سیستم دیگر نظیر انتقال عمل دست در شماره گرفتن به صفحه شماره گیر .

Cut over device

کلید یا فیوزی که بصورت اهرمی در رد وقسمت در یك مدار پیچیده شده و اجازه انتقال سریع مدار را از یك قسمت به قسمت دیگر می دهد .

Cybernetics

کنترل های متقابل ، فرضیه کنترل های درونی در ماشین وموجـــــودات جاندار .

تناوب ، تواتر
Cycle

تغییرات هم شکلی که درفواصل زمانی مرتبی صورت گیرد .

تعداد دوردرثانیه
Cycle per second

واحد قدیمی برای تناوب که اکنون استاندارد بین المللی بجای آن هرتزاقرار داده است .

D

نوسانات تضعیف شده — Damped oscillation

۱ــ نوسانی که در هرموج متوالی دامنه نوسان تقلیل می‌یابد •

۲ــ نوسانی که در اثر از بین رفتن نیروی محرکه ضعیف می‌شود و مدار نوسانی از خود مقاومت نشان می‌دهد •

تضعیف کننده • خفه کننده — Damper

وسیله ای که برای کم کردن یا جلوگیری از ارتعاش اتصالات بکار می‌رود •

تضعیف کننده نوسانات — Damper, Vibration

۱ــ هروسیله ای که برای جلوگیری از نوسانات در سیم جریان وکابل هوایی استفاده شود •

۲ــ یك لوله مارپیچ ازجنس پولی‌اتیلن که برای تضعیف مدار آزاد (سیم لخت) وهمچنین تضعیف کابل وزنه هایی که بوسیله میله های فنری وقابل ارتجاع معلق هستند استفاده می‌شود •

تضعیف — Damping

عمل کند شدن ویا متوقف شدن کار عادی در یك وسیله یا ماشین •

Damping, magnetic تضعیف مغناطیسی

آهسته شدن وکم شدن حرکات مکانیکی در اثرواکنش مابین دوحوزه مغناطیسی •

Daraf

واحد الکتریکی عدم قابلیت حفظ الکتریسیته که مساوی با عکس خازن برحسب فاراد است •

Darsonval movment

دستگاه اندازه گیری در یک میلی‌ولت سنج که برای نوسانات سیم پیچ در یک میدان مغناطیسی دائمی استفاده می‌شود •

Data اطلاعات

مجموعه ای از عناصر مختلف از قبیل حروف ، ارقام ، علائم مخصوص که تشکیل مفاهیم معینی را می دهند که در اختیار کامپیوتر قرار می‌گیرد •

Data area

محل ثبت اطلاعات اصلی روی واسطه ها

Data bits

عناصری از حافظه یا واسطه هاکه درآن اطلاعات ثبت می‌شود •

Data cell یاخته اطلاعات

یک نوع واسطه مغناطیسی که اطلاعات درآن روی باریکه کوچکی از جنس پلاستیک با ذرات قابل مغناطیسی شدن ثبت می‌شود •

پرورش اطلاعات • به عمل آوردن اطلاعات Data processing

این اصطلاح عموماً در مورد اجرای یك عمل وسیله کامپیوتر به کار می رود •

پرورش دهنده اطلاعات Data processor

هرنوع ماشینی که در هرسطحی برای پرورش اطلاعات بکار می رود •

Data processing services

خدمات مربوط به پرورش اطلاعات ، خدمات کامپیوتری ، واحد مربوط به استفاده از یك کامپیوتر در یك سازمان •

مقیاس اطلاعات در سرعت بالا Data rate, high speed

انتقال اطلاعات در یك مقیاس بین ۲۴۰۱ باود و ۵۰۰ کیلو باود است •

مقیاس اطلاعات در سرعت پایین Data rate, low speed

انتقال اطلاعات در هرسرعت به ۱۵۰ باود می رسد •

مقیاس اطلاعات در سرعت متوسط Data rate, medium speed

انتقال اطلاعات در یك مقیاس بین ۱۵۱ تا ۲۴۰۰ باود است •

اطلاعات خام Data raw

اطلاعات اولیه که در اختیار ماشین قرار می گیرد و هنوز هیچگونه عملی توسط ماشین روی آن انجام نگرفته و ماشین می تواند آنرا رد یا قبول کند •

انگاره اطلاعات — Data register

ثبت اطلاعات • رکورد های اطلاعات — Data records

انتخاب کننده اطلاعات — Data selector

یك بلوك ساختمانی ترکیبی که اطلاعات را از یکی از چندین ورودی به یك خروجی واحد برطبق سیگنالهای کنترل از مسیر معین می برد •

سیگنال اطلاعات (مشخصه اطلاعات) — Data signal

نمایانگر یك سری اعدادی است که برای تبدیل اطلاعات و یا عملیات استفاده می شود که ممکن است شامل کنترل اعداد هم بشود •

منبع اطلاعات — Data sink

یك حافظه یا دستگاه ضبط است که اطلاعات را برای استفاده آینده ذخیره می کند •

ترمینال اطلاعات — Data terminal

دستگاهی است همراه یك سیستم کامپیوتر برای اطلاعات ورودی وخروجی و حتی این ترمینالها می توانند در موقعیت جدا از کامپیوتر قرار گیرد نظیر تلهتایپ ، نوار مغناطیسی •

نسبت انتقال اطلاعات — Data transfer rate

تعداد متوسط بیت ها ، کاراکترها در یك واحد زمان در سیستم انتقال اطلاعات •

هم زمانی انتقال اطلاعات Data transmission synchronous

انتقال اطلاعاتی که درآن فاصله عناصر سیگنالی تنظیم شده است زیـــــرا گیرنده دستگاه باید بازمان ورود و دریافت علائم همزمان باشد ٠

Data under voice (DUV)

ترتیب ارسال اطلاعات در ۱/۵۴۴ میگا بیت درثانیه درپهنای بانـد ٠

گروه اطلاعات زمانی Data time group

تاریخ وزمان پرکردن پیغام که برحسب شـش عدد و یك حرف بیان می‌شود که اولین دوعدد مشخصه روز ، ودومین دوعدد ، ساعت از ۲۴ ساعـــــت شبانه روزی ، وآخرین دوعدد ، دقیقه است وحرف ، نشان دهنده موقعیت زمانی نظیر پیش از ظهر یا بعد از ظهر است ٠

DB

یك اندازه گیری لگاریتمی است که نشان دهنده نسبت ضریب دوقـــــدرت است : $dB=\log_{10}\frac{P2}{P1}$

dBm

یك اندازه گیری لگاریتمی درقدرت نسبت به یك میلی‌وات است ٠

$$dBm=10\log_{10}\frac{P}{1mw}$$

DC

جریان مستقیم : جریان الکتریکی که فقط دریك جهت جریان پیدا می‌کند ٠

Dead-end

نقطه انتهائی یك جفت کابل یا سیم برروی یك دکل یا قطب •

Debug

برطرف نمودن اشتباه

جدا نمودن خرابی یا اشتباه در یك مدار جدید •

Debugging

روشی برای کشف تشخیص وبرطرف کردن اشتباهات در نرم افزار یا سخت افزار •

Decade

دهه

سیستمی که برمبنای ۱۰ پایه گذاری شده باشد •

Decade counter

شمارشگر دهدهی

یك شمارشگر مدول ده که از صفر تا نه را در کد BCD می شمارد •

Decay

تخلیه • افت

کم شدن اختلاف سطح اولیه در دامنه •

Deci

دسی

پیشوندی که معنای یك دهم را می دهد مانند دسی متر و دسی گرم .

Decible(dB)

واحد اندازه گیری افت انتقال ، گین رابطه سطح می‌باشد فرمـــــول آن $1dB=decible=10log^{P2}/_{P1}$ که P , P اندازه های نیروهستند که بـر حسب وات اندازه گیری شده است .

همچنین واحدی است برای تعیین مقدارولتاژ صوت یاجریان گین برحسـب dB.

Decimal

دهدهی ، اعداد درپایه ده ، اعداد اعشاری .

Decimal number system of code

سیستم یاکد اعداد اعشاری .

Decisions

۱ــ تصمیم درمورد تعیین عملی است که براساس دوحالت مشابه اطلاعـــات بوجود می‌آید .

۲ــ نقطه ای ازبرنامه است که ممکن است جریان کنترل رابه یکی ازانشعابهای موجود بفرستد .

Decision table

جدول تصمیم

شیوه ای برای نمایش درجه وابستگی بین چند عامل متغیر ، تاآشکارشـــــدن تغییر شرایط هر عنصرروی عناصر دیگر مسئله مشخص شود .

Deck

د رکامپیوترد ستگاه مکانیکی است برای جمع آوری کارتهای اطلاعات.

Decode

۱ــ تبدیل صورت ظاهری اطلاعات از یك طرح به طرح دیگر .
۲ــ تبدیل صورت ظاهری یك کاراکتراز طرح ماشینی به طرح اصلی که قابل فهم انسان است .

Decoder

۱ــ دستگاهی که طرح اطلاعات راازیك صورت به صورت دیگر برمی‌گرداند .
۲ــ شبکه یاسیستمی است که باترکیب ورودیهاودادن انرژی دریك زمان یك سیگنال خروجی تولید می‌کند .

Decoupling

آزادکردن . رهاکننده
تقلیل و یاحذف مابین جفت دومدارالکتریکی .

Dedicated

سیستمی است محدود به یك کاربخصوص .

Dedicated service

سرویس ارتباطی است که‌به‌یك جفت استفاده کننده مجزااختصاص داده می‌شود .

De-energize

توقف عبورجریان دریك مداریاجداکردن پتانسیل الکتریکی از یك مدارنظیر

قطع یك سوئیچ .

Deflection

انحراف

حرکت شعاع الکترونیکی در یك لامپ کاتدی که بعنوان میدان الکترومغناطیسی یا میدان الکترواستاتیك عمل می‌کند .

Deflection full scale

نشان داده شدن حداکثر مقدار درجه در یك وسیله اندازه گیری .

Degeneration

توقف . برگشت منفی . تخلیه

Degree, electrical

درجه الکتریکی

یك سیصد وشصتم یك سیکل از جریان متناوب .

Dehumidifier

دستگاه مکانیکی سردکننده که رطوبت را از هوا توسط سرد کردن آن می‌گیرد .

Deka

پسوندی است **به معنای ده** برابر مقدار چیزی **نظیر دکامتر** .

Delay

تاخیر

فاصله زمانی بین ورود یك پالس و پالس **مشابه بعدی** .

مکالمه با تاخیر Delay,call

در اثر شلوغی در قسمتهای لوازم سوئیچینگ اتوماتیک بایستی صبر کرد تا خط آزاد شود که این تاخیر تا ۱/۵٪ قابل قبول است که در ساعات شلوغی تا ۳ ثانیه هم می‌رسد ۰

Delay hang over

در یک محدود کننده انعکاس صوت ، طول زمان نسبت به تاخیر مداری که در یک جهت انتقال می‌یابد محدود می‌شود به تنظیم سیگنالی که ناپدید شده است ۰

زمان تاخیر Delay time

فاصله زمانی بین عملیات یک مدار که معمولاً با ثانیه یا میلی ثانیه اندازه گیری می‌شود ۰

ارتباط دلتا Delta connection

یک روش ارتباطی است در مدار برق سه فازه به شکل اتصال مثلث ۰

دسترسی مرکب برحسب تقاضا Demand assignment multiple access

یک روش ارتباطی در ارتباطات ماهواره ای که در آن تعدادی ایستگاه زمینی با یکدیگر ارتباط برقرار می‌سازند ۰

دمدولاسیون Demodulation

عکس مدولاسیون است که در آن سیگنال مدوله شده بصورت اصلی خود مدوله می‌شود ۰

Demultiplexer

ترکیبی است که اطلاعات در یک دستگاه کامپیوتر را از یک ورودی به یکی از چندین خروجی برطبق سیگنالهای کنترل از مسیر معین می برد .

ظرفیت Density

ظرفیت یک حافظه یا واسطه .

ظرفیت قدرت Density power

قدرت برحسب وات در یک هرتز . به عبارت دیگر ، کل قدرت در باند فرکانس توسط پهنای باند برحسب هرتز تقسیم می شود .

غلظت میدان (ظرفیت میدان) Density field

تعداد الکترونها یا خطوط مغناطیسی نیرویی است که از میدان یک سطح عبور می کند .

طبقه محدود کننده Depletion layer

ناحیه متراکم از ایمهاد را تصال مواد نیمه هادی نوع N و P است که هیچگونه جریانی را عبور نمی دهد مگر این که قبل از دستگاه ولتاژ مستقیمی قرار گرفته باشد .

Depolarizer

ماده است شیمیایی معمولاً از جنس دی اکسید منگنز که به پیل خشکی اضافه می شود تا قطبی شدن شیمیایی حاصل از تخلیه را از بین ببرد و در نتیجه مقدار ضریب تخلیه ثابت نگه داشته می شود .

Deposit

محلی که در تلفنهای عمومی سکه ای پول توسط تلفن کننده در آن قرار می‌گیرد .

Designation

علامت مشخصه

یک نام یا شماره مشخص ، علامت یا نامی که یک تولید کننده برروی جنس تولیدی قرار می‌دهد .

Description

توصیف ، تشریح ، بیان وضع یک رکورد از نظر نوع طرح وصورتبندی .

Destination code

کد شماره تلفن بصورت کامل ده رقمی است که سه رقم آن مربوط به منطقه ، سه رقم مربوط به کد مرکز تلفن و چهار رقم بقیه مربوط به شماره مشترک است .

Detailed message recording (DMR)

نوعی صورت حساب برای یک مکالمه تلفنی است که تمام جزئیات از قبیل تاریخ مکالمه ، محل تلفن شده و غیره ضبط می‌شود .

Detection

آشکارسازی

۱ــ تولید مجدد یک سیگنال مدوله شده بفرم اصلی بدون استفاده از اسیلیتورمحلی .

۲ــ روشی که برای تعیین محل عیب بکار می‌رود .

Detection, linear

آشکارساز خطی

آشکارسازی که تولید جریان خروجی آن متناسب با **ولتاژ ورودی** است •

Detection, square law

آشکارسازی مربع

آشکارسازی است که جریان خروجی تولید شده • آن متناسب با مربع (توان دوم) ولتاژ ورودی است •

Detector

آشکارساز

وسیله ای که برای کسب اطلاعات بکاربرده • می شود •

Detector, crystal

یك دیود ژرمانیم یا یکسوکننده • مشابه ای است که می‌تواند برای آشکارسازی مدوله یا مدوله کردن سیگنالهای فرکانس رادیوئی استفاده • شود •

Detector, first

اولین طبقه مخلوط کننده • درگیرنده • رادیوئی است که توسط آن سیگنال رادیوئی با سیگنال اسیلیتورمحلی مخلوط می‌شود تا یك فرکانس میانی تولید شود •

Detector, second

دومین طبقه آشکارساز درگیرنده • سوپرهترودین رادیو است که سیگنال نوسانات صوتی از سیگنال فرکانس میانی مشتق می‌شود •

Detune

۱ــ تنظیم یك مداربطوری که درمقابل فرکانسهای مخصوصی عکس‌العمل نشان ندهد ٠

۲ــ تغییرضریب القائی یاظرفیت یك مدارهماهنگ بطوری که درسیگنال فرکانس‌مصرفی طنین اندازنیست ٠

انحراف مجاز — Deviation, allowable

حد مجاز اختلاف مابین وضعیت یك طبقه باوضعیت معیاراصلی یانمونه ٠

انحراف فرکانس — Deviation, frequency

حداکثر مقدار فرکانس است مطابق حداکثر موج تعدیل ٠

ضریب انحراف — Deviation ratio

نسبت انحراف فرکانس به حداکثر مدولاسیون (موج تعدیل) ٠

انحراف معیار — Deviation, standard

لغت آماری است برمبنای توان دوم انحراف ها وآن راهی است مناسب برای تعیین و بیان تجزیه از یك میانگین ٠

Device

یك وسیله برای مجزانمودن الکترونهای معمولی نظیرمقاومت ، ترانزیستوروپا مدارمیکروالکترونیك ٠

Device, analog

یك وسیله و شرایط كار در انجام اعمال ریاضی مانند جمع بستن ، انتگرال گیری و غیره .

Device, input output

دستگاه ورودی وخروجی ، دستگاهی است در سیستم ارتباطی دیتا كه در آن اطلاعات وارد یا خارج می شود .

دستگاه نیمه هادی Device, semiconductor

هر دستگاه الكترونی كه براساس نیمه هادی است ، نظیر یك دیود كریستال ، ترانزیستور .

دیاك Diac

دو دیود موازی كه بطور معكوس بسته شده است . از آن جریان كم ، یعنی كمتر از یك آمپر عبور می كند . اسم آن مخفف كلمات دیود و جریان متناوب یعنی diodeAC است .

تشخیص Diagnose

پیدا كردن عیب و نقص در دستگاه .

Diagram block

نمودار مدار ساده ای است كه تمام واحد های آن بصورت شماتیك و با مشخصات ساده ای نشان داده می شود .

Diagram,schematic

طرح دیاگرام

یك نمودارعملی از یك مدارالکتریکی که تمام قطعات آن بصورت سمبولهای متداول نشان داده شده وسیمهای ارتباطات داخلی بوسیله خطوط بر روی نمودارمشخص شده است .

Diagram,Traffic

دیاگرام ترافیکی

یك شمای کلی از مرکز سوئیچینگی است که تمام خطوط و ترانکها برروی آن نمایش داده شده است .

Dial

شماره گیر

۱ــ وسیله ای درارتباطات برای انتقال ارقام .

۲ــ صفحه وسایل اندازه گیری .

Dial,Automatic

شماره گیراتوماتیك

وسیله ای که شماره تلفنی راکه قبلاً گرفته شده بطور اتوماتیك دوباره می‌گیرد .

Dial speed

سرعت شماره گیر

سرعت عادی کارکردن شماره گیر (معمولاً ۱۰ پالس درثانیه).

Dial speed tester

دستگاهی که برای اندازه گیری سرعت شماره گیر بکارمی رود .

Dial tone

تنی که نشان می‌دهد دستگاه برای شماره گیری آزاد است ·

دیافراگم Diaphragm

صفحه نازك فلزی که با امواج صوتی حرکت می‌کند ·

Dielectric

عایق (دی الکتریك) جسمی که دارای مقاومت زیاد باشد جریان الکتریسیته راهدایت نمی‌کند اما دارای میدان ثابتی است ·

اختلاف پتانسیل Difference,potential

اختلاف لگاریتمی بین ولتاژ دونقطه دریك مدار الکتریکی ·

Diffraction

انحراف · پراش

پخش · نشر Diffusion

انتشار یا گسترش یك موج ، مانند موج صوتی ·

رقم Digit

هرنمره ای از صفر تا ۹ راگویند ·

دیجیتال Digital

سمبل دیتا به شکل قطعات یعنی بیت هایاارقام.

شمارشگراعداد Digital counter

دستگاهی که ضربه های الکتریکی رانشان می‌دهدو می‌شمارد.

کامپیوترزقمی Digital computer

کامپیوتری که براساس محاسبات رقمی و عددی ساخته می‌شود.

اطلاعات دیجیتالی Digital data

علائمی هستندکه می‌توانند مقادیرمجزائی از فاکتورهایی راکه بصورت اطلاعات تغییرپیداکرده اند قبول کنند.

انتقال دیجیتالی Digital transmission

یك روش انتقال اطلاعات است که تمام اطلاعات نخست بصورت ارقام درآمده و سپس به ترتیب جریان ضربه هاارسال می‌شود.

دیود Diode

۱ــ وسیله ای که دارای دوالکترود می‌باشدیکی آندویکی کاتد.

۲ــ یکی از عناصر مهم درصنعت الکترونیك نیمه هادی هاست که تحت شرایطی‌هادی وتحت شرایط دیگر نیمه هادی یاعایق هستند.

Diode, germanium

یك دیود نیمه هادی که ژرمانیم بعنوان یك عنصر آن، برای یکسو سازی

استفاده می شود .

دیود نیمه هادی Diode, semiconductor

دستگاهی که دارای دوالکترود نیمه هادی است و جریان را به آسانی در یک جهت هدایت می کند .

دیود تونل Diode, tunnel

درمقابل جریان قطرلایه بین دوکریستال آن تغییرمی کند . دیود تونل می تواند درفرکانسهای بسیارزیاد تاحدودیک گیگاسیکل نوسان کند .

Diplex

ارسال یادریافت دو علامت برروی یک مدار یا کانال دریک جهت ودریک زمان .

Dipole

آنتن دوطرفه ای شامل یک سیم که مرکز آن به منبع تغذیه وصل می شود. مقاومت ظاهری آن برابر با ۷۲ اهم است .

دستگاه دسترسی مستقیم ذخیره اطلاعات Direct access storage devices

دستگاههایی که دارای واسطه های دسترسی مستقیم هستند ، اختصاراً این دستگاهها را DASD می نامند .

اتصال مستقیم Direct connection

کوتاهترین فاصله بین دونقطه .

Direct coupling

اتصال میانی از دوطبقه از یک دستگاه الکتریکی مانند یک آمپلی فایر بایک سیم یا یک مقاومت که جریان مستقیم را می تواند عبورد هد •

جریان مستقیم Direct current (dc)

جریان الکتریکی که درجهت مستقیم عبورکند •

مکالمات بین المللی بطور مستقیم Direct international call

انجام یک مکالمه بین المللی بین دو ایستگاه با استفاده از یک مدارمنفرد بین المللی •

مداراتصال بطور مستقیم Direct junction circuit

مداری مابین دو مرکز تلفن محلی •

Directory

جدول راهنما ، فهرستی از نشانیهای اطلاعات یادستورالعملها درحافظه یا روی برخی از واسطه ها •

Disable

عدم دیدن • خرابی مدار

عملیاتی که برروی یک مدار بوجود می آید تا از جریان کارآن جلوگیری کند •

دشارژ (خالی شدن • تخلیه) Discharge

۱ــ خالی کردن یاکم کردن بارالکتریکی •

۲ــ یک باتری ذخیره شده که بتدریج انرژی شیمیائی رابه انرژی الکتریکی

تبدیل می‌کند •

قطـــــع کردن
Disconnect

خارج کردن جریان از یك مدار •

تفکیك • انتخاب
Discrimination

صفحه
Dish

صفحه منعکس کننده امواج میکروویوکه سطح مقعری دارد •

Disk

صفحه فلزی باپوششی از ذرات قابل مغناطیس شدن •

Disk drive

دستگاه دیسك خوان که درآن مغناطیس رابرای انجام عملیات قـــــرار می‌دهند •

Disk pack

مجموعه چند دیسك که تشکیل یك واحد ذخیره اطلاعات رامی‌دهد •

Displacement

جای گیری شماره یك خانه حافظه در داخل یك پایه (بایس)•

Display

نشان دادن • نمایش

نمایش دادن اطلاعات بصورت بصری •

Display unit

واحد یا دستگاهی که به کمك آن می‌توان برخی از اطلاعات یا دستورالعملها راکه درداخل کامپیوتر درحال اجراء است به نمایش درآورد •

Distortion

اعوجاج • اختلاف درامواج

تغییرشکل نامطلوب درشکل امواج بطوری که امواج دریافتی کاملاً شبیه به آنچه از طریق فرستنده ارسال شده است نیست •

Distortion,Attenuation

تضعیف اختلاف موج

تغییرافت یك مداربا تغییر اندازه فرکانس •

Distortion,harmonic

اختلاف موج هارمونیکی

اختلاف موج در اثر مشخصات یك انتقال غیرخطی که درنتیجه فرکانسهای هارمونیکی ظاهرمی شود •

Distress call

مکالمات اضطراری که درارتباط بانجات زندگی انسانها در دریاها و هوا استفاده می‌شود •

Distributed

پخش مقاومت بوبین و خازن در یك خط انتقال که بطور یکنواخت درطول

مدار پخش می شود .

نقطه انشعاب Distribution point

نقطعه ای که یك کابل اصلی به چند نقطه فرعی وصل می گردد .

قاب توزیع Distribution frame

اسکلت فلزی که جهت انتقال سیمها به نقاط مختلف بکار می رود .

پخش کننده Distributor

قسمتی از یك وسیله الکتریکی که جریان الکتریکی را به قسمتهای مختلف یك مدار می رساند .

پخش مکالمات بطور اتوماتیك Distributor automatic call

لوازمی که دریافت مکالمات ورودی یك گروه ترانك رابطور متوالی پخش می نمایند .

Diversion call

مزایای بعضی از مراکز تلفن داخلی است که مکالمات یا شماره گیری مستقیم راتحت شرایط خاصی به اپراتور انتقال می دهد .

Diversity

یك روش انتقال و دریافت رادیوئی که اثرات فیدینگ توسط ترکیب سیگنالهای متعدد به همان صورت معنی می شوند .

Divided

مقسوم

عددی که برعدد دیگر تقسیم شود .

Divider, voltage

تقسیم کننده ولتاژ

با قراردادن مقاومت درعرض ولتاژ می توان ولتاژ کل راتقسیم کرد .

Divisor

مقسوم علیه

عددی که عدد دیگر راتقسیم کند .

Domain

ناحیه ای در حدود یك ماده کریستالی که درآن ناحیه ، تمام ملکولهای میدانهای الکتریکی درجهت خطوط متوازی هستند .

Donor

نیمه هادی

یك ماده ناخالص ، معمولاً ازآنتیموان یا آرسنیك که برای اضافه شدن تعداد الکترونهای آزاد به یك ماده نیمه هادی از ژرمانیم یاسیلیکون اضافه می شود .

Dopant-doping

ناخالص . ناخالص کردن

ماده ای که به یك ماده نیمه هادی اضافه شده تاآنرانوع P یا N بنماید ، واضافه کردن این ماده ، ناخالص کردن نام دارد .

Double-pole

دوقطبی . قطب مضاعف

کلید یا فیوز کنتاکتها که بطور همزمان در دوطرف یك مدار بازوبسته می شود .

تعویض دوقطبی Double-throw

کلید یافیوز کنتاکتهایی که مدار A را از مدار B به مدار C منتقل می‌کند •

دوهجائی • دوکلمه ای Double-word

دوخانه حافظه یا دومحفظه که تشکیل یك واحد راداده باشند •

کانال • خروجی Drain

۱ــ جریان تنظیم رژه از یك منبع ولتاژ بوسیله یك نیرو •

۲ــ یك اتصال به زمین •

خط منفرد ترسیم Drawing, single line

ساده کردن سطوح مدار یك واحد خط که بصورت ۲ ، ۳ یا سیمهـــــای بیشتری نمایش داده می‌شود و یك واحد ارتباطی مابین دوقطعه مـــــدار بوجود می‌آید •

کشش • انتقال قدرت Drive

علامتی که برای ورودی یك تقویت کننده قدرت بکار می‌رود •

محرك Driver

۱ــ مداری که ورودی برای مداری را باقدرت زیاد تهیه می‌کند •

۲ــ مداری که سیگنال دیجیتال را باقدرت کافی برای راندن چیزی غیـــــراز چندگیت مجاور از قبیل هسته های مغناطیسی درحافظه ایجاد می‌کند •

افت پتانسیل Drop, potential

اختلاف پتانسیل بین انتهای یك مقاومت موقعی که مقداری جریان از مقاومت عبورمی‌کند • افت پتانسیل برحسب ولت مساوی عبورجریانی است برحسب آمپر و مقاومت برحسب اهم •

افت ولتاژ Drop, voltage

تقلیل ولتاژ درمحل تقاطع جریان یك مقاومت •

Dry

به مدارهایااتصالهای مداری که جریان مستقیم عبورنمی‌دهد ، گفتمی‌شود •

پیل خشك Dry cell

باطری قابل حملی که الکترولیت آن بصورت خمیری بود • و نمی‌ریزد •

Dry circuit

مداری که جریان صوت راعبورنمی‌دهد •

عملکرد دوبرنامه ای Dual programming

اجرای همزمان دو برنامه دریك کامپیوتر که دارای یك سیستم کارنمایی است •

انباشتن Dump

نوشتن تمام یاقسمتی ازمحتوای حافظه برروی واسطه ها •

Duplex

۱ــ دو دستگاه در یک واحد ۰

۲ــ عملیات هم زمان در دو جهت ۰

Duplex full

یک کانال یا مداری که قادر است بطور همزمان در دو جهت انتقال یابد ۰

Dynamic storage circuit واحد ذخیره سازی دینامیک

مدار الکتریکی که بیت ها را به شکل بار الکتریکی در یک خازن ذخیره می نماید ۰

Dynamic system controls

وسایل متعدد جهت کنترل شبکه نظیر بهم زدن مسیرهای متناوب ، بستن کد و غیره که باعث می شود دستگاه در مواقعی که با اضافی یا حالت غیرعادی دارد بطور اتوماتیک به حالت عادی قرار گیرد ۰

E

E & M signaling

یك نوع سیستم سیگنالینگ ، بین یك مدارترانك و یك واحد سیگنالینگ مخصوص که برروی دوسیم سربی انجام شده : سیم M برای انتقال علائم و سیم E برای دریافت علائم است .

گوشی Earphone

یك دستگاه الکتروآکوستیکی است که موجهای الکتریکی رابه امواج صوتی تبدیل می‌کند .

زمین Earth

Earthed

قسمتی از دستگاه که به زمین وصل شده باشد .

صفحه اتصال زمین Earth plate

صفحه ای از جنس‌هادی که درزمین دفن می‌گردد .

مداربرگشتی به زمین Earth return circuit

مداری که دارای یك هادی مابین دونقطه است و توسط زمین ، آن‌دونقطه

به یکدیگر مرتبط می‌شوند .

ایستگاه زمینی سیار Earth station, mobile

اتصال زمین Earth terminal

اتصالی که روی دستگاه برای وصل به زمین تعبیه شده است.

سیم زمین Earth wire

سیمی که به زمین وصل می‌گردد .

انعکاس Echo

سیگنالی که منعکس می‌شود و یا به عبارتی باقدرمطلق کافی برگشت پیـــــدا می‌کند .

حذف کننده انعکاس صوتی Echo suppressor

دستگاهی است جهت آشکارسازی سیگنالهای صوتی که ممکن است درجهت یک مدارچهارسیمه ارسال شود .

انعکاس صحبت کننده Echo talker

انعکاس صدای صوت است درموقعی که تاخیر بین سیگنالهای اصلی وانعکاس بوجود آید .

Edit

تصحیح ، مرتب کردن اطلاعات به شکل مطلوب ،جابجاکردن فیلدها ، اطلاعات وحذف علائم زائد وغیرمطلوب وتهیه لیست اولیه از اطلاعات بمنظورتصحیح .

مقاومت موثـر Effective resistance

اضافه شده مقاومتی است که توسط یک هادی عبورجریان متناوب در مقایسه با جریان مستقیم نمایش داده می شود .

راندمان Efficiency

دستگاهی است الکتریکی که قدرت مفید خروجی را به کل قدرت ورودی بر حسب درصد تقسیم می کند .

راندمان آمپرساعت Efficiency ampere-hour

تقسیم تعداد آمپرساعتهای بدست آمده از ذخیره یک باطری بر تعداد آمپر ساعتهای مورد نیاز برای دوباره ذخیره کردن همان باطری تا به حالت اولیه خود برگردد .

راندمان انتقال دیتا Efficiency,data transmission

تعداد بیت های اطلاعات مفید که توسط گیرنده دریافت می شود تقسیم بر تعداد کل بیت هائی که می بایستی ارسال شود .

ولتاژ موثر Efficiency voltage

نسبت ولتاژ متوسطی است در خلال دشارژ به ولتاژ متوسط در خلال شارژ .

Eight cannal code

نوار کاغذی هشت ردیفه .

Elastance

عدم قابلیت حفظ الکتریسیته • مقیاسی ازدیرجایگیری یك بارالکتریکی دریك خازن که درجهت مخالف از ظرفیت خازن قرارمی‌گیرد •

Electrical charge

بارالکتریکی ، مقدارالکتریسیته ای که "در" یا "بر" روی بدنـــــه ای وجود داشته باشد •

هادی الکتریسیته Electiric conductor

هرجسمی که جریان الکتریسیته به آسانی از آن عبورکند •

میدان الکتریکی Electric field

فضای مجاور جسم باردار •

الکتریسیته Electricity

۱ــ اساس خاصیت همه موادی که بارهای مثبت ومنفی (الکترونهـــــــاو پروتونهای) یکدیگررا جذب می‌کنند •

۲ــ انرژی پتانسیل الکترونهادرحال سکون وانرژی سینتیك آنهادرحـــــال حرکت است •

Electrode

یك هادی که جریان رابه مایع ، گاز یاجسم جـایقی وارد و یاازآن خـــــارج می‌کند •

ولتاژالکترود Electrode voltage

ولتاژی است مابین یك الکترودویك کاتد •

تجزیه الکتریکی Electrolysis

ایجاد تغییرات شیمیائی بوسیله عبوردادن جریان از داخل یك الکترولیت•

الکترولیت Electrolyte

ماده ای که وقتی درمایعی حل شود موجب هدایت الکتریسیته می شود •

خازن الکترولیتی Electrolyte capacitor

خازنی که دارای قطبهای مثبت ومنفی باشد •

مغناطیس الکتریکی Electromagnet

دستگاهی است بایك هسته آهنی سیم پیچ شده که جریان ازمیان سیم پیچ اطراف هسته آهنی عبورمی کند •

میدان الکترومغناطیسی Electromagnetic field

میدانی است دررابطه بااموا ج نوری یارادیوئی شامل یك میدان الکتریکی ومغناطیسی عمود برهم که درجهت انتشارموج می باشد •

امواج الکترومنیتیك Electromagnetic wave

موجی است درطول سیم آنتن که میزان انرژی اعمال شده به هادی راتعیین می کند و تبدیل به انرژی الکترومنیتیك شده که بصورت موج درطول آنتن

حرکت می‌کند که ممکن است ازطریق آنتن تشعشع یافته ود رفضا پخش شود •

Electomotive force

نیروی محرکه الکتریکی

فشارالکتریکی که باعث حرکت الکترونها د ریك مدارالکتریکی می‌شود •

Electron

الکترون

جزئی از اتم که دارای بارمنفی است •

Electron charge

بارالکترون

که شامل بارالکتریکی یك الکترون می‌باشد •

Electronic

الکترونیك

شرح دستگاهی که بستگی به جریان الکترونها دارد شامل لامپ خلاء ، وسایل نیمه هادی و غیره •

Electronic data processing

۱ــ استفاده ازحافظه الکترونی جهت ذخیره اطلاعات و خواندن آنها بطوراتوماتیك •

۲ــ پرورش اطلاعات باوسایل الکترونی •

Electronics

علم الکترونیك

مطالعه و تشریح وسایل ، مدارباسیمهای الکترونی •

سیستم سوئیچینگ الکترونیک Electonic switching system

سیستمی است که دستگاههای سوئیچینگ از طریق کامپیوتر جهت عملیات سوئیچینگ مکالمات تلفنی استفاده می‌کند که کنترل آن بصورت متمرکز و غیر متمرکز است.

هجرت الکترونی Electrophorese

حرکت ذرات باردار به طرف قطب مخالف.

آبکاری الکتریکی . آبکاری برقی Electroplate

استفاده از یک لایه فلزی برروی سطح مستعد برای هدایت بوسیله عمل الکترولیتی (تجزیه ماده).

الکتریسیته ساکن Electrostatic

اصطلاحی که برای بارالکتریکی ساکن بکاربرده می‌شود.

میدان الکتریسیته ساکن Electrostatic field

محل یا منطقه‌ای که تحت نفوذ الکتریسیته ساکن باشد.

عنصر Element

۱ــ جسم ساده ای که فقط شامل اتم است.

۲ــ قسمتی از یک مدار را نیز گویند.

عناصر مدار Element circuit

واحد های مجزائی شامل مقاومت ، ضریب القائی ، خازن که در یک مدار الکتریکی وصل شده است .

Element signal

هرقسمتی از اطلاعات کامپیوتری (دیتا) یا علائم تلگرافی که بوسیله دامنه نوسان ، خاصیت قطبی بودن ویا تنظیم زمان مشخص می‌شود .

Element error rate

نسبت خطای تعداد اطلاعات ، عناصر ، کاراکترها یا بلوکهای دریافت شده به تعداد کل اطلاعات ، عناصر ، کاراکترها و یا بلوکهای ارسال شده .

مدارهای اساسی Elementary circuits

شرایطی که باید وجود داشته باشد تا اطلاعات صحیح واساسی از کامپیوتر دریافت شود .

Emission

انتشار . خروج : آزاد شدن یا خروج الکترونها از یک سطح .

ورودی ترانزیستور Emitter

یکی از سه الکترود یک ترانزیستور که معادل کاتود یک لامپ رادیوئی است و معمولاً بشکل یک پیکان در شکل مدارات استفاده می‌شود .

Emitter follower

پایه کلکتور که در یک مدار ترانزیستور بعد از ورود ی آن یا امیتر قرار گرفته و جریان را به سوی خود ش هدایت می‌کند •

کد نگار Encoder

دستگاهی شامل یک صفحه کلید های مربوط به انواع کاراکترهای که به کمک آن می‌توان اطلاعات را مستقیماً به صورت قابل جذب کامپیوتر روی یک واسطه انتقال داد •

End cells

ذخیره انرژی پیلهاکه با ۲۳ پیل بطور یکنواخت در اطاق باطری مرکز تلفن اصلی بطور سری قرارگرفته اند •

Energized

انرژی دار کردن ، وصل شدن وسیله ای به یک منبع انرژی ، روشن کردن •

Energy

انرژی

ماشینی که انرژی حرارتی را به انرژی کار یا قدرت تبدیل می‌کند و یا ماشینی که انرژی الکتریکی را به نیروی مکانیکی تبدیل می‌کند که آنرا موتور گویند •

Engaged tone

تن اشغال

عبارت مترادف Busy tone می‌باشد •

مهندس ارتباطات Engineer communication

مهندس برقی که درطراحی و عملیات و نگهداری مدارهای ارتباطی ویا لوازم و سیستمهای مخابراتی باسیم و بدون سیم متخصص می‌شود .

مهندس الکترونیك Engineer electronic

شعبه ای ازمهندسی برق که دراصول الکترونیك وحل مسائل عملی رشته مربوطه بحث می‌کند .

مهندسی ترافیك Engineer trafic

رشته ای از تکنولوژی ارتباطات است که درتعیین حداقل کمیت لوازم وترانکها و غیره درشبکه های مخابراتی بحث می‌کند .

انتروپی Entropy

اندازه مقداری از اطلاعات است در علائم ارتباطی معادل باحد متوسط تعداد بیت ها (bits) دریك سمبول .

درجه تاخیر اعوجاج Envelope delay distortion

حداکثر اختلاف زمان انتقال بین دوفرکانس که دریك باند فرکانس مشخص شده باشند برحسب میکروثانیه .

Epitaxial

لایه اپیتاکسال روی یك پولك یاچیپ نیمه هادی ، لایه نازکی از نیمه هادی کریستالی است که روی لایه تحتانی توسط رشد کریستال از گاز داغ بوجود

آمده است.

تعادل Equalization

روش تعادل برای دامنه کانال یا اعوجاج زمان حرکت دسته ای .

متعادل کردن Equalize

روش کاربرد یک مدار در یک شبکه الکتریکی که علائم انتقال کامل کنند. آن خط هستند . بنابراین ، زمانی که علائم تاخیر در خط و در متعادل کردن ترکیب شده اند مجموع تاخیر در تمام فرکانسها به همان نسبت است .

تعادل دهنده Equalizer

یک شبکه معمولاً قابل تنظیمی که علائم فرکانس انتقال از یک مدار را برای مجاز بودن آن به تمام فرکانسهایی که در یک روش یکسان عبور می کنند تغییر می دهد .

بار متعادل کننده Equalizing charge

بار اضافی داده شده به مخزن باتری اسیدی سربی برای تغییر دادن انجراف در وزن مخصوص باتریهای خاص .

لوازم ترمینالهای تجاری Equipment,business terminal

اختصاص یک سری لوازم ارتباطی جهت استفاده متشرکین شامل تله تایپ ، دستگاههای دیتا ، سیستمهای تلفن منشی، سانترال و غیره .

لوازم خط Equipment, line

لوازم مرکز تلفن که بـطورانفرادی به یك مشترك واگذارشده که درواقع یك سری لوازم انتقال مشترك به تجهیزات مرکز تلفن وصل می شود .

لوازم خارج از سرویس (لوازم مجزا) Equipment, off-line

لوازم یا دستگاههای ارتباطی که باترمینالهایی که درفاصله دورقرار گرفته اند ، ارتباط مستقیم ندارند .

لوازم متصل به سرویس Equipment, on-line

لوازم ارتباطی است که بطورمستقیم باترمینالهای دورارتباط دارد نظیر وصل ترمینال به کامپیوترمرکزی .

لوازم پیرامونی (دستگاههای ورودی وخروجی) Equipment,peripheral

لوازمی که درارتباط و پیوستگی بایك سیستم مخابراتی است اما مستقیماً بدان متصل نشده است .

مدارمعادل Equivalent circuit

مدارساده ای که از نظرالکتریکی معادل یك مداراپیچیده تر باشد .

پاك کردن . خاموش کردن Erase

برطرف کردن همه اطلاعات از یك ثبات یا حافظه کامپیوتر . گاهی اوقات بانوشتن یك صفر ، تمام موقعیت های حافظه پاك می شود .

ارلانگ Erlang

واحد ترافیک تلفنی است که بطور عدد مساوی با درصد اشغال و توسط حاصل ضرب تعداد مکالمات در طول متوسط مکالمه بدست می‌آید هرارلانگ برابر با 36_{ccs} است ·

خطا Error

۱ــ اختلاف بین مقدار اندازه گیری شده و مقدار واقعی ·

۲ــ هرشرط یا موقعیتی که با اطلاعات ، غیرقابل قبول یا نادرست باشد ·

آشکارسازی خطا Error detection

روش تعیین خطا در پایان دریافت اطلاعات در یک مدار ·

نسبت خطا Error rate

احتمال یک خطا در خلال انتقال یک پیغام برای سیستم ·

Estimate

محاسبه و بررسی قیمت انجام کاری ·

بیت زوج کننده Even bit

بیتی که تعداد بیت های اصلی سازنده یک کاراکتر را به منظور کنترل ووارسی زوج نگاه دارد ·

الکترون اضافی Excess electron

بوجودآوردن یك الکترون درداخل یك نیمه هادی جهت توانائی برای پیش برد و ترقی شرایط دریك مدار.

مرکز تلفن Exchange

یك سیستم سوئیچینگ نظیر سوئیچینگ محلی ، سانترال ، بین شهری و بین المللی جهت اتصال وارتباطات تلفنی.

مرکز سوئیچینگ بین المللی Exchange, international

یك مرکز سوئیچینگ درپایان یك مدارتلفنی بین المللی.

مرکز تلفن محلی Exchange, local

مرکز تلفنی که ارتباط دهنده خطوط مشترکین است.

مرکز تلفن اتوماتیك خصوصی Exchang private automatic branch (P A B X) S

یك سیستم تلفنی اتوماتیك که معمولاً دراختیارمشترك خصوصی قراردارد که امکان ارتباط باایستگاه تلفنی و ارتباط این ایستگاهها باترانکها به یك مرکز تلفن رادارد. درتعدادی ازموارد ممکن است ترانکها با دیگر PABX ها ارتباط داشته باشد.

مرکز تلفن پشت سرهم Exchang tandem

مرکز تلفنی که مکالماتی راکه ازآن مرکز شروع نشده یا خاتمه پیدانکرده به یکدیگر ارتباط می دهد.

تحـــریـــك Excitation

۱ــ جریانی جهت انرژی دادن به میدان سیم پیچ یك ژنراتور.

۲ــ سیگنال اعمال شده به یك تقویت‌کننده یا فرستنده آنتن.

محـــرك Exciter

۱ــ ژنراتور کوچکی جهت بوجود آوردن میدان جریانی برای یك مولد جریـــان متناوب.

۲ــ نوسان ساز فرکانس‌رادیوئی جهت تهیه سیگنال کاریر فرستنده رادیوئی.

گیت انحصاری (oR) Exclusive-or gate

وسیله یا مداری با دو ورودی اطلاعات دیجیتال باینری و یك خروجی.

توسعه دهنده Expander

یك دستگاه الکتریکی است که دامنه وحجم تغییرات سیگنال رادیوئی را بـــالا می‌برد.

مشترك داخلی Extension

نامی که به یك تلفن داده می‌شود که به یك مرکز تلفن خودکار خصوصی وصل شده است.

تلفن داخلی Extension, telephone

تلفنهای اضافی که همان خط دفتر مرکزی شاخه اصلی ایستگاه ارتبـــــاط را دارد.

Extractor

کشنـــد •

ابزارمخصوصی که برای خارج کردن قطعات بکارمی رود •

Extraneous frequency components

اجزای فرکانس زاید

قدرت کل اجزاء فرکانس زاید یك تن سیگنال می بایست لااقل ۳۵ dB کمتر از قدرت سیگنال اصلی باشد •

External memory

حافظه خارجی

حافظه ای به جز حافظه واحد مرکزی مانند نوار یا دیسك مغناطیسی کـــــه اطلاعات و برنامه ها را به صورت قابل اجرا در خود نگه داری می کنند •

F

Facsimile

روش تجزیه تصویر به نقاط وتبدیل آنها به سیگنالهای الکتریکی برای ارسال به نقاط دور وجهت انتقال تصاویر ، نقشه ها ، نوشته ها یا اسناد چاپی (در دستگاههای فتوکپی) .

Facsimile broadcast station

ایستگاه انتقال تصاویر شیئی بی حرکت جهت دریافت دستگاههای عمومی .

Facsimile Converter

وسیله تبدیل یاتجزیه امواج مدوله به سیگنالهای تصویروبالعکس .

روش تغییر دامنه Facsimile modulation

فرکانس یا فاز موج حامل برحسب زمان متناسب با سیگنالهای تصویر .

دریافت کننده تصویر Facsimile receiver

دستگاهی که سیگنالهای فکسی مایل رابه صورت تصاویر ظاهرمی کند .

Facsimile scanning

تجزیه شعاعهای نورانی حامل سیگنالهای تصویرازچپ به راست واز بالا

به پایین برای تولید مجدد تصویر روی یك صفحه حساس •

Facsimile telegraph

سیستم تلگرافی برای انتقال یاانتشار تصاویر •

Facsimile transmission

انتقال وظاهرشدن تصاویر به صورت سیگنال یاامواج بااستفاده از پیلهای فتوالکتریك •

ضریب تقویت Factor amplification

در یك لامپ الکترونی نسبت بارولتاژ صفحه به بار ولتاژ شبکه تحت شرایطی که جریان صفحه ثابت باشد •

ضریب وزن Factor weighting

نسبت مقداروزن یك ولتاژ به مقدار متوسط آن •

Fading

تغییر درشدت میدان امواج رادیوئی براثر تغییر وضع محیط انتشارآنها • ضعیف شدن سیگنالهابراثر تداخل امواجی که ازدو مسیرجداگانه به یك نقطه می‌رسد •

فارنهایت Fahrenheit

یکی از مقیاسهای اندازه گیری درجه حرارت که درشرایط عادی فشارسطح دریانقطه ذوب آب ۳۲ درجه فارنهایت ونقطه جوش آن ۲۱۲ فارنهایت

زمان تنزل • زمان افت Fall time

فاصله زمانی بین دولحظه ای که دامنه سیگنال از مقدار حداکثر به حداقل می‌رسد ومعمولا " برحسب فاصله زمانی بین ۹۰ و ۱۰ درصد حداکثر دامنه سیگنال بیان می‌شود •

False curvature

خمیدگی مسیرحرکت الکترون براثر برخورد با اتمهای گاز ایونیزه ، بدون اینکه تحت تاثیر میدان مغناطیسی قرارگیرد •

False ground

اتصال ناخواسته به زمین که در اثر شرایط خطا به وجود می‌آید •

پالس ناقص False pulse

یك موج تغییرشکل یافته یا غلط •

False resistance

مقاومت الکتریکی در برابر نیروی ضد محرکه •

Family

در دستگاه کامپیوتر به مدارهای مجتمع یك گروه آی ـ سی گفته می‌شود که از فرم یکسانی در طرح کلی تمام گیت ها استفاده نموده و سیگنالهای ورودی وخروجی آنها تماما " بایکدیگر سازگارند بطوری که یکی می‌تواند به

دیگری ارسال دارد .

FAN-In

حداکثر تعداد سیگنالهایی که از یك نقطه خروجی به دست می‌آیند .

Fan-Out

حداکثر تعداد سیگنالهایی که از یك طبقه خروجی به دست می‌آیند .

فاراد Farad

واحد اندازه گیری ظرفیت خازن که برابراست با ذخیره یك کولن الکتریسیته برای یك ولت اختلاف پتانسیل که یك واحد غیرعملی است و معمولا " به جای آن از میکروفاراد که برابر با یك میلیونیم فاراد است ، استفاده می‌کنند .

Faraday's law of electromagnetic induction

قانون فاراده درباره ٔ القاء الکترو مغناطیس

نیروی محرکه القائی در یك مدار باتعداد دفعاتی که سیل مغناطیسی آن راقطع می‌کنند متناسب است .

Faraday-effect

چرخش سطح پلاریزاسیون هنگام عبور نورپلاریزه از اجسام شفاف و تحت تاثیر میدان مغناطیسی بسیارقوی . چرخش پلاریزاسیون هنگام عبورامواج پلاریزه بسیارریزه (میکروویو) ازفریت ها وتحت تاثیرمیدان مغناطیسی آنها درجهت انتشار .

Fast time constant

ثابت زمانی در مداری که خازنی را در مدت کوتاهی در یک مقاومت تخلیه می‌کند.

Fault finder

دستگاهی که برای پیداکردن محل اتصال یا عیب در خطوط تلفنی یا تلگرافی بکار می‌رود •

Feed back

۱ــ برگشت دادن قسمتی از انرژی خروجی به قسمت ورودی •
۲ــ سیگنال برگشتی متقابل دو نوع مثبت ومنفی است •

Fee back-Control loop

مداربسته ای که بین نقطه اختلاط سیگنال ورودی با فیدبك وقسمت خروجی تشکیل می‌شود •
مدارکنترل فیدبك •

Feed back path

مسیرعبورسیگنال فیدبك از قسمت خروجی به مدار .

Feeder

۱ــ سیمهای هادی که قسمتهای اصلی وفرعی انتقال انرژی رابهم مربوط می‌کنند •
۲ــ سیمها یا کابلهای اصلی در سیستم توزیع انرژی •
۳ــ سیمی که آنتن رابه دستگاه فرستنده مربوط می‌کند •

Feeder box

جعبه تقسیم کابلها وسیمهای اصلی ٠

Feed through

سیمی که قسمتهای مختلف یك مدارچاپی راازدوطرف بهم متصل می‌کند ٠

Ferrite

هسته مغناطیسی شامل مواد پودرشده ای از اکسید آهن که باسایر اکسید ها ترکیب می‌شود ، مانند نیکل ــ کبالت ٠ دارای مقاومت زیادی است درنتیجه درفرکانسهای بالا افت جریان خیلی پایین می‌آید ٠

Ferrite core

حلقه از جدن اکسید آهن که قابل مغناطیس شدن است ٠

Ferrite fead memory

حافظه مغناطیسی که از پخش ذرات فریت روی سیم های هادی ساخته شده است ، علائم یا اطلاعات به صورت پس ماند مغناطیس درذرات فریت نگاهداری می‌شوند ٠

Ferromagnetics

شناسائی آثارمغناطیسی ، فن بکاربردن اجسام مغناطیسی برای ذخیره اطلاعات درکامپیوترها ٠

Ferromagnetic amplifier

تقویت کننده ای که طرز کار آن تابع غیرخطی بودن خاصیت اجسام مغناطیس است .

Ferromagnetic resonance

تقویت میدان مغناطیسی در اجسام مغناطیسی براثرتوجیه میدانهای مغناطیسی ذرات آن .

Fidelity

میدان شباهت و تناسب سیگنال خروجی به سیگنال ورودی در تقویت کننده ها و فرستنده ها وگیرنده ها .

میدان . حوزه Field

حوزه مغناطیسی در ماشینهای الکتریکی . یک دسته حروف یا علائمی که معرف یک نوع اطلاعات در کامپیوتر هستند .

شدت میدان . غلظت میدان Field density

تعداد خطوط نیروی الکتریکی یا مغناطیسی که ازواحد سطح عبورمی کنند .

Field-effect transistor

ترانزیستوری که هدایت آن تحت تاثیر میدان الکتریکی تغییرمی کند .

میدان الکتریکی Field electric

۱ــ ناحیه ای در اطراف جسمی با بارالکتریکی که دیگربارهای الکتریکی

را جذب یا دفع می‌کند •

۲ــ ترکیب الکترواستاتیک یک موج رادیوئی •

Field length

طول یا اندازه ٔ یک فیلد ، تعداد حداکثر کاراکترهایی که در یک فیلد وجود دارد •

میدان مغناطیسی Field magnetic

ناحیه ای اطراف یک جسم مادی یا بوبین که جریانی از آن عبور می‌کند و باعث حرکت بارهای الکتریکی می‌شود •

Field scan

حرکت مقطع شعاع الکترونی لامپ تصویر تلویزیون از بالا به پایین •

Field sequential

اجتماع سیگنالهای رنگهای اصلی به وسیله میدانهای متوالی در تلویزیون رنگی•

رشته گرم شونده ٔ لامپ رادیو Filament

گرم کننده ٔ در یک لامپ رادیو به شکل یک سیم بسیار ظریف از جنس تنگستن که در حد فاصل بین پایه ورا سر لامپ قرار گرفته است•

پرونده ٔ File

مجموعه کاملی از رکوردهای اطلاعات مربوط به هم که روی یک یا چند واسطه ثبت شده ٔ باشد •

برچسب پرونده ٔ File label

رکوردی شامل مشخصات پرونده ه ٠

مشخصات پرونده ه — File organization

سازمان دهی اطلاعات در یك پرونده ه ٠

File protection ring

حلقه ضامن پشت نوارمغناطیسی در دستگاه کامپیوتر ٠

Fill

۱ــ درصد خطوط کاری به کل جفت کابلها یا مرکز تلفن ٠
۲ــ تعداد خطوط کاری در یك کابل یا یك مرکز تلفن ٠
۳ــ تعداد دستگاههای تلفنی وصل شده به ظرفیت خط ٠

صافی — Filter

وسیله ای جهت تفکیك فرکانسهای بخصوص ٠

Filter attenuation

۱ــ ضعیف شدن قدرت سیگنال براثر عبوراز صافی ٠
۲ــ اتلاف مقداری از قدرت سیگنال دراثر عبورازصافی (برحسب دسی بل)٠

Filter band-elemination

شبکه ای که جهت عبورآزادانه سیگنالهادرتمام باند های فرکانس در نظر گرفته شده به استثنای آن دسته از فرکانسهایی که درحدیك باند مشخصی هستند ٠

Filter band-Pass

فیلتری که عبورد هنده فرکانسهایی است که دریك باند مشخص قرارگرفته اند بدون آنکه درفرکانس تضعیف و یاتغییرشکلی بوجودآید ، درحالی کـــــه فرکانسهایی راکه خارج ازآن باند مشخص هستند تضعیف می کند •

Filter band stop

فیلتری که تضعیف کننده فرکانسهایی است که دریك باند مشخص قـــــرار گرفته اند •

Filter chocke

سیم پیچی است که درصافی هابرای کاهش ضربان جریانهای یکسوشـــــده بکارمی رود •

Filter network

مداری شامل سلف وخازن یاترانسدوکتور برای جداکردن فرکانسهاازیکدیگر•

Fire-tube

لامپ گازی که قوس الکتریکی آن مولد فرکانسهای رادیوئی است •

Fixed block length

گروه رکورد هاباطول ثابت

Fixed capacitor

خازن ثابت

خازنی که نمی توان ظرفیت آن راتغییرداد •

مقاومت ثابت Fixed resistor

مقاومتی که میزان مقاومت آن قابل تغییرنیست .

Fixed-Store

مخزن حافظه محتوی اطلاعات ثابت در کامپیوتر .

Flag

۱ــ نشانه ای که معرف سالم بودن وقابل استفاده بودن یك شیـــــار از دیسك مغناطیسی است .

۲ــ نشانه ای که ممکن است به یك فیلد یا بخشی از اطلاعات اضافه شود تا به هرعلت آن را متمایزسازد .

علامت چشمك زن Flashing Signal

جریانی که درفواصل زمانی مساوی قطع ووصل شده وموجب صدای تق تـق درگوشی ، یا چشمك زدن یك لامپ ویا به صدا درآمدن یك زنگ بطورمنقطـــع می شود .

سیم نرم Flexible Cable

رشته های نازك سیم که بهم تابیده شده است .

سوسوزدن Flicker

تغییرات شدت نوریا صدا .

Flicker, noise

فرکانسهائی که براثر تغییراتفاقی جریان آندی لامپها تولید می‌شوند •

Flip-chip

فن نصب ترانزیستورهای کوچك روی مدارهائی به شکل نوارهای نازك در (میکروالکترونیك) •

Flip-flop

وسیله یامداری که دارای دووضع پایدارود وترمینال ورودی است • باتاثیر هرسیگنال بریکی از ترمینالهادستگاه دریکی از وضعیت های تعادل خود قرارمی‌گیرد • چنین وسیله ای باداشتن یك ترمینال ورودی به صورت یك دستگاه شمارش برمبنای دودرمی‌آید •

Floating

شناور

وسیله ای که به هیچ نیرویی متصل نیست •

Flowchart

نمایش‌ترسیمی

ترتیب انجام عمل وسیله علامتهایااشکال هندسی معین‌اگراین ترسیم مربوط به نمایش‌مراحل اجرایی یك سیستم باشدآنراسیستم فلوچارت نامند واگر مربوط به مراحل اجرایی منطقی دستورالعمل باشد پروگرام چارت (برنامه چارت) نام دارد •

Fluorescence

انتشارامواج الکترومغناطیسی بااستفاده از انرژی که ازیك منبع دیگرد ریافت

می‌شود ، مثلا" انتشارنورمرئی براثر تابش اشعه نامرئی •

Fluorescent

جسمی که تشعشع دریافتی رابه صورت امواج نورمرئی تبدیل ومنتشرمی‌کند (فلورسنت)•

لامپ فلورسنت Flourescent lamp

لامپ گازی که انرژی حاصل از تخلیه الکتریکی راتبدیل به نورمرئی می‌کند •

صفحه فلورسنت Fluorescent screen

صفحه ای که دارای پوشش از مواد فلورسنت است واشعه کاتدی ، اشعه x یااشعه رادیوم رابه صورت نقاط نورانی قابل رویت میکند •

Flutter

اختلال درفازیافرکانس سیگنال براثر تغییرسرعت ضبط •

فلوء شار Flux

تعداد کل خطوط نیرود ریك سطح •

شدت فلو Flux density

تعداد خطوط نیرود رواحد سطح •

بازگشت به مبداء Fly back

برگشت نقطه نورانی حاصله از اشعه کاتودیك که به منتهی الیه صفحـــه

رسیده ، به نقطه مبداء .

FM Radio

سیستم انتشار رادیوئی براساس مدولاسیون فرکانس .

FM-Receiver

گیرنده رادیوئی که امواج FM را دریافت می‌کند .

FM-transmitter

دستگاه فرستنده رادیوئی که فرکانس‌های صوتی را با تغییر فرکانس موج حامل با آن ترکیب کرده ومنتشر می‌کند .

FM-Tuner

مجموعه مدارهائی که سیگنالهای FM را دریافت وتقویت وتجزیه می‌کنند .

Focalspot

محل تجمع اشعه الکترونی در لامپ مولد اشعه X یا روی صفحه تصویر لامپ کاتدی .

Foldover

نقص در تصویر تلویزیون که به صورت تاشدن خطوط وقائم تصویر به نظر می‌رسد .

رونما Foreground

بخشی از حافظه درعملکرد چند برنامه‌ای یاعملکرد چند اجرایی که به صورت یك واحد کامل حافظه مورد استفاده قرارگیرد .

مدل Format

۱ــ طرح وترتیب قرارگرفتن فیلد های اطلاعات درروی کارت منگنه یا نوار مغناطیس یاکاغذ چاپ .

۲ــ طرح ثبت اطلاعات درروی واسطه ها یادرحافظه ازنظرچگونگی روش‌ثبت .

Fortran

یك نوع زبان برنامه نویسی سطح بالا درزمینه کاربرد های علمی مرکب ازدوکلمه Formula, Translation .

مسیرپیشروی Forward Path

مسیرعبورسیگنال ازمدار ورودی به مدارخروجی درفیدبك .

شبکه چهاراتصالی Four termial network

شبکه ای با چهارترمینال .

مدارچهارسیمه Four wire circuit

مداری دوجهتی بادومسیربرای عبورجریان . این مدارطوری طرح شده که جریان ازیك مسیرود ریك جهت فرستاده می‌شود ودرمسیردیگرد رجهت مخالف .

قاب ـ چهارچوب Frame

۱ــ سطح کلی صفحه تصویر که به وسیله شعاع کاتدی به صورت خطوط مقطع وپی در پی پیموده می‌شود .

۲ــ یك اسکلت فلزی که در مرکز تلفن خود کار بکار برده می‌شود .

Frame-Cntrols

وسایل کنترل وتنظیم ابعاد صفحه تصویر تلویزیون شامل کنترل قائم واقعی .

Frame frequency

تعداد دفعاتی که تمام صفحه تصویر در یك ثانیه به وسیله شعاع الکترونی پیموده می‌شود .

بارآزاد Free charge

بارالکتریکی که به وسیله بارمخالف ومساوی یا بارمخالف وبزرگترخنثی نشده باشد .

Free wave

امواج آزاد درمحیط بدون مانع .

فرکانس Frequency

فرکانس یا تعداد دوره تناوب در واحد زمان (ثانیه) .

باند فرکانس Frequency band

تعداد ی فرکانس نزدیك بهم که به صورت یك د سته وبین د وحد مشخص قرارگرفته اند •

Frequency calibrator

وسیله ای برای کنترل حدود فرکانس های یك فرستند ه •

مبد ل فرکانس Frequency changer

لامپ یا ترانزیستوری که د رطبقه اول د ستگاه گیرند ه قرارد ارند با نوسان ساز محلی فرکانس زیاد ی رابرای مخلوط کردن با فرکانس اصلی تولید می نمایند که این طبقه ازگیرند ه رامبد ل فرکانس یا نوسانساز محلی می نامند •

Frequency departure

مقدارتغییرفرکانس موج حامل ازحدود ی که برای آن تعیین شد ه است •

Frequency deviation

اختلاف حداکثر فرکانس مد وله با فرکانس اصلی موج حامل د رمد ولاسیون فرکانس •

Frequency discriminator

مدارمخصوصی که مد ولاسیون فرکانس رابه مد ولاسیون دامنه تبد یل می کند •

Frequency distortion

یکنواخت نبود ن میزان تقویت یا انتشار فرکانسها •

Frequency diversity

سیستم انتشاریاد ریافت فرکانسهای مختلفی که حامل یك نوع سیگنـــــال هستند •

تقسیم کننده فرکانس Frequency divider

وسیله ای که فرکانسهای خروجی آن کسرمعینی ازفرکانسهای ورودیـــــش هستند •

Frequency division multiplexing.

روش انتشارفرکانسهای مختلف دریك مسیریایك جهت ، بطوری که هردسته ازآنها حامل یك سیگنال باشند •

Frequency doubler

مداریاوسیله ای که تعداد فرکانسهاراد وبرابر می‌کند ــ مضاعف کننـــــده فرکانس .

Frequency drift

تغییرفرکانسهای خروجی یك نوسان سازدرطول زمان وبراثر گرم شـــــدن، فرسودگی عناصر یاعوامل خارجی .

Frequency response

قابلیت کاریك وسیله یامداربرای تولید فرکانسهای معین •

Frequency stabilization

روش ثابت نگاه داشتن فرکانسهای یک نوسان سازیایک ژنراتور.

Frequency swing

اختلاف بین حداکثر وحداقل فرکانسهای یک موج FM .

Frequency tolerance

حد مجاز تغییرفرکانس موج حامل .

Full scale deflection

حداکثر انحراف

حداکثر مقداراندازه گیری شده کمیتی که روی دستگاه اندازه گیرنشان داده می شود .

Full waverectifier

یکسوکننده موج کامل

استفاده ازهردونیم موج (مثبت ومنفی) دریکسوکننده ها .

Function switch

مداری درکامپیوتر که اطلاعات خروجی آن نماینده اطلاعات ورودی است ولی باد ستورالعمل جداگانه خوانده می شود .

Function table

جدول وظایف

وضعیت الکتریکی خروجی راکه ازهرترکیب وضعیت های الکتریکی درورودیها نتیجه شده است نشان می دهد .

Function unit

عنصری در کامپیوتر که روابط دستورالعمل ها را ذخیره کرده و به مورد اجرا می‌گذارد .

Fundamental frequency

فرکانس اصلی تابع متناوب ، فرکانس موج سینوسی حامل .

G

Gain

بهره تقویت ، نسبت توان سیگنال خروجی به توان سیگنال ورودی که معمولا" برحسب db بیان می‌شود •

Galactic

مربوط به فضای خارج از جو زمین •

گالوانومتر Galvanometer

وسیله ای که برای نشان دادن ویااندازه گیری مقادیرکم جریان بکار می رود •

Gamma

میزان یادرجه اختلاف رنگ یاشدت نورد رعکاس ــ شیب خط افقی د رلامپ تصویرتلویزیون •

اشعه گاما Gamma rays

شعاعی‌ائی که به صورت امواج خیلی کوتاه از عناصر رادیو آکتیو منتشر می‌شوند •

Gang switch

یك یا چند کلید که در یك جعبه قرارگرفته ودسته مشترکی برای قطـــــع ووصل دارند •

Gap

فاصله

۱ــ فضای بین دونقطه یابیشتر .

۲ــ فاصله بین دورکورد یادوگروه روی واسطه ها •

Gap coding

ارتباط یامخابره درکشتیرانی به صورت علائم تلگرافی •

Gas maser

نوعی تقویت کننده میکروویو(Maser) که امواج متشعشـــــــــــع آن درمولکولهای گازتاثیرمی کنند •

Gas moise

امواجی که براثر ایونیزاسیون اتفاقی گازهای محتوی لامپهای الکترونـــی تولید می شوند •

Gassing

آزادکردن گاز

آزاد شدن گازازیك یاچندالکترود هنگام تجزیه الکتریکی •

Gate (Logic.Gate)

مدارهای دیجیتال که اساس کاربسیاری از دستگاههای پیچیده الکترونیکی

است که براساس شمارش کار می‌کنند از واحد هایی استفاده می‌کنند که گیت لوژیك نامیده می‌شوند • ازترکیب گیت های کوچك مدارهای بزرگتر ساخته می‌شوند ومجموع چندین گیت در یك محفظه رامدارهای یکپارچه IC می‌نامند •

Gouges feeler

فیلرهای اندازه گیر

ابزاری که باآن فاصله بین دوسطح اتصالی راتعیین وتنظیم می‌کنند •

Gauges tension

اندازه گیرکشش

ابزاری که نیروی کشش فنرهایافشاراتصالات رابرحسب گرم اندازه گیری می‌کند •

General register

انگاره همگانی

انگاره ای که می‌توان برحسب احتیاج وظایف مختلفی رابه آن محول نمود •

Generator

مولد

دستگاهی که انرژی مکانیکی رابه انرژی الکتریکی تبدیل می‌کند •

Generator,tone

تولیدکننده تن

ژنراتور چرخشی یاترانزیستوری که تن های شماره گیری واشغال رابه یك مرکزتلفن تهیه می‌کند •

Geometric Distortion

اعوجاج خطوط مولد تصویردر تلویزیون •

Germanium

ژرمانیوم

عنصر شبه فلزکریستالی که بعنوان نیمه هادی در ترانزیستوربکار می رود .

Germanium diode

دیود ژرمانیوم

یك یکسوکننده نیمه هادی که جهت یك سوکردن ازژرمانیم استفاده می کنند .

Giga

پیشوندی که نماینده هزارمیلیون (یك بلیون) یا 10^9 است .

Gigahertz(GHZ)

هزارمیلیون هرتز یا 10^9 سیکل درثانیه .

Glare

مسدودکردن مکالمه دومشترك که بطورهمزمان بایکدیگرصحبت می کنند .

Glow microphone

میکروفونی که امواج صوتی رابه تخلیه الکتریکی درگازهاتبدیل می کند .

Gold

طلا

فلزگرانبهائی که گاهی برای اتصالات درالکترونیك بکاربرده می شود .

Grade

درجه

مرتب یادوباره مرتب کردن تعدادی از سلکتورهاکه درآن تعداد ترانکهای خروجی بیش از ۱۰ می باشد .

Grade of service

درجه سرویس دهی

احتمال قفل شدن یك مکالمه توسط ترانکهای اشغال شده که معمولا "آنرا بایك درصد درنظر می‌گیرند •

Grade voice

درجه صوت

اصطلاحی که درتوضیح یك خط یا ترانك وغیره استفاده می شود ومتناسب با سرویسهای صوتی ، دیتا ، فاکسی مایل یا سرویس تلگراف است که دارای فرکانسی بین ۳۰۰ تا ۳۰۰۰ هرتزمی باشد •

Gramme

گرم

واحد اندازه گیری کشش وفشار اتصال •

Grandfather tape

نوارپد ربزرگ

وقتی پرونده اصلی روی نوارنگهداری می شود ، هرگاه که این پرونده به کمك تغییرات به روز در می‌آید،نواربه روزد رآمده حاصل را (نوارپسر) ونوارقبلی را (نوارپد ر) می خوانند ودرمرحله بعد که (نوارپسر) به (نوارپد ر) تبدیل شود (نوارپد ر) قبلی رانوارپد ربزرگ می خوانند •

نگهداری این نوارهابرای احتیاط است •

Graphic display unit

یك واحد تبدیل خروجی که اطلاعات یانتایج پرورش اطلاعات راباوسایل چشمی (مانند صفحه تلویزیون) یاازراه ترسیم نمودارهانشان می دهد •

Graphics

گرافیک: یک روش ارسال اطلاعات تصویری در مخابرات •

Greenwich mean time (GMT)

زمان استاندارد مرجع بین المللی که در سال ۱۹۷۹ به UTC تبدیل شد •

Grid

یک یا چند سیم قطبهای زنجیره ای که مابین کاتد و آند از یک لامپ خلاء قرار دارند و به وسیله ظرفیت و رابطه ولتاژ جریان الکترونهای بین کاتد و آند راکنترل می‌کنند •

Grid bias

شبکه پایه

ولتاژ منفی اعمال شده به شبکه یک لامپ الکترونی باتوجه به ظرفیت کاتد •

Grid, control

شبکه کنترل

میله ای در یک لامپ الکترونی که کنترل عبور جریان از کاتد به آند را به عهده دارد •

Grid modulation

مدولاسیون از طریق تاثیر دادن سیگنال وموج حامل برشبکه فرمان در لامپ الکترونی •

Grid neutralization

روش خنثی کردن کار تقویت کننده با تاثیر دادن سیگنال برشبکه فرمان که با

سیگنال اصلی ۱۸۰ درجه اختلاف فاز دارد .

Grid,screen

میله ای مابین شبکه کنترل وصفحه یك لامپ الکترونی که در یك ولتاژ مثبت وثابت نگه داشته می شود تابتواند شبکه کنترل رااز تغییرات در ولتاژ صفحه لامپ محافظت کند .

زمین Ground

لغت مترادف " Earth " درانگلیسی .

Ground control

هدایت هواپیمایاموشك اززمین .

وصل شده به زمین Grounded

۱ــ لغت مترادف " Earthed" درانگلیسی .

۲ــ میله یالوله ای که باعث اتصال الکتریکی بهتری نسبت به زمین می شود .

مقاومت زمین شده Grounded resistance

مقاومتی که زمین شده بخاطرمحدود کردن جریانی که درنتیجه خطاازمین به وجود می آید .

صفحه اتصال زمین Ground plate

عبارت مترادف " earth plate " درانگلیسی .

Ground position Indicator

کامپیوتری که موقعیت هواپیما را بطور مداوم نسبت به یك نقطه ثابت در زمین تعیین می‌کند •

Ground wave

امواج زمینی

امواج الکترومنتیکی که به وسیله آنتنهای فرستنده پخش می‌گردد معمولا" به تمام جهات پخش می‌شوند • آن دسته از امواجی که به سطح زمین می‌رسند بنام امواج زمینی موسوم گردیده‌اند •

Ground wire

هادی قوی مسی که معمولا" عایق شده وبرای اتصال محافظت کننده‌ها یا دیگر لوازم به لوله های آب سرد استفاده می‌شود •

Group centre

مرکزاصلی

مرکزتلفن خودکاربزرگی که چندین مرکز تلفن خودکارکوچکتررا کنترل نماید •

Group frequency

گروه فرکانسهائی که با سرعت مساوی منتشریا منتقل می‌شوند •

Group reflexion

موجی که پس‌ازبرخورد به زمین منعکس‌شده ودرمسیرخود قرارمی‌گیرد •

Group return

قسمتی اززمین که برای برگشت جریان مداربکاررفته است • مجموعه امـــواج راداركه براثر برخورد بازمین یاموانع روی آن منعکس‌می‌شوند •

Guard circuit مدارمحافظت

مداری که ازعملیات مضرنظیرپارازیت یاسیگنالهای ناخواسته جلوگیری می‌کند •

Guided missile

گلوله هدایت شده ، به وسیله تجهیزات الکترونی داخلی یاخارجی •

Guided rocket

موشکی که به وسیله راکت هدایت می‌شود •

Guided wave

یك موج الکترومغناطیسی است که تماما " دربین ویا اطراف مسیرهای معینی منتشرمی‌شود •

H

ارتباط یك طرفه Half-duplex

سیستم ارتباطی است که در یك زمان ودر یك جهت عمل می‌کند .

ساختن اتصال پلی Half-tap

پل ارتباطی ساخته شده در یك مداربدون داشتن پیوستگی واتصالات دیگر.

نیم موج Half-wave

نیمی از یك موج متناوب که ازیك یکسوکننده می‌گذرد .

Half-wave antenna

آنتنی که نسبت به مرکزش دارای دوشاخه به طول $\frac{1}{4}$ موج است .

یکسوسازنیم موج Half wave rectifier

یك سوسازی که فقط نیم سیکل ازهرسیکل جریان متناوب رابه صورت جریان مستقیم منتقل می‌کند .

نیم هجا Half word

بخشی از حافظه شامل دوبایت (byte) یاشانزده بیت (Bit) که تشکیل یك خانه حافظه رامی‌دهد .

Hall angle

زاویه الکتریکی مربوط به پدیده هال .

پدیده " هال " Hall-effect

هرگاه از یك ورقه نازك فلزی جریانی در امتداد طول آن بگذرد ودر میدان مغناطیسی عمود برسطح خود قرارگیرد ، نیروی محرکه ای عرضی در جهت عمود بر امتداد های جریان ومیدان در آن بوجود می‌آید .

گوشی تلفن Handset

قسمتی از دستگاه تلفن که کپسولهای گیرنده وفرستنده در داخل آن قرار دارند .

زمان تاثیربعدی Hangover time

فاصله زمانی بین لحظه ای که علامت آزمایشی متوقف می شود تا لحظه ای که حرکت و عمل دوباره آن شروع می‌شود .

Hardware

اصطلاح کلی برای اشاره به اجزاء مدارهای الکترونی وکامپیوترها وامور مربوط به آنها (برعکس Software) .

کنترل سخت افزار Hardware check

روش یا وسیله ای برای بازرسی سخت افزار در مورد انتقال واجرای اطلاعات وبرنامه ها در داخل ماشین مانند کنترل همسنگ رسی .

سخت سیم بلدی شده Hard-wired

در دستگاه کامپیوتر توضیح دهنده یک زیرسیستم یا بلوک ساختمانی است که عمل آن فقط بستگی به طریقی که بهم متصل شده و ورودیهایی که دریافت می‌کند دارد و شامل دستورالعملهای ذخیره شده که عمل آنرا کنترل می‌کند نیست .

هارمونیک Harmonic

در مصارف الکتریکی یک ولتاژ متناوب یا جریانی که فرکانس آن چندین برابر مجموع فرکانسهای اصلی است . سومین هارمونیک از ۲۰ هرتز ، ۶۰ هرتز است پنجمین هارمونیک ۱۰۰ هرتز ، ۵۰۰ هرتز است .

Harmonic distortion

اعوجاج شکل منحنی خروجی وتولید هارمونیها که مربوط به تابع اصلی نیستند .

زنگ هارمونیکی Harmonic ringing

یک سیستم انتخابی جهت سیگنالینگ قسمتهای مختلف یک خط با استفاده از فرکانسهای مختلف .

Hartley-slaw

رابطه بین اطلاعات یک پیام ، زمان انتشار و پهنای امواج کانال مربوطه .

شاخک Head

ابزاری از جنس " برنآهنربا " که برای خواندن ونوشتن واسطه های مغناطیسی بکار می‌رود .

Headband

سیم یانوارسبك وزنی است جهت نگه داری گیرنده دستگاه تلفن یادستگاه تلفن اپراتوربرروی سر.

شماره شاخك Head number

درواسطه هایاواحد های تبدیلی که بیش‌ازیك شاخك دارند استفاده می‌شود.

Head phone

۱ــ گوشی تلفنی که باکمك نوارفنری روی سرنگاه داشته می‌شود.

۲ــ گوشی : وسایلی هستندشبیه بلندگو که انرژی الکتریکی تقویت کننده های صوتی رابه صوت تبدیل می‌کنند ودارای باند صوتی وسیعی است.

انتخاب شاخك Head selection

زمان لازم برای انتخاب شاخك خواندن ونوشتن دردیسك مغناطیسی.

Heat coil

سیم پیچ حرارتی

وسیله ای محافظ مداربطوری که جریان زیاده ازحددریك مداررا که موجب گرم شدن آن می‌شود ، قطع می‌کند.

Heater

گرم کننده

قطعه گرم کننده الکتریکی درمرکز دستگاه که جریان متناوب جهت گرم کردن رامی‌توان ازآن عبورداد.

Heat sink

توده ای ازفلزنصب شده درقطعات یك مدارجهت تولید حرارت نظیریکسو کننده سیلیکون ، لامپ الکترونی وغیره که حرارت راجذب ومتشعشع می نمایند .

Heigt control

تنظیم ارتفاع تصویریا پیمایش قائم شعاع الکترونی درگیرنده تلویزیونی ، کنترل دامنه دوموج منعکس برای تعیین ارتفاع هدف روی صفحه رادار .

Henry

هانری

۱ــ واحد اندوکتانس .

۲ــ واحد ضریب القائی : شامل ضریب القائی یك سیم پیچ یك هانری است ، موقعی که یك آمپرجریان دریك ثانیه درطول سیم ، یك ولت ولتاژ تولید می کند .

Hertz

واحد سنجش فرکانس ومساوی یك دوره تناوب درثانیه .

Hertz antenna

نوعی آنتن بادوشاخه تشعشع که طول هریك ازآنهاغالبا " مساوی نصف طول موج است .

Hertzian waves

امواج رادیوئی

آشکارسازی به طریقه " هترودین " Heterodyne-detection

Heterodyne-frequency

فرکانس که ازمجموع یاتفاضل دوموج درمدار" هترودین " به وجود می‌آید .

Hexadecimal

اعداد درپایه شانزده .

شبکه سلسله مراتبی Hierarchical network

یك سیستم ترتیب سوئیچینگ درشبکه مخابراتی که معمولا "به پنج سطح تقسیم می‌شود .

High definition

وضوح ، روشنی ، شباهنگ کامل تصویربامقایسه بانمونه اصلی درتلویزیـــــون یادستگاههای انتقال وکپیه تصاویر .

High fidelity

وفاداری زیاد ودقت کارتقویت کننده ، هاگیرنده ، های رادیوئی ووسائل صوتـی ، انتقال دریافت وتقویت بدون اعوجاج امواج صوتی (۲۰ تا ۲۰/۰۰۰ هرتز).

High frequency(HF)

فرکانسهای رادیوئی بین ۳ تا ۳۰ مگاسیکل درثانیه .

زبان برنامه نویسی سطح بالا High level language

زبانی که درآن دستورالعملها وعبارتها به زبان متعارفی نزدیك است ودرایـــن

زبان هرد ستورالعمل برنامه ای معادل یك یا چند دستورالعمل ماشین است.

High level r.f. signal

امواج رادیوئی باتوان کافی برای بکاراندا ختن کلید های لامپی نظیر TR و ATR .

High-pass filter

یك شبکه الکتریکی که همه فرکانسهای بالاتر ازحد معینی راعبورمی دهد ودر تمام فرکانسهای پایین ، تضعیف ایجاد می شود .

High-usage group

گروهی ترانك که مسیرمستقیم بین دونقطه رادرتمام مدت زمان حداکثر ترافیك راداشته باشد .

Hit

قوه محرکه پارازیت که دارای پریودی حدودیك میلیونیم ثانیه است .

Hold

نگاهداری

نگاهداشتن دستگاهی که درحال کارکردن است .

Holding time

زمان عمل

مدت زمانی که یك دستگاه عملی راانجام دهد .

Hollerith card

کارت منگنه ۸۰ ستونی منسوب به دکترهرمان هلریت که اولین ماشین تفکیک وشمارش وماشین منگنه راساخت ۰

حالت عادی Home

بازگشت باحالت عادی دستگاه بدون کار ۰

نشانی محل Home address

نشانی یك شیاربایك استوانه فرضی در دیسك مغناطیسی ۰

Hook switch

کلید چنگکی که گوشی تلفن به قلاب آن آویزان می شود ۰

دهانه Hopper

محلی در دستگاه کارت خوان یا دستگاه ردیف کن کامپیوترکه کارتهای منگنه رابرای اجرادرآن قرارمی دهند ۰

Horizontal polarization

پلازیراسیون موج بطوری که بردارنماینده میدان الکتریکی آن موازی باسطح افق باشد ۰

Horn-antenna

نوعی آنتن هدایت کننده برای امواج بسیارریز (میکروویو) ۰

بلندگوی شیپوری (بوقی)

Horn-loudspeaker

House keeping

بخشی ازبرنامه کامپیوترکه خود بخود نقشی در حل یک مسئله یا پرورش اطلاعات ندارد وتنها برای ایجاد شرایط مطلوب در ورود وخروج اطلاعات یا پاک کردن تمام یا قسمتی از حافظه ازمحتویات قبلی خود بکار می رود .

دستگاه آژیر

Howler

دستگاهی که جهت جلب توجه مشترکی که گوشی تلفن راد رجای خود قرار نداده بکار می رود .

هوم

Hum

صداهای پارازیت بافرکانسی که غالبا " بعلت تغییرجهت مغناطیس در آهن ترانسفورماتورها وماشینهای الکتریکی یا ضربانهای جریان یکسوشده در رادیو تولید می شود .

مدولاسیون سیگنال بااموا ج پارازیت (هوم)

Hummodulation

هایبرید

Hybrid

ساخته شدن وسیله ای ازچندین قطعه مختلف نظیرسیم پیچ هایبرید که خود ازترکیب چند سیم پیچ بوجود آمده است .

کامپیوترترکیبی Hybrid computer

ترکیبی از کامپیوترهای رقمی وقیاسی • دریك کامپیوترترکیبی ، مدارهـــا ومبدلهایی برای تبدیل کمیت های پیوسته به ناپیوسته یابرعکس وجـــود دارد ، به تناسب نیازبرخی ازواحد های یك کامپیوتررقمی به واحد هایـی ازکامپیوترقیاسی پیوند خورده است • کاربرداین کامپیوتربیشترـ رزمینه های علمی وصنعتی است •

ترانسفورمرهای ببرید Hybrid transformer

دستگاهی است برای تبدیل سیستم دوسیمی به چهارسیمی یابالعکس •

غلظت سنج Hydrometer

دستگاهی برای اندازه گیری وزن مخصوص (چگالی) مایعات •

رطوبت سنج Hygrometer

دستگاهی برای اندازه گیری رطوبت جوزمین •

Hysterisis distortion

اعوجاج یاتغییرشکل پاسخ خروجی مدارهاووسایل الکتریکی ناشی از پـــس ماند الکتریکی یامغناطیسی •

ICBM(Intercontinental Ballistic Missile) موشك قاره پيما

Iconoscop

وسیله تبدیل تصویربه نوسانات الکتریکی (درتلویزیون وغیره)•

IF-Amplifier

تقویت کنند • فرکانس واسط (IF) این قسمت بین مخلوط کنند • وآشکارساز قرارگرفته است •

IF-Choke

چوک یا سیم پیچی که برای جلوگیری از نفوذ امواج IF ، به طرف سایرمدارها ، بکارمی رود •

Ignition-Interference

تداخل امواج ناشی ازجرقه های الکتریکی باامواج رادیوئی وتلویزیونی •

Ignition-noise

پارازیت مربوط به جرقه های الکتریکی د ررادیووتلویزیون •

Ignore

در اصطلاح کامپیوتر ، حرف یا علامتی که انجام هرگونه عملی را منع می‌کند .

Image

تصویر

تصویر انتقال محتویات بخشی از حافظه در بخش دیگر حافظه یا روی یک واسطه .

Image-frequency

فرکانسهای ورودی ناخواسته ای که در مبدل فرکانس (هترودین) همان موج انتخابی را تولید می‌کنند . این فرکانسها غالبا " هارمونیهای دو ۲ سایر فرستنده های رادیوئی هستند .

Image interference

تداخل هارمونیهای امواج سایر فرستنده ها در گیرنده های رادیوئی " سوپرهترودین "

Image ratio

نسبت شدت میدان فرکانسهای ناخواسته به شدت میدان فرکانسهای مورد نظر .

Image-signal

سیگنالی که فرکانس آن دوبرابر فرکانس IF در گیرنده " سوپرهترودین " است .

Impedance

امپدانس ، مقاومت ظاهری

۱ــ خارج قسمت مقدار موثر ولتاژ بر مقدار موثر جریان متناوب

۲ــ نسبت نیرو به سرعت در مکانیک.

امپدانس مرکز تلفن Impedance exchange

امپدانس لفظی یك مرکز سوئیچینگ که تمام امپدانس ترمینالهای بین راه منطبق شده اند که آنرا ۶۰۰ اهم برای ارتباط راه دور و ۹۰۰ اهم برای ارتباطات محلی بطور موازی با ظرفیت ۲/۱۶ میکروفاراد در نظر می‌گیرند.

امپدانس خط Impedance, line

مقاومت ظاهری که در ورودی یك خط انتقال اندازه گیری می‌شود.

امپدانس مصرفی (مقاومت ظاهری بار) Impedance, loaded

مقاومت ظاهری ورودی یك مبدل مغناطیسی زمانی که خروجی آن به یـــــك نیروی طبیعی متصل است.

Impulse

تغییر ناگهانی ولتاژ یا جریان ـ ضربه ناگهانی وکوتاه.

Impulse-transmission

انتشار امواج با روش ضربه ای برای جلوگیری از اثر تداخل با فرکانسهای کم.

سیگنالینگ در محدوده باند Inband signaling

سیگنالینگی که در همان مسیر پیغام استفاده می‌شود وفرکانسهای سیگنالینـــگ با باند فرکانس پیغام یکی است.

فهرست Index

۱ــ فهرستی ازنشانی های اطلاعات یا دستورالعملها در حافظه یا واحد های ذخیره اطلاعات برحسب قید کلید رکورد ها •

۲ــ عددی برای انتخاب یك عنصرمعین ازاطلاعات در یك محفظه کامپیوتر •

Index area

محل ثبت فهرست نشانیها در واسطه های دسترسی مستقیم در کامپیوتر •

Index point(Marker)

نقطه شروع ، نقطه آغاز یك شیارازدیسك مغناطیسی ، نقطه علامت•

Index register

انگاره جدول نشانیها ، انگاره ای که درآن فهرست نشانیهای اطلاعـــات ثبت شده درحافظه درج می‌گردد •

Index Sequential

روش‌سازمان دهی اطلاعات روی واسطه های دسترسی مستقیم به صـــورت متوالی همراه بافهرست•

In-dialing network شبکه ارتباطی بدون شماره گیری

سیستم انتخاب ارتباط تلفنی که شبکه عمومی (تجاری) رابه شبکه خصوصی یا ارتباطات راه دوررابه ارتباط محلی متصل می‌کند •

Indicator

شاخص ، نماینده

۱ــ لامپ یا هروسیله نمایشی دیگر در واحد های تبدیل یاد ستگاه رابـــط کامپیوتر .

۲ــ دستگاهی که می‌تواند مشخص‌کننده به وجود آمدن یك شرط معین باشد مانند نتیجه منفی در یك محاسبه .

Indirect addressing

شیوه ای در برنامه نویسی که در آن نشانی هربخش از دستورالعملها وسیلـــه بخش دیگر به صورت ارتباط زنجیری به دست می‌آید .

Individual line

خط انفرادی

خطی که یك سرویس تلفنی رابطورمجزا برای استفاده یك مشترك تهیه می‌کند .

Induced

القاء شده

تولید در نتیجه نوردهی به تغییرات الکتریکی یا میدان مغناطیسی .

Inductance

اندوکتانس

خاصیتی از یك مدار که هنگام عبورجریان ازمدار میدان مغناطیسی ایجـــاد نموده ودر آن انرژی ذخیره می‌نماید .

Inductive-coupling

ارتباط دو مدار ازطریق القائی یا مجاورت دو عنصر که دارای خاصیت القائـــی هستند .

Inductor

خود القا (سیم پیچ)

۱ــ سیم پیچی که خاصیت خود القائی داشته باشد ۰

۲ــ هروسیله ای که باعث شود الکتریسیته وحوزه مغناطیسی روی هم تاثیر گذارند ۰

Inertia-switch

کلید ی که براثر تغییرناگهانی سرعت گرد ش خود عمل می‌کند ۰

Infinity

بی نهایت

هرکمیتی که خارج ازحیطه عمل باشد ، مثلا" عد دی که تعداد ارقام آن بیش از تعداد ارقامی باشد که در یك کامپیوتر دیجیتالی پیش‌بینی شده است ، بعنوان بی نهایت تلقی میشود ۰

Information

علائم یا سیگنالهایی که محتوی اطلاعات یا دستورالعمل باشند ، اخبار یا اطلاعات خبری ۰

Information-content

حداقل تعداد علائم ، حروف ، یا اعدادی که برای مخابره یا انتقال یك پیام لازم است ۰

Information operator

اطلاعات اپراتوری

اپراتوری که سرویس اطلاعات را به مشترکین یا به اپراتورهای دیگر برحسب تقاضاهایشان ارائه می‌دهد ۰

Information retrieval

بررسی روشهای ثبت وذ خیره اطلاعات.

Information theory

فرضیه ارتباطات (فرضیه اطلاعات)

فرضیه ای که طی آن نحوه انتقال اطلاعات ازیک نقطه به نقطه دیگریا ازیک موجود (انسان یاد ستگاه ماشین) به موجود دیگربررسی می شود .

Informatique

پرورش اطلاعات (درزبان فرانسه).

Inherited error

اشتباه مربوط به تغذیه ماشین درکامپیوتر

Initialization

عملی که در آغاز اجرای یك برنامه صورت می‌گیرد برای حصول اطمینان از اینکه کامپیوترازنظرشاخصها وعناصرثابت دیگر درشرایط مطلوب قراردارد .

Inlet

مدخل

مسیرورودی یك دستگاه یامدار.

Inmarsat

سازمان ارتباطات بین المللی ماهواره ای دریائی .

همفاز Inphase

دوموج که دارای فرکانس مساوی هستند وتغییرات دامنه آنها همزمان ودریک جهت است.

ورودی Input

۱ــ جریان ، ولتاژ ، قدرت یا نیروئی که به یک مدار یا دستگاه داده می‌شود.

۲ــ اطلاعات ورودی ، اطلاعات یا برنامه هایی که برای اجراء در اختیار واحد های ورودی کامپیوتر گذاشته می‌شود تا به حافظه منتقل شود.

Input area

محل اطلاعات ورودی ، بخشی از حافظه که به ثبت اطلاعات ورودی اختصاص دارد تا از آنجا برای پرورش به قسمتهای دیگر رانده یا خوانده شود.

دستگاههای ورودی Input devices

قسمتی از دستگاه کامپیوتر که جهت فرستادن اطلاعات به حافظه از آن کمک گرفته می‌شود.

امپدانس ورودی Input, Impedance

مجموع مقاومت که دستگاه در برابر ورودی خود نشان می‌دهد.

واسطه های ورودی Input media

واسطه هایی که اطلاعات ورودی روی آنها ثبت می‌شود.

Input-output(I/O)

وسیله ای که بایك کامپیوترارتباط دارد ودرعین حال که اطلاعاتی به کامپیوتر می‌دهد ، فرمانهائی نیز ازآن می‌گیرد .

Input/output channel

راه ارتباطی برای انتقال اطلاعات ازواحدهای تبدیل به واحد مرکزی یا برعکس ، کانال ورودی / خروجی .

Input /output control

کنترل اطلاعات ورودی وخروجی هنگام انتقال اطلاعات ازواحدهای تبدیل به واحد مرکزی یا برعکس ، هم ازجهت نرم افزاروهم ازحیث سخت افزار .

دستگاههای ورودی / خروجی Input/out put devices

Input/output interrupt

توقف اجرای برنامه وقتی ناشی از عیب یکی از دستگاههای ورودی یا خروجی باشد .

Input/output storage

محفظه هایی ازحافظه که برای ثبت اطلاعات ورودی ویاخروجی تخصیص پیدا می‌کند .

دستگاه رابط ورودی کامپیوتر Inscriber

دستگاهی که به کمك آن می‌توان اطلاعات راروی اسناد اولیه به صورتی نوشت

که قابل جذب در کامپیوتر باشد .

Installation

محل نصب و استقرار کامپیوتر .

Instantanous

لحظه ای ، آنی ، مربوط به یك زمان کوتاه .

Instantaneous value

مقدار لحظه ای

مقدار هرمتغیری که با زمان تغییرکند در یك لحظه معین .

Instruction

اطلاعاتی که به صورت دستورالعمل انجام کار وارد کامپیوترمی شود و اجـــرای عملیات را برای کامپیوترمشخص می سازد .

Instruction cycle

سیکل دستورالعمل

دوره زمانی که درخلال آن یك سیستم برنامه ریزی شده دستورالعمـــل مخصوص را اطاعت می کند .

Instruction decoder

بخش مفسر دستورالعملها ، قسمتی ازواحد اجرای عملیات که دستـــور العملهای برنامه را برای اجرا آماده می سازد . برخی ازسازندگان کامپیوتـــر این بخش را Control unit نام داده اند .

انگاره دستورالعملها Instruction register

انگاره هایی که دستورالعملهای برنامه ــ یك به یك ــ برای اجرا در آن ثبت می‌شود .

آلات دقیق Instrument

دستگاه یا اندازه گیری که برای آزمایش با دقت در دستگاه بکار می‌رود .

عایق شده Insulated

۱ــ جدا شدن از سایر سطوح هادی .

۲ــ پوششی که از عبور جریان جلوگیری می‌کند .

عایق Insulator

ماده ای که قدرت هدایت آن بسیار کم است .

عدد صحیح Integer

عدد کاملی بدون ممیز ، اعشاری و کسر .

مجموعه اجزاء ، ساختمان اصلی Integral

Integrated circuit(IC)

مدار الکترونی که تمام اجزا و سیمهای رابط آن به صورت یك قطعه کوچك ریخته و ساخته می‌شود .

یکپارچگی. جامعیت Integration

مرحله نهایی استفاده از کامپیوترکه در آن امورسازمان به صورت یك پارچه درمی‌آید .

اینتلست Intelsat

سازمان ارتباطات بین المللی ماهواره ای که بیش از صد کشور در آن عضو می‌باشند .

Inter block gap

فاصله بین دوگروه ازرکورد های به هم پیوسته روی واسطه های مغناطیسی در کامپیوتر .

Interface

وسایل ارتباطی بین واحد مرکزی وواحد های دیگر کامپیوتر ، سیم کشی بین اجزای کامپیوتریا به طورکلی وسایل ارتباطی بین دوياچند واحد از اجرای کامپیوتر .

حرکت جابجائی متقاطع Interfaced scaning

تغییرمکان نقطه نورانی روی صفحه تلویزیون به صورت موازی وازبالا به پایین می‌باشد . چنانچه درگیرنده تصویری به وجود آید ، نقطه نورانی در حد فاصل بین خطوط قبلی ، خطوط جدید خود را رسم می‌کنند که بدین عمل ،حرکت جابجائی متقاطع گویند .

پارازیت Interference

نفوذ انرژی نامطلوب ازیک منبع خارجی به یك مدارالکتریکی •

Interference fading

ضعیف شدن سیگنال براثر تداخل بااامواج دیگر•

Interference pattern

علائم وآثارناشی ازجمع شدن دامنه امواج مشابه که فرکانس آنها یکسان است •

فرستنده مزاحم Interfering station

فرستنده ای که برروی فرستنده دیگر موج می‌فرستد •

Interlock

وسیله ای که یك وسیله دیگر راکه به آن ارتباط دارد بکارمی‌اندازد مانند دربازکن برقی •

قاب توزیع میانی Intermediate distribution frame

قابی که کابلهای دستگاه هارابه آن وصل می‌کنند •

حافظه داخلی Internal store

حافظه اصلی که بدون واسطه قابل دسترسی است •

شماره گیری بین المللی بطورمستقیم (اتوماتیک)
International direct distance dialing

برقراری مکالمات بین المللی بطوراتوماتیک توسط ارسال سیگنالهایی از دستگاههای ارتباطی مشترکین .

مدار اجاره ای بین المللی International leased circuit

مدارهای ارتباطی که جهت ارتباطات صوتی دیتا (مخصوصا " اطلاعات کامپیوتر) به صورت اجاره در اختیار استفاده کننده قرارمی گیرد .

خط بین المللی International line

ترکیب تمام قسمتهای مدارهای ملی وبین المللی مابین مراکز ترمینالهای مخابراتی بین المللی .

International morse code

الفبای بین المللی " مورس " که در تلگراف بی سیم وباسیم ورادیو مورد استفاده قرارمی گیرد که شامل یک سری نقاط وخط است .

کمیته مشورتی بین المللی تلفن وتلگراف
International telephone and telegraph consulative committee(CCITT)

یکی ازچهارارگان ثابت اتحادیه ارتباطات راه دوروابسته به سازمان ملل است که در رابطه باقوانین ومشخصات فنی تلگراف وتلفن فعالیت می کند .

Interpreter

روشی که برنامه کارکامپیوتررا ازیک زبان به زبان دیگرمخصوص ماشین ترجمه

می‌کند •

Inter rocerd gap

فاصله بین دورکورد روی واسطه ها •

Interrupt

توقف اجرای یك برنامه به علل خارج بودن ازبرنامه •

Interruped continious wave (I C W)

موجی که ازقطع ووصل یك موج مداوم تولید می‌شود • علائمی که به این ترتیب به دست می‌آید درمخابرات کشتی ها بکار می‌روند •

Interruption

قطع یك مرحله ازعملیات تا شروع مرحله دیگرد راطلاعات کامپیوتر •

Inventory management package

برنامه آماده برای مکانیزه کردن مدیریت انبار • مدیریت انبار نوعی برنامه خاص است که پس‌ازمصرف جنبه عمومی پیدا می‌کند •

Inversion circuit

۱ــ مداروارونه ساز: مداری که یکی ازعلامتهای دوگانه رابه علامت یا حالت دیگرتبدیل می‌کند •

۲ــ مداری که صفررابه یك ویایك رابه صفرتبدیل می‌کند •

Inverted speech

نوعی مخابره رمزی به وسیله بی‌سیم یا رادیوکه فرکانس‌صوتی راتغییرداده فقط درگیرنده مخصوص‌قابل فهم است .

معکوس‌کننده Inverter

بلوك ساختمانی دیجیتال باینری بایك ورودی ویك خروجی که وضعیت خروجی عکس‌و مخالف وضعیت ورودی است.

I/O

علامت اختصاری برای Input/output .

یون Ion

یك یاگروهی ازاتمهاکه بطورالکتریکی شارژ شده باشد .

Ionbombardment

برخورد شدید یونهابه سطح اجسام بمباران (یونی).

انرژی یونیزه شده Ionisation energy

انرژی حاصله ازتجزیه به یونهای مثبت ومنفی .

آهن Iron

فلزی که بعلت قیمت ارزان وخاصیت مغناطیسی آن درالکترونیك مصرف می‌گردد.

دستگاه اندازه گیری با محافظ مغناطیسی Iron-screened movement

عامل (ضریب) از دیاد میدان آهن Iron space factor

لوازم تنظیم کننده در سوئیچینگ
Irregularities, switching, equipment

وسیله ای چند عمله در سوئیچینگ است که همراه با لوازم سیگنالینگ نتیجه شماره تلفنهای غلط ویا اشکالات دیگر را به تلفن کننده اعلام می دارد .

جدا کردن Isolate

جدا کردن نیروازمدار یا از قسمتی از مدار .

Isolator

یک دستگاه فعال مایکروویو که انتقال فرکانس رادیوئی را تنها در یک جهت ممکن می سازد و انرژی در جهت مقابل جذب می شود بنابراین انعکاس ها و منعکسه ها را جدا می کند .

بند . عضو . جزیی از یک کل . Item

Item of data

۱ــ جزئی از اطلاعات که به تنهائی دارای مفهوم باشد .

۲ــ جزئی از اطلاعات که در داخل برنامه منظور شده باشد .

Iterative operation

تکرار یك سلسله عملیات در کامپیوتر تا حصول نتیجه مطلوب.

J

جك Jack

۱ــ وسیله اتصال که سیمهای یك مدار به آن وصل شده است.

۲ــ ارتباط با مدار بوسیله داخل کردن پلاك به داخل آن.

Jack box

جعبه محتوی تعدادی فیش وکلید برای تغییر مدارها بخصوص در سیستم فرمان هواپیما.

پلاگ ـ فیش Jack plug

وسیله ای که با وارد کردن آن به داخل یك جك، مداری را به مدار دیگر وصل می‌کند.

Jam card

دسته کردن کارتها در ماشین تهیه اطلاعات.

Jammer

وسیله انتشار امواج پارازیت.

Jamming

تولید پارازیت در سیستم انتشار رادیوئی ورادار.

Janet

سیستم ارتباط رادیوئی بوسیله امواج خیلی کوتاه (VHF).

J. carrier system

یك سیستم تلفنی "کاریر" با ۱۲ کانال وباند فرکانس وسیعی تا حـــــدود ۱٤۰ K c/s.

Jim creek transmitter

قویترین سیستم انتشار رادیوئی در نیروی دریائی ایالات متحده با قـــدرت انتشار ۱۰۰۰ کیلووات.

Jitter

عدم ثبات دامنه وفاز سیگنال.

Jitter scope

"اسیلوسکوپ" برای اندازه گیری بی ثباتی سیگنال.

Jitters

اعوجاج ناشی ازعدم آهنگ بودن زمان ثبت وتقطیع تصویر.

Job

کار ، خدمت

واحد انجام کار برای کامپیوتر ،

Job oriented terminal

پایانه ای که می‌تواند اطلاعات را از منبع اصلی به مرکز کامپیوتر انتقال دهد ،

Joint

اتصال

محل اتصال دو جسم به یکدیگر ،

Joint resistance

مقاومت الکتریکی محل اتصال دو عنصر ،

J.operator

عامل تغییردهنده زاویه فازکه بصورت $J=\sqrt{-1}$ در اعداد مختلط نمایش داده می‌شود ،

Joshi effect

پدیده تولید نورناشی از تخلیه الکتریکی در گازها ،

Joule

ژول

واحد کار یا انرژی در سیستم آحاد MKS که معادل کار تغییرمکان یك نیوتون نیرو در فاصله یك متروبرابر با ۱۰ " ارگ " است ،

پدیده ژول Joule effect

گرم شدن جسم هادی براثرمقاومت دربرابرعبورجریان الکتریکی •

قانون ژول Joule's law

گرمای حاصل از عبورجریان دریك مدار بامجذور شدت جریان متناسب است •

Jump

۱ــ جهشی الکترون ازیك مداربه مداردیگر •

۲ــ انتخاب عمل بعدی درکامپیوتر •

Jumper

سیم کوتاهی که معمولا " دوگیره برای اتصال موقت مدارهای الکتریکی بیکدیگر دارد •

پیوندگاه Junction

۱ــ محل اتصال دولایه مختلف درترانزیستور •

۲ــ سطح اتصال دوفلز در " ترموکوپل " یایك فلز ویك نیمه هادی دریکسو کننده ها •

Junction alloy

اتصالی که براثر اختلاط (آلیاژ) یك ناخالصی باکریستال نیمه هادی بوجود می‌آید •

Junction box

جعبه تقسیم

جعبه یا تابلوی توزیع برای انشعاب واتصال موقتی مدارهای مختلف •

Junction circuit

مدار اتصال (پیوندی)

مدار تلفنی بین مراکز تلفن محلی که در ساختمانهای مختلف نصب شده، تمام مدارهای اتصال یکطرفه هستند • بنابراین دو دسته مدار باید در بین مراکز وجود داشته باشند که هرکدام در یک جهت باشند •

Junction coupling

ارتباط بوسیله اتصال مستقیم به کابل متحدالمحور •

Junctor

مدار اتصال یا مدار مابین ورودی وخروجی در یک سیستم سوئیچینگ یا شبکه های سوئیچینگ مختلف •

Jute

کنف

بعنوان محافظی برای لایه‌های کابل استفاده می‌شود •

Jute-protected cable

کابلی که پوشش محافظ آن از کنف قیراندود یا دیگر رشته های نخ است •

K

K

۱ــ علامت اختصاری برای Kilo به معنای هزار •

۲ــ برآورد تعداد خانه های حافظه K در کامپیوتر معادل ۱۰۲٤ می باشد •

K band

باند فرکانس بین ۱۱۰۰۰ و ۳۳۰۰۰ مگاسیکل در ثانیه •

Kell factor

نسبت بین تعداد خطوط وعرض باند فرکانس سیگنال تصویر تلویزیون •

Kelvin temperature(K degrees)

درجه حرارت کلوین

مقیاس درجه حرارتی که برحسب سانتی گراد است اما درجه حرارت صفر کلوین ، منهای ۲۷۳/۱٦ درجه سانتی گراد است وآب در ۲۷۳ درجه کلوین یخ می بندد •

Key

۱ــ وسیله ای مکانیکی جهت قطع ووصل یك مدار •

۲ــ یك یا چند رقم که معرف مشخصه یك رکورد در کامپیوتر است •

Key board

تابلوئی که کلید های فرمان روی آن نصب شده اند .

Key-click

صدا یا امواجی که براثر قطع ووصل جریان بوسیله کلید تولید می شود .

Keyed rainbow generator

نوعی ژنراتورمولد سیگنالهای رنگی برای آزمایش تلویزیون بطوری که رنگها با خطوط سیاهی ازیکدیگر تفکیک می شوند .

Keying

کلید کردن

عمل استفاده ازکلید ــ اتصال بوسیله کلید .

Keying, freguency-shift

کلید تصویرفرکانس

انتقال اطلاعات کد شده توسط تغییرفرکانس کاریربا استفاده ازیك مقدارکم فرکانس .

Keying, phase-shift

کلید تغییرحالت (فاز)

اطلاعات دیجیتالی کدبندی شده بافازهای مختلف ازعناصرسیگنالی که دارای دامنه وفرکانس ثابت می باشند .

Keying wave

موجی که پس ازانتشارعلائم اصلی تلگرافی وبمنظورتفکیك آنها ازیکدیگر

فرستاده می‌شود .

کلید ضربه ای Key-pulsing

ارسال اعداد ، روش ارسال اطلاعات با استفاده از دستگاه کلید بجای شماره گیر چرخشی نظیر تلفنهای دکمه ای بجای شماره گیری .

Key-pulsing signal

یك سیگنالینگ چند فرکانسی کلید شده توسط اپراتور که برای دریافت اعداد از دستگاههای دور استفاده می‌شود .

Key punch

۱ــ ماشین منگنه با صفحه کلید ها برای منگنه کارت یا نوار کاغذی کامپیوتر .
۲ــ تابلوی فرمان برای سوراخ کردن وثبت اطلاعات .

Key sender

دستگاهی که بوسیله اپراتور تلفن بجای شماره گیر برای ارسال ارقام بکار می‌رود .

Keystone distortion

اعوجاج تصویر مربع شکل به یك ذوذنقه وارونه .

کلید تلگراف Key telegraph

سوئیچ منفرد یك قطبی که توسط دست بصورت کد های نقطه وخط تیره (ــ) تلگرافی را ارسال دارد .

Key telephone systems

سیستم تلفن ردیفی (منشی)

دستگاههای تلفنی ردیفی برای برقراری ارتباطات صوتی وغیرصوتی .

Key talk

کلید گفتگو

یکی ازکلید های همراه با هرمدارسیم سوئیچ برد می‌باشد که توسط اپراتـــور جهت وصل دستگاه تلفن به سیم مدار استفاده می‌شود .

Kilo cycle

کیلوسیکل که برابراست با هزارسیکل یعنی هزار دور در ثانیه که معمولا "به صورت کیلوهرتز نوشته وخوانده می‌شود .

Kilo pound

چهارصد وپنجاه وچهارکیلو که معادل هزارپوند است .

Kilo volt

کیلوولت ــ برابر با هزارولت .

Kilo watt

کیلووات

برابربا هزاروات .

Klystron

کلیسترون

نام عمومی برای لامپهای الکترونی UHF .

Knockout

قسمتی ازدیواره یك جعبه تقسیم یا محفظه الکتریکی که به سهولت کنـــد • شد • وسوراخ بزرگی برای عبورکابل بوجود می‌آو رد •

کابل کوارو‌پ Kvarup cable

کابل برای بارمداوم •

Kvp-kilovolt-peak

حد اکثرولتاژ برحسب کیلوولت •

L

Label

برچسب

یك یا چند کاراکترکه به عنوان یك علامت برای متمایزکردن بخشی از اطلاعات یایك محفظه از حافظه یایك رکورد از یك پرونده یا دستورالعمل از یك برنامه بکارمی رود .

Label record

رکورد برچسب

رکوردی که برای متمایزکردن یك پرونده از سایرپرونده ها که روی واسطه های مغناطیسی ثبت شده است بکارمی رود .

Lacer

نخ کشی

ابزاری است که برای نخ بندی کابلها بکارمی رود .

Ladder filter

مداری که متناوبا " ازمقاومتهای سری وموازی تشکیل شده است .

Lag(delay)

زمان عقب ماندگی یك موج ازموج دیگر که غالبا " برحسب زاویه الکتریکی بیان می شود . اختلاف زمان تحریك وزمان پاسخ یك مدار .

Lamination

اوراق نازك فلزی با خاصیت مغناطیسی که در ترانسفورمر بکار می رود •

Lamp,Ballast لامپ تنظیم کننده جریان

لامپی که با منبع تغذیه بصورت سری قرار داده می شود که در مقابل منبـــــع تغذیه حساس است و با اضافه شدن مقاومت، جریان را ثابت نگه می دارد •

Landing beacon

شعاع موج رادیوئی برای هدایت هواپیما •

Land mobile service

یك سرویس متحرك مابین ایستگاههای اصلی و ایستگاههای سیار زمینی •

Land mobile station

یك ایستگاه سیار در محدوده جغرافیایی یك کشور یا قاره •

Larger aperture seismic array

نوعی آنتن بسیار پیچیده ، شامل دستگاههای ثبت ارتعاش (زلزله نگار) و تجهیزات الکترونی برای کشف و ثبت انفجارهای اتمی زیرزمینی •

LASER(Light amplification by stimulatated emission of radiation لیزر

تقویت و تمرکز اشعه مادون قرمز بشکل شعاعهای بسیار تیز و نافذ با طـــــول موج معین •

Latency

تأخیرتحویل اطلاعات ازمخزن حافظه به قسمت محاسبه . درکامپیوترعددی .

L.C.D

مخفف کلمه کریستال ، دیود ، مایع می باشد وکاربرد آن درنشـــــــــان دادن اعداد و حروف است که قبل از آن دیود نوری (L.E.D) مصـــــرف بیشتری داشت .

Lead

سرب

فلزسنگینی که برای لحیم کردن وباطریهای ثانویه بکاربرده می شود .

Lead acid batteries

باتریهای تر (اسیدی)

نوعی باطری ثانویه معمولی که درآن الکترود های سرب درجوهرگوگـــــرد قرارداده می شوند .

Lead in

کابل یاسیم رابط بین آنتن ودستگاه فرستنده یاگیرنده .

Leading edge

نخستین قسمت یك پالس یاموج الکترومغناطیسی که درخلال بالارفتـــــن جریان یاولتاژ بطورسریع ازصفربه مقدارمتعادل خود می رسد .

Leak

تراوش

اتلاف ذخیره الکتریکی باطری براثر بدی وضع عایقها یا خرابی صفحات آن .

Leakage

عبورجریان یا خطوط قوای مغناطیسی ازمسیرهای ناخواسته ، پراکندگی خطوط قواد رمدارهای مغناطیسی •

Leap frog test

برنامه ای برای آزمایش کارقسمتهای داخلی یك کامپیوتر •

Lecher line(wire system)

وسیله ای برای اندازه گیری طول موج وامپدانس شامل دورشته سیم یا دومیله موازی که به یك منبع مولد فرکانسهای رادیوئی اتصال دارند •

Level,group selector

طبقه انتخاب کننده گروهی

د ریك مرکز سوئیچینگ الکترونی تعدادی ازخروجیهابه همان مقصد راهنمائی می شوند •

Level, transmission

سطح انتقال

نسبت قدرت سیگنال آزمایش د ریك نقطه مخصوص جهت آزمایش قدرت سیگنال د رنقاط دیگرسیستم •

Level, zero

قدرت انتقال د رنقطه مرجع د ریك مدارکه سایراندازه های قدرت برحسب آن د رمدارمقایسه می شود •

Light

نور

امواج الکترومغناطیسی قابل رؤیت بوسیله چشم انسان که طول موج آنها بین ۴۰۰۰ تا ۷۷۰۰ "آنگستروم" است.

Lighthouse tube(magnetron)

نوعی لامپ الکترونی برای فرکانسهای UHF که دارای سه الکترود روی سطح قاعده سه استوانه است. باکوتاه شدن مسیرحرکت الکترونها قدرت تقویت وحدود عبورفرکانسها دراین لامپ افزایش یافته است.

Light wave

موج نور

موج الکترومغناطیسی قابل رؤیت بوسیله چشم انسان.

Limiter

محدود کننده

دستگاهی که مانع زیاد شدن نیروی خروجی ازحد معینی می‌شود.

Lincompex

نوعی ارتباط رادیوتلفنی بین مناطق پستی بافرکانسهای HF (دوکانالـه).

Line

خط

۱ــ سیمی که تلفن یك مشترك رابه مرکز تلفن خودکاروصل می‌کند.

۲ــ سیمی که یك مرکز تلفن رابه مرکز دیگروصل می‌کند.

Line alarm

اخطارخط

دستگاه اخطاری درمرکزتلفن که درصورت نگه داشتن گوشی‌های تلفن عمل می‌کند.

خطی Linear

رابطه بین دو کمیت متغیر د رصورتی که یکی از آنها متناسب با دیگری تغییر کند • تابعی که منحنی نمایش تغییرات آن برحسب تغییرمتغیر ، یك خط مستقیم است •

مخابرات باسیم Line communication

ارتباطاتی که ازطریق کابل یاسیم انجام می‌گیرد •

Line filter

وسیله تصفیه وجلوگیری ازتأثیراختلالات شبکه د رکارگیرند • •

خط یاب Line finder

انتخاب کننده ای که یك مشترك داخلی رابه یك مرکزتلفن خودکاروصل می‌کند •

خط چهارسیمه Line, four-wire

یك مسیرانتقال دوطرفه که د رد وسیروجهت جداگانه می‌باشند •اگر چنانچه هدف انتقال فرکانس صوتی باشد د وجفت سیم (چهارسیمه) مورد نیازاست •

فرکانس شبکه Line freguency

تعداد خطوطی که روی صفحه تصویرتلویزیون د ریك ثانیه ترسیم می‌شود •

Line loss

اتلاف خط

کاهش قدرت در خطوط انتقال که برحسب دسی بل اندازه گیری می شود •

Line printer

دستگاه چاپ که اطلاعات را سطربه سطر چاپ می کند •

Line printing

چاپ تمام علائم یك خط در انتشار امواج رادیوئی •

Line reflection

انعکاس سیگنال در انتشار امواج بعلت یکنواخت نبودن مسیر آنها •

Line up

میزان کردن قطعات یك مدار ارتباطی که دارای افت انتقال ، افـــــت انعکاس برگشتی واعوجاج است •

Link

کانال یا مداری که در سیسم ارتباطی پشت سر کانال یا مدار دیگری قرار گرفتـــه است • مسیر ارتباطی بین دو کلید در سیستم کنترل •

Linkage

ارتباط بین دو برنامه مجزا در کامپیوتر •

Linkage flux

حاصل ضرب تعداد حلقه های یك سیم پیچ در میل مغناطیسی که ازآن عبور می‌کند •

Link, data

ارتباط دیتا

مداری که جهت ارسال اطلاعات دیجیتالی طراحی شده ومعمولا "ازتکنیك مالتی پلکس‌تقسیم زمان (TDM) استفاده می‌شود •

Lin-log receiver

نوعی گیرنده رادارکه سیگنالهای ضعیف رابه صورت خطی وسیگنالهای قوی رابه نسبت لگاریتمی می‌گیرد •

Lip microphone

میکروفونی که درموقع کاربایدبالبهای انسان تماس‌پیداکند •

Lissajous

روش‌مقایسه فرکانس‌وفاز دوموج دراسیلوسکوپ •

Live data

اطلاعاتی بصورت موج الکتریکی که قابل تبدیل وانتقال هستند •

Load

بار ، بارگیری

۱ــ وسیله ای که نیرورا ازمداری دریافت می‌کند •

۲ــ قراردادن واسطه های شامل اطلاعات درواحد های ورودی درکامپیوتر •

۳ــ فراخواندن اطلاعات یا برنامه به سوی حافظه •

نقطه بارگیری Loading point

نقطه انعکاس ـ علامتی در آغاز یا پایان نوار مغناطیسی کامپیوتر که قسمت اضافی نوار را از قسمت اصلی متمایز می سازد •

برنامه بارگیری Loading routine

برنامه ای که قبلا" در حافظه کامپیوتر وجود دارد و به کمک آن ، برنامه از یک حافظه خارجی (واسطه) به داخل حافظه فراخوانده و ثبت می شود •

Load key

دو کلمه ای که اپراتور با فشار دادن آن مدارهای خواندن را به کار می اندازد تا اطلاعات یا برنامه در حافظه بارگیری شود •

Load matching

روش تنظیم امپدانس بار برای انتقال مدار معینی انرژی از طرف مولد به مصرف کننده •

صورت حساب اتوماتیک محلی Local automatic message accounting

ترکیب لوازم صورت حساب بطور اتوماتیک در مرکز تلفن با لوازم شناسایی خط به طور اتوماتیک که در نتیجه مشترکین می توانند بدون کمک اپراتور ارتباطات راه دور را شماره گیری کنند •

Local battery

باتری محلی

باطری ازنوع پیل خشك که درایستگاه مشترك قرارداده می‌شود .

Local control

روش‌کنترل انتشارراديوئی ازداخل دستگاه فرستنده .

Local frequency

فرکانسهایی که درداخل گیرنده های سوپرهترودین تولید می‌کنند تا پس ازترکیب بااامواج راديوئی مدوله ، فرکانسهای IF بدست می‌آید .

Local oscillator

نوسان سازی درداخل گیرنده های راديوئی " سوپرهترودین " برای تولید فرکانسهای محلی .

Location

خط حافظه

۱ــ ثبت اطلاعات درکامپیوترشامل بخشی ازحافظه است .

۲ــ موقعیت ، منطقه یا محل .

Locking

کنترل فرکانس‌یك نوسان سازبوسیله یك فرکانس‌ثابت .

Locking in

تنظیم ونگهداری نسبت ثابت بین نوسانهای دونوسان ساز .

Locking on

تعقیب مسیریک هدف بوسیله آنتن رادار بطورخودکار •

Locking relay

رله ای که سایررله هایاوسایل فرمان راازکاربازدارد •

Lock-out

۱ــ جلوگیری ازتاثیرعوامل خارجی هنگام ثبت وذخیره اطلاعات درکامپیوتر

۲ــ جلوگیری ازورود سیگنالهای غیرضروری •

Lock out chain

اتصال زنجیری

سیستمی که جهت جلوگیری ازورود سیگنالهای غیرضروری بکارمی رود • اغلب ازرله برای این کاراستفاده می شود •

Lock up

بستن

آزادنکردن یك مداریادستگاه •

Log

مخفف لگاریتم • ثبت وقایع وپدیده ها

ثبت کلیه انتشارات وپیامهای یك فرستنده رادیوئی که قانونا " اجباری است •

Logic

منطق

علمی که اصول عقلی ساختمان کامپیوتریابرنامه رامورد بحث قرارمی دهد •

منطقی

Logical

اصولی منطبق با اصل عقل ومنطق •

Logical comparison

۱ــ مقایسه دو عدد بطورمنطقی در کامپیوتر .

۲ــ مقایسه منطقی بین دو عملکرد یا دو فیلد کلید •

Logical element

واحدی در یک کامپیوتر یا سیستم اطلاعاتی که محتوی اجزائی برای انجـــام یک عمل ریاضی است •

رکورد منطقی

Logical record

رکوردی از اطلاعات که تنها شامل عناصر اطلاعاتی اصلی ومورد لزوم باشد •

Logical symbols

علائم قراردادی برای نمایش اجزاء عامله یک کامپیوتر •

Logic gate

مدارهای دیجیتالی که براساس شمارش کار می‌کنند واساس کار بسیـــــاری از دستگاههای پیچیده الکترونیکی می‌باشد از واحدهایی بنام گیت لوژیـــک استفاده می‌کنند •

Longitudinal magnetzation

مغناطیس شدن ذرات نوار ضبط مغناطیسی در امتداد حرکت نوار •

Longitudinal wave

موجی که درجهت انتشارخود جابجامی شود مانند موج صوتی .

Long-line effect

تغییرفرکانس نوسان سازبعلت بلندبودن خط انتقال نسبت به طول موج .

Loop

مداربسته : ۱ــ تکرارعلائم فرمان تحت شرایط خاص درجریان کامپیوتر .
۲ــ مدارارتباطی بین دومشترك تلفنی ویابین مشترك ومرکز .
۳ــ یك مدارکاملی که بین دونقطه کشیده شده ومسیری رامی پوشاند وباز به همان مسیربرگشت پیدامی کند .

Loop antenna

آنتنی بـــه شکل یك حلقه بزرگ که به منظورجهت دادن به آن ساختـــه شده است .

Loop error

اختلاف بین سیگنال مورد نظروسیگنال خروجی یك مدار .

Loop feed back signal

سیگنالی که ازمدارفیدبك بطرف مداروروی برمی گردد .

Loop gain

بهره تقویت سیگنالی که ازیك مداربسته می گذرد .

Loop input signal

سیگنالی که ازخارج برمدارفیدبك اثرمی‌کند ٠

Loop output signal

سیگنالی که ازیك مدارفیدبك استخراج می‌شود ٠

Loop return signal

سیگنالی که ازطریق مدارفیدبك برگشت داده می‌شود ٠

ارتباط ناقص Loose connection

درنتیجه وصل یك جسم هادی بطور ناقص‌بوجود می‌آید ویا هادی جسم به خوبی لحیم نشده است ٠

LORAN(Long range navigation)

سیستم هدایت کشتی وهواپیما باکمك علائم رسیده از دوفرستنده اصلی وفرعی که بفاصله ۳۰۰ تا ۵۰۰ کیلومتر ازیکدیگر قرارگرفته اند ٠

اتلاف Loss

۱ــ مترادف کلمه تقلیل پیداکردن است ٠

۲ــ افت نیروویا انرژی دریك دستگاه راگویند ٠

۳ــ انتشاریا مصرف انرژی بدون انجام کارمفید ٠

افت برگشتی انعکاس Loss, Echo return (ERL)

متوسط افتهای برگشتی تمام فرکانسهای بین ۵۰۰ تا ۲۵۰۰ هرتزاست ٠

افت انتقال

Loss, transmission

نسبت قدرت ورودی خط انتقال درخروجی آن برحسب دسی بل (db)•

Lossy cable

کابلی که دارای عایق معیوبی است ودرنتیجه انرژی زیادی راتلف می‌کند •

Lossy line

خط انتقال یاانتشاری که درآن میزان اتلاف انرژی زیاد باشد •

Loud microphone

بلندگوی دینامیك که بجای میکروفون نیزبکار می‌رود •

Loudness

میزان تأثیرصوت درحس‌شنوائی انسان که بلندی صدانامیده می‌شود •

Loudness level

میزان فشارصوت برحسب db بامقایسه بافشارصدائی بافرکانس ۱۰۰۰ c/s
که فشاری معادل ۰/۰۰۰۲ میلیونیم آتمسفر(Microbar) تولید می‌کند •

بلندگو

Loudspeaker

مبدل نوسانهای الکتریکی به ارتعاشات صوتی جهت پخش‌وشنیده شدن
درفواصل دور•

Loud speaker dividing network

مداری که ارتعاشات مختلف را انتخاب کرده وبین چند بلندگوتقسیم می‌کند (در تقویت کننده استریو) .

Loud voice coil

سیم پیچ متحرک بلندگو

Low frequency(LF)

باند فرکانس رادیوئی بین ۳۰ تا ۳۰۰ کیلوسیکل در ثانیه - موج یا سیگنالی که تعداد تناوب آن در ثانیه کم باشد .

Low level language

زبان برنامه نویسی سطح پایین

زبانی که به زبان ماشین نزدیکتراست تا به زبان اشاره ای .

Low level modulation

مدولاسیون در نقطه ای ازمداری که توان آن نسبت بتوان خروجی کم است .

Low loss

اتلاف کم

افت قدرت یا نیروی دستگاه به مقدار کم .

Low-passfilter

فیلتر موج که فرکانسهای بین صفرو حد معینی را ازخود عبورمی‌دهد .

L.P.M(Lines per minute)

سطر در دقیقه . واحد سرعت دستگاه چاپ در کامپیوتر .

لومن (واحد مقدار روشنائی) Lumen

مقدار نوری که بر واحد سطح تمام نقاط از یك منبع ودریك فاصله می تابد کـــه برابر با یك شمع است •

M

Machine cycle

د ورماشین

زمان لازم برای انجام یك حرکت معین د رماشین ، مانند حرکت یك محوریـــا انتقال کامل یك کوبه برق.

Machine interruption

توقف اجرای یك برنامه د رکامپیوترکه ناشی ازعیب سخت افزاراست .

Machine language

زبان برنامه نویسی ماشین

۱ــ زبانی.که ماشین بدون ترجمه قابل به جذب ودرك آن است .

۲ــ بطورعام،زبانی که کامپیوتربه کمك آن دستورالعملهارادرك واجـــــرا می‌کند .

Machine ringing

زنگی‌که د رفواصل یکنواخت وبطور اتوماتیك ادامه پیدامی‌کند تازمانی‌کـــــه به مکالمه پاسخ داده شود ویاقطع گردد .

Machine word

کلمه ای که ازابتدای حروف وعلائم د رکامپیوترتشکیل می‌شود .

مغناطیس Magnet

جسمی که در حول وحوش خود میدان مغناطیسی تولید می‌کند •

مغناطیسی Magnetic

اجسامی که دارای خواص مغناطیسی هستند •

حباب مغناطیسی Magnetic bubble

یك ناحیه کوچك قابل تحرك مغناطیس‌شده که در تحت شرایط معینی در یك ورقه نازك کریستال سنگ مغناطیسی که مشابه یك IC ساخته می‌شود ، تشکیل شده است چنین حبابهائی محل ذخیره بسیار متراکم دسترسی سریال برای بیت ها ایجاد می‌کند •

کارت مغناطیسی Magnetic card

صفحه ای که دارای پوشش مغناطیسی است ومی‌توان ازآن بعنوان یك واسطه استفاده کرد •

کاراکترمغناطیسی Magnetic chararcter

کاراکتری که با استفاده ازجوهرمغناطیسی روی کاغذ یا هروسیله دیگرثبت شده است •

Magnetic contactor

کلیدی که بوسیله یك آهنربای الکتریکی قطع ووصل می‌شود •

Magnetic controller

وسیله ای که عملیات کنترل را باکمك آهنربا های الکتریکی انجام می دهد •

Magnetic core

۱ــ هسته مغناطیسی یك سیم پیچ یا هرنوع وسیله الکترومغناطیسی •
۲ــ حلقه های فریت که سیمهای حامل جریان را احاطه کرده واطلاعات را بصورت مغناطیسی در خود ذخیره می کنند •

Magnetic counter

شمارنده مغناطیسی

دستگاهی که بوسیله عمل مغناطیسی ارقام را شمارش وذخیره می کند •

Magnetic disk storage system

حافظه گردنده ای بشکل صفحات متعدد که روی هریك ازآنها در حدود
۵ میلیون علامت در صد ردیف ثبت می شود ودر کامپیوترهای جدید بکار می رود •

Magnetic drum storage

استوانه گردنده ای که سطح آن ازذرات مغناطیسی پوشیده شده واطلاعات را بصورت آثارمغناطیس روی ذرات سطح خود ذخیره می کند •

Magnetic field

میدان مغناطیسی

محوطه ای در اطراف جریان الکتریکی یا مغناطیس که درآن نیروهای ناشی ازجریان یا مغناطیس را می توان تشخیص داد •

قدرت جریان مغناطیسی Magnetic flux

تولید یك میدان در اطراف جریانهای الکتریکی یا مغناطیسی .

جوهرمغناطیسی . مرکب مغناطیسی Magnetic ink

مرکبی که خاصیت آهنربایی یاآهنرباشدن را دارد .

دستگاه کاراکترخوان جوهرمغناطیسی Magnetic ink character reader

دستگاهی که اطلاعات نوشته شده بامرکب مغناطیسی را می خواند وبه واحد مرکزی منتقل می‌کند .

Magnetic leakage

قسمتی ازخطوط قواکه درمسیرپیش بینی شده بسته نمی‌شوند وتراکم ناشی از آنها مورد استفاده قرارنمی‌گیرد .

عدسی مغناطیسی Magnetic lens

مجموعه آهن رباهایی که شعاعهای الکترونی را درمسیرمعینی متمرکزمی‌کنند.

میکروفون مغناطیسی Magnetic microphone

میکروفونی که ارتعاشات صوتی را دریك میدان مغناطیسی به نوسانهای الکتریکی تبدیل می‌کند .

Magnetic modulator (magnettor)

ترکیب کننده امواج که ازتقویت کننده های مغناطیسی تشکیل شده است .

Magnetic polarization

پلاریزاسیون مغناطیسی

اختلاف بین میزان تراکم خطوط قوای مغناطیسی در هرنقطه از یك محیط ومیزان تراکم در خلاء همان نقطه •

Magnetic pole

قطب مغناطیسی

معمولا " به قطب شمال وجنوب مغناطیسی معروف است •

Magnetism residual

باقی مانده خاصیت مغناطیسی

خاصیت مغناطیسی که در یك آهن ربای الکتریکی بعد ازقطع مدارتحریك کننده آن باقی می‌ماند •

Main distribution frame

قاب توزیع اصلی

اسکلتی فلزی که سیمهای تلفن مشترکین رابه مرکزتلفن وصل می‌نماید •

Main frame

چارچوب اصلی

بخشی ازکامپیوترکه ازیك واحد عمل آوری مرکزی (CPU) ویك حافظه انبوه دسترسی اتفاقی تشکیل شده باشد •

Main memory

حافظه اصلی

بخشی اصلی حافظه داخلی درکامپیوتر •

Maintenance

تعمیرونگه داری • اصلاح

تغییروتعمیرکامپیوترازحیث نرم افزاروسخت افزار •

Maintenance, preventive

عملیات نگهداری شامل پیداکردن ، تعمیروضبط اشکالاتی که مستقیما "به وسیله علائم دریافت شده آشکارشده است .

Maintenance spares

امورنگه داری قطعات

قسمتهایی ازقطعات یدکی دستگاه که جهت جایگزینی درموارد لزوم نگه داری می‌شود .

Man-machine language (MML)

زبان ماشین ــ انسان

شامل یك سری دستورات ورودی وخروجی که جهت عملیات کنترل ونگه داری، نصب و آزمایش سیستمهای برنامه ذخیره ای استفاده می‌شود .

Man-made noise

انواع پارازیتهای رادیوئی که مولد آنها دستگاههای مانند اتوموبیل ووسایل برقی هستندکه انسان آنهارابکارمی‌برد .

Manual

دستی

اصول عملی که توسط مداخله انسان انجام می‌گیرد .

Manual input

اطلاعات ورودی دستی

اطلاعات ورودی که به کمك دستگاههایی مانند رابط یا هرد ستگاهی با صفحه کلید هاکه مستقیما " به کامپیوتروصل است وبصورت عملیات دستی وارد حافظه می‌شود .

Manual exchange

مرکزتلفن دستی

مرکزتلفنی که درآن ارتباط مدارها ومشترکین بادست انجام می‌گیرد •

Manual input unit

دستگاهی که به کمك آن اطلاعات ورودی به صورت دستی وارد حافظـــــه می‌شود •

Manual ringing

زنگ دستی

زنگی که شروع وتوقف آن توسط عملیات دستی وباکلید انجام می‌گیرد •

Many-one function switch

نوعی کلید درکامپیوترکه براثرچندفرمان ورودی همزمان بکارمی‌افتد وفقط یـــك فرمان خروجی دارد •

Marginal

عمل قابل مجازدرپائین ترین حدولتاژ ، جریان اعوجاج وغیره •

Mark

علامت

علامت یاکاراکتری که نشانه پایان یك مجموعه ازاطلاعات است •

Marker

۱ــ وسیله تولید سیگنال رادیوئی درکشتی یاهواپیمابرای محیط اطراف •

۲ــ مداری که فعالیتهای سایرمدارهاراکنترل می‌نماید •

Marker generator

دستگاه مولد سیگنال برای آزمایش گیرنده تلویزیون وراد یوی FM .

Marker pulses

سیگنالهای ضربه ای که برای هم آهنگ کردن فرستنده وگیرنده تولیـــــد ومنتشرمی شوند .

عمل مارکر Marking action

عمل کنترل کننده ای مارکر .

مارکینگ فینگر Marking finger

قسمتی ازکلید کراسی بارکه که باعمل مارکرکارمی کند .

Marking wave

امواجی که همزمان باانتشارعلائم تلگرافی منتشرمی شوند .

احساس نشانه Mark sensing

شیوه ای برای ثبت اطلاعات روی کارت منگنه . دراین شیوه روی ستونهایی ازکارت منگنه بامداد علامت گذاری می شود واین علامتها درماشین مخصـــوص خود بخود به سوراخ تبدیل می گردد .

MASER(Microwave Amplification by stimulated Emistion of radiation)

تقویت کننده یانوسان سازی که انرژی داخلی اتمهایا مولکولهارا به تشعشـــع امواج خیلی ریز(میکروویو) تبدیل می کند .

Maser relaxation

مراحلی درکار Maser که مولکولهای تحریک شده رابحالت عـــــادی برمی‌گردانند .

Masking

تغییرحد قابلیت شنیدن یك صوت براثر اختلاط باصدای دیگرکه معمولا" برحسب db بیان می‌شود .

حافظه انبوه Mass memory

حافظه ای که می‌تواند مقادیرنسبتا" بزرگی ازاطلاعات راذخیره کرده وآنـــرا تازمانی‌که بوسیله سیستم جابجانشده ، بطوردائم نگهدارد .

پرونده اصلی Master file

مجموعه کاملی ازرکوردهای مربوط به اطلاعات اصلی یك پرونده که روی یـــك واسطه ثبت شده است .

فرمانده ــ فرمانبر Master-slave

روشی برای اتصال دوفلیپ - فلاپ یاواحد ذخیره سازی دینامیك جهت ذخیره کردن یك بیت ، بطوریکه واحد " فرمانده " بیت ورودی رادریافـــت کرده وذخیره می‌کند قبل ازاینکه واحد " فرمانبر" بیتی راکه قبلا" دریافـــت کرده بو درهاسازد .

Master switch

کلیدی که کارسایرکلیدها راکنترل می‌کند •

Matched termination

قسمت انتهائی شبکه یاخط انتقال که امواج منعکس‌تولید نمی‌کند •

Matched wave guide

هدایت‌کننده موج بدون انعکاس •

تطابق (هم آهنگی) Matching

ارتباط واتصال دومداربه یکدیگر ازطریق امپدانس‌یک دستگاه ترانسفورمر برای انتقال حداکثر قدرت •

Mathematical check

برنامه ای برای کنترل کارکامپیوتربا استفاده ازخواص‌ریاضی مراحل مختلف آن •

Matrix

قالبی که برای شکل دادن به اجسام بکارمی‌رود • شبکه لوژیک درکامپیوتر بشکل خطوط متقاطع وعمود برهم که اجزاء الکتریکی آن بین نقاط متقاطع قرارگرفته اند وبرای تجزیه یاترکیب سیگنالهابکارمی‌رود •

Maximum sensivity

حداقل توان سیگنال ورودی برای تولید خروجی معین دریک سیستم FM.

Maximum usable frequency

حد اکثر فرکانس امواج قابل انتشار از طریق یونوسفر •

Media

واسطه ها

جمع کلمه Medium (لاتین) •

Medium

واسطه

محیط ، وسایل فیزیکی که برای ثبت ونگه داری برنامه ها و اطلاعات در خارج از حافظه داخلی بکار می رود •

Mega

مگا

برابر با یک میلیون 10^6 •

Megaphone

دستگاه صوتی که شامل میکروفون ، تقویت کننده و بلندگو است که صدا را در جهت معینی پخش می کند •

Megger

دستگاهی که جهت اندازه گیری مقاومت عایقها استفاده می شود •

Memory

حافظه

وسیله ای که اطلاعات در آن ثبت ونگهداری شده وسپس از آن استخراج می شود •

Memory capacity

مجموعه اطلاعاتی که می‌توان در یك دستگاه حافظه ذخیره کرد ومعمولا " برحسب تعداد حروف یا اعداد سنجیده می‌شود .

Memory dump

نوشتن یا ثبت کردن محتوای حافظه روی یك واسطه وقتی که ضمن آزمایش یا اجرای یك برنامه مشکلی پیش‌می‌آید .

Memory Location

موقعیت یك واحد حافظه در داخل یك مجموعه .

Memory register

دستگاه ثبات در حافظه کامپیوتر .

Merging

ادغام

ادغام دو پرونده در یك پرونده در کامپیوتر .

Mesh

شاخه هائی که یك مدار مسدود را در یك شبکه تشکیل می‌دهند .

Mesh connection

اتصال اجزاء مداربه یکدیگربصورتی که یك مدار مسدود تشکیل دهند (نظیر مثلث یا مربع) .

Message

پیغام

واردکردن اطلاعاتی ازطرف مشترك به مرکزسوئیچینگ ، جهت برقـــراری ارتباط • یك پیغام دارای یك یاکاراکتربیشترارسالی نیزهست •

Message switching

روشی جهت ارسال پیغامهای دیجیتالی ازطریق امکانات سوئیچینگ بـــه طریق دستی ، نیمه اتوماتیك یااتوماتیك •

Metal rectifier

یکسوکننده فلزی

دستگاه یکسوکننده ای که دارای چند سطح باشد ولااقل یکی ازسطـــوح آن فلزی باشد •

Meteor burst communication

سیستم ارتباطی بین دونقطه بوسیله VHF برای کشف محل فلزات•

Micro

میکرو

برابربایك میلیونیم $\frac{1}{10^6}$ •

Microcomputer

میکروکامپیوتر

کامپیوتری درپایین ترین حداندازه وسرعت • عموما " کوچکتر ، کندتروازیـك مینی کامپیوترکمترمفصل است •

Microphone

میکروفون

مبدل ارتعاشات صوتی به نوسانهای الکتریکی که انواع مختلفی دارد •

Microphonic

صداهائی که براثرارتعاشات داخل اجزاء تقویت کننده صوتی بگوش می رسد.

Microphony

تبدیل ارتعاشات مکانیکی اجزاء لامپهای الکترونی به نوسانهای الکتریکی .

Micro processor میکروپروسسور

یك IC یا مجموعه ای ازچندآی ــ سی که می تواند با دستورالعملهای ذخیره شده ، برنامه ریزی شود وانواع وسیعی ازاعمال را انجام دهد .

Microprogramming

روش کنترل کامپیوتربوسیله برنامه ای که قبلا" برای دستگاه فرمان ترجمه می شود .

Microradiograph

تبدیل تصویرمیکروسکوپ الکتریکی به تصویر قابل رؤیت .

Microstrip

نوعی خط انتقال " میکروویو" که به جای هدایت کننده موج بکارمی رود .

Microswitch(snapswitch)

کلید بسیارکوچکی که جریان الکتریکی رابانیروی کمی قطع ووصل می کند .

Microwaves

دسته ای ازامواج خیلی کوتاه که فرکانس آنها بین ۱۰۰۰ تا سی هـــــزار مگاسیکل درثانیه وطول موجشان بین ۱ تا ۳۰ سانتی متراست ۰

Microwave frequency

فرکانس امواج مایکروویو

هرفرکانس مناسب بالا که جهت ارتباطات رادیوئی دردید مستقیم باشد ۰

Military-exchange(MX)

مرکزتلفن نظامی

مرکزتلفنی که مشترکین نظامی راسرویس می دهد ودارای مزایای نظامی نیـــز می باشد ۰

Milliammeter

میلی آمپرمتر

آمپرمتری که برحسب میلی آمپرمدرج شده باشد ۰

Millimeter waves

امواج میلیمتری که طول آنها بین یك تا ۱۰ میلیمتروفرکانس آنهااز ۳۰ تا ۴۰۰ گیگاسیکل برثانیه است ۰

Mini COBOL

یك زبان برنامه نویسی ، یکی ازسطح های زبان کوبول برای کامپیوتر ۰

Minicomputer

مینی کامپیوتر

کامپیوتری درحد معینی ازاندازه وسرعت ، عموما " کوچکتر ، آهسته تروکـــم تفصیل ترازیك کامپیوتراست ۰

عدم تطابق امپدانس Mismatch, impedance

اختلاف قدرمطلق یا فاز و مقاومت ظاهری که سبب انعکاس و جلوگیری از انتقال حداکثر قدرت می شود که برحسب ضریب انعکاس ، افت برگشتی و یا یک ولتاژ موج ، اندازه گیری می شود .

Mixer

۱ــ قسمت مخلوط کننده سیگنال با نوسانهای محلی درگیرنده " هترودین " برای تولید

۲ــ مخلوط کننده سیگنالهای ورودی برای تولید یک سیگنال خروجی مرکب.

Mode

۱ــ حداکثر احتمالات ، یکی از چند حالت ممکن در یک سیستم نوسانی که برای تشدید یک موج الکترومغناطیسی مناسب است .

۲ــ روش خاص نوشتن یا ثبت اطلاعات در حافظه یا روی واسطه ها .

Modem

وسیله ای که شکل سیگنال را تغییر داده و برای ورود به یک دستگاه متناسب می سازد .

Mode of propagation

طرز انتشار موج هدایت شده که با گسترش یکنواخت میدان در امتداد انتشار موج مشخص می شود .

Mode transducer(transformer)

مبدلی که طرزانتشارامواج راتغییرمی دهد •

Modifier

کمیتی که برای تعیین دستورالعمل ثبت اطلاعات درکامپیوتربکارمی رود •

Modulated

ترکیب شده یا مخلوط •

Modulated amplifier

طبقه تقویت کننده ای که درآن موج حامل باسیگنال ترکیب می شود •

Modulated carrier

موج حامل رادیوئی که سیگنالهای محتوی اطلاعات راباخود حمل می کند •

Modulated continious wave (MCW)

موج حاملی که بافرکانس صوتی معین ومداومی ترکیب شده است •

Modulated quantity

ترکیب دویا چند کمیت متناوب برای بدست آوردن یك فرکانس جدید •

Modulated stage

طبقه ای ازیك فرستنده که ترکیب موج حامل وسیگنال درآن صورت می گیرد •

Modulated wave

موجی که ازترکیب دو یا چند موج بوجود می‌آید •

Modulating electrode

الکترودی که براثرتغییرپتاسیل خود ، جریان لامپ الکترونی راتغییر می‌دهد •

Modulation

مدولاسیون

۱ــ تغییرمشخصات یك موج بطوری که مشخصات یك موج دیگرنیز در آن گنجانده شود • مدولاسیون باتغییردامنه ، فرکانس ، یافازموج حامل میسراست •

۲ــ کنترل کردن خصوصیت معینی ازالکتریسیته بطوری که اطلاعات را به صورت آنالوگ ارسال دارد •

Modulation amplitude

مدولاسیون دامنه

یك نوع مدولاسیونی که درفرکانس ثابت ولی دامنه ، تغییرمی‌کند •

Modulation factor

ضریب مدولاسیون

نسبت حداکثردامنه موج مدوله به حداکثردامنه موج حامل •

Modulation, frequency

مدولاسیون فرکانس

عکس مدولاسیون دامنه است بدین معنی که دراین نوع مدولاسیون دامنه ثابت است ولی فرکانس ، تغییرمی‌کند •

مدولاسیون فاز Modulation,phase

در این نوع مدولاسیون بجای پارامترهای دامنه وفرکانس؛پارامترزاویه تغییر می‌کند •

Modulator

۱ــ وسیله ترکیب بامدولاسیون امواج •

۲ــ طبقه ای که سیگنالها رابا موج حامل ترکیب می‌کند •

Module

یك واحد یاوسیله الکتریکی که ازقطعات پیش‌ساخته ترکیب می‌شود •

مدول (شمارشگر) Modulus

مدول یك شمارشگر تعداد وضعیتهایی است که قبل ازبرگشتن بوضعیت اولیه می‌شمارد این کلمه وقتی بصورت یك پیشوند بکارمی‌رود بصورت modulo نوشته می‌شود •

Moire

اختلالی درتصویرتلویزیون ناشی ازتداخل امواج •

مولکول Molecule

کوچکترین ذره ازیك جسم که خواص‌شیمیائی خود راحفظ کرده باشد •

Monitor

شخص‌یاوسیله‌ای برای کنترل برنامه های رادیوئی یاتلویزیونی •

Monitoring amplifier

تقویت کننده ای با حداقل اعوجاج برای کنترل برنامه های رادیوئی .

Monolithic

یکپارچه

مدارهای یکپارچه کامپیوتر.

Mono scope

نوعی لامپ کاتدی که تصویررا به تعداد نقاط بی شماری تجزیه می‌کنـــد ، تصویر با ذرات کربن روی یك صفحه آلومینیمی تولید شده وشعاع الکترونـی این صفحه رامی‌پیماید . سیگنالهای تصویربراثر اختلاف میزان صـــدور ثانویه الکترون در آلومینیم وکربن بوجود می‌آید .

Mono stable

مداری که براثر تحریك یك ضربه خارجی ازیك حالت پایداربه حالـــت پایداردیگری درمی‌آید .

Morse

نام مخترع الفبای تلگرافی که حروف آن باضربه های کوتاه وبلند (نقطه ـ خط) نمایش‌داده می‌شوند .

Morse code

علائم قراردادی برای نمایش‌حروف الفباد رمخابرات تلگرافی .

Mosaic

۱ــ سطحی از ذرات حساس پوشیده شده است .

۲ــ در " ایکونوسکوپ " شعاع الکترونی صفحه حساس را می‌پیماید و سیگنالهای مولد تصویر را تولید می‌کند .

Motor

موتور

دستگاهی که انرژی الکتریکی را به مکانیکی تبدیل می‌کند .

Motor boating

فرکانسهای صوتی پارازیت که صدائی شبیه به موتور قایق درگیرنده های رادیوئی تولید می‌کنند .

Motz undulator

نوعی نوسان سازمولد امواج خیلی ریز (میکروویو) با عبوردادن الکترونها از یک میدان مغناطیسی با سرعتی نزدیک به سرعت انتشار نور .

Mount

وسیله اتصال لامپ نوسان سازبه هدایت کننده موج .

Mouth,artificial

دهنی مصنوعی

جهت آزمایش فرستنده های تلفنی بکارگرفته می‌شود .

Moving target indicator (MTI.)

وسیله ای که اطلاعات صفحه رادار را به علائم رسیده از هدف متحرک محدود

می‌کند •

Mu.(u)

حرف یونانی که برای نمایش ضریب نفوذ مغناطیسی ، ضریب تقویت لامپ الکترونی یا بجای پیشوند (میکرو) و یک بیلیونیم بکار می‌رود •

ضریب تقویت Mu factor

نسبت تغییر ولتاژ آند به ولتاژ شبکه لامپ الکترونی در صورتی که سایر عوامل ازجمله جریان آند ثابت بماند •

Multicelluiar horn

مجموعه شیپورکهائی که برای انتشار صوت در جهات معین بکار می‌روند •

Multichannel analyzer

وسیله چند کانالی برای اندازه گیری دامنه ضربانها •

مولتی متر Multimeter

اندازه گیری که با استفاده از کلید انتخاب کننده می‌تواند آمپر ، ولت و اهم را اندازه گیری کند •

Multipactor

نوعی لامپ خلاء که الکترونها تحت تاثیر میدان الکتریکی متناوبی بین دو الکترود آن مبادله می‌شوند •

Multipath fading

انحراف در میدان نیروی یك سیگنال رادیوئی منتخبه که سیگنال دریافتی در آنتن گیرنده برروی مسیرهای دیگری قرار گرفته ودر همان مسیرنیستند تعداد فرکانسهایی که بلند تراز مسیرد ریافت هستند متوقف شده همدیگر را می شکنند وضعیف می شوند ودیگرفرکانسها ممکن است دارای نیرووقدرت عادی شوند .

Multipath transmission

انتشارامواج رادیوئی درچند جهت بطوری که سیگنالهای همزمان به آنتن یك گیرنده نمی رسند .

Multiple

مداری که بتوان ازچند نقطه به آن اتصالاتی وصل نمود .

Multiple address code

دستورالعمل کارکامپیوترکه بوسیله چند حرف یاعدد درحافظه آن ثبت می شود .

Multiple hop transmission

انتشارامواج رادیوئی باانعکاس وانکسارمکررامواج بوسیله " یونوسفر" .

Multiplex

مرکب از چند عمل ، مثلا" انتشارهمزمان چندین موج بدون اینکه خواص یا

مشخصات آنها ازبین برود .

Multiplex channel

ارتباط مخابراتی بوسیله یك کانال برای چندین موج .

Multiplex,frequency division

و یك سیستم مالتی پلکسی که مجموع پهنای باند انتقال به باند های باریکتر تقسیم شده وهرکدام برای یك کانال واحد ومجزا استفاده می‌شود .

Multiplex operation(multiplexing)

انتشارهمزمان چندین پیام تلگرافی بارادیوئی دریك جهت .

Multiplex telegraphy

دستگاه تلگرافی که دریك زمان وبایك سیم، چند مخابره انجام می‌دهد .

Multiplex, time division

دستگاهی که قادراست تعدادی ازعلائم رابرروی یك مسیرواحد مشترك بوسیله انتقال آنهابطور پیاپی وبه ترتیب درفواصل زمانی مختلف ارسال دارد .

Multiplier

۱ــ مقاومتی که بطورسری باولتمتربسته می‌شود تاحوزه اندازه گیری آن را چندین برابر توسعه دهد .

۲ــ مداری که سیگنال خروجیش متناسب باحاصل ضرب سیگنالهای ورودی

آن است .

Multiprocessing

عملکرد چند اجرائی

استفاده از واحد مرکزی کامپیوتر برای اجرای همزمان چند برنامه به طور مستقل .

Multiprogramming

عملکرد چند برنامه ای

استفاده از واحد مرکزی کامپیوتر برای اجرای همزمان چند برنامه با استفاده از یک سیستم کارنمایی .

Multivibrator

نوسان ساز وطبقه ومولد موج غیرسینوسی که خروجی طبقه اول آن به قسمت ورودی طبقه دوم ارتباط دارد (اتصال آبشاری).

Musa reception

سیستم دریافت امواج کوتاه برحسب زاویه برخورد آنها به آنتن گیرنده .

Musical scale

مجموعه ای از " نت " های موسیقی که برحسب فرکانس آنها تنظیم شده اند .

Mutilation

قطع . فلج سازی

یک اشتباه انتقال بطوری که یک سیگنال ازیک وضعیت وشرایط مهمی به وضعیت دیگری تغییر پیدا می کند .

Muting switch

کلیدی که مدار حذف صدای زمینه را وارد سیستم تطبیق خود کار می‌کند •

Mutual

متقابل

مالکیت مشترک •

Mutual conductance

هدایت متقابل

نسبت تغییر جریان آند لامپ الکترونی به تغییر پتاسیل شبکه که باعث آن شده است •

Mutual impedance

نسبت نیروی محرکه دو ترمینال یک مداربه جریانی که بین دو ترمینال دیگر آن برقرار می شود •

N

Nand

یکی ازمدارهای " لوژیك " درکامپیوتر.

Nano

پیشوندی عددی معادل بایك بیلیونیم 10^{-9} .

National number

شماره کد منطقه ای

ارقامی که جهت ارتباطات تلفنی بین شهری بصورت پیشوندی جلوی شماره تلفن مشترك آورده می‌شود.

Natural-frequency

نوسانهای آزاد وطبیعی هرجسم یا هرسیستم.

Natural period

دوره تناوب فرکانس طبیعی .

Near-end crosstalk

اختلاف مکالمه تلفنی.

منفی Negative

نقطه ای که در یک مدار الکتریکی جریان بطرف آن جاری می شود وطـــرف مقابل قطب مثبت است •

باطری منفی Negative battery

طرف منفی باطری مرکزتلفن ، زمانی که طرف مثبت باطری مرکز تلفن زمیـن شده باشد طرف منفی آن حالت باطری را دارد •

فیدبک منفی Negative feedback

برگشت قسمتی ازتوان خروجی به قسمت ورودی بطوری که توان ورودی ودر نتیجه میزان تقویت راکاهش دهد •

منطق منفی Negative logic

درمدارهای دیجیتالی باینری الکترونیکی به معنای تصمیمی است کـــه از دوسطح ولتاژ آنکه منفی تراست معرف عدد یک وآنکه کمترمنفی اســـت معرف عدد صفرباشد •

Negative modulation

نوعی مدولاسیون درسیستم تلویزیونی که درآن افزایش درخشندگی صفحـــه تصویرمربوط به کاهش قدرت انتشارموج است •

نپر Neper

۱ــ لگاریتم طبیعی نسبت دوولتاژ یا جریان .

۲ــ واحدی است نظیردسی بل برپایه لگاریتم یک نپرمساوی بـا ۸/۶۸۶

دسی بل است .

Net loss

افت خالص

افت یك مدار رفاصله دورد رنظم ترمینال ویاترمینالهای همشکل اســـت. در یك مدار انتقال مجموع تمام افتها منهای مجموع تمام گین ها است .

Network

شبکه

مداری که از چند جابهم مرتبط باشد .

Network analyzer

مدل یانمونه ای شبیه به یك شبکه الکتریکی واقعی که به اسبابهـــــای اندازه گیری وصل شده وبرای حل مسائل مربوط به شبکه هامـــــــورد استفاده قرارمی‌گیرد .

Network synthesis

طرح یاترکیب شبکه ، محاسبه اجزاء شبکه .

Neutral

خنثی

۱ــ فاقد شارژ الکتریکی .

۲ــ شرح یك هادی که درحالت عادی خود جریانی راحمل نمی‌کند .

Neutral relay

رله خنثی

رله ای که عملیات آن بستگی به قدرت مطلق جریان عبوری ازمیان سیم پیـــچ آن دارد وبه جهت بستگی ندارد .

نوترون Neutron

ذره ای که در هسته اتم هست وفاقد شارژ الکتریکی است •

Node

یکی ازنقاط متعدد در یک خط انتقال که موجی با حداقل قدرمطلق را حمل می‌کند •

صدا (صدای مزاحم) • پارازیت Noise

شامل صداهای زائد الکتریکی است • هرسیگنالی که وجود شرا نتظارنبود که می‌تواند توسط امواج رادیوئی یا حوزه های الکتریکی یا مغناطیسی تولید شود •

نویز مشخصه ازقبل Noise background

نویزسیستم زمانی که سیگنالی ظاهرنشده است •

مدارنویز Noise circuit

کل نویز الکتریکی برروی یک مدارتلفن درنتیجه نیروی القاء ، نویزباتری ، اتصال نویز ، تهییج نویز ، نویز ترمینال ، نویزساکن •

Noise factor

نسبت اختلاط امواج اضافی باامواج اصلی درقسمت خروجی مبدلها و تقویت کننده ها •

Noise-field intensity

شدت میدان امواج پارازیت در یک نقطه ازمسیرانتشارامواج رادیوئی ٠

Noise filter

فیلترنویز

قطعات الکتریکی شبکه که ازعبورپاداخل شدن سیگنالهای نویزدر یک مدارالکترونیکی جلوگیری می‌کند ٠

Noise reference

نویز مرجع

قدرمطلق نویز مدارکه درد ستگاه اندازه گیری مقدارآن برابربایک پیکووات قدرت الکتریک درهزارهرتز است ٠

Noise room

نویزمجاوری درگیرند ٠ تلفن که می‌توان ازمسیرفرستند ٠ وگیرند ٠ به گوش شنوند ٠ رسید ٠ ودریافت شود ٠

Non-Linear distortion

اعوجاجی که بادامنه ولتاژ یاتعداد تناوب آن نسبت مستقیم ندارد ، اعوجاج غیرخطی ٠

Non-magnetic

مولد غیرمغناطیسی

موادی که هیچگونه اثری دریک میدان مغناطیسی چه بصورت جذب وچه به صورت دفع راندارند ٠

Non-operate current

حداکثرجریانی که می‌تواند به یک سیم پیچ رله ای اعمال شود بدون اینکه باعث تماس بافنرها شود •

Non-polar

شرح یک ماده عایقی که دی الکتریک ثابتی دارد وباتغییرات فرکانس تغییری نمی‌کند •

گیت نور Nor gate

شامل چندین ورودی بایک خروجی منفرد بطوری که وقتی تمام ورودیها صفر باشند خروجی یک خواهد بود •

نرمال Normal

۱ــ اتصالات یک سوئیچ یارله درحالت اولیه (موقعیت آزاد).

۲ــ شامل یک خط آزاد یا مدار آزاد نیز می‌شود •

Normally closed

اتصالات بسته کلید یا رله درحالت عادی بطوری که عملی در آن صورت نمی‌گیرد •

Normally open

کنتاکت کلید یا رله بازی بطورعادی زمانی که آن کلید یا رله درحال انجام عمل نباشند •

Normally operated

عمل عادی

اصطلاحی است که برای تعریف رله ها بکار می رود که وقتی دستگاه یا مدار کار نکنند به حال عادی باشد •

Normal position

وضع عادی

دستگاه درحالتی که کاری انجام نمی دهد •

Nuclear magnetic resonance

تشدید (رزونانس) بین امواج رادیوئی و هسته اتمی که در یک میدان مغناطیسی بسیار قوی قرارگرفته است •

Nucleus

هسته

ناحیه مرکزی اتم که شامل پروتون ونوترون است •

NULL indicator

اسباب اندازه گیری که وجود تعادل یا فقدان جریان را در یک شاخه از مدار نشان می دهد •

Number directory

دفترچه راهنمای تلفن

در این نوع راهنماها شماره تلفن کامل وطبقه بندی شده مشترکین نوشته می شود •

Number international

شماره ای برای نمره گرفتن پیش شماره بین المللی جهت بدست

آوردن ارتباط بایك مشترك دركنتوری دیگر •

تن شماره غیرموجود Number unobtainable tone

تن ممتدی که هنگام قطع بودن تلفن مشترکی بکارمی رود •

Numeric

عددی ، رقمی ، اطلاعات عددی ، فیلد رقمی •

Numerical control

سیستم کنترل بااستفاده ازکامپیوترعددی •

بیت رقمی Numeric bit

بیتی که برای ثبت قسمت رقمی یك کاراکترمورد استفاده قرارمی‌گیرد •

کنترل رقمی Numeric control

کنترل عددی ، کنترل عملکرد های یك سیستم به کمك کامپیوترهای رقمی •

اطلاعات عددی Numeric data

اطلاعاتی راشامل می‌شودکه از خروجی کامپیوتربصورت اعداد مشخص می‌شود •

فیلد عددی Numeric field

چنانچه عناصرسازنده یك فیلد همه بصورت رقم باشند آنهارافیلد رقمی یا فیلد عددی گویند •

O

Object computer

کامپیوتری که در آن " برنامه مقصد " اجراء می شود • این اصطلاح بـرای کامپیوترخاص بکارنمی رود بلکه برای معرفی کامپیوترد رمتن برنامه مـــورد استفاده قرارمی گیرد •

برنامه مقصد (برنامه محسوس) Object program

برنامه ای که به کمك " برنامه مترجم" به زبان ماشین برگردانده شـــده و قابل درك برای ماشین است •

OBOE

سیستم رادار برای هدایت هواپیماوتعیین هدف بمباران هوائی •

Occupancy

درصد زمانی که برحسب کسرد سیبل دریك مدارموردا ستفاده قرارمی گیـــرد • بطور عددی مساوی با CCS منتقل شده توسط مدارتقسیم بر ۳۶•

Octave

فاصله بین دو فرکانس صوتی که نسبت آنها دوبریك است •

Odd-even check

وسیله کنترل خودکار برای تعیین زوج یا فرد یک عدد در کامپیوتر.

Odd parity check

روش بازرسی به کمک بیت فرد کننده.

Off-hook

۱ــ ارسال سیگنال به مرکزتلفن در مرحله اول.
۲ــ شرایطی را گویند که گوشی تلفن مشترک برداشته شود.

Office,manual central

مرکزتلفن دستی

یک مرکزسوئیچینگی که مکالمات دریافتی توسط اپراتور همراه با سوئیچ برد تکمیل می‌شود.

Off-line

دستگاه ناپیوسته. خط خاموش

ارتباط غیرمستقیم اجزائی از کامپیوتر که زیرنظارت مستقیم دستگاه هدایت مرکزی نیستند.

Off-premises extension

تلفن داخلی سانترال جدا از مراکز تلفن شهری یا بین شهری.

Ohm

اهم

واحد اندازه گیری مقاومت الکتریکی.

Ohm's law

قانون اهم

$E = I.R$ که درآن E = ولتاژ، I = جریان، R = مقاومت

Omegatron

امگاترون

دستگاه آزمایش گاز باقیمانده در لامپ خلائی ·

Om nidirectional microphone

میکروفونی که پاسخ آن مستقل ازجهت انتشارامواج صوتی است ·

One-many function switch

کلیدی درکامپیوترکه بایك فرمان بکارمی افتد وچند فرمان صادرمی کند ·

On-hoor

شرایطی راگویندکه گوشی تلفن روی دستگاه تلفن مشترك قرارگرفته باشد به عبارت دیگر، روشی است که درمدارتلفن جریان متناوب برقراراست ·

On-line

دستگاه پیوسته ، خط روشن

ارتباط مستقیم اجزائی از کامپیوترکه به کمك ودرارتباط باواحد مرکزی کار می کند ·

On-line operation

عملیاتی که نتیجه آنهابلافاصله درهمان طبقه ازکامپیوترقابل استفاده است ·

On-off control

سیستم کنترلی که فقط دوحالت انتخابی دارد •

On-off keying

قطع ووصل خروجی یك مداربرای تولید سیگنال ورودی دریك مداردیگر •

کد عمل •رمز عمل Op code (operation code)

رمز یانشانی عملیات دریك دستورالعمل که درانگاره ثبت می‌شود •

قطع Open

قطع مداوم یك مدارالکتریکی که ازعبورجریان جلوگیری می‌کند •

مدارباز Open circuit

مداری که مسیربسته ای برای جریان ایجاد نمی‌کند •

پایان باز(قابل توسعه) Open-ended

برنامه یاسیستمی که طوری طراحی می‌شود تابه آسانی قابل توسعه باشد •

Operand

۱ــ یك بخش یا یك عنصرازیك عمل •

۲ــ نشانی یك محفظه .

زمان عملکرد Operate time

مدت زمان داخلی بین کاربرد جریان یك رله سیم پیچی و عملیات اتصال آن •

Operating ratio

نسبت تعداد ساعت کار ماشین یا کامپیوتر به تعداد ساعاتی که برای سرویس یا تهیه برنامه آن صرف می‌شود.

سیستم کارنمایی Operating system

سیستمی که در عملکرد های کامپیوتر کلیه منابع و امکانات اجرائی کامپیوتر را تحت نظارت می‌گیرد.

زمان عمل Operating time

مدت زمانی که یک مدار یا دستگاه برای انجام عملی کار می‌کند.

عمل Operation

۱ــ عملکرد یک دستگاه یا مدار.

۲ــ اجرای یک دستورالعمل بوسیله یک عنصر منطقی.

Operation code

علائم قراردادی و مشخص‌کننده دستورالعمل کار کامپیوتر.

Operation number

عدد مشخص‌کننده یک عمل در برنامه کامپیوتر.

اپراتور Operator

۱ــ کسی که پشت میز کنترل مرکز تلفن قرار می‌گیرد و ارتباط ها را وصل یا جواب می‌دهد.

۲ــ عامل یا شخص که مسئول روشن کردن ، بکارانداختن ، نگاهداشتن وخاموش‌کردن کامپیوتراست .

Operator distance dialing

اپراتورشماره گیری راه دور

شماره گیری بوسیله یك اپراتور درمرکز اصلی شروع مکالمات راه دور بدون کمك گرفتن از اپراتورهای میانی .

Operator long distance

اپراتوری که جهت برقراری مکالمات بین شهری وفواصل دور توسط سوئیچ‌برد کارمی‌کند .

Operator's console

کنسول اپراتور

میزکنترلی که برای برقراری ارتباطها بکارمی‌رود .

Operator's desk

میز اپراتور

به همان معنای کنسول اپراتور است که برای برقراری ارتباطها بکارمی‌رود .

Optar

وسیله الکترونی قابل حمل برای هدایت نابینایان که مانند رادارکارمی‌کند .

Optical

بصری ، دیدنی

Optical character reader

دستگاه کاراکترخوان نوری

دستگاهی که به کمك بازتاب نوری ، کاراکترهای نوشته شده با شیوه نگارش

مخصوص را می خواند •

Optical maser

" میزر" که امواج تحریک کننده آن نور یا اشعه مادون قرمز باشند •

Optimization

کمال

۱ــ مرحله کمال در استفاده از کامپیوتر•

۲ــ طرح وتنظیم یك سیستم یا برنامه به قسمی که دارای حداکثر کارایی باشد •

Optimum

بهترین نتیجه در شرایط موجود •

Optimum programming

انتخاب برنامه ای برای کامپیوتر که لااقل ازیك لحاظ برسایر برنامه ها برتری داشته باشد •

Optophone

دستگاه فوتوالکتریك که حروف چاپی را به اصوات تبدیل می کند وبرای آموزش نابینایان بکار می رود •

Orbit,equatorial

مسیری موازی وصاف با خط استوای زمین که در مسافرتهای اطراف زمین توسط ارتباطات ماهواره ای تعقیب وهمراهی می شود •

OR-circuit(gate)

یك مدار فیزیکی در عملیات دودویی با دو پایه ورودی و یك پایه خروجی که دارای نتایجی منطقی است .

Order,service

دستورسرویس

دستوری جهت نصب ، نقل وانتقال ویابرقراری مجدد سرویس ارتباطات مشترکین .

Order,wire

مدار صورتی یاتله تایپ که توسط پرسنل امورنگهداری برای ارتباطات مطابق امکانات ارتباطی مرکزنگهداری استفاده می شود .

Orthicon

لامپ دوربین تلویزیونی که شعاع الکترونی آن صفحه حساس حاوی تصویر را می پیماید و به ذرات این صفحه ، متناسب با روشنی آنها ، بار الکتریکی می دهد .

Oscillation

نوسان

کمیتی متغیرکه دائما" بین دومقدار حداکثروحداقل تغییرمی کند .

Oscillator

نوسان ساز

مداریك لامپ رادیوئی ویاترانزیستوری که بتواند نوسانات الکتریکی مداری را تولید نماید ، مدارنوسان ساز نامیده می شود .

Oscillator,beat-frequency

یك مولد جهت آزمایش سیگنال یاتنی که دارای اختلاف فرکانسی مابین فرکانسهای ثابت ومتغیرتولید شده درنوسان سازاست ·

Oscilloscope

اسیلوسکوپ (نوسان سنج)

دستگاهی که باآن شکل امواج الکتریکی رامشاهده می‌کنند ·

Oscilloscope,cathode ray(CRO)

وسیله آزمایشی که درلامپ اشعه کاتدیك مورد استفاده قرارمی‌گیرد، جهت نشان دادن اشکال مختلف امواج ناپایدار وثابت ولتاژهایی که باشبکه فرمان ارتباط دارند ·

Osophone

تلفنی که گوشی آن ارتعاشات صدارا مستقیما " به استخوانهای سرمنتقل می‌کنند ومخصوص کسانی است که گوششان تاحدی سنگین است ·

Out-of-band signaling

سیگنالینگ خارج باند

استفاده ازباند باریك فیلترهاجهت سیگنالینگ صوتی پایین‌تر از ۳۴۰۰ سیکل درثانیه که باندبیل ۳۷۰۰ـ۳۴۰۰ سیکل درثانیه جهت نظارت سیگنالهااستفاده می‌شود ·

Out-of-order tone

تن خارج ازدستور(تن بی معنی)

تنی است که توسط اپراتورشنیده می‌شود زمانی که وی باپلاکها و غیره تماس می‌گیرد ·

Outlet

د رر و • خروجی

مسیرخروجی یك مدار یا د ستگاه •

Output

خروجی

قدرت ، جریان یاولتاژی که ازیك د ستگاه یامدارخارج می‌شود •

Output area

محلی د رحافظه که اطلاعات خروجی یااطلاعات پرورش یافته ثبت ، وآماد ه د رج د رواسطه های خروجی می‌گرد د •

Output block

قسمتی ازحافظه کامپیوتر برای حفظ اطلاعاتی که ازقسمت خروجی آن‌بد ست می‌آید •

Output medium

واسطه خروجی

واسطه ای که اطلاعات خروجی روی آن ثبت می‌شود •

Overflow

۱ــ اصطلاحی برای تشریح مسیرارتباطها د ریك مرکزتلفن هنگامی که تمـام مسیرهای معمولی اشغال است •

۲ــ وقتی‌که ارقام نتیجه یك محاسبه ازظرفیت اعداد کامپیوترتجاوزکند •

Overflow area

محلی برای ثبت اطلاعات یارکورد هایی که ازحد پیش‌بینی شد ه بزرگتراست•

Overflowed records

رکورد هایی که به علت عدم گنجایش درجای پیش‌بینی شده ، امکان ثبت نیافته اند .

Overlay

ذخیره اضافی

روشی برای اجرای برنامه کامپیوترکه ازگنجایش حافظه بزرگتراست . دراین روش تمام برنامه روی یکی از واسطه های دسترس مستقیم ذخیره می‌شود و بوسیله یك برنامه کنترل ، بخش به بخش به حافظه فراخوانده شده واجرا می‌گردد .

Overload

بادبیش از حد

دادن قدرت ، جریان یاولتاژ اضافی به یك دستگاه یامدار.

Overtone

فرکانسی بیش از فرکانس اصلی دریك صوت مرکب .

P

Pack

بسته • دسته

۱ــ تعدادی کارت منگنه شده بامحتوای اطلاعاتی مشترک •

۲ــ جای دادن بیش ازیک عنصراطلاعاتی دریک خانه حافظه یا دریـــــک محفظه •

Package

بسته بندی

مجموع چند برنامه آماده کامپیوتربرای اجرای یک طرح بزرگ •

Pad

مبدل فرکانس‌صوتی برای کاهش دامنه (مترادف کلمه attenuator در انگلیسی)•

Paired cable

کابل زوجی

کابلی که درآن تمام رشته سیمهاعایق شده وبصورت زوج بهم تابیـــــده شده اند •

PAL(phase alternation line)

سیستم تلویزیون رنگی برای تصحیح فاز موج حامل " مدوله "•

Pan

تعقیب شیئی متحرك بوسیله دوربین تلویزیون ، گردش دوربین حـــــول محورش برای نمایش یك منظره وسیع (برعکس Zoom).

Panel dial system

سیستم ارتباط مشترکین د رمرکز تلفن با استفاده از حرکت کنتاکت سلکتـــــور روی صفحه محتوی ترمینالها .

Panoramic

صفحه تصویرراداركه تمام سیگنالها را با فرکانسهای مختلف د ریك زمـــــان نشان می‌دهد .

Panoramic receiver

گیرنده رادیوئی که بطور خودکار ومتناوبا " فرکانسهای مختلف را می‌گیرد .

خازن کاغذ

Paper capacitor

نوعی از خازن که عایق آن از کاغذ است .

Paper tape punch

دستگاه منگنه نوارکاغذی کامپیوتر .

Paper tape reader

دستگاه نوارکاغذی خوان کامپیوتر .

Paper tape verifier

دستگاه وارسی نوارکاغذی منگنه شده .

Parabolic reflector

نوارافکن به شکل سهمی برای متمرکز کردن امواج منعکس بصورت یک رشته باریک .

Parallel

موازی

تعداد دوسیم یابیشتر وقتی درحالت موازی قرار دارند وجریانی که در مداروجود دارد بین آنهاتقسیم می شود .

Parallel circuit connection

اتصال مدارموازی

دویا تعداد بیشتری وسیله الکتریکی از قبیل کلید وترانزیستور که بطور موازی متصل شده اند بطوری که جریان می تواندازیک نقطه به نقطه دیگر توسط هریک از دو وسیله عبورنماید .

Parallel data transmission

ارسال دیتای موازی

دو یا تعداد بیشتری بیت های یک گروه که بطور موازی ارسال شده اند ، وقتی که تمام آنها دریک زمان از منبع یکسانی به مقصد یکسانی فرستاده شود (مثلا" دریک گروه سیم).

Parallel feeder

سیم یاکابل کمکی که باکابل اصلی موازی است .

Parallel memory

حافظه ای که زمان دسترسی به تمام عناصر آن یکسان است •

Parallel register

رجیسترموازی

دو یا تعداد بیشتری فلیپ فلاپ (یا واحد های ذخیره سازی دینامیک) با یک سیگنال ساعت مشترک که برای ذخیره بیت های ارسالی بطور موازی بکار می رود •

Parallel runing

اجرای موازی

وقتی برنامه های یک طرح آماده برای اجرا باشد ، برای مدت محدودی ضمن اجرای طرح جدید ، طرح قدیم (دستی) نیز اجراء می گردد ونتایج حاصل از اجرای دو طرح با هم مقایسه می شود تا اطمینان حاصل گردد که طرح جدید درست است •

Parallel Transmission

انتشار یک پیام در یک زمان وروی چند خط انتقال •

Parasite

پارازیت

امواج یا سیگنالهای خارجی وناخواسته •

Parasitic antenna

آنتنی که مستقیما" به دستگاه فرستنده یا گیرنده اتصال ندارد •

Parasitic oscillation

نوسانهای پارازیت که معمولا " براثر فیدبك وبطور ناخواسته تولیـــــــد می شود •

Parity bit

حلقه کنترل

بیت کنترل ، بیت همسنگ •

Parity check

کنترل موازنه عناصر مغناطیس شده در حافظه یاواسطه های مغناطیسی •

Parity checking

همسنگ رسی

ایجاد موازنه بین عناصرمغناطیسی به منظور وارسی صحت ثبت یـــــك کاراکتر •

Parity generator

همسنگ ساز ، دستگاهی جهت همسنگ رسی درکامپیوتر •

Particle

ذره

جزء کوچکی از یك جسم •

Partitioned

بخش به بخش

روشی برای ثبت اطلاعات روی دیسك مغناطیسی باسایرواسطه هـــــای دسترسی مستقیم •

Patch

وصله • تعمیرموقت

ارتباط دومداربااستفاده ازیك قطعه سیم •

Patch cord

سیم اتصال موقت

سیم عایق دار قابل انعطافی که دو سرآن دارای فیش بوده وبـــــرای وصل کردن مدارها بطور موقت بکار می رود •

Payroll

حقوق • دستمزد

طرح مکانیزه کردن پرداخت حقوق ودستمزدکارکنان یك موسسه •

Payroll package

برنامه آماده برای مکانیزه کردن طرح حقوق ودستمزد •

Peak clipping

محدودکردن حداکثر دامنه موج •

Peak signal

حداکثر توان لحظه ای سیگنال •

Peak value

مقدارحداکثر

حداکثر مقداریك ولتاژیاجریان متغیر •

Peg

فیش

وسیله ای بدون اتصالات خارجی جهت ارتباط هادی هاکه برای فـــــرو

بردن درجك ها طرح شده است .

Pentode

لامپ پنتود (پنج قطبی)

یکی از لامپهای معمولی رادیوهای برقی است با پنج قطب .

Percentage modulation

ضریب مدولاسیون که برحسب درصد بیان می‌شود .

Period

زمان تناوب

مدت زمان لازم برای یك تناوب ازیك عمل یا اتفاقی که بطور منظم تکـــرار می‌گردد .

Peripheral

محیطی

درسیستم کامپیوتر، واحد ها یا دستگاه محیطی ، آنهائی هستند کـــه خارج از چارچوب اصلی باشند . واحد های دیسك ، نوار ، چاپ کننده ها ، ترمینالهای کی بورد وغیره از این جمله اند .

Peripheral equipment

تجهیزات فرعی کامپیوتر که تحت کنترل دستگاه مرکزی است .

Peripheral unit

واحد های بیرونی ، واحد های غیراز واحد مرکزی ، واحد هـای ورودی و خروجی .

Permanent magnet

مغناطیس دائمی

قطعه ای از یك جسم مغناطیسی که بعد ازمغناطیس‌شدن خاصیت خود رابرای مدت نامحدودی نگاه می دارد •

Permeability

قابلیت نفوذ مغناطیسی • خاصیت عبور و تراکم خطوط قوای مغناطیسی دریك جسم یایك محیط •

Phase

فاز

فاصله زمانی برای هرسیکل ساعت دریك سیستم می‌تواند بدو یا تعداد بیشتری فاز تقسیم شود .فاز ها توسط پالسهائی دریك شبکه جداگانه از سیمها برای هرفاز تعریف می‌شوند • فازها روشی ایجاد می‌کنند که چندین چیز به ترتیب معین در خلال یك سیکل ساعت اتفاق بیفتد •

Phase constant

حدود کاهش زاویه یك فازیك موج •

Phase converter

مبدل زاویه فاز بدون تغییرفرکانس •

Phase discriminator

وسیله ایکه اختلاف دامنه رابرحسب اختلاف فاز تعیین می‌کند •

تأخیر فاز Phase lag

عقب ماندگی از لحاظ زاویه فاز.

پیش‌فاز Phase lead

پیش افتادگی از لحاظ زاویه فاز.

Phon(sone)

واحد برای سنجش میزان بلندی صدا.

Phononmaser

تقویت امواج صوتی با فرکانس زیاد، در یا قوت.

فتوالکتریسیته Photoelectricity

شامل الکترونهای ساطع شده از فلزاتی است که تحت تاثیر نور قرار می‌گیرند.

فتوماسك Photomask

یك صفحه شیشه ای شفاف حامل یك طرح تودرتوی بسیار دقیق از نقاط کوچك میکروسکوپی که بطور عکاسی از تقلیل طرح بزرگتر بدست آمده است. نقاط مات نواحی روی پولك، نیمه هادی را نمایش می‌دهند که در آنها ناخالصی نفوذ داده خواهد شد.

Photoresist

مایعی که وقتی بصورت ورقه نازکی پخش گردیده وخشك شود در نقاطی که

اشعه ماوراء بنفش به آنهامی‌تابدبه سرعت سخت شده وبه مـــــاده پلاستیکی محکمی تبدیل می‌شود •

Pick-up

ابزاری که برای نخ بندی کابلهای تلفن بکارمی‌رود •

Pico

پیکو

پیشوندی است معادل 10^{-12} •

Picture element

کوچکترین نقطه مولد تصویر در تلویزیون •

Picture frequency

تعداد دفعاتی که تصویر در یك ثانیه تولید می‌شود •

Picture information

انواع علائم واطلاعاتی که قابل تبدیل به تصویر هستند •

Picture transmission

انتقال یا انتشار تصویر بوسیله امواج وسیگنالهای الکتریکی •

Pilot

راهنما ، فرمانده ، یاکنترل کننده یك سیستم •

لامپ راهنما Pilot lamp

لامپ کوچکی که وضع یك مدار را نشان می‌دهد .

خط لوله Pipeline

لوله فلزی که درمرکز آن یك سیم روپوش دار برای انتقال جریانهای با فرکانس در رادیو و تلویزیون بکارمی‌رود .

PI/1

یك نوع زبان برنامه نویسی کامپیوتر مخصوص موسسه آی ، بی ، ام گرفته شده از اصطلاح Programming Language/1 این زبان ترکیبی از زبان کوبول وزبانهای سطح علمی مانند الگول به شمارمی‌رود .

صفحه Plate

الکترود یك خازن یا باطری .

فرو کردن Plug in

اتصال بوسیله داخل کردن فیش در جك .

مثبت ومنفی بودن Polarity

خاصیت یك مدار الکتریکی درمورد جهت عبور الکترونها یا خطوط مغناطیسی .

قطب Pole

۱ــ قطب مغناطیسی .

۲ــ هریك از الکترود های یك پیل .

Polyvinyl chloride(PVC)

ماده پلاستیکی نرم یا سخت برای روپوش سیمها وساختن لوله های عایق ·

Portable battery

باطری قابل حمل

انباره باطری که به آسانی بتوان آنرا جابجا کرد ·

Positive

مثبت

اصطلاحی برای یکی از دونقطه که بین آنها اختلاف سطح وجود داشته باشد ·

Positive logic

منطق مثبت

درمدارهای دیجیتال باینری الکترونیکی به معنای تصمیمی است که از دو سطح ولتاژ ، سطح بالاتر مثبت تر ، معرف یك وسطح پایین ترمنفی تر ، معرف صفر است ·

Positive modulation

نوعی مدولاسیون دامنه درسیستم تلویزیونی که درخشندگی صفحه تصویر با افزایش قدرت انتشار افزایش می یابد ·

Potentiometer

پتانسیومتر

یك مقاومت متغیربا ترمینال که معمولا " برای ارسال یك ولتاژ (پتانسیل) بادست درحدی بین ولتاژ تغذیه شده به دو ترمینال اصلی این وسیله تغییرداده می شود ·

Power

قدرت

میزان انجام کار یا انتقال انرژی در واحد زمان ، قدرت الکتریکی برحسب وات اندازه گیری می‌شود .

Power detection

روش آشکارسازی توان خروجی بوسیله گوشی یا بلندگو.

Powersupply

منبع نیرو

هرگونه روشی برای تهیه وتأمین نیرود ریك مدار.

Preamplifier

تقویت کننده ای که پیش از طبقه تقویت اصلی قرارمی‌گیرد ، مانند تقویت کننده مدار ورودی یا آنتن .

Pre-emphasis network

مداری که فقط بعضی ازفرکانسها راتقویت می‌کند .

Pressure microphone

میکروفونی که دامنه نوسانهای الکتریکی آن متناسب بافشار امواج صوتی است .

Prestore

ذخیره کردن اطلاعات درکامپیوتریپش ازبکاربردن آن .

Primary cell

پیل اولیه

پیلی که فعل وانفعالات شیمیائی آن دوجانبه نباشد .

Primary winding

سیم پیچ اولیه

سیم پیچ دریافت کننده در ترانسفورمر .

Prime

شارژ ود شارژ لامپ حافظه تا حدود ولتاژ مناسب برای ثبت اطلاعات .

Prime area

محل اصلی

محل ثبت اطلاعات روی دیسك مغناطیسی (درمقابل محلهایی که برای ثبت فهرستها ونشانیها به کارمی رود) .

Prime storage

حافظه اصلی درکامپیوتر .

Priming speed

تعداد دفعات شارژ و د شارژ لامپ حافظه در ثانیه .

Printed circuit

مدارچاپی

مداری که قطعات آن روی صفحه عایق نصب شده واتصالات بین آنها راخطوط مسی که روی صفحه عایق چاپ شده است تشکیل می دهد .

Print format

طرح چاپ

طرحی که باید روی کاغذ چاپ بوسیله دستگاه چاپ نوشته شود .

Printout

اطلاعات خروجی چاپ شده ، این اصطلاح اغلب بجای output به کار می رود وقتی که output از راه چاپ بدست می آید .

Private automatic branch exchange

مرکزتلفن خودکارفرعی وخصوصی

مرکزتلفن خصوصی که به یك مرکز تلفن خودکارعمومی وصل شده است .

Probe

میله آزمایشی محتوی وسایل یا مدارهای کنترل .

Process

اجرای پرورش اطلاعات بوسیله کامپیوتر .

Processor

اجراء کننده . وسیله اجرا

دستگاههای پرورش اطلاعات ، گاهی این اصطلاح به جای واحد مرکزی کامپیوتر (cpu) بکار می رود .

Production control

کنترل تولید

طرح مکانیزه کردن کنترل تولید .

Production control package

برنامه های آماده برای طرح مکانیزه کردن کنترل تولید .

Program

برنامه یامجموعه دستورالعملهای کاریك ماشین ، مراحل مختلف کار دستگاههای خودکار.

Program cards

کارتهای برنامه ، برنامه منگنه شده روی کارت .

Program control

کنترل و تغییربرنامه کاریك سیستم خودکار.

Program counter

شمارشگر برنامه

دریك سیستم برنامه ریزی شده ، اجزائی که روشی رابرای اضافه کردن یك به آدرس دستورالعمل فعلی ایجاد می‌کنند ،ممکن است شامل رجیستر آدرس و یك جمع‌کننده باشد .

Program flowchart

نمودار برنامه

نمایش ترسیمی مراحل اجرای منطقی یك برنامه .

Programmed check

مجموعه آزمایشهائی که برای کنترل صحت اجرای برنامه کاریك ماشین در دستورکار آن گنجانده می‌شود .

Programmed system

سیستم برنامه ریزی شده

سیستمی که توسط تعقیب یک سری از دستورالعملهای عادی ذخیره شده عمل می‌کند . همچنین سیستم برنامه متغیرخوانده می‌شود زیرا دستورالعملها می‌تواند تغییرکند .

Progressive scanning

روش تقطیع خطوط تصویرتلویزیون بطوری که فاصله بین مراکز دوخط مجاور ، مساوی عرض ، یک خط باشد ، تقطیع با خطوط فشرده .

Propagation loss

اتلاف انرژی امواج در اثر تشعشع .

Protective signal

سیگنالی که خطر بروز حریق یاانتشار گازهای سمی و غیره را اعلام می‌کند .

Proton

پرتون

ذره ای درهسته اتم که دارای بارالکتریکی مثبت است .

Pseudo-code

علائم اختیاری که باید به علائم قراردادی درکامپیوتر تبدیل یاترجمه شوند .

P-type semiconductor material

ماده نیمه هادی نوع P

از قبیل سیلیسیم که حاوی جزء بسیار کوچکی از عناصر معین دیگر (از قبیل بورن) می‌باشد و باعث می‌شود هرجریان عبوری از ماده عمدتا" توسط حرکت بارهای مثبت هدایت گردد.

Public address system

سیستم تقویت صدا برای مجامع عمومی.

Pulse

ضربان

۱ــ تغییرات یک کمیت که مقدار آن معمولا" ثابت است.

۲ــ جریان کوتاه مدت برق.

Pulse band width

کمترین فرکانس موج ضربه ای.

Pulse code

علائم قراردادی که بصورت امواج ضربه ای مخابره می‌شوند.

Pulse generator

مولد ضربان

دستگاهی که برای ایجاد ضربان جریان یا ولتاژ بکارمی‌رود.

Pulse mode

تعدادی موج ضربه ای که باترتیب مخصوصی تولید شده وبرای جدا کردن کانالهای مخابراتی بکارمی‌روند.

Pulse train

تعدادی موج ضربه ای که می‌تواند با باند فرکانس وسیعی برای انتقال امواج ضربه ای کارکند •

Punched card tabulator

ماشین کارت خوان

ماشینی که قادر به خواندن کارتهای منگنه شده است ومی‌تواند ضمن تهیه لیستی ازکارتها ، حاصل جمع بعضی از ستونهارانیز بدست دهد •

Punched card verifier

ماشین وارسی کارت منگنه

ماشینی که کارتهای منگنه شده رابه کمك آن وارسی می‌کنند •

Punched paper tape

نوارکاغذی منگنه شده

Punchist

پانچیست

متصدی ماشین منگنه ، اپراتور ماشین منگنه •

Punctuation bits

بیت هایی که در آغاز یاپایان فیلد هایی باطول متغیر دریك رکورد برای متمایز کردن آن بکارمی‌رود •

Push-down store

نوعی حافظه که اجزاء آن بصورت ستونی قرارگرفته وفقط قسمت بالای ستون ، به سایر اجزاء سیستم ارتباط دارد •

Q

Q.Damping factor

ضریب کاهش نوسانها براثر اتلاف انرژی در مقاومتها •

Q.demodulator

تجزیه کننده موج حامل رنگ در تلویزیون رنگی •

Q.dielectric

ضریب مرغوبیت دی الکتریك ، نسبت تراکم جریان جابجائی که براثر تغییر شدت میدان ، به جریان ناشی از خاصیت هدایت الکتریکی است •

Q.reactor

نسبت مقاومت القائی یا خازنی به مقاومت اهمی در " رآکتور " برحسب فرکانس جریان •

Q.selectivity

اندازه ای برای سنجش قدرت انتخاب مدار رزونانس سری که معمولا " بر حسب نسبت نصف توان مصرفی برای دو فرکانس معین بیان می شود •

Q.Signals

علائم اختصاری بین المللی برای مخابره پیامهای رادیوئی ٠

Qsl.card

کارت پستی مخصوص رادیوآماتورها ٠

Quad

مدار مضاعف ساده ٠

گروه چهارسیم ترکیب شده ازدوجفت سیم تابیده ٠

Quad,multiple twin

یك گروه چهارسیمه که جفت به جفت ترکیب و بهم تابیده شده اند ٠

Quadrature

دوموج ، ولتاژ یا جریانهائی که جداگانه در فاز ٩٠ درجه هستند یا در $\frac{1}{4}$ سیکل ٠

Quanticon

نوعی لامپ دوربین تلویزیونی ٠

Quantization

تقسیم بندی امواج برحسب ارزش آنها در مخابرات ٠

Quantizer

دستگاه مبدل کمیتها

دستگاهی که کمیتهای قیاسی (کمیت های جاری در کامپیوترهای قیاسی) را

بکمیتهای رقمی (کمیتهای جاری در کامپیوتررقمی) تبدیل می‌کند •

Quantizing

متد (روش) کاراستفاده شده در پالس مدولاسیون که درآن تمام دامنه های سیگنال ممکن توسط یکی ازحالتهای ۱۲۸ است •

Quantizing noise

اعوجاج ناشی ازروش کارکد مدولاسیون به دلیل منطبق نبودن دقیق کد منشعب شده فاکسی مایل برشکل موج اصلی پیغام•

Quantum

کوچکترین جزء انرژی موجود دریك تشعشع .

Quantum number

تعداد " کوانتوم " انرژی موجود دریك تشعشع که عموما " بایك عدد صحیح نمایش داده می‌شود •

Quantum theory

فرضیه ای که به موجب آن درهرتشعشع ، انرژی بصورت اجزاء کوچکی وجود دارد و مقدارانرژی هرجزء مساوی حاصل ضرب عدد ثابت " پلانك " در فرکانس تشعشع است •

Quantum yield

نسبت تعداد الکترونهای صادره ازیك جسم حساس در برابرنور ، به

تعداد فوتونهائی که به آن برخورد می‌کنند •

Quarter wave line

قسمتی از خط انتقال یاانتشار که طول آن $\frac{1}{4}$ طول موج است •

Quasars

منابع انتشاراامواج رادیوئی کیهانی که به تازگی در نجوم کشف شده اند •

Quench frequency

تعداد دفعاتی که نوسانهای یك مدار در یك ثانیه قطع ووصل می‌شوند •

Quenching circuit

مداری که تخلیه های الکتریکی متوالی در یك لامپ شمارش تولید می‌کند •

Queue

۱ــ یك سری مکالمات درحال انتظارخدمات •
۲ــ یك سری پیغامهادرحال انتظار برای مسیرهای انتقال خروجی •

Queuing

۱ــ تنظیم در یك خط جهت ورودی •
۲ــ نگهداشتن مکالمات برای یك اپراتوروسپس بطورمتوالی برای اپراتـــور ظاهرشدن •

Quick-motion picture

حرکت فیلم با دورتند • عکس سریع الحرکت•

Quiescent

خاموش • آرام

۱ــ غیرفعال .

۲ــ بدون سیگنال ورودی .

Quiescent carrier

موج تخفیف دهنده

موج ناقل تضعیف کننده .

Quiescent carrier telephony

سیستم تلفنی کاریر که درزمان فقدان سیگنال ، موج حامل تولید نمی‌کند •

Quiescent current

جریان ساکن

جریان دستگاه درحالی که هیچگونه سیگنالی وجود ندارد •

Quiescent period

فاصله زمانی بین انتشارد وموج ضربه ای متوالی •

Quiescent push-pull amplifier

تقویت‌کننده " پوش‌ــ پول " که در زمان فقدان سیگنال جریان ضعیفی از آندلامپهای آن می‌گذرد •

Quiet automatic volume control

" ولوم " کنترل خودکار که فقط در مقابل سیگنالهای قوی بکار می‌افتـــد و از عبور سیگنالهای ضعیف وامواج پارازیت جلوگیری می‌کند •

Quotient

خارج قسمت

حاصل بدست‌آمده ازیك تقسیم •

R

Rack

قفسه

اسکلت فلزی دارای طبقات متفاوت برای نصب رله ها ، کلید ها وغیره .

RADAR(Radio detection and ranging)

سیستم رادیوئی برای کشف وتعیین موقعیت هواپیما ها واشیاء متحرک با استفاده از انتشار امواج خیلی کوتاه واندازه گیری زمان بازگشت وانعکاس آنها .

Radar beacon

وسیله ای برای دریافت علائم رادارو ارسال آنهابه یك دستگاه " رادار" دیگر.

Radar bomb sight

رادارنشان دهنده وتعیین کننده مسیربمب .

Radar scope

لامپ تصویر یا صفحه تصویررادار.

Radiate

تابیدن ، تشعشع

Radiation

تشعشع انرژی بوسیله امواج یا ذرات کوچك •

Radio

روش ، وسیله یاتجهیزاتی که برای ارتباط بدون سیم بین دونقطه بکـــار می رود •

Radio acoustics

علم انتشارود ریافت صدا بوسیله رادیو •

Radio astronomy

ستاره شناسی وبررسی پدیده های آسمانی بوسیله شناسائی امواج رادیوئی که از ستاره ها به زمین می رسد •

Radio beam

امواج رادیوئی متمرکز درجهت معین •

Radio bomb

بمبی که بوسیله امواج رادیوئی کنترل می شود •

Radiography

عکس‌برداری از اعضای بدن یا اشیاء دیگر بوسیله اشعه × •

افق رادیوئی Radio horizon

فاصله بین مرکز انتشار امواج رادیوئی تاآخرین نقطه افق به خـــــــط مستقیم•

Radio interference

تداخل امواج دویاچند منبع انتشارامواج رادیوئی دریکدیگر•

Radio line

خط انتشاررادیوئی که پیامهادرامتدادآن واضحتر از سایرجهات است •

Radio location

تعیین موقعیت یامشخصات یك محل بوسیله امواج رادیوئی •

Radio range

تجهیزات رادیوئی برای کمك به هدایت وتعیین موقعیت کشتی یاهواپیما •

Radio receiver

گیرنده رادیوئی برای دریافت ، تقویت وتبدیل امواج رادیویی به صدا •

Radio relay system

سیستم رله یاتقویت وانتشارمجددامواج رادیوئی •

Radio spectrum

صبقه بندی امواج رادیوئی برحسب فرکانس •

Radiotelegraphy

مخابره تلگراف بوسیله امواج رادیوئی ·

Radiotelephony

مکالمه تلفنی بوسیله امواج رادیوئی ·

Radiotelescope

دوربین نجومی که امواج رادیوئی فضای ماوراء جوراکشف وثبت می‌کند ·

Radiotransmission

انتشارعلائم وامواج رادیوئی ·

Radiowave

امواج الکترومغناطیسی ومیدانهای الکتروستاتیك که ازیك فرستند • رادیوئی باسرعتی برابر سرعت انتشارنور درفضاپخش می‌شوند ·

Radix

پایه عدد • مبنای عدد

Radome

محفظه آنتن رادار در هواپیماکه فقط امواجی بافرکانس معین می‌توانند از آن عبورکنند ·

Rainbow generator

ژنراتور یامولد سیگنالهای رنگی برای آزمایش گیرنده تلویزیون رنگی ·

Random

انتخابی ، اتفاقی ، دسترسی انتخابی به اطلاعات

نوعی سازماندهی اطلاعات روی واسطه هاکه می‌توان به یك رکورد ازمجموعه رکورد هامستقیما " دسترسی پیداکرد •

Random access storage

حافظه یاواسطه دسترسی انتخابی ،

حافظه یاواسطه دسترسی مستقیم•

Random errors

خطاهائی که فقط باحساب احتمالات قابل پیش بینی هستند •

Raster

پوشش وپیمایش صفحه تصویرتلویزیون بوسیله خطوط یکنواخت •

Raster burn

تغییروضع پیمایش قسمتی از صفحه تصویرتلویزیون براثر یك سیگنال موقتی •

Rate control

کنترل حدود تغییرات یك متغیرد ریك سیستم فرمان خودکار•

Rated current

جریان مجاز

حداکثر جریانی که یك دستگاه یامدارالکتریکی می‌تواند بطور مداوم تحمـــل نماید •

Rating

ظرفیت

حد نهایی یك کمیت یا کیفیت ، مانند جریان مقاومت ، ولتاژ یا فرکانس .

Ratio detector

آشکارساز گیرنده های FM .

Rat-race

نوعی اتصال حلقوی چهار شاخه درهدایت کننده امواج بطوری که انرژی از هرشاخه به دوشاخه دیگرمنتقل ومعمولا " بطور مساوی بین آنها تقسیم می شود .

Reactance coil

سیم پیچی که برای جلوگیری از عبورجریان متناوب با فرکانس زیاد بکار می رود .

Reactance modulator

مدار یا سیم پیچی که مقاومت القائی آن برحسب تغییردامنه موج (مدولـــه) تغییرمی کند .

Reactatron

نوعی تقویت کننده میکروویوبا استفاده از یکسوکننده نیمه هادی .

Read

تبدیلی آثارثبت شده درحافظه کامپیوتربه علائم وآثارخروجی . خوانـدن و کسب اطلاعات از یك دستگاه حافظه مغناطیسی یا الکتریکی .

Read around number

تعداد دفعاتی که از آثار ثبت شده در یک لامپ حافظه می توان استفاده کرد .

Reader

دستگاه خواندن اطلاعات کامپیوتری .

Read head

شاخک خواندن

وسیله ای از جنس (برق آهنربا) برای خواندن اطلاعات که در دستگاههای مختلف ورودی بکار می رود .

Reading rate (speed)

تعداد حروف وعلائمی که از یک دستگاه حافظه در واحد زمان بدست می آید .

Read-out

خواندن وانتقال اطلاعات یا برنامه ها از حافظه داخلی به حافظه خارجی (یکی از واسطه ها) .

Read-out pulse

علامت یا موجی ضربه ای که برای کشف آثار ثبت شده در عناصر حافظه کامپیوتر بکار می رود .

Read relay

رله مغناطیسی

دو پلاتین بسیار کوچکی که در محفظه ای شیشه ای در خلاء کار گذاشته شده .

است و یکی از پلاتینها دارای خاصیت آهن ربائی است که با حرکت یک میدان مغناطیسی نزدیک شیشه کنتاکت ها را قطع ووصل می‌کند .

Read/write channel

کانال خواندن/نوشتن

کانالی که واحد های تبدیل را به واحد مرکزی می‌پیوندد .

Read/write head

شاخک خواندن/نوشتن

Real time operation

زمان حصول نتیجه از یک کامپیوتر از شروع انجام عمل یا نتیجه نهائی .

Real time processing

عملکرد زمان واقعی

نوعی استفاده از کامپیوتر که طی آن اطلاعات همان زمان که بوجود می‌آید بی درنگ اجراء می‌شود . این روش هنگامی به کار می‌رود که حساسیت زمانی اطلاعات بسیار زیاد است .

Receiver

۱ــ دستگاه گیرنده امواج رادیوئی .

۲ــ دستگاهی که در آن جریانهای الکتریکی به امواج قابل شنوائی تبدیل می‌شوند .

Receiver bandwidth

باند فرکانسی که یک دستگاه گیرنده می‌تواند بخوبی آنرا گرفته و تقویت و تبدیل کند .

Receiver gating

ولتاژ یا سیگنالهائی که هنگام کار به قسمت ورودی طبقات مختلف یك گیرنده وارد می‌آید .

Receiver primairies

رنگهای اولیه (قرمز ، سبز ، آبی) در گیرنده تلویزیونی که با ترکیب مناسب سایر رنگها را تولید می‌کنند .

Receiver selectivity

قدرت انتخاب وجدا کردن امواج با فرکانسهای معین در گیرنده .

Receiver sensivity

حساسیت گیرنده .

ضعیف ترین سیگنالی که یك اثر خروجی قابل تشخیص در گیرنده تولید می‌کند .

Recoil electron

الکترونی که براثر یك برخورد به حرکت درمی‌آید .

Record

رکورد

سابقه یك واحد کامل از اطلاعات یا تغییرات که به تنهایی معرف سابقه یك امر باشد .

Record blocking

گروه بندی چند رکورد روی یك واسطه (اغلب مغناطیسی) .

Recorder

دستگاه یا وسیله ثبت هرنوع علائم وآثارالکتریکی ، مغناطیسی ، مکانیکی یا نوری .

Record format

طرح رکورد

طرز قرارگرفتن وثبت عناصر اطلاعاتی یك رکورد ، طرح صورت بندی رکورد .

Recording channel

یکی از وسایل یا مسیرهای ضبط در یك سیستم .

Recording spot

ناحیه ای که تصویرد رآن ثبت ویا ضبط می شود .

Recording stylus

قلم حکاکی برای ثبت ارتعاشات .

Record length

اندازه رکورد ، طول رکورد ، تعداد کاراکترهای رکورد .

Record mark

نشانه رکورد

یك نقطه مغناطیسی در پایان هررکورد وقتی که رکورد ها تشکیل یك گـــروه می دهند .

Rectangular pulse

موج ضربه ای که معنی آن برحسب زمان ، تقریبا " بصورت یك مستطیـــل است •

Rectification

یکسوکردن

تبدیل جریان متناوب به جریان مستقیم•

Rectifier

یکسوساز

دستگاهی که برای تبدیل جریان متناوب به جریان مستقیم بکارمی‌رود •

Rectifier filter

مداریاوسیله کاهش نوسانهای جریان یکسوشده که بعنوان صافـــــی بکار می‌رود •

Rectilinear scanning

روش پیمایش صفحه تصویربوسیله خطوط افقی باریك وموازی •

Redistribution

تغییروضع وطرز توزیع اطلاعات ودرسطح لامپ حافظه الکترونی یادوربیـــن تلویزیونی بوسیله صدورثانویه الکترون •

Red-tape operation

عملیات داخلی کامپیوترکه درحصول نتیجه نهائی تاثیری ندارد •

Redundancy

حذف قسمتی از اطلاعات یا خلاصه کردن آنها بدون ازبین رفتن مفهـــوم اصلی •

Reference black level

حد اکثر سیاهی نقاط تصویر تلویزیون •

Reference level

حد اقل (ولوم) در سیستم صوتی •

Reference, noise

امواج پارازیت با توان 10^{-12} وات وفرکانس ۱۰۰۰ سیکل در ثانیه که مبنای سنجش سایر امواج پارازیت است •

Reference white level

حد اکثر روشنی (سفیدی) نقاط تصویر تلویزیون •

Reflection

انعکاس

بازگشت امواج پس از برخورد با مانع •

Reflection color tube

لامپ تصویر تلویزیون رنگی که تصویر را با انعکاس اشعه الکترونی تولیـــــد می‌کند •

Reflection error

اختلال ناشی از انعکاس امواج در وسایل هدایت‌کننده کشتی وهواپیما .

Reflection sismograph method

روش کشف معادن یا نفت با استفاده از انعکاس امواج صوتی .

Reflective spot

نقطه انعکاس

نقطه بارگیری ، یك علامت مغناطیسی روی نوار مغناطیسی برای متمایز کردن قسمت اصلی از قسمت اضافی .

Reflector

نورافکن ، سطح منعکس کننده امواج .

Refraction

انکسار

تغییر مسیر انتشار امواج به هنگام عبور از یك محیط و ورود به محیط دیگر .

Refresh

تجدید کردن

تازه کردن یك واحد ذخیره سازی دینامیك به معنای رساندن بار آن به سطح ولتاژ مطلوب است .

Regeneration

۱ــ تقویت یك سیگنال بوسیله بازگرداندن قسمتی از توان خروجی به مدار ورودی (فیدبك) .

۲ــ احیاء مجدد حافظه ای که ضعیف شده یا کاتدی که خاصیت صدور

الکترون خود را از دست داده است .

Regenerative amplifier

تقویت کننده ای که با استفاده از قسمتی از توان خروجی خود ، سیگنالی را بیشتر تقویت می کند .

Regenerative detector

آشکارساز حساسی که قسمتی از انرژی موج تجزیه شده را به مدار ورودی خود برمی گرداند .

Regenerative feed back

برگرداندن قسمتی از انرژی خروجی به مدار ورودی برای تضعیف توان سیگنال اصلی .

Regenerative receiver

گیرنده ای که در آن برای افزایش حساسیت از فیدبك استفاده شده است مانند گیرنده سوپرهترودین .

Regenerative repeater

دستگاه رله ای که سیگنالها را تقویت می کند .

Register

انگاره

وسیله ای برای ثبت موقتی اطلاعات و دستورالعملها و نشانیها ... در واحد اجرای عملیات .

Reject

کارتهای منگنه غلط ، یکی از محفظه های ماشین ردیف کن که کارتهـــای غلط در آن می‌افتد •

Rejection band

باند فرکانسی که حذف یاتضعیف شده است •

Relaxation oscillator

نوسان ساز مولد موج غیر سینوسی که براساس شارژ تدریجی ود شارژناگهانی یك خازن در یك مقاومت کارمی‌کند •

Relay

رله

وسیله الکتریکی یامغناطیسی برای قطع ووصل جریان • رله شامل یـــــك مغناطیس و یك آرمیچرجهت باز وبسته نمودن اتصالات است •

Relay, high speed

رله سریع

رله ای که باسرعت بالا وخیلی سریع کارمی‌کند •

Relay rack

تابلوئی که رله هاوتجهیزات الکتریکی کنترل وفرمان روی آن نصب می‌شوند •

Relay shelf

طبقه رله

یك ردیف رله قرارگرفته شده در یك قفسه •

رله کند Relay, slow operating

رله ای که بین تحریک شدن وعمل کردنش تأخیر وجود داشته باشد .

رله حرارتی Relay, thermal

نوعی رله که عمل کردن وآزاد شدنش به حرارت بستگی دارد .

Release

اصلاح ، ترمیم وآماده سازی سیستمهای کارنمایی کامپیوترکه ممکن است وسیله اپراتور یا یک دستورالعمل برنامه ای یا یک برنامه خاص انجام پذیرد . این اصلاح ممکن است نرم افزار وسخت افزار ، هردو راد ربرگیرد .

Remitron

نوعی لامپ شمارش گازی که درکامپیوتربکارمی رود .

Remote control

بکارانداختن کلید هاوتجهیزات وماشینهای الکتریکی از راه دور بوسیله امواج الکترومغناطیس .

Repeater

تکرارکننده

مجموعه تجهیزاتی که جهت دریافت ، تقویت ، تغییرشکل و انتشارمجدد سیگنالها بکار می رود .

Repeating coil

ترانسفورماتوررابط درسیستم تلفنی .

تنظیم مجدد Reset

یك دستگاه یا مدار را به حالت اولیه برگرداندن یعنی تبدیل آن به صفر °0 .

شستی تنظیم مجدد Reset button

شستی که برای تنظیم مجدد یك مدار یا دستگاه بکار می‌رود .

Residual current

جریان ضعیفی که فقط براثر سرعت پرتاب الکترونها از سطح کاتـــــد در لامپ الکترونی برقرار می‌شود ، درصورتی که پتانسیل آند صفر باشد .

پس‌مانـد مغناطیسی Residual magnetism

نیروی مغناطیسی باقیمانده در جسم بعد از آنکه جریان مغناطیس کننـده قطع شده باشد .

مقاومت Resistance

عمل مخالفت با عبور جریان الکتریکی وتبدیل انرژی الکتریکی به انـــرژی حرارتی .

Resistance coupling

ارتباط مدارهای الکترونی بوسیله یك مقاومت مشترك .

Resistance lamp

۱ـ لامپهائی که نور آنها براثر التهاب یك رشته فلزی تولید می‌شود .

۲ــ لامپی که مانع می شود جریان یك مدار از حد معینی بیشتر شود •

Resistance wire

سیم مقاومت

سیم هادی که دارای مقاومت مشخص باشد که درفیوزها مورد استفاده قرار می‌گیرد •

Resistor

مقاومت کننده

وسیله ای که بواسطه خاصیت مقاومتش در دستگاهها از آن استفاده می‌شود •

Resistor colour code

رنگ بندی مقاومت

روشی برای تعیین اندازه مقاومتها که نوارهای رنگی برروی بدنه مقاومت چاپ شده و اندازه هررنگ مقدارمشخصی است •

Resolution

۱ــ قابلیت تشخیص دستگاه اندازه گیری یا رادر .

۲ــ میزان دقت وشباهت تصویرتلویزیون به تصویر اصلی •

Resonance

تشدید ، هم آهنگی نوسانهای طبیعی ونوسانهای نیروی محرك که باعث تقویت دامنه نوسانها می‌شود •

Resonance curve

منحنی نمایش پاسخ یك مداربرحسب فرکانس که حالت رزونانس آن رانیز

نشان می‌دهد •

Resonant circuit

مدار نوسانی شامل سلف وخازن که می‌تواند به حالت تشدید درآورد •

Resonant frequency

فرکانسی که معادل فرکانس طبیعی یك سیستم بوده ومی‌تواند آن را به حالت تشدید درآورد •

Resonator

سیستم یا وسیله ای که بوسیله یك سیستم نوسانی دیگر به نوسان درآید •

Responder (beacon)

دستگاهی که پاسخ سئوالها را بطور خودکار مخابره می‌کند (در رادار) •

Responser

گیرنده ای که سیگنالهای دریافتی را نمایش می‌دهد •

Restore

۱ــ بازگردانیدن دستورالعمل کامپیوتر به حالت اولیه •
۲ــ کلمه مترادف Reset در انگلیسی •

Retained image

اثر پس ماند تصویر در دوربین تلویزیونی •

Retention time

حداکثرزمانی که علائم بصورت قابل استفاده در یك حافظه باقی می‌ماند •

Retrace line

مسیربرگشت شعاع الکترونی ازانتهای یك خط به ابتدای خط بعـــدی ، روی صفحه تصویر •

Return circuit

مسیربرگشت جریان از یك مداربطرف مولد یامنبع تغذیه •

Return trace

مسیربرگشت شعاع از انتهابه ابتدای صفحه تصویر تلویزیون •

Reveberation

پس ماند اثر صوت براثر انعکاس ازسطوح مختلف و محیطهای اطراف •

Reverse current

جریان معکوس

جریانی که درهنگام معکوس کردن ولتاژ یك مدارایجاد می‌گردد •

Reverse emission

صدور یاانتشارالکترون درجهت عکس ، مثلا" از آند به طرف کاتد لامـــپ الکترونی •

Reverse voltage

ولتاژ معکوس

در مقایسه دو ولتاژ منظور ولتاژی است که جریان کمتری را تولید می‌کند •

Revind

برگرداندن و دوباره پیچیدن نوار ضبط صوت •

Rewrite

دوباره نوشتن

پرکردن مجدد نوار یا حافظه ای که بر اثر کثرت استعمال از بین رفته است •

Rex

نام تجارتی یک سیستم الکترونی برای تعویض ارتباط تلفنی •

Ribbon

نواررنگی که در دستگاه چاپ به کار می‌رود •

Ribbon microphone

میکروفون نواری که بر اثر ارتعاش یک نوارآلومینیمی در یک میدان آهن‌ربائی، امواج صوتی را به نوسانهای الکتریکی تبدیل می‌کند •

Rice neutralization

روش خنثی کردن اثر فیدبک در تقویت کننده های یک طبقه •

Rieke diagram

دیاگرام نمایش طرز کار و ارزیابی مشخصات یک نوسان ساز •

Ringing circuit

مدارزنگ

قسمتی از یك مدارکه جریان زنگ راکنترل وبه انشعاب تلفن شونـــــــد ارسال می دارد .

Ringing current

جریان زنگ

جریان متناوبی که بوسیله مرکز تلفن به انشعاب تلفن شوند فرستـاد می شود .

Ringing tone

تن زنگ

تنی که به مشترك تلفن کنند اطلاع می دهدکه مرکزتلفن مشغول فرستادن جریان زنگ برای مشترك تلفن شوند است .

Ring System

سیستم توزیع انرژی که شریك ازسیمهای آن دایره مسدودی راتشکیـــــل می دهند .

Ripple

ضربان یانوسان دامنه جریان متناوب یکطرفه .

Riser

کابل یاسیمی که بطورقائم از یك طبقه به طبقه یاقسمتهای دیگر ساختمان کشیده شده است .

Rodding

سیم کشی یاکابل کشی درداخل لوله باکمك چرخهای غلطان •

Rod memory

حافظه میله ای

حافظه ای که درآن میله های قابل مغناطیس شدن به جای حلقه بکـــار رفته است •

Roentgen

واحد سنجش میزان تشعشع اشعه ایکس یا اشعه گاما •

R.O.M(Read-only memory)

واحد حافظه ای شامل دیتا که درهنگام ساخته شدن واحد بطور دائـــم درآن ذخیره شده است •

Rope

طناب بلندی از الیاف فلزی که برای انعکاس امواج رادار بکارمی رود •

Rotary spark gap

وسیله گردنده برای تولید جرقه وامواج ضربه ای •

Rotary switch

کلیدی که کنتاکتهای آن هنگام گردش به ترمینالهای دیگر وصل می شوند •

Rotating anode tube

لامپ الکترونی مولداشعه ایکس که آندآن می‌گردد •

Rotating joint

اتصال گردنده دوهدایت‌کننده موج به یکدیگر•

Rotational delay

تاخیر دوران ، زمان لازم برای دوران یك دیسك مغناطیسی تایـــــك رکورد زیرشاخك خواندن ونوشتن قرارگیرد •

Route

مسیر

مشخص کننده جهت انتقال •

Routine

مجموعه دستورالعملهائی که بطریق خاصی برای کارکامپیوتریا حل یـــــك مسئله تنظیم می‌شوند •

Routine check

بررسی معمولی

آزمایش دستگاهها درفواصل زمانی معین •

Routiner

روتی نر

وسیله ای که جهت مشخص نمودن عیوب ، دستگاهها را آزمایش‌می‌کند •

Row

ردیف

ردیف افقی کارت منگنه ، ردیف افقی یك ماتریس ، ردیف شیارهای فرضی از نوارکاغذی درمقابل عرض نوارکاغذی •

R.P.G

Report program Generator

یك نوع زبان برنامه نویسی کامپیوتر برگرفته شده از

Rumble

نوسانهای مکانیکی بافرکانس کم که همراه نوسانهای صوتی روی صفحه گرام ثبت می شوند •

Run

جریان وپیشرفت برنامه کارکامپیوتربدون دخالت انسان • این واژه اغلب در مورد عملکرد های گروهی کامپیوتر بکارمی رود •

R-y signal

سیگنالی که باترکیب باسیگنال مولد درخشندگی رنگ اولیه قرمز(R) راتولید می کند •

S

Sample intelligence

قسمتی از سیگنال که معرف کیفیت آن است ٠

Sampling action

عملی که اختلاف بین فرمان درست ونادرست را اندازه گیری می‌کند ٠

Sampling circuit

مداری که آثارخروجی آن معرف سیگنالهای ورودیش در لحظه هـــــای مختلف است ٠

Sampling gate

وسیله ای برای استخراج اطلاعات از سیگنالهای ورودی باکمك یك انتخاب کننده موج ضربه ای ٠

Saturation curve

منحنی نمایش چگونگی اشباع مغناطیسی یك مدار٠

Saturation signal

سیگنالی که دامنه آن بیش از ظرفیت دستگاه گیرنده است ٠

Saw tooth genarator

مولد نوسانهائی که منحنی نمایش دامنه آنهابرحسب زمان بشکل دندانه های اره است .

Saw tooth oscillator

نوسان سازی که نوسانهای دندانه اره ای تولید می‌کند .

Saw tooth pulse

موج ضربه ای بشکل دندانه اره .

Saw tooth wave

موج دندانه اره ای .

Scale

میزان

صفحه مدرج دستگاه اندازه گیر .

Scale factor

ضریب مقیاس،ضریب تبدیل کمیتی به کمیت دیگر .

Scalopping

تغییرشدت میدان که موجب تغییرقطر شعاع الکترونی می شود .

Scan

تقطیع ، تجزیه وترکیب نقاط تصویر .

Scanner

قسمتی از فرستنده تلویزیونی که نقاط تصویررا به علائم الکتریکی تبدیل می‌کند .

Scanning

روش تجزیه وترکیب نقاط تصویر .

Scanning line

خط یانوار باریکی که بوسیله شعاع الکترونی روی صفحه تصویررسم می شود .

Scanning linearity

منظم ویکنواخت بودن خطوط تصویر از لحاظ عرض وفاصله .

Scanning spot

ناحیه ای از صفحه تصویرکه بوسیله شعاع الکترونی پیموده می‌شود .

Scatter

انتشارامواج منعکس .

Scattering loss

اتلاف انرژی امواج براثر انعکاس .

Schematic diagram

نقشه اختصاری مداربااستفاده از علائم قراردادی .

Schottky effect

پدیده افزایش میزان صدورالکترون (بیش از حداشباع) از کاتد لامپهای الکترونی بعلت افزایش پتانسیل آند و تولید میدان الکتریکی قوی در سطح کاتد .

Schottry diode

دیود شاتکی

نوعی دیود یکسوساز که از اتصال یك ترمینال فلزی بایك ناحیه کمی ناخالص شده در یك کریستال نیمه هادی تشکیل شده است " افت ولتاژ موافق" کم آن و پاسخ سریعش به پالسها آنرا در بهبود عملکرد مدارهای TTL مفید می سازد .

Scientific computer

کامپیوتر علمی که بیشتر در جهت تحقیقات علمی مورد استفاده قرار می‌گیرد .

Scientific data processing

پرورش اطلاعات علمی

کامپیوترهای علمی که برای این نوع پرورش اطلاعات به کار می روند غالبا " قدرت محاسباتی زیاد وقدرت جذب اطلاعات کم دارند .

Scintillation

۱ــ جهش ناگهانی تصویرهدف روی صفحه رادار .

۲ــ درخشندگی ناگهانی وموقتی نقاط تصویرتلویزیون .

Scophony system

روشی برای نمایش تصویرتلویزیون که در آن بجای صفحه فسفری از قوس بالامپ استفاده می‌شود .

Scrambling circuit

موازی درفرستنده رادیوئی که پیامهایی رانامفهوم می‌کند تافقط گیرنده مورد نظر آنهارادریافت کند .

Screen

صفحه تصویرلامپ کاتدی ، پردهٔ سینما یاصفحه نمایش . جدارخارجی کابل کواکس که برای جلوگیری از نفوذ سیگنال‌های نامطلوب به هادی داخلی بکار می‌رود .

Screened pair

زوج سیم حفاظت شده
یک زوج سیم که دارای پوشش محافظ باشد .

Screen grid

شبکه پرده لامپ الکترونی که بین آند وشبکه فرمان قرارمی‌گیرد .

Screening

پوشش دارکردن سیمها
جهت عدم تاثیر امواج ازیک سیم به سیمی دیگر و یاهادی نزدیک به آن ، سیمها را پوشش دارمی‌کنند .

Search radar

رادارکاشف هدف درفضا •

پیل ثانویه Secondary cell

پیل که فعل وانفعالات الکتروشیمیایی آن رابتوان معکوس نمود •

Secondary memory

حافظه فرعی ، خارج از دستگاه کامپیوتر•

سیم پیچ ثانویه Secondary winding

سیم پیچ دوم ترانسفورمرکه نیرورااز سیم پیچ اولی می‌گیرد •

Second detector

آشکارسازی که سیگنال حاوی اطلاعات راازموج IF جدامی‌کند •

Second generation computers

کامپیوترهایی که عنصر اصلی حافظه آنها ترانزیستوربود •

بخش Sector

یك قسمت از یك شیار یا باریکه ای از دیسك یا طبل مغناطیسی • گاهی این کلمه برای یك گروه از اطلاعات که دریك بخش ثبت شده است به کار می رود •

Sector display

دستگاه نمایش دامنه سیگنال در رادار.

Sector scan

پیمایش صفحه رادار به زاویه ای که از دوجهت محدود است.

بخش. بند Segment

هربند ازیك برنامه بزرگ که به علت عدم گنجایش حافظه به صورت یکجا قابل اجراء نیست و به صورت بند به بند اجراء می‌شود.

برنامه بند بند شده Segmented program

برنامه های بزرگ هنگام نوشتن به چند بخش تقسیم می‌گردد وهنگام اجراء، قسمت اصل برنامه در حافظه ثبت می‌شود وبقیه بند ها روی واسطه های دسترسی مستقیم می‌ماند وهروقت وجود آنها ضروریت پیدا کند، داخل حافظه فراخوانده می‌شود.

Selectance

اندازه ای برای تعیین میزان دورشدن یك مدار نوسانی از حالت رزونانس.

Selective fading

ضعیف شدن سیگنال رادیوئی در باند فرکانس معین.

Selective interference

تداخل امواج رادیوئی در باند فرکانسی معین.

Selectivity

ضریب انتخاب

۱ــ قدرت انتخاب وتشخیص در دستگاه گیرنده •

۲ــ قدرت جداکردن وانتخاب امواج بافرکانس معین •

Selector

انتخاب کننده •

۱ــ وسیله ای برای انتخاب یکی ازچند حالت ممکن درکامپیوتر •

۲ــ دستگاهی که سیگنالی رادریافت ومتناسب باآن عملی راانجام می‌دهد •

Selector channel

کانال گزینش

وقتی چند واحد تبدیل وسیله یك کانال به واحد مرکزی وصل شوند کانال گزینش نقل وانتقال اطلاعات رابین واحد های تبدیل وواحد های مرکزی وارسی می‌کند •

Selector pulse

موج ضربه ای انتخاب کننده •

Selector switch

کلید سلکتور

کلیدی که بوسیله آن می‌توان بطوردستی یااتوماتیك یك یا چند مداررا قطع ووصل نمود •

Selectron

نوعی لامپ حافظه الکترونی •

Semiconductor

نیمه هادی

جسمی که ازنظر خواص الکتریکی بین هادیها وعایقها قرار دارد ·

Semiconductor device

وسیله نیمه هادی

وسیله ای که کار آن بستگی به خواص نیمه هادی بودنش دارد ·

Sensitometer

اسباب اندازه گیری حساسیت مواد در برابر تابش نور ·

Sensivity

حساسیت

قابلیت تقویت سیگنالهای ضعیف در گیرنده ها وتقویت کننده ها · مقدار جریان یا ولتاژی که موجب حداکثر انحراف در عقربه یك دستگاه اندازه گیر شود ·

Sentinel

علامت مشخص کننده آغاز یا پایان درثبت اطلاعات ·

Separation finger

۱ــ پنجه جداکننده در دستگاه یاخته اطلاعات ·

۲ــ وسیله ای برای بیرون کشیدن یك باریکه اطلاعات از دستگاه یاخته اطلاعات ·

Sequence

ترتیب

ترتیب عمل نمودن یا آزاد شدن قراردادن یك مجموعه از عناصر اطلاعاتی

در یک نظم معین بر حسب یک فیلد که مشخص کننده هریک از آن عناصر باشد .

Sequencer

ماشین که اطلاعات ثبت شده را با نظم خاصی مرتب می‌کند .

Sequential access storage

واحد یا دستگاه ذخیره اطلاعات با دسترسی متوالی . دستگاهی که دسترسی به اطلاعات ذخیره شده در آن فقط به صورت متوالی امکان پذیر است ، مانند نوار مغناطیسی .

Sequential control

طرز کار و دستورالعمل کار کامپیوتر در مراحل متوالی برای حل مسائل .

Sequential scanning

تجزیه نقاط تصویر بوسیله پیمایش با خطوط منظم ومتوالی در جهت قائم و افقی .

Sequential transmission

روش انتشار نقاط تصویر با فواصل زمانی یکنواخت ومراحل منظم .

Serial

فن انتقال وذخیره اطلاعات بطور متوالی وبا فواصل زمانی منظم .

ارسال اطلاعات سریال Serial data transmission

به دو یا چند بیت از یک گروه گفته می‌شود که بطورسری فرستاده شده اند وقتی که یک به یک در سیم یکسانی فرستاده شوند .

Serial memory

حافظه ای که کلمات وعلائم آن به ترتیب ویکی پس از دیگری ظاهرمی‌شوند .

Serial transmission

سیستم انتشار پیام با فرستادن حروف وکلمات بطورمتوالی ودر یک مسیر .

سری Series

در نبال هم وصل شدن .

اتصال مدارسری Series circuit connection

به دو یا چند وسیله الکتریکی گفته می‌شود که بطورسری متصل شده اند . وقتی که آنهاازنقطه ای به نقطه دیگر زنجیربسازند ، جریان یکسانی از تمام آنها عبورمی‌کند .

Series modulation

مدولاسیون باسری کردن یک لامپ ترکیب کنند و یک لامپ تقویت کنند که آند آنها از یک منبع تغذیه می‌شود .

Series stabilization

روشی برای تثبیت کار تقویت کنند . باسری کردن مدارفیدبک ومدارتقویت .

Service area

ناحیه ای که درآن امواج یك فرستنده بطور رضایت بخشی دریافت می شوند .

Service connections

سیمهای انشعابی که ازسیمهای اصلی سیم کشی یك ساختمان کشیده می شوند .

Service routines

دستورالعمل کاربرای کمك به متصدی کامپیوتر جهت حل مسائل ، تصحیح برنامه ها ، رفع اشتباهات ووارسی های سخت افزار .

Servo-amplifier

تقویت کننده ای که جزئی ازوسایل فرمان را تشکیل می دهد .

Servo-speed control

فرمان خودکاربرای تنظیم سرعت وسایل ضبط وثبت اطلاعات .

Set

۱ــ قراردادن یك ارزش مطلوب درداخل یك محفظه یایك خانه حافظه کامپیوتر .

۲ــ درنظرگرفتن یك بیت به ارزش واحد (یك) .

۳ــ مجموعه ای از عناصر اطلاعاتی وابسته به هم .

Set-point

نقطه شروع کار وسایل اندازه گیری و فرمان .

Set up

آماده کردن اجزای کامپیوتربرای اجرای یك برنامه مانند قراردادن کاغذ در دستگاه چاپ یاکارت منگنه در دستگاه کارت خوان .

Set up time

زمان کارگذاری

وقت لازم برای آماده کردن اجزای کامپیوتر برای اجرای یك برنامه .

Shadow effect

ازبین رفتن قسمتی از توان سیگنال بعلت موانع جغرافیائی بین فرستنده و گیرنده .

Shared files system

سیستم پرونده های مشترك

روشی که چندکامپیوتر ، به اطلاعات یك پرونده که روی واسطه های ذخیره مستقیم ثبت شده است دسترسی دارند .

Sheath

جدارخارجی

پوشش و غلاف خارجی سیم یاکابل .

Shielded cable

کابل مسلح

کابلی که روی آن یك نوارفلزی یافولادی پیچیده شده است .

Shift

انتقال

حرکت اطلاعات ذخیره شده به راست یا چپ .

Shift pulse

موج ضربه ای مولد انحراف یا تاخیر.

Shift register

وسیله ثبت اطلاعات مربوط به ایجاد تاخیر یا انحراف در کمپیوتر.

Shoran

نوعی رادار بابرد کوتاه برای تعیین موقعیت دقیق هدف .

Short circuit

۱ــ اتصال مستقیم دوسیم حامل جریان به یکدیگر بطوری که موجب عبـــور جریان شدیدی شود .

۲ــ اتصال کوتاه بین دونقطه که معمولا " فاقد هرگونه مقاومتی باشد .

Short shunt

شنت کوتاه

اتصال مستقیم سیم پیچی تحریک موازی به دوسر آرمیچر.

Short time rating

توان مجازماشین یا ظرفیت کاربک وسیله الکتریکی درمدت کوتاه .

Short waves

امواج کوتاه

امواجی که فرکانس آنها بین ۱/۵ تا ۳۰ مگاسیکل در ثانیه است .

Shunt

دستگاهی که با دستگاه دیگر بطور موازی وصل شده باشد .

Shunt tee junction

اتصال T در هدایت کننده موج ، که در مدار معادل آن شاخه فرعی با شاخه اصلی موازی است .

Sidebands

باند فرکانسهای موجود در طرفین موج حامل مرکب یا مدوله .

Sidetone

انتقال وتولید مجدد صدا در مرکز تلفنی .

Signal

۱ــ علامت وموج صوتی ، نوری ، یا الکترومغناطیس قابل انتشار که بیان کننده یک پدیده یا یک مفهوم اطلاعاتی است .

۲ــ این کلمه به معنای ولتاژ یا جریان الکتریکی یا امواج حامل اطلاعات و یا خود اطلاعات می باشد .

Signal frame

قاب سیگنال

یک قاب فلزی در مرکز تلفن حاوی دستگاههائی که تمام سیگنالها ، تنها

و علائم اخطاری مرکز راکنترل می‌کند •

Signal frequency

تعداد سیگنال در ثانیه •

Signal generator

مولد سیگنال

وسیله الکترونی مولد سیگنال که عموما " ازیک نوسان ساز یایک مدولاتور یا ترکیب کننده امواج تشکیل می‌یابد •

Signal level

اختلاف یانسبت دامنه سیگنال درهرنقطه از موج ، بامقایسه بادامنه آن در نقطه ای که بعنوان مبنا انتخاب می‌شود برحسب دسی بل •

Signal machine

ماشین سیگنال

دستگاهی که سیگنالهاوتن های مختلف را تولید می‌کند •

Signal otput current

قدرت مطلق تفاضل شدت جریان خروجی وجریانی که بدون تحریک خارجی از لامپ الکترونی خارج می‌شود •

Signal to-noise ratio

نسبت دامنه سیگنال به دامنه موج پارازیت برحسب db •

Signal wave

موجی که از یك سیگنال بدست می‌آید ومحتوی اطلاعات ومفاهیم بخصوصی است •

Signal bit

بیت علامت

بیتی که علامت جبری یك عدد دو دویی درآن ثبت می‌شود •

Signal digit

رقم اطلاعات

کاراکترمخصوصی که برای ثبت علامت یك عدد در انتهای یك فیلد یا یـــك هجا به کارمی‌رود •

Silicon diode

یکسوکننده ای که از کریستال نیمه هادی سیلیسیم ساخته شده است •

Silver

نقره

عنصری فلزی ، این فلز هادی بسیار خوبی است و غالبا" برای اتصـــالات رله ها بکارمی‌رود •

Simple harmonic motion(SHM)

حرکت نوسانی ساده در امتداد یك خط •

Simplex circuit

تلگراف ساده یك خطی که درهرلحظه فقط دریک سوی‌تواند مخابره کند •

Simplex operation

ارتباط یك طرفی بین دو ایستگاه ارتباطی ساده ویك جهتی .

Simulation

وانمود سازی

نمایش ریاضی یك مسئله برای بازشناسی و تعیین ارتباط منطقی مراحل حل آن .

Simulator

۱ــ دستگاه ساده ای برای حل مسائل ریاضی .

۲ــ ماشین حساب ساده .

Singing

صدائی که براثر نوسانهای ناخواسته در دستگاههای صوتی شنیده می شود .

Singing point

نقطه ای ازمداركه بعلت ارتباط باخودش ، تولید نوسان می کند .

Single parity check

نوعی وسیله کشف خطا در کامپیوتر .

Single record fixed length

رکورد های منفرد با طول ثابت .

Single record variable length

رکورد های منفرد با طول متغیر .

Single sideband transmission

سیستم انتشار امواج با استفاده از یك سوی موج حامل مدوله که طرف دیگر آن حذف شده است .

Sinusoidal wave

موجی که دامنه آن برحسب زمان ، متناسب با Sin یا Cos یك زاویه باشد .

Sin wave

موج سینوسی

موجی که منحنی نمایش آن برحسب زمان ، متناسب با تغییرات سینوس یك زاویه است .

Skip

جهش . پرش

وسیله ای در ماشین منگنه برای انتقال کارت از یك ستون به چند ستون بعدی وقتی لازم نیست ستونهای میانی کارت منگنه شود .

Skip distance

حداقل فاصله انتشار امواج رادیوئی در سطح زمین که از طبقه فوقانی جو به زمین می‌رسد .

Skip zone

ناحیه ای از سطح زمین که امواج رادیوئی باانتشارمستقیم ، قابـــــــل استفاده نیستند .

Sky wave

موج آسمانی

قسمتی ازامواج که ازفضای اطراف زمین خارج می شوند .

Sleeping sickness

نقصی که در ترانزیستورهای پیوندی وکاتدلامپهائی که مدت زیادی بیکار مانده اند پیدامی شود .

Slicer

نوعی مدارمحدود کننده که فقط قسمتی از وردی خود راخارج می کند .

Slide wire

سیمی که طول ومقاومت آن بوسیله یك کنتاکت متحرك تغییرمی کند .

Slot antenna

آنتنی که قسمت تشعشع کننده آن را ، شیاری روی یك صفحه فلزی تشکیل می دهد .

Slug

کندکننده

حلقه فلزی که روی هسته یك رله قرارمی گیردکه درعمل آن تاخیرایجـــاد نماید .

Slug tunning

تغییرحالت رزونانس مدار ، با حرکت دادن هسته مغناطیسی یک سیم پیچ .

Smearer

مداری برای محدودکردن دامنه موج ضربه ای.

Smoothing

صافی

برای جلوگیری از عبورفرکانسهای بالا یاپایین تر ، از فرکانس معینی استفاده می شود .

Snap switch

کلیدی که کنتاکتهای آن بافشارفنر بسته یابازمی شوند .

Sneak-current arrester

سیم پیچی با سیمهای بسیار نازك ، برای حفاظت تلفن دربرابر جریانهائی که فیوزرانمی سوزانند .

Software

نرم افزار

مجموعه دستورالعملهاوبرنامه های کارکامپیوتر ، در مقابل سخت افزارکه سیستم بطور فیزیکی از آن ساخته شده است .

Solar battery

باتری خورشیدی

وسیله ای برای تبدیل انرژی نورانی به الکتریکی .

Solder

لحیم

ماده ای که برای اتصال سطوح فلزی وهمچنین درچاپ نوارهای الکتریکی بکاربرده می‌شود .

Solid conductor

مفتول هادی

هادیی که فقط شامل یک سیم است بجای آنکه از چند رشته تشکیل شده باشد .

Solid state device

وسیله حالت جامد

دستگاهی که تمام اجزاء آن از جامدات تشکیل شده باشد .

Sonar (sound navigation and ranging)

فن استفاده از امواج صوتی درزیر آب ، برای تحقیق درباره پدیده ها و اشیاء زیرزمینی .

Sone

واحدی برای سنجش بلندی صدا ــ صوت ساده ای بافرکانس ۱۰۰۰ سیکل در ثانیه و ۴۰ db بیش از حد شنوائی انسان ، یک sone بلندی دارد .

Sonic altimeter

اسباب اندازه گیری ارتفاع که براساس انعکاس امواج یا سیگنالهای صوتی کارمی‌کند .

Sort

ردیف کردن ، مرتب کردن تعدادی کارت یا رکورد ثبت شده روی واسطه ها برحسب فیلد کلید .

Sorter

ماشین ردیف کن

ماشینی که کارتهای منگنه شده را برحسب فیلد معین مرتب می کند وآنها را پشت سرهم قرارمی دهد .

Sound

صوت . صدا

امواج مکانیکی که ازراه مولکولهای محیط منتشرشده وپرده گوش انسان را متاثرمی کند .

Sound analyzer

اسباب اندازه گیری دامنه وفرکانس موج صوتی .

Sound energy

مقدار انرژی که براثر انتشاریك موج صوتی در فضای یك محیط وارد می شود .

Sounder

رله تلگرافی که درپایان دریافت پیام صدائی تولید می کند تا تلگرافچی متوجه آن شود .

Sound field

ناحیه انتشارامواج صوت •

Sound level

قدرت یاتوان صداکه بستگی به فرکانس و دامنه موج آن دارد •

Sound probe

میکروفون بسیارکوچکی که برای آزمایش وجودامواج صوتی دریك محیط بکار می رود •

Sound powered phone

نوعی تلفن بدون برق و باتری که باانرژی موج صوتی کارمی‌کند •

Sound recorder

وسیله ضبط صدا • ضبط صوت

Sound reproducer

وسیله تولید مجدد صداکه بصورت نوسانهایاامواج الکتریکی منتشرشده است •

Sound track

نواریاریکی درحاشیه فیلمهای ناطق که امواج صدابرروی آن ضبط شده اند •

کامپیوترمبداء Source computer

کامپیوتری که درآن برنامه مبدا (برنامه اصلی) به زبان ماشین برگردانده شده وآزمایش می‌شود .

سنداولیه . سنداصلی Source document

کاغذی که اطلاعات به صورت قابل اجراء وسیله کامپیوترروی آن نوشته شده است .

زبان اصلی Source language

برنامه نوشته شده به هرزبانی غیراززبان ماشین .

برنامه مبدا . برنامه اصلی Source program

برنامه‌ای که به زبان اصلی نوشته شده است .

Space wave

قسمتی ازموج که مستقیما" از فرستنده به گیرنده می‌رسد .

موج جداکننده Spacing wave

موجی که درفاصله بین دوپیام یادوسیگنال حامل اطلاعات درتلگرافهای رادیوئی فرستاده می‌شود .

Spark

تخلیه الکتریکی شدیدوآنی همراه باجرقه نورانی .

Spark transmitter

فرستنده ای که با استفاده از تولید جرقه های الکتریکی کار می‌کند .

Special characters

علامتهای مخصوص

هرعلامتی که در نوشتن به‌کار آید ولی جزو حروف وارقام نباشد ، مانند علامتهای نقطه گذاری وعلامت های ریاضی .

Special purpose computer

کامپیوتر اختصاصی

کامپیوتری که ساختمان آن برای حل مسایل معینی طراحی شده است .

Spectral analyzer characteristic

۱ــ منحنی نمایش تغییر حساسیت صفحه دوربین تلویزیون برحسب طول موج .

۲ــ منحنی نمایش میزان صدور الکترون از یك صفحه حساس بر حسب انرژی نوری که برآن می‌تابد .

Spectroradiometer

اسباب اندازه گیری مقدار انرژی تشعشعی در یك محیط .

Spectrum

طیف

چگونگی انتشاروتوزیع دامنه موج درمسیرانتشارآن . نمایش تجزیه نور بسا یك موج مرکب به امواج ساده تر و تنظیم آنها برحسب فرکانس .

Spectrum analyzer

دستگاه تجزیه نور یا یک سیگنال مرکب به امواج ساده تر به منظور نمایش چگونگی توزیع انرژی برحسب فرکانس این امواج ·

Speed of light

سرعت سیر نور که در خلاء برابر ۲۹۹۷۷۶ کیلومتر در ثانیه است ·

Spherical wave

موجی که سطح خارجی آن به شکل سطح یک کره مجوف است ·

Spider

۱ــ صفحه قابل ارتجاعی که سیم پیچی متحرک بلندگو یا میکروفون الکترودینامیک را در مرکز فاصله هوائی نگاه می دارد ·

۲ــ قاب یا در پوش ماشینهای الکتریکی که قسمت گردنده ماشین را در وسط نگاه می دارد ·

Spike

اثر موقتی و زودگذری که دامنه یک سیگنال را از مقدار ماکزیمم آن بیشتر می کند ·

Spill

از بین رفتن قسمتی از اطلاعات در لامپ حافظه ·

Splice

اتصال دوسرسیم یاکابل به یکدیگر.

Spot speed

تعداد نقاط نورانی تصویر که در یك ثانیه تولید می‌شوند.

Spottiness

نقاط پراکنده و خیلی روشن روی تصویرتلویزیون بعلت تداخل امواج یا پارازیتهای صنعتی.

Square wave

موج متناوبی که نمایش تغییردامنه آن برحسب زمان به شکل اضلاع یك مربع باشد. این موج قابل تجزیه شدن به تعدادی موج سینوسی است.

Squealing

صدای تیزی که درگیرنده رادیوئی هنگام گوش دادن به یك برنامه شنیده می‌شوداین اختلال غالبا" از تداخل باامواج فرستنده های دیگر تولید می‌شود.

Squegging oscillator

نوعی نوسان سازکه دامنه نوسانهای آن پس از رسیدن به حدماکزیمم ثابتی دوباره صفرمی‌شود.

Squelch circuit

مداری که مانع تولید صدا به هنگام فقدان سیگنال ، درگیرنده رادیـــو می‌شود .

Stable oscillation

نوسان پایدارکه دامنه نوسان ، افزایش یاکاهش نمی‌یابد .

Stacker

مخزن

محل قرارگرفتن کارتهای منگنه کامپیوترپس از خوانده شدن .

Standing wave

موجی که نسبت دامنه آن در دونقطه ، همواره مقدارثابتی باشد .

State

وضعیت

وضعیت منطق یك هادی دریك مدار دیجیتال ، یعنی این که آیـــا ۱ حمل می‌کند یا ۰ .

Static electricity

الکتریسیته ساکن

بارالکتریکی کسب شده بوسیله جسمی در اثر القاء الکتریسیته ساکن .

Static memory

حافظه ای که اطلاعات درآن ذخیره وضبط شده است .

Static switching

نام کلی برای فرمان وکنترل از راه دور ، بوسیله تقویت کننده مغناطیسی و نیمه هادیها ، بدون استفاده از قطعات متحرک .

Stationary gap

وسیله ای برای تولید موج ضربه ای فشار قوی .

Steady state

وضع ثابت

موجی که حداکثر دامنه آن ثابت و بدون تغییر است .

Stereophonic

ضبط یا انتشار چند دسته امواج صوتی در چند کانال یا در چند جهت مختلف .

Stereophonic amplifier

تقویت کننده ای که هر دسته از امواج صوتی را جداگانه تقویت و پخش می کند.

Stereophonic sound

صدائی که هر دسته از امواج آن از یك جهت شنیده می شود .

Stereophonic system

سیستم ضبط یا پخش صدا با استفاده از چند میکروفون یا چند بلندگو برای ضبط یا انتشار چند دسته امواج صوتی بطور جداگانه .

Storaye capacity

ظرفیت یا گنجایش ذخیره اطلاعات در حافظه کامپیوتر و غیره .

Store

۱ــ انبار ، محل ذخیره وجمع آوری اطلاعات .

۲ــ هروسیله یا واسطه ای که اطلاعات را در خود نگاه می دارد ، به قسمی که در صورت لزوم قابل دسترس باشد .

Stored program

برنامه ذخیره شده .

مجموعه ای از دستورالعملها در حافظه که ترتیب حل مسئله را تعیین می کند .

Strap

تسمه

اتصال دو نقطه بوسیله یك سیم .

Strays

هرنوع اختلال در سیستم رادیوئی .

Stretch

کامپیوترهای عددی که قادرند در هرثانیه بیش از میلیونها عمل منطقی را انجام دهند .

Strip

باریکه ای ازجنس نوار مغناطیسی که در دستگاه یاخته های اطلاعات به کار می رود .

Stroboscope

دورشمارنوری که براساس تطبیق فرکانس نورلامپ ، بافرکانس علامت گردنده ای که روی محورماشین نصب می شود ، کارمی کند و سرعت گردش ماشین رانشان می دهد .

Strowger system

سیستم اتصال مکانیکی درارتباط تلفنی که رله های آن ، مرحله به مرحله شماره تلفن مورد درخواست راپیدا می کند .

Stub

وسیله تطبیق امپدانس خط انتقال " میکروویو" یا UHF بابار برای انتقال حداکثر انرژی .

Subcarrier

موج حامل " مدوله " ای که باموج حامل دیگری ترکیب می شود .

زیریاخته Subcell

یك بخش از یاخته اطلاعات درکامپیوتر .

برنامه های فرعی Subroutines

دستورالعملهایی که به قسمت اصلی برنامه برای انجام عملهای معینی اضافه می‌شود .

Subsonic frequency

فرکانسی که کمتر از حداقل فرکانس قابل شنیدن باشد (کمتر از ۱۶ سیکل در ثانیه).

لایه تحتانی Sub strate

ماده نیمه هادی پولك یا چیپ که زیرناحیهٔ نفوذ داده شده قرار دارد و بطور اپیتاکسال رسوب داده شده .

زیرسیستم Subsystem

سیستم کوچکتر داخل سیستم بزرگتر . هرزیرسیستم می‌تواند بعنوان یك سیستم جداگانه با کارهای خود ش در نظر گرفته شود .

Summation check

کنترل اضافی بوسیله جمع‌آوری ارقام در کامپیوتر ومقایسه جواب آن با جواب صحیح .

Superheterodyne converter

قسمتی ازگیرنده " سوپرهترودین " که امواج دریافتی را بوسیله نوسان ومخلوط کننده ، به فرکانسهای IF تبدیل می‌کند .

Superheterodyne receiver

نوعی گیرنده رادیوئی که موج دریافتی را با موجی که تولید می‌کند مخلوط کرده وفرکانسهای واسط (IF) بوجود می‌آورد وآنها را پس از تقویت، تجزیه می‌کند.

Super-high frequency (SHF)

فرکانسهای بین ۳۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰ مگا سیکل در ثانیه.

Super-regenerative receiver

گیرنده رادیوئی که فیدبك آن بیش از اندازه لازم برای تولید نوسان است، ولتاژ جداگانه ای برای خفه کردن نوسانها در آن بکار می‌رود.

Supersonic

سرعت مافوق صوت.

Supervisor

بخشی از برنامه سیستمهای کارنمایی که وسایل اجرای برنامه های دیگر را در دستگاه کامپیوتر فراهم می‌سازد.

Supervisory control

سیستم کنترل خودکار از راه دور.

Supervisory program

برنامه سرپرست. برنامه سرپرستی

برنامه ای که بین فعالیتهای برنامه های رهبر در عملکرد های چند اجرایی

وسیستمهای مشترک زمانی هماهنگی ایجاد می‌کند •

Suppressed carrier transmission

سیستم انتشاری که درآن اجزاء موج حامل حذف شده وفقط فرکانسهای کناری موج مدوله انتشارمی‌یابند •

Suppressor

وسیله ای برای از بین بردن تاثیرامواج جرقه های شمع اتوموبیل درگیرنده رادیوئی و غیره •

Surface wave

موجی که ازمجاورت سطح زمین منتشرمی‌شود •

Surge

موج

هجوم ناگهانی الکتریسیته دریک هادی •

Sweep frequency

تعداد دفعاتی که شعاع الکترونی ، عرض صفحه لامپ کاتدی رادرمدت یك ثانیه می‌پیماید •

Switch

کلید یا هرزسیله ای برای قطع و وصل یاهدایت جریان دریك مدار•

Switchboard

تابلویا صفحه ای که روی آن کلید ها ووسایل فرمان واندازه گیری الکتریکی نصب شده اند • تابلوی مرکز تلفن که شماره ها روی آن بهم مربوط می شوند •

Switching

عمل قطع وصل وفرمان ، بوسیله هرنوع کلید •

مدارسوئیچینگ Switching circuit

مدارالکتریکی یاالکترونیکی که خروجی آن در وضعیتهای الکتریکی معین است ، بجای اینکه در یک ردیف وسیع تغییرکند •

Symbol

علامت نقشه ای

علائم نقشه ای که برای نشان دادن اجزاء مدار کمیت یاکیفیت یا یک دستورالعمل بکارمی رود •

زبان برنامه نویسی اشاره ای Symbolic language

زبان برنامه نویسی که به زبان عادی نزدیکتراست تازبان ماشین •

Synchronization

هماهنگی مدارات فرستنده وگیرنده

بدین معنی که زمان گرفتن عکس توسط دوربین رابازمان حرکت وجابجائی نقطه نورانی لامپ تصویر تلویزیون یکنواخت وهماهنگ نمایند •

Synchronizing

هماهنگ کردن ، یکسان کردن فرکانس دو ماشین • حفظ هماهنگی زمان تقطیع الکترونی با سرعت حرکت رفت وبرگشت آن •

Synchronous

سنکرون • هم زمان

بد ویا چند چیزکه توسط سیگنال ساعت مشترك بطورهمزمان در یك سیستم اتفاق می‌افتد اطلاق می‌شود • سنکرون نام مدارهمزمان با چرخش زمین است •

Synchronous computer

کامپیوتری که عملیات آن بافواصل زمانی منظم بوسیله ساعت کنترل می‌شود •

Synchrotron pulse

قسمتی از سیگنال ، برای هماهنگ کردن نقاط تصویرگیرند • وفرستنده • تلویزیونی •

Synchrotron separator

مدارجداکنند • سیگنالهای هماهنگ کنند • از سیگنالهای کنترل •

System

بطورکلی گروهی از چیزهاکه بصورت مجموعه ای متحد کارمی‌کنند • در الکترونیك یك سیستم ، گروهی از وسایل یامدارهایازیرسیستمهاست که برای انجام عملی معین بایکدیگر کارمی‌کنند •

System flowchart

نمایش هندسی جریان سیستم ٠

Systems analyst

تجزیه وتحلیل کننده سیستمها ، طراح سیستمهای مکانیزه ٠

T

Tabulator

ماشین کارت خوان در کامپیوتر.

تگ Tag

قطعه ای فلز که برسیم های وصل می‌گردد.

Tailing

افزایش زمان از بین رفتن دنباله موج سیگنال.

Tandem

وضع دو مدار نسبت به یکدیگر در حالی که دو ترمینال خروجی یکی از آنها به دو ترمینال ورودی مدار دیگر بسته شده اند مانند اتصال آبشاری.

مرکز انتقال مکالمه • مرکز کنترل Tandem, exchange

ارتباط مرکز تلفنی که ابتدا و انتهای مکالمات آن در آن مرکز تلفن نمی‌باشد.

مرکز انتقال محلی Tandem, local

مرکز انتقال مکالمه ای که برای ارتباطات تلفنی در حدیک محل مانند

مکالمات شهری استفاده می شود .

Tandem, national

مرکز انتقال مکالمه ای که برای ارتباطات تلفنی در یک کشور استفاده می شود .

Tantalum rectifier

نوعی یکسوکننده الکترولیتی که جنس الکترودهایش سرب و تانتال والکترولیت آن را محلول اسید سولفوریک تشکیل می دهد .

Tape

نوار ضبط اطلاعات بصورت مغناطیسی یا مکانیکی .

Tape deck

دستگاه نوارخوان

دستگاهی که به کمک آن نوارمغناطیسی برای خواندن یا نوشتن در اختیار کامپیوتر قرار می گیرد .

Tape feed

قسمتی از هر دستگاه که نوارمغناطیسی را به منظور ضبط یا خواندن اطلاعات ، وارد آن می کند .

Tape file

پرونده روی نوار

پرونده ای که روی نوار ثبت شده است .

برچسب نوار Tape label

رکورد ی که قبل یا بعد از رکورد های واقعی اطلاعات روی نوار مغناطیسی ثبت می شود و شامل اطلاعاتی مربوط به چگونگی سایر محتویات نوار است •

نشانه نوار Tape mark

کاراکتری که بین رکورد های برچسب و رکورد های واقعی اطلاعات روی نوار مغناطیسی برای متمایز کردن آنها ثبت می شود •

دستگاه نوارخوان Tape reader

وسیله تبدیل و ترجمه اطلاعاتی که روی آن نوار ضبط شده است.

دستگاه ضبط صوت Tape recorder

تبدیل کننده انرژی امواج صوتی به انرژی الکتریکی و ثبت آن بصورت آثار مغناطیسی روی نوار •

ردیف کردن نوار Tape sort

ردیف کردن رکورد های ثبت شده روی نوار مغناطیسی برحسب یك فیلد معین •

Target

الکترود ی که شعاعهای الکترونی یا اشعه روی آن متمرکز می شوند • منعکس کننده امواج ضربه ای در رادار •

Target voltage

اختلاف پتانسیل بین کاتد صادرکننده الکترون و صفحه ای که پشـــــــت صفحه ای که پشت صفحه حساس لامپ دوربین تلویزیونی قرار دارد .

TASI (Time assignment speech interpolation)

سیستم قطع ووصل مکالمه تلفنی یك مشترك ، منظور انتقال مکالمه مشتـرك دیگر روی یك کانال است .

Tearing

گسستگی ظاهری تصویر تلویزیون ، بعلت وجود نقص در مدار هماهنـــــگ کننده .

Telecamera دوربین تلویزیونی

Telecast

برنامه ای که برای پخش از طریق تلویزیون تهیه می شود (برنامه تلویزیونی)

Telechrome

نوعی لامپ تلویزیون رنگی .

Telecine projector

پروژکتور سینمائی مخصوص پخش فیلم بوسیله تلویزیون .

Telecommunication

ارتباط از راه دور

انتقال ، انتشار ، و دریافت هرنوع علائم الکتریکی ازراه دور ، با سیم یا بدون سیم .

Telecontrol

کنترل وتنظیم ازراه دور(درماهواره ها).

Telegraph

تلگراف

پیامی که بوسیله علائم الکتریکی فرستاده می‌شود .

Telegraph code

الفباء یازبانی که حروف و کلمات آن از خط و نقطه ترکیب شده اند .

Telegraphy

سیستم ارتباطی برای مخابره پیام ، بااستفاده از علائم الکتریکی به شکل خط و نقطه یا حروف و اعداد قراردادی .

Telemeter

اسباب اندازه گیری کمیتهای فیزیکی از راه دور و بااستفاده از علائم الکتریکی .

Telemetering

مخابره نتایج اندازه‌گیری به راه دور. اندازه گیری از فاصله دور و با کمك وسایل ارتباطی باسیم یابدون سیم .

Telemetering channel

مسیر انتقال علائم اندازه گیری به راه دور.

Telemetering record

ثبت یا ضبط نتایج اندازه گیری ، روی فیلم یا نوار با استفاده از علائم الکتریکی از راه دور.

تلفن Telephone

مکالمه از راه دور ، روش انتقال صدا بوسیله جریان الکتریکی از نقطه ای به نقطه دیگر.

Telephone cable

کابل تلفنی که از تعداد زیادی سیمهای مسی با روپوش عایق ساخته شده است.

Telephone channel

کانال یا مسیر انتقال علائم صوتی یا مکالمه.

مرکز تلفن Telephone exchange

مرکز ارتباطی که تمام سیمهای تلفنی به آن منتهی شده و به یکدیگر مربوط می شوند.

Telephone handset

دسته تلفن که فرستنده و گیرنده ، یا دهنی وگوشی درآن نصب شده است .

پریزتلفن

Telephone jack

بااتصال آن به یك شاخه یایك فیش یك شماره تلفن رابه شماره دیگر مربوط می‌کند .

Telephone receiver

گوشی ، یاوسیله تبدیل نوسانهای الکتریکی به امواج صوتی .

Telephone repeater

تقویت کننده نوسانهای الکتریکی درنقاط مختلف مسیرارتباط تلفنی .

Telephone set

دستگاه تلفن که شامل گوشی ، میکروفون ، شماره گیر و زنگ که در اختیار مشترك تلفن قراردارد .

Telephone transmitter

میکروفون یا دهنی تلفن که امواج صوتی رابه نوسانهای الکتریکی تبدیل می‌کند .

Telephony

سیستم ارتباطی برای مکالمه و انتقال صدا ازنقطه ای به نقطه دیگر ، با

استفاده از تبدیل امواج صوتی به نوسانهای الکتریکی و انتقال آنها با سیم یا بدون سیم به راه دور.

Telephoto

انتقال عکس یا تصویر به راه دور، بوسیله تجزیه آن به نقاط سیاه وسفید و تبدیل آنها به علائم الکتریکی عدسی "تله وب" که فاصله کانونی آن زیاد است.

Teleprinter

دستگاه چاپ از راه دور

دستگاه چاپی که اطلاعات چاپ کردنی را مستقیما" از راه دور دریافت می‌کند.

Teleprocessing

عملکرد دور اجرائی کامپیوتر

پرورش اطلاعات وقتی کامپیوتر اطلاعات را مستقیما" از راه دور دریافت می‌کند.

Teletype

سیستم ارتباطی که در آن یک ماشین تحریر بوسیله فرمان از دور بکار می‌افتد و پیامهای رسیده را بطور خودکار می‌نویسد.

Teleview

نظاره از راه دور، با مشاهده تصویری که بوسیله تلویزیون تهیه و منتشر می‌شود.

Television

انتشار و دریافت تصویر باکمك امواج الکترومغناطیس فرستنده ، گیرنده و برنامه هایی که بصورت تصاویر ناطق پخش و دریافت می شود .

Television aperture

قطر نقاطی که تصویر به آنها تجزیه شده و به شکل سیگنالهای الکتریکی منتشرمی شوند .

Television broadcasting

انتشار و دریافت هماهنگ تصویر وصدا بوسیله امواج الکترومغناطیس .

Television camera

دوربین تلویزیونی که تصویررا به نقاط کوچك تجزیه کرده وسپس آنها را به علائم الکتریکی تبدیل می‌کند .

Television channel

کانال تلویزیون

باند فرکانس مناسب ومخصوص پخش و انتشار تصویر یا برنامه تلویزیونی .

Television direct transmission

سیستم تلویزیونی که تصویررا مستقیما " روی وسیله تقطیع و پیمایش دوربین متمرکز می‌کند .

Television field

یکی از دو یا چند حوزه ای که بطورمساوی و متناوبا " بوسیله شعاعهای

الکترونی روی صفحه تصویر تلویزیون پیمود • می‌شود •

Television framing

تنظیم موقت تصویر ، روی صفحه تلویزیون •

Television receiver

گیرنده • تلویزیون که سیگنالهای منتشره را دریافت و آنها را به تصویر و صدا تبدیل می‌کند •

Television scanning

روش تجزیه تصویر به نقاط کوچك و برحسب شدت نور آنها •

Television screen

صفحه لامپ کاتدی دستگاه گیرنده • تلویزیونی که تصویر روی آن تشکیل می‌شود •

Television transmitter

دستگاه فرستنده • تلویزیونی که شامل تمام تجهیزات لازم برای تهیه تصویر ، تجزیه به نقاط کوچك ، تبدیل آنها به علائم الکتریکی برحسب شدت روشنائی و انتشار امواج تصویر و صدا و سیگنالهای هماهنگ کننده • است •

Television tube

لامپ تصویر یا لامپ دوربین تلویزیونی •

Telewriter

سیستم تلگرافی که در آن پیام بصورت کتبی منتشر ودریافت می‌شود.

Telex

سیستم مخابره پیام بصورت کتبی درخطوط ارتباط تلفنی.

Tellurometer

اسباب اندازه گیری فاصله بامقایسه اختلاف فاز امواج منعکس شده.

Telstar

ماهواره مخابراتی که به منظور برقراری ارتباط و مبادله برنامه رادیوئی و تلویزیونی بین نقاط مختلف کره زمین به فضافرستاده شده است.

Temporary memory

حافظه موقتی درکامپیوتر.

Tension

کشش

اصطلاحی که برای تشریح فشارا تصالات بکاربرده می‌شود.

Tera cycle

یک میلیون دوره تناوب درثانیه یا 10^{12} c/s

Teratron

مولد فرکانس 10^{12} c/s

ترمینال • محل اتصال انتهائی Terminal

وسیله اتصال یك مداریاماشین الکتریکی به یك نقطه •

خاتمه دادن Terminate

سیمی رابه یك تگ منتهی نمودن •

Terminating

بستن یك مداربااتصال ترمینالهای آن به یك‌مصرف‌کننده

خاتمه Termination

اصطلاحی که برای سیمی که به تگ وصل شده باشد بکارمی‌رود •

Termistor

دستگاهی که مقاومت‌آن در اثر افزایش درجه حرارت کاهش می‌یابد •

Tesla coil

سیم پیچ بدون هسته آهنی برای فشارقوی ، فرکانس زیاد ، یاتخلیـــــــه الکتریکی نوسانی •

آزمایش Test

آزمایش یك وسیله یامدارجهت‌اطمینان از کار•

اطلاعات‌آزمایش Test data

نمونه ای از اطلاعات‌که شامل همه شرایط پیش‌بینی شده است برای آزمایش

برنامه •

Test pack

دسته آزمایش

مجموعه ای از برنامه واطلاعات آزمایشی که برای اجرای آزمایش برنامه بکار می رود •

Test pattern

تصویر یا نقشه ای که جهت آزمایش پخش می شود • تصاویری که پیش از برنامه های تلویزیونی پخش می شود •

Test record

صفحه آزمایشی که محتوی علائم مخصوص آزمایش " پیکاپ " در سیستم صوتی است •

Test routine

۱ــ دستورالعمل آزمایش کار کامپیوتر •

۲ــ روشی که برای بررسی یك دستگاه یا مدار بکار می رود •

Theater dimmer

مقاومت متغیری که برای تنظیم روشنائی صحنه تاتر بالامپهای سری می شود•

Thermal noise

امواج پارازیت که براثر تبادل حرارتی بین یك جسم و محیط بوجود می آیند •

Thermal relay

رله حرارتی

رله ای شامل یك نوار دوفلزی که بین لحظه تحریك آن وزمانی‌که اتصالهایش بازوبسته می‌شوند تاخیروجود دارد •

Thermionic cathode

کاتدی که وظیفه اصلی آن صدورالکترون براثر التهاب حرارتی است •

Thermoelectron

الکترونی که براثر حرارت صادر می‌شود •

Thermophone

وسیله تبدیل حرارت به صداکه بااستفاده از انقباض‌وانبساط هـــــوا ، تغییردرجه حرارت رابه ارتعاشات صوتی تبدیل می‌کند •

Thin-film memory

حافظه کامپیوتر که بصورت نوارنازك مغناطیسی ساخته می‌شود • دراین نوع حافظه ، عناصر قابل مغناطیس شدن به صورت لایه های بسیارظریف باضخامتی کمترازیك میلیونیم اینچ روی صفحه های غیرمغناطیسی کوچـــــك قرارمی‌گیرد •

Third rail

ریل سوم که به موازات ریلهای ترامواي برای انتقال انرژی الکتریکی کشیـــده شده واززمین عایق شده است •

Thomson scattering

جذب انرژی تشعشعی بوسیله الکترون •

Three pole switch

کلید سه قطبی که سه سیم یك مدار را در آن واحد قطع یا وصل می‌کند •

Three way switch

کلید سه راهی که دارای سه کنتاکت است وبین هردو کنتاکت آن ، یـــــك مدار ، قطع ووصل می‌شود •

Three wire circuit

مدار سه سیمه که یکی ازسیمهای آن به زمین وصل شده ، وولتاژ بیـــــن دو سیم دیگرش ، دوبرابر ولتاژ بین هرسیم وزمین است •

Threshold current

حداقل جریان لازم برای اولیه یافتن قوس یا تخلیه الکتریکی درگازها •

Threshold frequency

حداقل فرکانس انرژی تشعشعی که می‌تواند باعث صدور الکترون از سطـــح یا جسم حساس شود •

Threshold of audibility

حد شنوائی ، حداقل فشار صوتی که بوسیله گوش طبیعی احساس می‌شود •

Threshold signal

کوچکترین علامت یا سیگنالی "ه" می‌تواند حامل اطلاعات قابل تشخیص باشد •

Threshold value

حداقل اثرورودی در یک سیستم که یک اثر خروجی قابل اندازه گیری تولید می‌کند •

Thristor

ساختمان اصلی آن بلورهای نیم هادی P و N است که بصورت یکسو کننده ساخته شده است این یکسوکننده هادر مقابل جریان معکوس، مقاومت زیاد دارد •

Throat microphone

میکروفونی که براثر تماس با دیافراگم حنجره کارمی‌کند •

Through path

مسیرانتقال سیگنال ازمداروروودی به مدارخروجی •

Thump

پارازیت صوتی که براثر عبورجریان از سیمهای تلگرافی تولید شده ودرتلفن شنیده می‌شود •

Thyratron

" تیراترون " یالامپ گازی باکاتدگرم که جریان آندآن بوسیله ولتاژ شبکه

فرمان قطع ووصل می‌شود ولی در تنظیم شدت آن دخالت ندارد •

Thyristor

نوعی نیمه هادی که خاصیت یکسوکنندگی آن قابل کنترل است ومانند دلامپ تیراترون کارمی‌کند •

Ticker tone

تن مقطع

تنی که بوسیله اپراتورهنگامی‌که وارد خط می‌گردد فرستاده می‌شود •

Tickler coil

سیم پیچ رابط بین مدارآند ومدارشبکه در یک نوسان ساز •

Tie line

خط بین مراکز

مسیری که یک مرکز خودکاررابه مرکز کوچکتری متصل می‌نماید •

Tilting

تغییرزاویه دوربین تلویزیونی موقعی که مسیر یک جسم‌متحرک رادنبال می‌کند • انحراف جبهه موج رادیوئی که درحوالی سطح زمین منتشر می‌شود •

Time base

مدارمولد موج دندانه اره ای که بعنوان مبنای سنجش زمان در اسیلوسکوپ و برای تولید حرکت افقی شعاع الکترونی در لامپ کاتدی بکارمی‌رود •

Time gate

مبدلی که اثرخروجی آن فقط درفواصل زمانی معین باشد •

Time modulation

ترکیب دوموج درفواصل زمانی معین •

Timer

۱ــ کلیدی که یك مدارالکتریکی رادرلحظه های معین بسته وبازمی‌کند •
۲ــ وسیله قطع مداریك سیم پیچ درلحظه معین و به منظور تولید جرقه •
۳ــ زمان سنج : وسیله الکترونی برای ثبت مدت اجرای یك برنامه درداخل واحد مرکزی یاواحد های تبدیل •

Time sharing

فن اجرای چندین برنامه همزمان ، دریك کامپیوتربطوری که هربرنامه درخلال فواصل زمانی ، برنامه دیگری انجام دهد •

Timing

زمان سنجی

برآورد مدت انجام یك عمل یامدت اجرای یك سیستم •

Tin

قلع

عنصری فلزی که توام باسرب برای لحیم کاری بکارمی‌رود تاا تصال بین دوهادی بطور کامل انجام گردد •

TIROS (television and infra red observation satellite)

سیستم تلویزیونی که با استفاده از اشعه زیرقرمز برای دریافت مشاهدات ماهواره ها بکار می رود •

T-junction

اتصال هدایت کننده اصلی موج به شاخه ای که برآن عمود است •

مدارسه شاخه T-network

مدارسه شاخه ای که به شکل T بهم وصل شده اند •

تن Tone

۱ــ قدرت یا بلندی صدا وآهنگ .

۲ــ سیگنالی که قابل شنیدن باشد •

کنترل بلندی صوت Tone control

وسیله تنظیم میزان تقویت فرکانسهای صوتی معین •

سیلندر صدا Tone drum

دستگاه مدوری که دارای قطعات مسی است و در مولد تن جهت تولید تن های مختلف بکار می رود •

مولد تن Tone generator

مولدی که تن های قابل شنیدن را در مرکز تلفن تولید می کند مانند تن شماره گیری و تن اشغال •

Tonometer

وسیله اندازه گیری الکترونی جهت اندازه گیری فشار مایع داخلی چشم.

Torque

گشتاور. نیروی مولد حرکت دورانی.

Touch control

مداری که یك رله الکتریکی را پس از اینکه دو کنتاکت با فشار انگشت بهم وصل می شوند، می بندد.

Townsend avalanche

تخلیه الکتریکی ناگهانی و موقتی که در اثر برخورد شدید یونها به یکدیگر بوجود می آید و باعث برخورد های متوالی یونهای دیگر می شود.

Trace

خط روشن رسم شده برروی لامپ کاتدی که مسیر حرکت شعاع الکترونی را نشان می دهد.

Track

۱ــ لبه یا حاشیه باریکی از نوار ضبط صوت یا حافظه کامپیوتر که اطلاعات روی آن ضبط می شوند.

۲ــ شیار فرضی روی واسطه های مغناطیسی و نوار کاغذی.

Track circuit

مداری که از اتصال ریلها به یکدیگر بوجود می‌آید •

Track descriptor record

رکورد شاخص ، رکورد مشخص‌کننده وضع یك شیار دیسك •

طرح شیار Track format

طرح شیارها از نظر وضع ثبت اطلاعات در دستگاه کامپیوتر •

Tracking

۱ــ روش کنترل مدارهای گیرنده رادیوئی برای اطمینان از منظم بـــودن آنها در فرکانسهای معین •

۲ــ دقت تنظیم حرکت قلم حکاکی در مسیر معین برای ساختن صفحه گرام •

Trailing edge

قسمت مهم اتلاف انرژی موج ضربه ای •

Transaction

تغییرات • عناصر اطلاعاتی لازم برای به روز رساندن و پرورش رکورد هـــای اصلی اطلاعات •

پرونده تغییرات Transaction file

واسطه ای که روی آن اطلاعات مربوط به تغییرات ثبت شده است •

رونویسی

Transcribe

انتقال اطلاعات از یك واسطه به واسطه دیگر.

Transcriber

تجهیزاتی که اطلاعات ورودی یا خروجی حافظه کامپیوتر را به زبان مخصوص کامپیوتر عددی یا بالعکس ترجمه می‌کنند.

مبدل

Transducer

وسیله ای که اطلاعات را از یك محیط (مثلا" وضعیت یك پیچ کنترل) به محیط دیگر (مثلا" سیگنالهای دیجیتال الکترونیکی) تبدیل می‌کند.

Transducteur

با علامت (R.T.C) هم نشان می‌دهند: قطعه ای است از جنس پیزو الکتریك که در فرستنده گیرنده فرمان از راه دور بکار می‌رود.

انتقال

Transfer

ارسال کپی یا انتقال اطلاعات از یك دستگاه به دستگاه دیگر.

Transfer characteristic

۱ــ رابطه بین ولتاژ یك الکترود و شدت جریان در الکترود دیگر (لامپ الکترونی).

۲ــ رابطه بین شدت درخشندگی و جریان سیگنال خروجی (لامپ کاتدی).

Transfer function

۱ــ رابطه بین دوسیستم متغیر بطوری که بامعلوم بودن یکی از آنهـــا بتوان مقدار دیگری راتعیین کرد •

۲ــ رابطه بین ورودی وخروجی دریك سیستم فرمان •

Transfer rate

سرعت انتقال اطلاعات یابرنامه هابین واحد های تبدیل وواحد مرکزی•

Transfluxor

مداریاهسته مغناطیسی دارای چندین پنجره وبازو که درحافظه کامپیوتر و کلید هاولوازم کنترل بکارمی رود •

Transform

تغییرشکل اطلاعات کامپیوتربدون تغییرمفهوم آنها •

ترانسفورمر Transformer

وسیله ای الکترومغناطیسی بدون قطعات متحرك که بوسیله آن ولتاژمتناوب را می‌توان از یك مقداردیگر تغییرداد •

نسبت ترانسفورمر Transformer ratio

نسبت بین دورهای سیم پیچ اولیه وثانویه یك ترانسفورمر•

Transient

۱ــ پدیده گذرا و کوتاه مدت .

۲ــ تغییر ناگهانی در یک سیستم که فقط فرمان کوتاهی پس از وقـــــوع پایدار می‌ماند .

Transient analyzer

وسیله ای جهت تولید نوسانهای موقتی و گذرا به منظور آزمایش یک دستگاه یا سیستم.

Transistor

ترانزیستور

یک وسیله نیمه هادی که می‌تواند موجب تقویت شود .

Transition oscillator

نوسان سازی که دارای ضریب حرارتی منفی است .

Translation loss

کاهش دامنه نوسانهای مکانیکی که بوسیله قلم حکاکی کپیه می‌شوند .

Translator

مترجم

شخص یا وسیله ای که می‌تواند اطلاعاتی را از یک زبان به زبان دیگر ترجمـــه کند .

Transmission

ارسال

انتشار و انتقال انرژی بصورت جریان یا امواج با سیم یا بدون سیم.

Transmission level

نسبت توان سیگنال در هرنقطه ازمسیرانتشاربه توان آن در نقطه دیگری که بعنوان مبنای مقایسه انتخاب شده است (برحسب دسی بل)•

Transmission line

مسیرباخط انتقال انرژی بین دونقطه •

Transmission loss

اتلاف انرژی درمسیرخط انتقال

اصطلاحی که مشخص‌کننده کاهش قدرت بین دونقطه یك سیستم انتقالی است •

Transmission measuring set

اسباب اندازه گیری مقدارتلفات توان در مسیریك خط انتقال انرژی که شامل یك فرستنده و یك گیرنده می‌شود •

Transmission mode

حالتی برای انتشارانرژی موجی درحالت رزونانس در مسیر یك خط انتقال انرژی •

Transmission primaries

انتشاریك دسته سه تایی سیگنال که هرکدام محتوی علائم مولدیکی از رنگهای اولیه تصویر رنگی هستند •

Transmission system

مجموعه عناصر وتجهیزاتی که برای انتقال یا انتشار انرژی بکار می‌روند .

Transmissivity

قابلیت انتشار تشعشع ، از مرز بین دو محیط مختلف .

فرستادن Transmit

۱ــ رساندن اطلاعات از یك محل به محل دیگر وسیله مدارهای انتقال .

۲ــ انتقال اطلاعات از یك محل حافظه به محل دیگر .

فرستنده Transmitter

مجموعه وسایل و تجهیزاتی که برای تبدیل هرنوع موجی به امواج الکترومغناطیس و انتقال آنها به نقاط دیگر بکار می‌رود .

Transponder

دستگاه توام فرستنده و گیرنده که به محض دریافت علائم مشخص ، بطور خودکار به آن پاسخ می‌دهد .

Transreceiver

فرستنده و گیرنده رادیوئی که بصورت یك دستگاه واحد ساخته می‌شود .

Transverse magnetization

مغناطیس کردن ذرات نوارهای ضبط در جهت عمود بر مسیر حرکت نوار و موازی با بزرگترین سطح مقطع آن .

Transverse wave

موجی که تغییرشدت میدان آن در هرنقطه برمسیر انتشارش عمود است •

Travelling wave

موج سیاروگذر را •

Travelling wave tube

نوعی لامپ الکترونی مخصوص امواج سیـــاریز (میکروویو) که باتاثیر متقابـــل امواج عبوری و شعاع الکترونی سیگنالی راتقویت می‌کند •

Tree

شبکه ای به شکل یك درخت شاخه دار وبدون مدارمسدود •

Triac

تریاك

بنام تریستور ولتاژ متناوب هم گفته می‌شود که از دوتریستور که مـــــــوازی و معکوس بسته شده‌اند ساخته شده که گیت های هردویکی است •

Triboluminescence

تولید نوربا روشنائی در اثر مالش •

Tricolor tube

لامپ کاتدی جهت استفاده در تلویزیون رنگی •

Trigatron

لامپ گازی مولد قوس الکتریکی که مانند یك کلید کار می‌کند و دارای سه الکترود کاتد ، آند و الکترود راه اندازی می‌باشد .

Trigger

راه اندازی یا بکار انداختن یك سیستم با استفاده از مدار یا وسیله ای که از خارج تحریك می‌شود .

Trigger circuit

مدار راه انداز

مداری که تحت شرایط معینی از یك حالت پایدار به حالت دیگری در می‌آید .

Trigger level

حداقل تحریك ورودی که یك پاسخ خروجی در مبدلها تولید می‌کند .

Trigger pulse

موج ضربه ای که موجب شروع یك سلسله وقایع می‌شود .

Triode

لامپ سه قطبی

چنانچه علاوه برکاتد و آند در لامپ دو قطبی الکترود دیگری بنام شبکه فرمان برای کنترل میزان جریان اضافه شود لامپ سه قطبی ساخته می‌شود .

Trip action

وضع ناپایداری که بعلت نادرست بودن (فیدبك) در کار تقویت کننده ها بوجود

TRANDOC 1963 ۱۳۴۲

کابل سه تائی Triple cable

کابل شامل سه سیم عایق شده که در یک پوشش خارجی قرارگرفته اند .

Triple detection

روش گرفتن امواج با استفاده از دو مبدل فرکانس پیش از آشکارسازی نهائی .

Trochotron

نوعی لامپ الکترونی که دارای چندین الکترود است و با استفاده از حرکت شعاع الکترونی در میدان مغناطیسی ، ذرات یک صفحه را به نوبت شارژ می‌کند .

Trolley wive

سیم هوائی حامل جریان برای تغذیه تراموای یا قطار برقی .

Troposphere

پایین ترین قشر جو از سطح زمین تا ارتفاع ۱۸ کیلومتری از مشخصات مهم آن دارا بودن جریانهای گردابی هواست .

TR-switch (TR-box)

کلید الکترونی که عموما " از یک لامپ گازی مولد قوس الکتریکی تشکیل شده است .

خط خارجی Trunk line

مسیری که یك مرکز اصلی را به مرکز دیگری مرتبط سازد .

جدول حقیقت Truth table

جدول حقیقت جهت یك بلوك ساختمانی دیجیتال باینری برای هرخروجی اطلاعات وضعیت را که از هرترکیب وضعیت ها در ورودیهای اطلاعـــــات نتیجه می‌شود نشان می‌دهد .

Tube count

تخلیه الکتریکی براثر یونیزاسیون در لامپهای شمارنده .

Tunable

قابل تنظیم یا قابل تطبیق برای یك باند فرکانسی معین .

Tune

تنظیم ویا تطبیق فرکانس .

Tuned circuit

مدار تطبیق شده ای که برای فرکانس معینی به حالت رزونانس در می‌آید .

Tuned-radio frequency (TRF)

مداری که برای عبور فرکانسهای رادیوئی معینی تنظیم شده است .

Tuned relay

رله ای که فقط بافرکانس معینی بکارمی‌افتد •

Tuning

تنظیم یاتطبیق یك مداریاسیستم برای عبورفرکانسهای معین • تولیـــــــد حالت رزونانس •

Tuning fork

تیغه فنری که بانوسانهای مکانیکی معینی به حالت رزونانس درمی‌آیـــــد و در اسبابهای اندازه گیری فرکانس بکارمی‌رود •

Tuning indicator (magiceye)

چشم الکترونی ، لامپهای الکترونی که درحالت رزونانس یك مداررانشـــان می‌دهد •

Tuning wand

دسته عایقی بانوك برنجی وهسته آهنی‌که‌جهت‌آزمایش مدارهای گیرنـــده رادیوئی بکارمی‌رود •

Tunnel diode

یکسوکننده نیمه هادی که باتوجه به (پدیده تونل) ساخته شده ومی‌تواند بافرکانسهای بیش از ۱۰۰۰ Mc/s بدون اعوجاج کارکند •

Turnable rumble

فرکانسهای صوتی که از گردش یك جسم گردنده تولید می‌شوند .

Turret

وسیله خودکار تمرکز امواج ، با استفاده از یك یا چند عدسی کلید خودکار قطع ووصل از راه دور.

Turret tuner

وسیله تنظیم کانال درگیرنده تلویزیونی چندکانالی .

Tweeter

بلندگوئی برای تولید امواج صوتی از ۵۰۰۰ C/S به بالا در سیستم صوتی (Hi-Fi).

Twin cable

دوررشته کابل موازی که به یکدیگر تابیده نشده و پوشش عایقی مشترکی ندارند .

Twin check

کنترل مداوم کار کامپیوتر با مقایسه نتایج حاصل از دو دستگاه مشابه .

Twisted pair

۱ــ کابل دورشته ای تابیده بدون روپوش مشترك .
۲ــ دورشته سیم روپوش‌دار که به هم تابیده شده‌اند .

Twistor

حافظه تجربی کامپیوتر.

Two phase circuit

مدارجریان دوفازه

مداری با دونیروی محرکه یا دوجریان متناوب با اختلاف فاز ۹۰ درجه الکتریکی .

Two pole switch

کلید دوپل

کلیدی که دوسیم را از یك یا دومدار الکتریکی قطع ووصل می‌کند .

Two way communication

ارتباط دوطرفه بین دوایستگاه رادیوئی که هرکدام دارای یك فرستنده و یك گیرنده هستند .

Two way working

کاردوطرفه

اصطلاحی است که برای مدارها یا دستگاههایی که دوطرفه کارمی‌کنند ، بکارمی‌رود .

Typewriter

ماشین تحریر

دستگاه رابط با ماشین تحریر ، ماشین تحریر متصل به واحد مرکزی کامپیوتر که خود نوعی واحد تبدیل بشمارمی‌رود .

U

Ultra-high frequency(UHF)

فرکانس خیلی بالا

فرکانسهایی هستند در باند ۳۰۰ تا ۳۰۰۰ سیگا هرتز که فرکانس مایکروویو نامیده می شود .

Unbalanced circuit

مدار نامتعادل (غیرخنثی)

مداردوسیمه ای است که دوطرف آن از نظر الکتریکی با هم یکسان نیستند .

Unbalanced line

خط انتقالی است که یك طرف آن در ولتاژ زمین است .

Unblocked

گروه بندی نشده ، رکود های منفرد ، باز (نافشرده) .

Undefined

نامشخص

رکوردهای نامشخص که از نظر اندازه وگروه مشخص نشده باشند .

Underground

یك مجرای ارتباطی است که تمام لوازم آن در زیر زمین نصب شده نظیر نصب کابلهای زیرزمینی .

Unidirectional

یك جهتی

دریافت یا تشعشع امواج الکترومغناطیسی است و تنها در یك جهت عبور می‌کند .

Uniprogramming

عملکرد یك برنامه ای

استفاده از کامپیوتر برای اجرای یك برنامه در مقابل عملکرد دو یا چند برنامه .

Unit inscriber

واحد نقش کننده در دستگاه کامپیوتر .

Unit key telephone

دستگاه تلفن منشی (ردیفی)

دستگاهی است مونتاژ شده از قطعاتی نظیر رله ها ، خازنها ، بوبین‌ها ، مقاومتها و مدارهای مجتمع که توسط آنها سرویسهای مختلف ارتباطی انجام می‌گیرد .

Unit record

رکورد یگانه

دستگاهی که اطلاعات در آن فقط به صورت رکورد قابل ثبت و اجراست مانند دستگاه کارت خوان یا پرونده ای که روی کارت منگنه ثبت شده باشد .

Unity power factor

واحد یا ضریب قدرت

ضریب قدرت برابر با یك است به شرط وجود جریان متناوب در یك مدار موقعی که ولتاژ و جریان هم فاز باشند .

Unpack

باز • غیرمتراکم

ثبت اطلاعات در خانه حافظه یا روی واسطه های مغناطیسی بطوری که در هر محل فقط یك کاراکتر ثبت شود •

Unstable

نامتعادل

مدار تلفنی است که می‌تواند به آسانی ناپایدار و متغیر شود •

Update

به روز درآوردن

انعکاس تغییرات روی پرونده • اصلی به قسمی که در پایان ، رکورد های پرونده • اصلی حاکی از آخرین وضعیت اطلاعات باشند •

Usage

۱ــ درصد زمانی است در یك مدار تلفنی در حال استفاده • •

۲ــ ترافیك کل یك مدار یا گروهی از مدارهای کاربر که معمولا " برحسب درصد لحظات مکالمه بیان می‌شود •

Utility programs

برنامه های سودمند (آماده •)

برنامه هایی که برای انجام کارهای پیش بینی شده • معینی به کار می‌رود و در واقع جزئی از نرم افزار است معمولا " از این گونه برنامه ها برای انتقال اطلاعات از یك واسطه به واسطه دیگر استفاده • میشود •

V

کنترل ارزشها Validity check

نوعی کنترل در برنامه تصحیح اشتباهات کامپیوتری است که طی آن محتوای فیلد ها مورد ارزیابی منطقی قرار می‌گیرد .

لامپ رادیو Valve

عبارت از عنصری الکترونیکی است که می‌توان از آن برای تقویت آشکارسازی و یا نوسان سازی استفاده نمود .

متغیر Variable

کمیتی که می‌تواند هرمقدار معینی را قبول کند .

خازن متغیر Variable capacitor

خازنی که بتوان آن را به هرمقداری بین حداکثر و حداقل ظرفیتش تنظیم نمود .

طول متغیر Variable length

رکورد ، گروه و یا فیلد با طول متغیر در دستگاه کامپیوتر .

مقاومت متغیر Variable resistor

مقاومت قابل تنظیمی است که می‌توان آنرا بین حداقل وحداکثر ظرفیتـــــش تعیین نمود .

تغییرد هند . Varistor

یك جفت دیود از اکسید مس یا سیلیکون که بطور موازی با قطبهای مخالـف بسته شده است .

Vault,cable

اطاقی است درساختمان مراکز تلفنی که کابلهای مربوط به تلفن راوارد وسپس از آنجا باسالن MDF(تقسیم کنندهٔ اصلی) مرتبط می‌شود .

Very-high, frequency(VHF)

باند های فرکانس خیلی بالا بین ۳۰ تا ۳۰۰ مگاهرتز راگویند .

وارسی کننده . Verifier

ماشینی است شبیه ماشین منگنه که به کمك آن می‌توان کارت منگنه شـــــده یا نوارکاغذی منگنه شده رابازرسی کرد .

ویدئو Video

حمل سیگنالهای الکتریکی بصورت تصویر .

شکل امواج تلویزیونی Video wave form

شامل امواج تصویر وامواج صوت هستند که به فرستنده ارسال می‌شود و پس

از تقویت ، دوموج از یکدیگر جدا شده که موج صوت برای تغذیه بلندگو بکار می رود وموج تصویری که برحسب تغییرات روشنائی تصویر تغییرمی کند .

Visual

بصری

هرچیز قابل رؤیت راگویند .

Visual display unit

دستگاه نمایش بصری که به کمک آن می توان بخشی از اطلاعات ثبت شده درحافظه رادید .

Voice frequency

فرکانس صوتی

فرکانسهایی دررابطه باصدای انسان از ۸۲ تا ۲۰۰۰۰ هرتز ودرمورد ارتباطات تلفنی این باند فرکانسی بین ۳۰۰ تا ۳۴۰۰ هرتزمی باشد که فرکانسهای منتقل شده رابه فرکانس صوتی مناسب وقابل شنیدن تبدیل می کند .

Volatile

حافظه قرار در دستگاه کامپیوتر است که باقطع برق آنچه که بر روی صفحه حافظه بوده واطلاعات ذخیره شده راازدست می دهد .

Volt

ولت

واحد فشارالکتروموتورکه یك وات برابر با مقدار نیرویی است که یك آمپرجریان را از یك اهم مقاومت عبورمی دهد .

ولتاژ Voltage

فشار الکتریکی بین دو نقطه است که جهت عبور جریان در مداری بین دو نقطه می‌باشد .

افت ولتاژ Voltage drop

کم شدن ولتاژ الکتریکی بین دو سر اجزاء یك مدار که ناشی از عبور جریان از مقاومت آن مدار است .

ولت سنج . ولت متر Votmeter

دستگاهی است برای اندازه گیری ولتاژ برحسب ولت .

ولت / اهم / میلی آمپر Volt/Ohm/Milliammeter

یك دستگاه اندازه گیری برای استفاده از چند مقیاس اندازه گیری که می‌تواند مقادیر ولتاژ ، جریان و مقاومت را اندازه گیری کند .

برچسب نوار Volume label

رکوردی که اطلاعات مربوط به نوار مغناطیسی در آن ثبت شده ودر آغاز نوار وجود دارد .

W

Watt

وات

واحد توان الکتریکی که برابراست باکارعجوریك آمپرجریان د ریك ولت • برای جریانهای مستقیم برابراست با حاصل ضرب ولتاژ د رجریان ویا حاصل ضـرب مقاومت مدار د ر مربع جریان وبرای جریان متناوب مقدارآن برابراست با حاصل ضرب ولتاژ موثر د رجریان موثر وضریب قد رت مدار •

Watt hour

واحدی است برای اندازه گیری انرژی الکتریکی و برابر است باکارانجـــام شده موثر یك واحد د ریك ساعت •

Wave

موج

نوسانات برروی یك ولتاژ الکتریکی یایك جریان •

Wave form

شکل موج

شکل مشخصات یك موج پریود یك که توسط هارمونیك های موج تعییـــن می شود •

Waveguide

موج بر

یك لوله فلزی توخالی که سطح مقطع آن بصورت مستطیل و یا بیضی ساختـــه

می‌شود و قادر است انرژی فرکانس رادیوئی را از نقطه ای به نقطه دیگر حمل کند •

طول موج Wave length

میزان فاصله دو نقطه هم شکل و متوالی از یك موج تا موج دیگر

$$\text{طول موج} = \frac{\text{فرکانس}}{\text{سرعت سیرنور}}$$

Wave periodic

تکرار موج بطورمداوم و یکنواخت در یك فاصله زمانی مشخص •

Wave sine

موجی است که دامنه آن برحسب سینوس یك زاویه که متناسب با زمان یا فاصله ویا هردو می‌باشد تغییرمی‌کند •

Wave square

موجی است که بطورمتناوب دارای یك مقدارمثبت و سپس به همان اندازه دارای یك مقدارمنفی است • خیلی سریع از حالت مثبت به حالت منفی تغییر می‌کند •

Windeband

پهنای باند

۱ــ عبورپهنای فرکانس (باتغییرات بدون اعوجاج)•

۲ــ داشتن یك پهنای باند ۲۰ کیلوهرتز یا بیشتر•

Winding

دورهای متعدد سیمهای عایق شده که به فرم بوبین شکل گرفته ودر ریـــک ترانسفرمر ، رله یا دیگر دستگاههای الکترو مغناطیسی استفاده می‌شود .

سیم پیچ اولیه Winding, primary

سیم پیچی ترانسفورمری است که انرژی را از یک منبع تغذیه دریافـــــت می‌کند و از آن انرژی برای بوجود آوردن یک جریان مغناطیسی درهستـــه ترانسفرمرا استفاده می‌کند .

سیم پیچ ثانویه Winding, secondary

سیم پیچی ترانسفورمری که انرژی رابوسیله القاء الکترومغناطیس از سیـــم پیچ اولیه دریافت می‌کند

باز وبستن سیگنال Wink signal

قطع جریان لحظه ای دریک لامپ که همراه کلید دستگاه تلفن برای نشـان دادن خط بکار می‌رود .

سیم Wire

هادی از جنس مس که معمولا" بایک قشر قلع پوشیده شده است .

مقاومت سیمی Wire wound resistor

مقاومتی که‌ازپیچیده شدن مقدار زیادی سیم عایق دارد رمت شده باشد .

Wiring diagram

نقشه سیم کشی

نقشه یك دستگاه یامدارکه مسیر سیم کشی بین اجزاء رامشخص‌می‌کند .

Wiring system

سیستم سیم کشی ؛ در کامپیوتر سیستم ایجاد رابطه بین عناصر حافظه یابین اجزای کامپیوتر.

Word

هجا . کلمه

یك واحد اساسی اطلاعات یایك واحد اساسی در حافظه که برای ثبت اطلاعات بکارمی‌رود .

Work area

کارگاه ؛ بخشی از حافظه درکامپیوترکه برخی از عناصر اطلاعات در طول اجرای یك برنامه درآنجا ذخیره می‌شود .

Working storage

انتخاب محفظه برای انجام یك عمل معین در دستگاه کامپیوتر.

Write

نوشتن

انتقال اطلاعات از یك نوع واسطه به نوعی دیگر یا انتقال اطلاعات از یك نوع واسطه به حافظه یا برعکس.

Write head

شاخك نوشتن

وسیله ای جهت ثبت اطلاعات روی واسطه های مغناطیسی .

X

X-axis

محور x ها

در رسم منحنیهای مختلف و غیره استفاده می‌شود .

Xenon

عنصر اکسنون (گازخنثی)

X-particle

ذرات اشعه ایکس

X-position

ردیف ایکس ازکارت منگنه کامپیوتر ، ردیف یازده ازکارت منگنه .

X-ray

اشعه ایکس - پرتوی مجهول .

X-ray,to

عکس‌برداری بااشعه ایکس .

Xerox

زیراکس

یك سیستم انحصاری چاپ است که بااستفاده از جوهر ، مطالب را بـــــــر

روی صفحه چاپ ظاهر می‌کند که بعد از اثر حرارت جوهر صفحه چـــــاپ ذوب می‌شود و صفحه از مطالب پاک می‌گردد .

X-stopper

کم کننده پارازیت ، از بین برندهٔ صدا .

Y

آنتن یاگی Yagi antenna

یارد Yard

واحد طول انگلیسی برابر با سی‌وشش اینچ یا ۱۴ گره ۰

اتصال ستاره ای Y-connection

اتصال مداری که از سه ناحیه در یک نقطه ارتباط می‌یابند ۰

سنگ تیریم آهن Yig

ماده کریستالی مغناطیسی مناسب برای نگه داری حبابهای مغناطیسی ۰

شبکه ستاره ای Y-network

شبکه ای که دارای سه شاخه باشد ۰

بدنه Yoke

قسمتی از رله که هسته به آن وصل شده است ۰

Y-position

ردیف Y از کارت منگنه در کامپیوتر اولین ردیف بالا از کارت منگنه که بالای

ردیف ایکس قرار دارد • ردیف ۱۲ از کارت منگنه •

اشعه گاما • اشعه ایگرگ Y-ray

ولتاژ ستاره ای • ولتاژ بین فازها Y-voltage

Z

دیود زنر — Zener diod

این دیود جهت تثبیت ولتاژ بکار می‌رود ، بدین صورت که ترکیبات داخلی دیود را طوری می‌گیرند که پس از زیاد شدن ولتاژ از مقدار مشخص شده جریان معکوس عبور می‌کند وولتاژ تثبیت می‌شود .

صفر ، نقطه خنثی ، نقطه شروع — Zero

دسترسی فوری به اطلاعات — Zero access storage

این اصطلاح مجازا " وقتی بکار می‌رود که دسترسی به اطلاعات در زمان بسیار کوتاه امکان پذیر باشد .

سطح صفر — Zero level

حدی که برای مقایسه سطوح سیگنالها بکار می‌رود ؛ یک سطح مأخذ .

Zeroing

صفرکردن دستگاه ، تنظیم برروی صفر .

روی — Zinc

عنصری فلزی که برای الکترود منفی بعضی از پیلها مورد استفاده قرار

می‌گیرد .

منطقه Zone

ا ــ در یک کامپیوتر بخشی از یک خانه حافظه یا بخشی از شیارهای نوار است که به کمک آنها کاراکترهای غیررقمی ثبت می‌شود .

ب ــ بخشی از حافظه که برای انجام عمل معینی پیش‌بینی شده است.

بیت منطقه Zone bit

عناصری از حافظه یا شیارهایی از نوار یا بخشی از یک شیار که بعنوان ZONE مورد استفاده قرار می‌گیرد .

شمارش کنندهٔ زمان محدود Zone counter

منطقه بندی شده Zoned

روش باز (نافشرده) برای ثبت اطلاعات.

عدسیهای زوم Zoom lens

عدسی جهت تغییر دادن فاصله کانونی .

علائم اختصاری در تکنولوژی ارتباطات

A	Anode	آند
A	The International Wave Length unit	واحد طول موج بین المللی
Abbrev	Abbreviation	اختصار
ABD	Average Business Day	حد متوسط مکالمات روزانه (مکالمات ، پیغامها وغیره)
Ac	Alternative Current	جریان متناوب
ACC	Administrative Committee on Coordination	کمیته اداری هماهنگی
ACC	Air Control Center	مرکز نظارت (کنترل) هوایی
Accom	Army Communications Command	دستور ارتباطات نظامی
ACCS	Access Switch	سویچ دسترسی
AC/DC	Alternating Current/Direct Current	جریان مستقیم / جریان متناوب
ACIC	Aeronautical Chart and Information Center	مرکز اطلاعات و نمودارفضائی

ACO	Administrative Contracting Officer	کارمند اموراداری وقراردادها
ACOUS	Acoustics	اکوستیك
ACR	Annual Charge Ratio	نسبت بار سالانه
A/D	Analog/Digital	مبدل آنالوگ به دیجیتال
ADP	Automatic Data Processing	پروسه کردن اطلاعات بطور اتوماتیك
AEI	Associated Electrical Industries Limited	صنایع الکتریکی وابسته ــ محدود
AF	Audia Frequence	فرکانس صوتی
AFC	Automatic Frequency Control	کنترل فرکانس بطوراتوماتیك
AFCP	Air Force Command Post	پست فرماندهی نیروی هوائی
AFSC	Air Force Systems Command	فرمانده سیستمهای نیروی هوائی
AGC	Automatic Gain Control	کنترل بهره خودکار
AGE	Air/Ground Equipment	لوازم نیروی هوائی وزمینی

ALGOL Algorithmiec Language

زبان آلگوریتمیك ــ یکی از زبانهای مخصوص نوشتن برنامه های حسابگرالکترونیکی نظیر فرترن ، کوبل ، BASIC, PL ، چیل ، پاسکال و ...

ALPS	Automated Logistics Provisioning System	سیستم مقررات لوجستیکی بطور اتوماتیك
ALU	Arithmetic Logical Unit	واحد منطق ریاضی (حسابگر)
AM	Amplitude modulation	مدولاسیون دامنه (تحمیل دامنه) (در این روش مدولاسیون دامنه موج حامل تغییرمی کند)
A.M	Ante Meridiem(Before Noon)	قبل ازظهر
AMA	Automatic Machine Accounting	ماشین حساب اتوماتیك
AND	All Number Dialling	شماره گیری کلیه اعداد مشخص
ANI	Automatic Number Identification	شناسایی اعداد بطوراتوماتیك
AOS	Atlantic Ocean Satellite	ماهواره اقیانوس اطلس
AS	Access set	دستگاه دسترسی
ASD	Assistant secretary of defense	معاون وزارت دفاع

ASR	Automatic send and Receive	فرستنده وگیرنده اتوماتیکی
ATB	All Trunks busy	همه ترانکهای خطوط تلفنی مشغولند
ATE	Automatic Tester	آزمایش کننده اتوماتیکی
ATS	Application Technology Satellite	ماهواره های کاربردی جهت تکنولوژی
ATT	Attenuator	تضعیف کننده
AUTODIN	Automatic Data Information Network	شبکه اطلاعات (دیتا) بطور اتوماتیک
AUTRAX	Automatic Traffic Recording and Analysis Complex	ضبط ترافیک جهت بررسی بطوراتوماتیک
AVC	Automatic Volume Control	کنترل حجم خودکار
B	Basc	پایه (مشترک)
B	Black	سیاه
BASIC	Beginners all Purpose Symbolic Instruction Code	یک زبان برنامه نویسی کامپیوتراست
BAUD	Bit Cycle time	زمان تناوب بیت که جهت سرعت سیگنالینگ و غیره استفاده می‌شود

BB	Base Band	باند پایه جهت ارتباطات رادیوئی
BCD	Binary Code Decimal	اعداد اعشاری که بصورت باینری کد می شوند
BF	Bass Frequency	فرکانس کم
BHCA	Busy Hour Call Attempts	بکارگیری مکالمات در ساعتهای شلوغ
BIRD	Bank for international reconstruction and Development	بانک بین المللی ترمیم وتوسعه
BIT	Discrete Binary unit (Binary digit)	اعداد باینری (واحد اطلاعات باینری)
BL	Blue	آبی
BPC	Basic peripheral controller	اساس کنترل کننده های محیطی
BPI	Bits per Inch	تعداد بیت ها در هر اینچ
BR	Brown	قهوه ای
C	Collector	کلکتور (جمع کننده)
CA	Contract Administration	قرارداد اداری
CAMA	Central Automatic Message Accounting	محاسبه پیغامهای مرکزی بطور اتوماتیک

CAO	Civil Aviation Organization	سازمانهای مربوط به تشکیلات نظامی
		سازمانهای مربوط به تشکیلات نظامی
CATV	Cable Television	تلویزیون کابلی
CB	Central battery	باتری مرکزی جهت ارتباط تلفنی
CB	Circuit Breaker	قطع کننده مدار
CCC	Commercial Common Carrier or Communications Control Center	
		مرکز کنترل ارتباطات
CCD	Circuit Control Dept.	بخش کنترل مدار
CCIR	International Radio Consultative Committee	
		کمیته مشورتی بین المللی رادیوئی
CCITT	International Telegraph and Telephone Consultative Committee	
		کمیته مشورتی بین المللی تلگراف و تلفن
CCO	Contract Change order	دستورتغییرقراردادها
CCU	Communications Control unit	واحد کنترل ارتباطات
CDC	Central Data Control	مرکز کنترل اطلاعات
CDF	Central Distributing Frame	چارچوب تقسیم کننده مرکزی
CE	Communications Electronics	ارتباطات الکترونیکی
CEC	Communication Electronics Coordinating Committee	
		کمیته هماهنگی ارتباطات الکترونیکی

CENTO Central Treaty Organization سازمان پیمان مرکزی

CENTREX Pab x With Direct Inward Dialing

مراکز تلفن های داخلی باامکانات شماره گیری مستقیم

CEPT Commi ttee of European Postal and Telecommunications Admin.

کمیته پست وارتباطات اروپا

CHC Channel Controller کنترل کننده کانال

CHNL Channel کانال

CIA Centeral Intelligence Agency

آژانس اطلاعات مرکزی (سازمان اطلاعاتی آمریکا)

CIC Combat Information Center مرکز اطلاعات جنگ

CIOS International Committee for Scientific Management

کمیته بین المللی مدیریت علمی

CIPM Council for International Progress in Management

انجمن پیشرفت بین المللی مدیریت

CLLI Common Language Location Identification

شناسایی موقعیت زبان مشترک

CM Centimeter سانتی متر

CMDC Cable Maintenance dispatch center

مرکز مخابره نگهداری کابل

C/N	Carrier to Noise Ratio	نسبت کاریربه نویز(اعوجاج)
CO	Central Office	دفترمرکزی
COBOL	Common Business Orientated Language	زبان کامپیوترجهت انجام امورتجاری مشترک
COE	Central Office Equipment	لوازم دفترمرکزی
COIL	Coil	سیم پیچ
COMSAT	Communication Satellite	ماهواره های مخابراتی
CONV	Convertor	مبدل
CPFF	Cost Plus Fixed Fee	قیمت ثابت وقیمت تمام شده
CPU	Central Processor Unit	واحد عملیات مرکزی کامپیوتر
CR	Card Reader (Also cost Ratio)	کارت خوان (قیمت تمام شده)
C-REP	Coupling Relay Repeater	جفت کردن رله تکرارکننده
CRS	Connecting Relay Set	وصل دستگاه رله
CRT	Cathode Ray Tube (Computer Video Display)	اشعه لامپ کاتدی (ظهورتصویر در کامپیوتر)
CS	Control Set	دستگاه کنترل
CSC	Common Signalling Channel	سیگنالینگ هم کانال

CSIR Council for Scientific and Industrial Research

شورای تحقیقات علمی وصنعتی

CT Transit Center(Or Cable Tail) مرکز ترانزیت (دنباله کابل)

CUSSR Center for Utilisation of Social Science Research

مرکز استفاده ازپژوهشهای علوم اجتماعی

CX Central Exchange مرکز تلفن اصلی

CXGS Central exchange Group Selector

سلکتور گروه مرکز تلفن اصلی

DAC Days After Contract روزهای بعداز قرارداد

DAMA Demand Assigned Multiple Access.

دسترسی چندتایی برحسب واگذاری مدارهای تقاضاشده

DASF Direct Access Storage Facility

دسترسی مستقیم به امکانات ذخیره شده

DASS Demand Assignment Signalling and Switching

واگذاری سیگنالینگ و سوئیچینگ برحسب تقاضا

dB Decibel دسی بل

dBm Decibel with Reference to one milliwatt.

دسی بل بامرجع یك میلی وات

dBr dB/relative Level دسی بل دررابطه باسطح مرجع

dBrn Decibel above Reference Noise دسی بل دربالای نویزمرجع

DC	Direct Current	جریان مستقیم
DCA	Directorate Contract Administration	مدیریت عقد قراردادها
DCA	Defense Communications Agency	آژانس ارتباطات دفاعی
DCAA	Defense Contract Audit Agency	آژانس رسیدگی یا ممیزی کردن قراردادهای دفاعی (نظامی)
DCASD	Defense Contract Administrative Service District	بخش سرویسهای اداری قرارداد دفاعی
DDD	Direct distance dialing	شماره گیری راه دور بطورمستقیم
DDS	Digital Data System	سیستم اطلاعات دیجیتالی
Det	Detector	آشکارساز
DF	Distribution Frame	فریم مستقیم
DGC	Data General Corp	هماهنگیهای عمومی اطلاعات
DISC	Computer Memory System	سیستم حافظه کامپیوتر
DMA	Direct Memory Access	دسترسی مستقیم به حافظه
DNC	Directorate of Network Control	مدیریت کنترل شبکه
DOD	Department of Defense	بخش دفاعی (نظامی)

DOF	Directorate of Finance	مدیریت مالی
DPC	Data Processing Center	مرکز پرورش داده ها (مرکز محاسبات الکترونیك)
DPC	Directorate Program Control	مدیریت برنامه کنترل
DPLY	Display unit	واحد نمایش
DPR	Dial Pulse Repeater	تکرارکننده پالس اول
DPU	Magnetic Disc Pack Unit	واحد گروهی (جمعی) دیسك مغناطیسی
DR	Direct Route	مسیرمستقیم
DSAA	Defense Security Assistant Agency	معاونت آژانس امنیت دفاعی
DSE	Directorate System Engineering	مدیریت مهندسی مستقیم
DTL	Diode Transistor Logic	لوجیك ترانزیستوردیودی
DUV	Data Under Voice	اطلاعات تابع سرویسهای صوتی
DX	Duplex Signaling	سیگنالینگ دوطرفه
E	Emitter	امیتر (پخش‌کننده)
EAS	Extended Area Service	سرویس مناطق توسعه یافته
EAX	Electronic Automatic Exchange	مرکز تلفن اتوماتیك الکترونیکی

EDP Electronic Data Processing

پرورش داده های الکترونی

EE Electrical Engineer مهندسی برق و الکترونیک

EFR Equipment Failure Report

گزارش از بین رفتن یا خرابی لوازم

EIA Electronic Industries Association

انجمن صنایع الکترونیک

EIRP Ellective Isotropic Radiated Power

قدرت تشعشع یافته ایزوتروپیک موثر

ELSA Extended Local Service Area

توسعه سرویس محلی در یک منطقه

EMC Electromagnetic Compatibility

قابلیت الکترو مغناطیسی

EMD Edelmetall-Motor-Drehwahler

یک نوع سویچ الکترومکانیکی ساخت آلمان غربی

EMI Electromagnetic Interference تداخل الکترومغناطیسی

Ent Enternal داخل

EO END Office مرکز تلفن محلی (پایانی)

ERL Erlang ارلانگ (مربوط به مهندسی ترافیک)

ERTS Earth Resources Technology Satellites

مطالعه و کشف منابع زمینی از طریق تکنولوژی ماهواره ای

ERTSS Earth Resources Technology Satellites System

مطالعه و کشف منابع زمینی از طریق سیستم تکنولوژی ماهواره ای

ESD Electronic Systems Division

قسمت سیستمهای الکترونیکی

ESK Edelmetall-Schnellrelais-Koppelfelder

یک نوع سوییچ از نوع آنالوگ

EXIM Export Import

صادرات واردات

EXt External

خارج

FAX Facsimile

فاکس مایل

FCC Federal Communications Commission

کمیسیون ارتباطات فدرال

FDM Frequency Division Multiplex

مالتی پلکس تقسیم فرکانس

FDMA Frequency Division Multiple Access

دسترسی چندتایی از طریق تقسیم فرکانس

FET Field-Effect Transistor

میدان اثر ترانزیستور

FEX Foreign Exchange

۱ــ مرکز تلفن مکالمات خارجی (بزبان مخابرات)
۲ــ مبادلات ارزی (بزبان تجاری)

Fine Fine Tuning

تنظیم نهائی

1st.GS	1st. Group Selector	سلکتور گروه اول
1st RW	1st.Route Selector	سلکتور یاب اول
FM	Frequency Modulation	مدولاسیون فرکانس
FMS	Foreign Military Sales	فروش نظامی به خارج ازکشور
FORTRAN	Formula Translation (Computer Language)	ترجمه فرمول (زبان کامپیوتر)
FRAS	Fellow of the Royal Astronomical Society	عضو انجمن ستاره شناسی (بریتانیا)
FS	Final Selector	سلکتورآخری
FSR	Fault Status Reporting	گزارش موقعیت خطاد رگیرنده ها
G	Gain	بهره
G	Green	سبز
G	Griode	گرید
GCI	GroundControlled Interception	قطع کنترل زمینی
GCT	Greenwich Civil time	زمان (وقت) محلی گرینویچ
Gentex	Telegram Message Service	سرویس پیغام تلگرافی
GF	Ground Forceses	نیروهای زمینی

GHZ	Gigahertz (billion Cycles)	گیگا هرتز (بلیون سیکل)
		گیگـا هرتـز (بلیـون سیکل)
GMT	Greenwich Mean time	زمان استاندارد بین المللی
GO	Golden	طلائی
GOI	Government of IRAN	دولت ایران
Gr	Gray	خاکستری
GS	Group Selector	سلکتورگروهی
H	Horizontal	افقی
HDMW	High Density Microwave(260-1200Channels)	
		مایکروویو با ظرفیت بالا (۹۶۰ــ۱۲۰۰ کانال)
HF	High Frequency	فرکانس بالا
HP	High Power	قدرت بالا
HPA	High Power Amplifier	تقویت کننده با قدرت بالا
hr,hrs	Hour(S)	ساعت (زمان)
HT	High Tension	ولتاژ بالا
HVAC	High Voltage Alternating Current or Heating,Centilation and Air-Conditioning	
		جریان متناوب با ولتاژ بالا

HZ	Hertz	هرتز
IAF	Iranian Airforce	نیروی هوائی ایران
IAI	Iranian Aircraft Industries	صنایع هواپیما سازی ایران
i/c	Incoming	ورودی
IC	Integrated Circuit	مدارمجتمع
ICMS	IRAN Center for Management Studies	مرکز مطالعات مدیریت ایران
ID	Identifier	شناسائی کردن
IDDS	International Digital Data Service	سرویس بین المللی اطلاعات دیجیتالی
IDF	Intermediate Distribution Frame	فریم تقسیم میانی
IEC	International Electrotechnique Committee	کمیته بین المللی الکتروتکنیك
IEEE	Institute of Electrical and Electronic Engineers	موسسه مهندسین برق والکترونیك
IEI	Iranian Electronic Industries	صنایع الکترونیك ایران
IF	Intermediate Frequency	فرکانس متوسط • بسامد میانه

IFRB International Frequency Registration Board

دفتربین المللی ثبت فرکانس

IG Iranian Gendarmerie ژاندرمری ایران

IGF Iranian Ground Force نیروی زمینی ایـران

IGOI Islamic Government of IRAN دولت اسلامی ایران

IGY International Geophysical Year

سال بین المللی ژئوفیزیـــك

I/M Installation/Maintenance نصب و نگـهداری

IMI Industrial Management Institute موسسه مدیریت صنایع

IMO Iran Meteorological Organization

سازمان هواشناسی ایران

IMCC International Marine Oil Company

شرکت بین المللی دریایی نفت

IN Iranian Navy نیروی دریائی ایران

INEC Iran Nippon Electric Company

شرکت الکترونیکی ایران وژاپن (جهت تولیدات لوازم سیستمهای انتقال تاسیـــس شده)

INRTO IRAN National Radio and Television Organization

سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران

Intelsat International Telecommunications Satellite

ماهواره های مخابراتی بین المللی (اینتلست)

INTS Integrated National Telecommuications System

سیستم مخابرات مجتمع شده یك كشور

In-WATS Inward(to Subscriber)Wide Area Telephone Service

سرویس تلفنی مخصوص برای منطقه ای از مشترکین

I/O Input/Output

ورودی وخروجی

IOS Indian/Ocean Satellite

ماهواره بالای اقیانوس هند

ISC International Switching Center

مـرکز سوئیچینگ بین المللـــی

ISD International Subscriber Dialing

شماره گیری بین المللی مشترك

ISMB Iranian Spectrum Management Board

دفترمدیریت طیف (فرکانس رادیوئی) ایران

ISMBC Iranian Spectrum Management Board Committee

کمیته مدیریت فرکانس ایران

ITA Independent Television Authority

سرپرست تلویزیـــون مستقـــل

ITMC International Transmission Maintenance Center

مرکز امورنگهداری بین المللی سیستم های انتقال

ITT International Telephone and Telegraph Corp

شرکت بین المللی تلفن وتلگراف

ITU	International Telecommunication Union	
	اتحادیه بین المللی ارتباطات راه دور	
K	Katode	کاتد
KBPS	Kilo Bits Per Second	کیلوبیت در ثانیه
KHZ	Kilo hertz(1000 Cycles)	کیلوهرتز (۱۰۰۰ سیکل)
KM	Kilometer	کیلومتر
KVA	Kilo-Volt-Ampere	کیلوولت آمپر
LAMA	Local Automatic Message Accounting	
	صورتحساب اتوماتیک پیغامهای محلی	
LANDSAT	Land Satellite	ماهواره های مطالعه و کشف منابع زمینی
LB	Local battery	باطری محلی
LDMW	Low Density Microwave(120-300 Channels)	
	مایکروویو با ظرفیتهای پائین (کانالهای بین ۱۲۰ تا ۳۰۰)	
LDCS	Long Distance Carrier System	
	سیستم کاریر ارتباطات راه دور	
LED	Light Emitting Diode	دیود منشرکننده نور
LF	Line Finder	پیداکننده خط
LGS	Local Group Selector	سلکتورگروهی معمولی

LOS	Line-of-Sight	انتشارموج دردید مستقیم
LP	Line Printer	چاپ کننده خطی
LRS	Local Route Selector	سلکتورباب معمولی
LSD	Least Significant Digit	

پائین ترین عدد مهم درسیستمهای دیجیتالی

LSI	Large Scale Integrated	مجتمع شده مقیاسهای بزرگ
LW	Long Wave	موج بلند
LXGS	Local Exchange group Selector	سلکتورگروهی مرکز محلی
Mati	Moscow Aviation Technology Institute	

موسسه تکنولوژی هوانوردی مسکو

Math	Mathematics	ریاضیات
Max	Maximume	ماکزیمم
MC	Maintenance Control	کنترل امورنگهداری
MCRL	Military Circuits Requirements List	

لیست مدارهای مورد نیاز ارتش

MCS	Modem Communication System	سیستم مدوم ارتباطات
MDF	Main Distribution Frame	

فریم تقسیم کننده اصلی درمراکزتلفنی (نقطه مشترک مشترکین‌وسالن سوئیچینگ)

MDMW Medium Density Microwave(600 Channels)

مایکروویو با ظرفیت متوسط

MEM Main Memory Unit واحد اصلی حافظه

MF Multi-Frequency(Ormedium Frequency)

فرکانس چند تایی (یا فرکانس متوسط)

MHZ Mega hertz(million Cycles) میگا هرتز (میلیون سیکل)

Mic Microphone میکروفـــون

Min Minimum می نیمم

MIO Military Industrial Organization سازمان صنایع نظامی

MILSTD Military Standard استاندارد نظامی

MO Movement Order د ستورحرکت

Mod Modulation مود ولا سیون

Modem Modulator-Demodulator مد ولا تورـــ د مد ولا تور

Mos Metal Oxidesilicon or Semi-Conductor

اکسید فلز بصورت نیمه هادی

MOT Maintenance,Operations and Training

امورنگهداری ، عملیاتی (اجرائی) و آموزش

MPS Meter Pulse Sender اندازه گیری فرستنده پالس

MSMU Mobile Spectrum Monitoring Unit

دستگاه تنظیم سیارطیفی

MSPO Military Special Projects Office

دفتر مخصوص پروژه های نظامی

MTTR Mean time to repair زمان متوسط تعمیرو عیب یابی

MTU Magnetic Tape unit دستگاه نوارمغناطیسی

MUX Multiplex مالتی پلکس

MW Medium Wave موج متوسط

M/W Microwave مایکروویو

MWD Microwave Dept قسمت مایکروویو - امورمربوط به شبکه های مایکروویو

MX Main Exchange مرکز تلفن اصلی

MX Major Exchange مرکز تلفن مادر

MXGS Main Exchange Group Selector سلکتورگروه مرکز تلفن اصلی

N Negative منفی

NAND Negative and Gate Logic گیت لوژیکی و منفی

NASA National Aeronautics and Space Administration

ناسا ــ سازمان هواوفضائی آمریکاکه بیشتر دررابطه باتکنولوژی فضائی فعالیت می‌کند .

NC No Circuit or Numerical Control

بدون مداریاکنترل عددی (درصنایع توسط برنامه های خاص کامپیوتری یك سری فعل و انفعالات بطوراتوماتیك انجام میگیرد)۰

N/F Noise Figure — عدد مربوط به نویز

NIGC National Iranian Gas Company — شرکت ملی گاز ایران

Nioc National Iranian oil Company

شرکت ملی نفت ایران (وزارت نفت ایران)

NP National Police — پلیس محلی (ملی)

NPA Numbering Plan Area — برنامه شماره گذاری منطقه ای

NPD Network Planning Dept — اداره بافت شبکه

NPL New Programming Language — زبان برنامه نویسی جدید

NPR Noise Power Ratio — نسبت قدرت نویز (همهمه)

NTC Negative Temperature Cofficent

مقاومت با ضریب حرارتی منفی

NTL Normal Talker Level — سطح نرمال مربوط به صحبت کننده

NX Nodal Exchange — مربوط به مرکز تلفن

NXGS Nodal Exchange group Selector

مربوط به سلکتور گروپ مرکز تلفن

OCR Optical Character Reader — کاراکتر خوان نوری

ODD Operator Distance Dialing

شماره گیری از راه دور توسط اپراتور

OEM Original Equipment Manufacturer

ساخت لوازم اصلی (لوازم مادر)

OFF Turn off — خاموش

OFF REP Trunk Offering Repeater — ترانك برای تکرارکننده

OFL Overflow — سرازیر - اضافی

O/g Outgoing — خروجی

OJT On-the-Job Training

آموزش در محل کار، آموزش در مراکز مخابراتی ضمن کار

OKA Sector Tandem Exchange for a Multi Exchange Area

سلکتور مرکز ترانزیت برای چند مرکز تلفن محلی در یك منطقه

OLT On-line Test — On-Line — آزمایش بصورت

O&M Operation and Maintenance

امور مربوط به نگهداری و عملیاتی (اجرائی)

ON Turn on — روشن

OPS Operations — عملیات

Or Orange — نارنجی

OSC Oscillator — نوسان

OSCO	Oil Service Company	شرکتی مربوط به سرویسهای نفتی
OW	Order Wire(or one-way)	ارتباط یك طرفه
P	Positive	مثبت
P	Power	قدرت
PABX	Private Automatic Branch Exchange	مرکز تلفن اتوماتیك داخلی
PAL	Phase Alternate Line(Color TV System in Europe)	خط متناوب فازی (سیستم تلویزیون رنگی در اروپا)
PB	Parity Bit	اطلاعات یا ذره توازن
PBD	Push Button Dialing	شماره گیری ازطریق فشاردادن دکمه (دکمه ای)
PBO	Plan and Budget Organization	سازمان برنامه وبودجه
PBX	Private Branch Exchange	مرکز تلفن داخلی خصوص
PCB	Printed Circuit Board	برد مدار چاپی
PCM	Pulse Coded Modulation	مدولاسیون دیجیتالی (مدولاسیون کدپالس)
PDF	Power Distribution Frame	فریم تقسیم نیرو (تغذیه نیرو)
PERT	Progress Evaluation Research Task (or Review Technique).	ارزیابی برنامه های پیشرفت تحقیقاتی

PIPO	Phase-In Phase-out	هم فاز و غیرهمفاز
PL-1	Program Language #1	زبانهای برنامه‌نویسی علمی‌وتجاری کامپیوتر
PMO	Program Management Organization	سازمان مدیریت برنامه
PN	Part Number	شماره لوازم یدکی (یا شماره قسمتی ازیك سیستم)
PO	Post Office	اداره پست ، حواله پستی
POB	Post Office Box	صندوق پستی
POD	Post Office Department	بخش اداره پست
POSDCORB	Planning,Organizing,Staffing,Directing Coordinating, Reporting and Budgeting	اصول مدیریت : برنامه ریزی ، سازمان دهی ، استخدام ، اداره کردن ، هماهنگ ساختن ، گزارش ، بودجه بندی
PPE	Purchased Products Engineering	مهندسی خرید تولیدات
PPM	Parts Per Million	قسمتی از یك میلیون
PPS	PUlses Per Second	تعداد پالسها در هرثانیه
PS	Project Support	همراهی یاکمك به پروژه های خاص
PTC	Positive Temperature Cofficent	مقاومت با ضریب حرارتی مثبت
PTR	Paper Tape Reader	نوارخوان کاغذی
PTT	Posts, Telegraph and Telephone	پست ، تلگراف و تلفن

PU Pick up — پیکاپ

QA Quality Assurance — بیمه کیفیت (جنس)

QAM Quadrature Amplitude Modulation

نوع مدولاسیون دامنه (بصورت $\frac{1}{4}$)

QC Quality Control — کنترل کیفیت

QTAM Queued Telecommunication Access Method

روش صف بستن برای جهت دسترسی به شبکه مخابرات ویا دسترسی به شبکه مخابرات زنجیره ای

R Red — قرمز

RAM Random Access Memory

حافظه قابل دسترسی بطریقه اتفاقی (حسابگر)

RAMMP Review Analysis of Multiple Projects

مرور و بررسی چند پروژه بایکدیگر

RCAG Radio Communication Air Ground

ارتباطات رادیوئی زمینی و هوائی

RCU Remote Control Unit — دستگاه کنترل سیار (ازنقاط دور)

R&D Research and Development

تحقیق و توسعه (معمولا " درکنارکارخانجات یك چنین تشکیلاتی وجود دارد)

RD Ring Down — زنگ آهسته

RDM	Ring Down Manual	آهسته کردن زنگ بطریقه دستی
RDOS	Real Time Disc Operating System	سیستم عملیاتی دیسك بصورت بلاد رنگ
REG	Register	ثبت کننده
REGO	Originating register	ثبت کننده اصلی (اولیه)
REGTR	Transit Register	ثبت کننده ترانزیت
REP	Relay Repeater	رله تکرارکننده
REPALO	Repair Parts Logistics	لوجیستیك قسمت تعمیرات
RF	Radio Frequency	فرکانس رادیوئی
RFC	Radio Frequency Control	کنترل فرکانس رادیوئی
RFS	Relay Finder Switch	سوئیچ پیداکننده رله
RM	Rack Mounted	قفسه نصب شده
ROM	Read only Memory	حافظه فقط خواندنی
ROS	Real only Storage	انباره فقط خواندنی
RPG	Report Program Generator Language	زبان تولید گزارش برنامه
RPTR	Repeater	تکرارکننده

RRE Receive Reference Equivalent

مراجعه به لوازم دریافت کننده

RS Route Selector, Route Selectio — انتخاب کردن راه

RX Receive(r) — دریافت ، گیرنده

S Shant — موازی

SATCOM Satellite Communication — ارتباطات ماهواره ای

SCO Subscriber Contract Organization

سازمان قرارداد مشترکین

SCPC Single Channel Per Carrier — کانال منفرد رهرکاریر

SECAM French Color Television System

سیستم تلویزیون رنگی فرانسه (اروپائی)

2nd-RW 2nd. Route Selector — سلکتور یاب دوم

2nd.3rd.GS 2nd.3rd. Group selector — سلکتورگروه دوم وسوم

Sel Selector — انتخاب کننده

S-Ge Signal Generator — تولید کننده علائم

SGT Satellite Ground Terminal

ترمینال ایستگاههای زمینی ماهواره ای

SHF Super High Frequency(3000to30,000MHZ)

فرکانسهای خیلی بالا (بین ۳۰۰۰ تا ۳۰/۰۰۰ میگاهرتز)

Si	Silvery	نقره ای
SIO	Social Insurance Organization	سازمان بیمه های اجتماعی
SLC	Selector Channel	انتخاب کننده کانال
SLC	Subscriber Line Circuit	مدار خط مشترک
SMAX	Satellite Multiple Access Communication System	سیستم ارتباطات ، ازطریق دسترسی چند تایی به ماهواره
S/N	Signal to Noise(ratio)	نسبت سیگنال به نویز (همهمه)
SOFRECOM	French Contractor	پیمانکار فرانسوی
SOP	Standard Operating Procedure	روش عملیاتی استاندارد
SOW	Statement of Work	شرح وظائف
SPADE	Single Channel Per Carrier, Pcm Multiple Access Demand	دسترسی چند تایی برحسب تقاضا از طریـــــق PCM
SPC	Stored Program Control	کنترل برنامه ذخیره ای
SP±HP	Speaker	بلندگو
SRC	Science Research Council	شورای پژوهش علمی
SRC	System Routing Center	مرکز سیستم مسیریابی
SRE	Send Reference Equivalent	مراجعه به لوازم فرستنده

STD	Subscriber Trunk Dialing	شماره گیری مشترکین از راه دور (ارتباط تلفنی بین شهری)
STF	Supervisory Testing Frame	فریم نظارت آزمایش
STRAP	Subscriber Trouble Report Analysis Plan	برنامه بررسی گزارش مشکلات مشترکین
SUB	Subscriber	مشترک
SUPV	Supervisory	نظارت
SW	Short Wave	موج کوتاه
SXS	Step-by-Step Switch	سویچ قدم به قدم (سویچ الکترومکانیکی)
T	Terimer	تریمر
T	Terminal	ترمینال و یا تقسیم کننده
TA	Toll Area	منطقه دوردست (راه دور)
TAC	Technical Assistance Center	مرکز کمکهای فنی
TAI	Telecommunications Associates International	مخابرات پیوسته (مشترک) بین المللی
TAM	Television Audience Measurement	سنجش تماشاچیان تلویزیون
TAS	Trunk Exchange Access Set	دستگاه دسترسی به مرکز تلفن

TASI Time Assignment Speech Interpolation

زمان واسطه یابی واگذارشده به صحبت تلفنی

TASO Television Allocations Study Organization

سازمان مطالعاتی مدارهای واگذاری تلویزیون

TBS Talk between Ships(radio)

مخابره بین کشتیها ، سفاین (از طریق رادیو)

TC Toll Center — مرکز ارتباطات راه دور

TCAM Telecommunications Access Method — روش دسترسی به مخابرات

TCI Telecommunication Company of IRAN — شرکت مخابرات ایران

TDF Trunk Distribution Frame — فریم تقسیم کننده ترانك

TDM Time Division Multiplex — مالتی پلکس تقسیم زمانی

TDMA Time Division Multiple Access System

سیستم دسترسی چند تایی ازطریق تقسیم زمانی

TDP Telecommunications Development Program

برنامه توسعه مخابراتی

TDY Temporary Duty — وظیفه یاانجام کاری بطورموقت

TE Transit Exchange:Tandem Exch — مرکز ترانزیت یا عبوری

Telex Private Subscriber TTY Service

سرویس تله تایپ خصوصی مشترکین

Telsam Telephone Service Attitude Measurement

اندازه گیری موقعیت سرویس تلفنی

TFK	Traffic	ترافیك
TG	Telegraph	تلگراف
Tgm	Telegram	تلگراف ، تلگرام
TIMS	Teleprocessing Inventory Management System	

سیستم مدیریت پردازش از راه دور

TIS	Traffic Intensity Scanner	شدت ترافیك
TLF	Top-Load Line Finder	پیداکننده بارخط
TMO	Telegraphic Money Order	حواله تلگرافی پول
TO	Telegraph Office	اداره تلگراف
TP	Telephone	تلفن
TP	Teleprocessing	پردازش ازراه دور
TP	Tone Panel	مدارایجادکننده سیگنال
TPR	TEHRAN Police Radio	رادیو پلیس تهران
Trans	Translator	مترجم
TRAP	Toll Restriction Additional Parts	

مدارافافی جهت محدودکردن مکالمات بین شهری

TRAS	Transit Access set	دستگاه دسترسی به ترانزیت
TRK	Trunk	ترانك
TRKX	Hunk Exchange	ترانك مركز تلفن
TRL	Translator	مترجم
TROPO	Tropospheric Scatter Communications	ارتباطات تروپوسفری مربوط به طبقه ای از جود ر ۱۰ کیلومتری زمین
TSAC	Time Shared Access Computer	زمان دسترسی به کامپیوتر بطور اشتراکی
TSCC	TEHRAN System Communications Control	سیستم کنترل ارتباطات شهرتهران
TSF	TEHRAN Support Facility	امکانات کمك به شهر تهران (از نظر سرویس های مخابراتی)
TSPS	Traffic Service Positions	موقعیتهای سرویس ترافیکی
TSW	Tortiary Switch	سویچ ارتباط دهنده مشترکین
TT	Telegraphic Transfer	انتقال تلگرافی ، مبادله تلگرافی
TTC	Toll Tandem Center	مرکز ترانزیت ارتباطات راه دور
TTL	Transistor Logic	لوجیك ترانزیستور
TTY	Teletypewriter	ماشین تایپ یا چاپ کننده تلکس یا تلگراف تحریری

TUR Traffic Usage Recorder

نوعی دستگاه ضبط ترافیک مخابراتی

TWI Training Within Industry

آموزش حین فعالیت صنعتی

TWT Travelling Wave Tube

لامپ هدایت موج

TX Terminal Exchange

مرکزتلفن فرعی (ترمینال مرکز تلفن)

TX Transmit

ارسال

TXGS Terminal Exchange Group Selector

سلکتور گروه ترمینال مرکز تلفن

U Unit

واحد

UCP Universal Communication Processor

پردازنده ارتباطات جهانی

UHF Ultra High Frequency(300to3000MHZ)

فرکانس‌های بالا بین ۳۰۰ تا ۳۰۰۰ مگاهرتز

UHF-24 Twenty Fourchannel Ultra High Frequency Radio

فرکانس‌رادیوئی ۲۴ کاناله

UN United Nations

سازمان ملل

UNDP United Nations Development Program

برنامه عمران سازمان ملل

UNEF United Nations Emergency Force

نیروی امدادی (اضطراری) سازمان ملل متحد

UNESCO United Nations Educational, Scientific and Cultural Organiztion

سازمان تربیتی ، علمی وفرهنگی ملل متحد (یونسکو)

UNFPA United Nations Fund for Population Activities

صندوق سازمان ملل متحد برای فعالیتهای مردمی

UNIDO United Nations Industrial Development Organisation

سازمان توسعه صنعتی ملل متحد

UNISWEP United Switching Equipment Practice

دستگاههای وابسته به سوئیچینگ جهت تمرین

Univ University;Unversal

دانشگاه ؛ جهانی

UNO-(UN) United Nations Organization (United Nations)

سازمان ملل متحد

UNRISD United Nations Research Institute for Social Development

موسسه پژوهشهای توسعه اجتماعی ملل متحد

UNRRA United Nations Relief and Rehabitation Administration

اداره رفاه واحیای سازمان‌ملل متحد

UPI United Press International

یونایتدپرس بین المللی

UPU Universal Postal Union

اتحادیه عمومی پست (پستی) ، اتحادیه پستی جهانی

USAFE United States Airforce In Europe

نیروی هوائی ایالات متحده آمریکا در اروپا

UT Universal Time زمان جهانی

V Vertical عمودی

V Volt(s);Verb;Very,Village

ولت (ها) ، فعل ، بسیار ، خیلی ، ده ، دهکده ، قصبه

VF Voice Frequency فرکانس صوتی

VFT Voice Frequency Telegraph فرکانس صوتی مربوط به تلگراف

VHF Very High Frequency

فرکانسهای ۳۰ تا ۳۰۰ مگاسیکل در ثانیه ، فرکانس بسیار بالا

VI Violet بنفش

VID Pad Which Can be Switched into Circuit

پد که می‌تواند به مدار سوئیچ شود

VIF Permanent Pad پد دائمی

VIg Pad for Hybrid Circuit پد برای مدارهای پیوندی (چند تایی)

VIL-COM Telecommunictions Project for Villages over 1000 Population

پروژه های مخابراتی برای روستاهائی که بیش از ۱۰۰۰ نفر جمعیت دارند .

VMOW Vice Minister of War معاون وزیر جنگ

VOL Volume حجم

VOM Volt Ohm Meter

دستگاه اندازه گیری مقاومت وولتاژ برحسب اهم وولت

VOX Voice صوت

VSDM Variable Slope Delta Modulation

تغییرات مدولاسیون دلتا

VTS Voice Transmission System

سیستم انتقال صوتی سرویسهای صوتی

VIVM Vacum Tube Volt Meter ولت متر لامپ خلاء (لامپ الکترونی)

VU Volume Unit (PowerLevel Indbm)

دستگاه (یاواحد) حجم صوتی سیستمهای برحسب dbm

W White سفید

WATS Wide Area Telephone Service سرویس تلفنی یك منطقه وسیع

WL Wave Length طول موج

XBAR Crossbar switching System سیستم سوئیچینگ کراس بار

XCON Cross-Connection اتصال ضربدری ، مدار اتصال متقاطع

XP Crosspoint

نقطه اتصال متقاطع (یك دستگاه سوئیچ نیمه الکترونیکی است)

XP-100 Type of Switching

یك نوع سوئیچینگ محلی کوچك نیمه الکترونیك

XP-1000 Type of Switching

یك نوع سوئیچ نیمه الکترونیکی موجود در ایران

XPT Cross-Point Switch (also,CXP)

سویچ کراس پوینت (نقطه تقاطع)

Y Yellow

زرد

YAGI Directional Antenna System Array

ترتیب سیستم آنتن جهت دار

ZD Zero Defects

خطرات د رحد صفر

سمبولهـــای سرویسهای مخابراتـــی

AL Aeronautical radionavigation land station.

مرکز مخابراتی ثابت برای هدایت هواپیماها

AM Aeronautical radionavigation mobile station.

مرکز مخابراتی مبایل برای هدایت هواپیماها

AT Amateur station مرکز مخابرات آماتـــوری

AX Aeronautical fixed station مرکز مخابرات هواپیمائی

BC Broadcasting station,sound مرکز پخش رادیو

BT Broadcasting station,television مرکز پخش تلویزیون

C Continuous operation during hours shown

کار دائمی در مدت زمان مشخص شده

CA Cargo ship کشتی باری

CP Station open to public correspondence

مرکز مخابرات امور عمومی

CO Station open to official correspondence exclusively

مرکز مخابرات امور دولتی

CR Station open to limited public correspondence.

مرکز مخابراتی که تا حدی برای عموم باشد .

CV Station open exclusively to correspondence of a private.

مرکز مخابرات برای کارهای شخصی یك شرکت

D30° Directive antenna having maximum radiation in direction of 30° (expressed in degrees from True North, from 0 to 360 clockwise).

آنتن جهتی که جهت اصلی پخش آن درزاویه ۳۰ درجه باشد . این درجات طوری انتخاب شده اند که شمال صفر، جنوب ۱۸۰، مشرق ۹۰ ومغرب ۲۷۰ درجه باشد .

DR Directive antenna provided with a reflector.

آنتن جهتی مجهز به منعکس کننده (رفلکتور)

EA Space station in the arnateur-satellite service.

ایستگاه مخابراتی آماتوری از طریق ماهواره

EB Space station in the broadcasting-satellite service.

ایستگاه مخابراتی رادیوئی ازطریق ماهواره

EC Space station in the fixed-satellite service.

ایستگاه مخابراتی ثابت از طریق ماهواره ها

ED Space telecommand space station.

ایستگاه مخابراتی برای هدایت ماهواره ها

EG Space station in the maritime mobile-satellite service.

ایستگاه مخابراتی مبایل دریائی از طریق ماهواره

EH Space research space station

ایستگاه مخابراتی برای تحقیقات فضائی

EK Space tracking space station

ایستگاه مخابرای برای ردیابی ماهواره ها

EM Meteorological-satellite space station.

ایستگاه مخابراتی هواشناسی از طریق ماهواره

EN Radionavigation-satellite space station.

ایستگاه مخابراتی هواپیمائی از طریق ماهواره

ER Space telemetering space station.

ایستگاه مخابراتی فضائی برای اندازه گیری از دور

EV Space station in the broadcasting-satellite service (television).

ایستگاه مخابراتی رادیوئی یاتلویزیونی از طریق ماهواره

EX Experimental station

مرکزمخابراتی آزمایشی

FA Aeronautical station

مرکز مخابراتی زمینی (که معمولاً باماهواره ها تماس دارد)

FB Base station

مرکز مخابراتی ثابت زمینی (که معمولاً بامراکز متحرک تماس دارد)

FC Coast station

مرکز مخابراتی ساحل

FL Land station

مرکزمخابراتی ثابت که بامراکز متحرک تماس دارد

FP port station

مرکز مخابراتی برای سرویسهای بندری

FR	Receiving station only, connected with the general network of telecommunication channels.	مرکز گیرنده ای که با شبکه مخابراتی عمومی تماس دارد
FS	land station established solelyfor the safety of life.	مرکز مخابراتی ثابت که فقط برای ایمنی مردم باشد .
FX	Fixed station	مرکز مخابراتی ثابت
GMt	Greenwich Mean Time	وقت گرینویچ
GS	Station on board a warship or a military of naval aircraft.	مرکز مخابراتی در داخل یک کشتی و یا هواپیمای جنگی
H	Scheduled operation	مرکز مخابراتی با یک برنامه مشخص کاری
H8	8-hour service provided by a ship station of the third category	مرکز مخابراتی دریائی گروه سوم با ۸ ساعت کار روزانه
H16	16-hour service provided by a ship station of the second category	مرکز مخابرات دریائی گروه دوم با ۱۶ ساعت کار روزانه
H24	Continuous throughout the twenty-four hours	مرکز مخابرات شبانه روزی با استراحت بین ساعات روز
HJ	Dav service	روزکار
HN	Night service	شب کار
HT	Transition period service	کار در مواقع طلوع و غروب آفتاب

HX Intermittent throughout the twenty-four hours, or station having no specific working hours.

مرکز مخابرات بدون برنامه مشخص

I Intermittent operation during the time indicated

سرویس مخابراتی با استراحت های مشخص شده

LR Radiolocation land station مرکزمخابرات ثابت بدون وظیفه هدایتی

MA Aircraft station مرکز مخابرات هوائی

ME Space station مرکز مخابرات فضائی

ML Land mobile station مرکز مخابرات متحرک مربوط به زمین

MO Mobile station مرکز مخابرات متحرک

MR Radiolocation mobile station

مرکز مخابرات متحرک بدون وظیفه هدایت

MS Ship station مرکز مخابرات دریائی

ND Non-directional antenna آنتن همه جهتی

NL Maritime radionavigation land station

مرکزمخابراتی ثابت درخشکی برای سرویس هدایت کشتی ها

OD Oceanographic data station

مرکز مخابراتی برای انتقال اطلاعات و اعداد جغرافیائی اقیانوسها

OE Oceanographic data interrogating station.

مرکز مخابراتی که اعداد واطلاعات (طبق سطر بالا) بآنجافرستاده میشود .

OT Station open exclusively to operational traffic of the service concerned.

مرکز مخابراتی برای امور داخلی اداری ES و OS میباشد .

PA passenger ship کشتی مسافربری

RA Radio astronomy station مرکز مخابرات رادیوئی ستاره شناسی

RC Non-directional radiobeacon شبکه رادیو بکن باآنتن همه جهتی

RD Directional radiobeacon شبکه رادیو بکن جهتی

RG Radio direction-finding station رادیوبکن برای جهت یابی

RM Maritime radionavigation mobile station

مرکزمخابراتی مبایل مربوط به سرویس هدایت رادیوئی کشتی ها

RT Revolving radiobeacon رادیو بکن با آنتن جهتی چرخشی

SM Meteorological aids station

مرکز مخابراتی برای کمك به سرویس هواشناسی

SS Standard frequency station مرکزمخابراتی بافرکانس استاندارد

TA Space operation earth station in the amateur-satellite service.

مرکز مخابرات آماتوری روی زمین از طریق ماهواره

TC Earth station in the fixed-satellite service

مرکز مخابرات ثابت ازطریق ماهواره

TD Space telecommand earth station

مرکز مخابرات ثابت روی زمین برای هدایت سفینه های فضائی

TE Transmitting earth station مرکز فرستنده زمینی

TF Fixed earth station in the radiodetermination-satellite service.

مرکز مخابراتی زمینی ثابت

TG Mobile earth station in the maritime mobile-satellite service

مرکز مخابراتی زمینی مبایل مربوط به سرویس رادیائی ، که فضائی متحرک باشد .

TH Earth station in the space research service

مرکز مخابرات زمینی جهت تحقیقات فضائی

TI Earth station in the maritime mobile-satellite service at a specified fixed point

مرکزمخابراتی زمینی مبایل دریك نقطه مشخص مربوط به سرویس رادیائی ، که فضائی متحرك باشد .

TK Space tracking earth station

مرکز مخابرات زمینی برای دنبال کردن مدارات فضائی

TL Mobile earth station in the radiodetermination-satellite service

مرکزمخابرات مبایل زمینی سرویس رادیابی ازطریق ماهواره ها

TM Earth station in the meteorological-satellite service

مرکز مخابرات زمینی مربوط به سرویس هواشناسی ازطریق ماهواره

TN Earth station in the radionavigation-satellite service

مرکزمخابرات زمینی سرویس هدایت هوائی ازطریق ماهواره

TP Receiving earth station مرکز گیرنده زمینی

TR Space telemetering earth station

مرکز مخابرات زمینی برای اندازه گیریهای فضائی

TS Television, sound channel کانال صدای تلویزیون

TT Earth station in the space operation service

مرکز مخابرات زمینی برای هدایت سفینه های فضائی ازدور

TV Television, vision channel

کانال تلویزیون (کانال تصویر)

T.M.G. Time Mean Greenwich وقت گرینویچ

علائم و سمبولهای عمومی

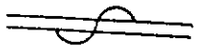
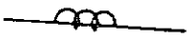
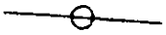
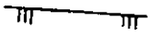
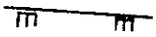
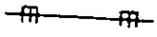
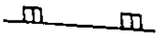
معادل فارسی	مفهوم سمبول	سمبول
مثبت یا بعلاوه	positive or plus	+
منفی یا منها	negative or minus	-
هایفن	hyphen	-
	dash	—
مثبت یا منفی	plus or minus	±
ضرب	multiply	X
تقسیم	divide, as in $\frac{a}{b}$ or a/b	_ or /
مساوی	equals	=
مساوی نبودن	is not equal to	≠ or ≠
بزرگتر از	is greater than	>
خیلی بزرگتر از	is much greater than	≫
کمتر از	is less than	<
خیلی کمتر از	is much less than	≪
بزرگتر یا مساوی با	is greater than or equal to	≥ or ≥
کمتر یا مساوی با	is less than or equal to	≤ or ≤
بزرگتر نیست از	is not greater than	≯
کوچکتر نیست از	is not less than	≮
تقریباً مساوی است با	is approximately equal to	≈
یکسان	is identical to	≡
معادل یا مشابه	is equivalent to or similar to	~
تقریباً مساوی	is congruent to	≅
بنابراین	therefore	∴

معادل فارسی	مفهوم سمبول	سمبول
بی نهایت	infinity	∞
زاویه	angle	$\angle$
زاویه قائمه	right angle	$\llcorner$
عمودی	perpendicular	$\perp$
موازی	Parallel	$\parallel$
موازی نیست	is not parallel	$\nparallel$
دایره	circle	$\circ$
کمان یا دایره	arc or circle	$\frown$
مثلث	triangle	$\triangle$
مربع	square	$\square$
مستطیل	rectangle	$\square$
ریشه دوم ، جذر	square root	$\sqrt{\ }$ or $\surd$
پرانتز	parentheses	$()$
کروشه ، آکولاد	brackets	$[\,]$ or $<\,>$
جمع جبری	sum	Σ
حاصل	product	Π
ماتریکس	matrix;as in $\begin{pmatrix} ab \\ cd \end{pmatrix}$	$(\ )$
دلتا	increment	Δ
انتگرال	integral	$\int$
درصد	percent	%
درجه	degree(plane angle)	$^\circ$

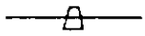
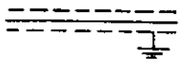
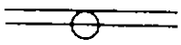
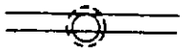
معادل فارسی	مفهوم سمبول	سمبول
شتاب	acceleration	a
خازن	capacitance	C
غلظت	density	d
ولتاژ	voltage	E
نیرو	force	F
جاذبه	gravity	g
ضریب هدایت	conductance	G
جریان	current	I
طول ، مسیر	length,displacement	l
ضریب القائی	inductance	L
وزن	mass	m
قدرت	power	p
مقاومت	resistance	R
زمان	time	t
سرعت	velocity	v
امپدانس	impedance	z

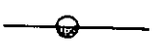
جدول علائم قراردادی برق و الکترونیک و ارتباطات

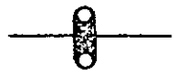
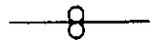
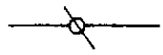
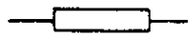
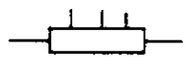
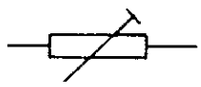
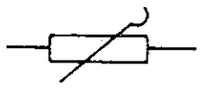
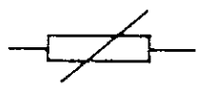
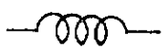
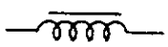
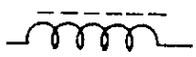
شرح	علامت اختصاری	علامت اتصالی
جریان مستقیم (کنتینو)	DC	⎓
جریان متناوب (آلترناتیو) یک فاز	AC	∿ 50 Hz
جریان متناوب سه فاز با فرکانس ۵۰ هرتس	—	3∿ 50 Hz
جریان متناوب سه فاز با سیم نول (صفر) فرکانس ۵۰ سیکل	—	$3/_{MP}$∿ 50 Hz
جریان متناوب و مستقیم توأم	—	⎓
جریان متناوب با فرکانس صوتی	—	≈
جریان متناوب با فرکانس زیاد	—	≋
کیلو سیکل (۱۰۰۰ هرتس)	—	KHz
مگاسیکل (یک میلیون هرتس)	—	MHz
کیلو اهم (هزار اهم)	—	KΩ
مگا اهم (یک میلیون اهم)	—	MΩ
میکرو فاراد	—	M F

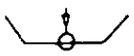
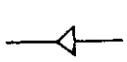
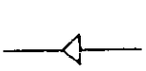
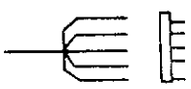
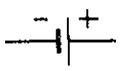
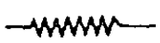
شـــــرح	علامت اختصاری	علامت اتصالی
سیم تلفـــــــن	—	
سیمهای رادیوئی	—	
سیمهای جابجا شده در هوا	—	
" "	—	
سیم اندوکتیو	—	
عبور دو سیم در روی یکدیگر بدون اتصال	—	
عبور سیمها در روی یکدیگر بدون اتصال	—	
عبور سیمها از روی یکدیگر با اتصالی به یکدیگر بطور غیرقابل اتصال	—	
اتصال سیمها بطور قابل انفصال	—	
پایه سیمهای هوائی بطور معمولی	—	
سیم کشی آزاد در هوا	—	
سیم کشی روی کار	—	
سیم کشی در کار	—	
سیم کشی زیر کار	—	

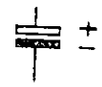
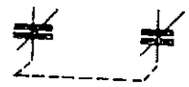
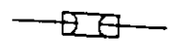
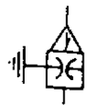
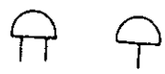
شـــــــرح	علامت اختصاری	علامت اتصالی
میکرو میکرو فاراد =پیکو فاراد = 10^{-12} فاراد	—	MMF = PF
نانوفاراد = 10^{-9} فاراد	—	nF
ولت متر لامپی	—	VTVM
وصل ـ قطـــع	—	ON — OFF
کابل کشی روی زمین	—	(K)
دو سیم با نام و مقطع ۱/۵ میلیمتر مربع از مس	—	NYA CU 1.5
سه فاز با سیم نول به مقطع ۶ میلیمتر مربع در لوله زیر کار	—	~380/220 Cu 6
سیم قابل انحناء	—	
تعداد سه سیم در مدار قرار دارد	—	
سیمهای قابل حرکت	—	
سیمهای زیر زمینی ـ کابل زیر زمینی	—	
کابل با روپوش فلزی	—	
سیمهای محافظ ـ اتصال زمین	—	
سیم خبر ـ سیم علامت	—	

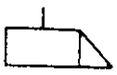
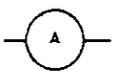
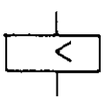
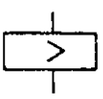
شـــــــرح	علامت اختصاری	علامت اتصالی
سیم کشی روی مقره	—	
سیم کشی داخل لوله	—	
سیم کشی در محل خشک	—	
سیم کشی در محل مرطوب	—	
سیم با روکش فلزی و اتصال زمین	—	
سیم کواکسیال معمولی	—	
سیم کواکسیال با روپوش زرهی	—	
سیم کشی در آب	—	
آنتن	A	
آنتن	—	
آنتن کادری شکل	—	
آنتن دی پل برای تلویزیون	—	
آنتن فرستنده	—	
آنتن فرستنده	—	

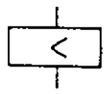
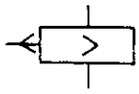
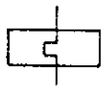
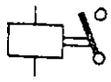
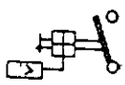
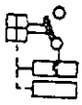
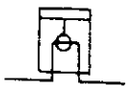
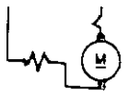
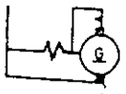
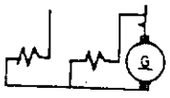
شـــــــرح	علامت اختصاری	علامت اتصالی
آنتن جهت دار	—	
جسم عایق	—	
قاب برای دستگاه ها	—	
سیمهائی که از طبقه بالا و پائین می آیند یا از پائین به بالا می روند	—	
جریان به طرف بالا هدایت شده	—	
جریان از بالا به پائین هدایت شده	—	
سیمهائی که از طبقه پائین به بالا می روند	—	
جریان بطرف پائین هدایت شده	—	
تغذیه از طرف پائین به بالا می باشد .	—	
سیم هائیکه از طرف پائین به طرف بالا کشیده می شوند .	—	
سیم روی پایه چوبی	—	
سیم روی پایه فولادی	—	
سیم روی پایه فولادی شبکه ای	—	
سیم روی پایه بتون آرمه	—	

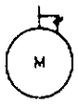
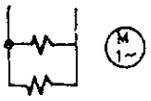
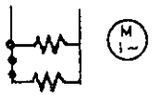
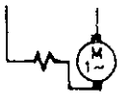
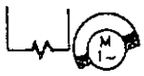
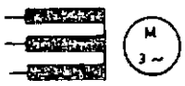
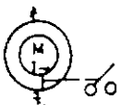
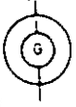
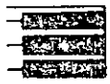
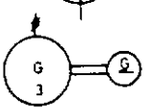
شـــــرح	علامت اختصاری	علامت اتصالی
تیر بتونی با پایه (کف) بتون	—	
تیر شبکه ای شکل	—	
پایه های دوبل	—	
پایه ای که سیمها در روی آن جابجا شده است	—	
مقاومت اهمی خالص	R	
مقاومت اهمی با اتصالات میانه	—	
مقاومت اهمی قابل تنظیم	—	
مقاومت اهمی قابل تنظیم به طور طبقه ای	—	
مقاومت اهمی که تدریجاً تغییر کند	—	
سیم پیچی بطور کلی	L	
مقاومت اندوکتیو خالص (سلفی)	—	
سیم پیچی با هسته آهنی	—	
سیم پیچی با هسته گرافیتی	—	
خازن معمولی	C	

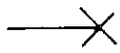
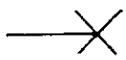
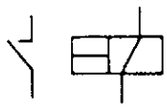
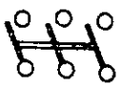
شـــــرح	علامت اختصاری	علامت اتصالی
خازن الکترولیتـــــی	—	
خازن الکترو لیتـــــی	—	
پایه برای شبکه محلی	—	
پایه برای اتصال برق به منازل	—	
پایه با نگاهدارنده کشش	—	
پایه با نگاهدارنده فشاری	—	
تقسیم کننده جریان برق و تابلو تقسیم		
تقسیم کننده جریان برق		
سیم متصل به زمین	MP	
سیم متصل به بدنه فلزی ـ شاسی	—	
باطری ۶ ولتی	B	
باطریها بطور سری	B	
مقاومت اهمی	R	

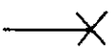
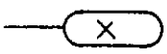
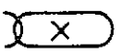
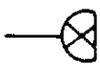
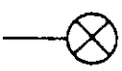
شـــــرح	علامت اختصاری	علامت اتصالی
خازن الکترولیتی	—	
خازن متغیر (واریابل)	—	
خازن متغیر د و طبقه با یك صفحه مشترك	—	
د و خازن متغیر د ر روی یك محور	—	
خازن تریمر برای تنظیم بوبین موج	—	
خازن فشار زیاد	—	
فیوز معمولی		
فیوز لوله ای ظریف	—	
فیوز اختلاف سطح	—	
هد ایت کننده فشار اضافی برق گیر (فیوز اختلاف سطح زیاد)	—	
محل جرقه	—	
فیوز فشار قوی	—	
زنگ اخبار	—	

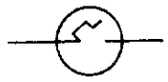
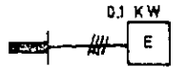
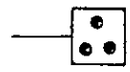
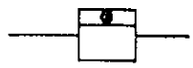
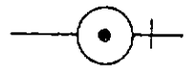
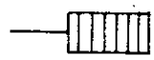
شـــــــرح	علامت اختصاری	علامت اتصالی
در بازکن	—	
زنگ اخبار متناوب	—	
بوق الکتریکی ـ وسیله خبر	—	
واتمتـــــر		
کنتور اندازه گیر در مدت زمان		
کسینوس فی متر (ضریب قدرت سنج)		
فرکانس متر		
آمپر ولت سنج	—	
آمپر متـــــر		
ولتمتـــــر		
اهم متـــــر	—	
رله قطع کننده در مقابل جریان نقصانی		
رله قطع کننده در مقابل اختلاف سطح اضافی		

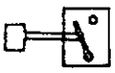
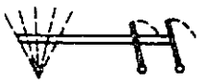
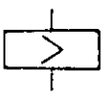
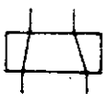
شـــــــرح	علامت اختصاری	علامت اتصالی
رله قطع کننده در مقابل اختلاف سطح نقصانی		
رله قطع کننده در مقابل		
رله قطع کننده حرارتی در مقابل جریان اضافی		
کلید شستی (فشاری)		
کلید قفل شونده به وسیله دست	—	
محافظ ـ یك پل	—	
کلید قفل شونده یك پل با قطع کننده در مقابل ولت اضافی		
کلید زمانی	—	
کلید قفل‌شونده یك پل با قطع کننده در مقابل جریان اضافی بوسیله حرارت و مغناطیس		
کنتر اندازه گیر جریان در مدت زمان		
موتور جریان مستقیم سری با قطب کمکی		
ژنراتور جریان مستقیم موازی با قطب کمکی		
ژنراتور جریان مستقیم کپوند ها قطب کمکی		

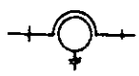
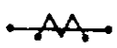
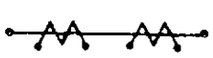
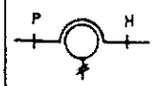
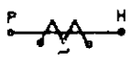
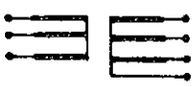
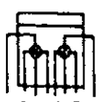
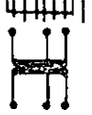
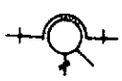
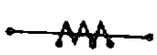
شـــــــرح	علامت اختصاری	علامت اتصالی
موتور یك فازبا رتور قفسی و سیم پیچی		
موتور یك فاز با رتور قفسی و سیم پیچی کمکی و کلید مخصوص راه انداز		
موتور متناوب یك فاز کلکتور دار سری		
موتور یك فاز ریولزیون		
ژنراتور جریان مستقیم با تحریك خارجی		
موتور سه فاز با رتور قفس		
موتور سه فاز با رتور سیم پیچی دارو مقاومت پیش گذار		
ژنراتور سه فاز ستاره با سیم نول		
مولد جریان سه فاز با تحریك کننده روی یك محور		
پریز دوپـــــل	—	
کلید و پریز با هم	—	
پریز تلفن	—	
دو شاخـه	—	

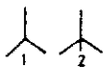
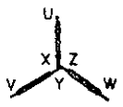
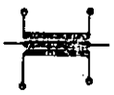
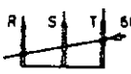
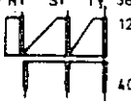
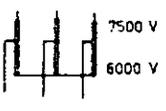
شـــــــرح	علامت اختصاری	علامت اتصالی
دوشاخه با کنتاکت محافظ	—	
چراغ (بطور کلی)	—	
مجموعه‌ای از لامپ با ذکر تعداد و قدرت	—	
چراغ با کلید	—	
نمراتور	—	
میکروفون	—	
گوشـــی	—	
میکروفون خازنی	—	
کلید قطع کننده بطور عمومی	—	
کلید تبدیل	—	
کلید دوپل که با دست قطع و وصل می شود		
کلید سه شاخه سه فاز		
حرکت دستگاه با نیروی برق انجام می شود		

شـــــرح	علامت اختصاری	علامت اتصالی
حرکت دستگاه با دست انجام می شود	—	
کلید بطور خود کار در جهت تیره حرکت می کند	—	
کلید که بعد از کار خودش قطع می کند	—	
کلید اتوماتیك که بعد از زمان معین قطع می شود	—	
محافظ الکترومکانیکی	—	
فیوز قطع کننده فشار زیاد	—	
	—	
کلید سه قطبی.		
لامپ روشنائی متغیر	—	
لامپ فلورسنت ـ لامپ نئون	—	
لامپ فلورسنت با گرم کننده	—	
نور افکـــــن	—	
یك گروه لامپ با ذکر تعداد	—	

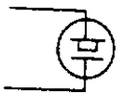
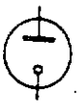
شـــــرح	علامت اختصاری	علامت اتصالی
استارتر لامپ فلورسنت	—	
دستگاه الکتریکی سه فاز با دو شاخه	—	
اجاق برقـــی	—	
یخچـــال	—	
آب گرم کن	—	
بخـــاری	—	
کلید قطع فشار زیاد	—	
کلید تبدیل قطع فشار	—	
قطع نیرو	—	
کلید قطع نیرو	—	
کلید روغنی قطع نیـــرو	—	
کلید قطع نیرو با روغن کم	—	
کلید قطع نیرو غیر روغنی	—	

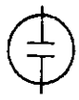
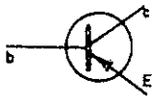
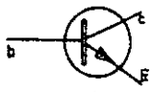
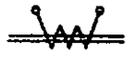
شـــــــرح	علامت اختصاری	علامت اتصالی
تیغه قطع کننده فشار زیاد	—	
کلید سه فاز قطع نیرو با قطع کننده فشار هوا	—	
کلید دو شاخه ه حالتی	—	
رله قطع کننده در مقابل جریان اضافی	—	
رله بوبین محافظ با دو سیم پیچ مخالف	—	
اندازه گیر با سیستم القائی	—	
اندازه گیر با سیستم القائی با دو سیم پیچی	—	
اندازه گیر با سیستم حرارتی	—	
اندازه گیر با سیستم الکترو استاتیکی	—	
اندازه گیر جریان متناوب و مستقیم با یکسو کننده خشک	—	
جریان متناوب و جریان مستقیم	—	
دستگاه اندازه گیر بطور عمودی	—	
دستگاه اندازه گیر بطور افقی	—	

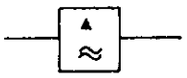
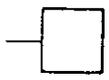
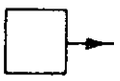
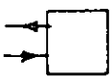
شـــــــرح	علامت اختصاری	علامت اتصالی
دستگاه اندازه گیر بطور مایل	—	
ولتاژ آزمایشی دستگاههای اندازه گیری	—	
ولتاژ آزمایشی برای ۲۰۰۰ ولت	—	
کلید ستاره مثلث	—	
رله ای که با جریان نور قطع و وصل می شود	—	
مبدل جدید		
مبدل جریان با دو سیم پیچی		
» » » » » »		
مبدل اختلاف سطح یك فاز		
مبدل اختلاف سطح سه فاز ستاره		
کنتر سه فاز با دو واتمتر		
مبدل اختلاف سطح یك فاز با سرهای مختلف		
مبدل جریان با دو سیم پیچی و سرهای مختلف		

شـــــــرح	علامت اختصاری	علامت اتصالی
۱ـ اتصال ستاره ای (در موتورها یا ترانسفورماتورها) ۲ـ اتصال ستاره با سیم نول		
اتصال مثلث		
ترانسفورماتور با دو سیم پیچی مجزا		
اتو ترانسفورماتور ـ ترانسفورماتور با یک سیم پیچی		
ترانسفورماتور با سه سیم پیچی مجزا		
اتو ترانسفورماتور قابل تنظیم		
ترانسفورماتور سه فاز ستاره قابل تنظیم		
ترانسفورماتور سه فاز با اتصال ستاره ستاره		
ترانسفورماتور سه فاز با اتصال مثلث ستاره		
ترانسفورماتور سه فاز با سرهای مختلف		
مولد برق جریان کنتینو		
مولد برق جریان الترناتیو یک فاز		
مولد برق جریان سه فاز		

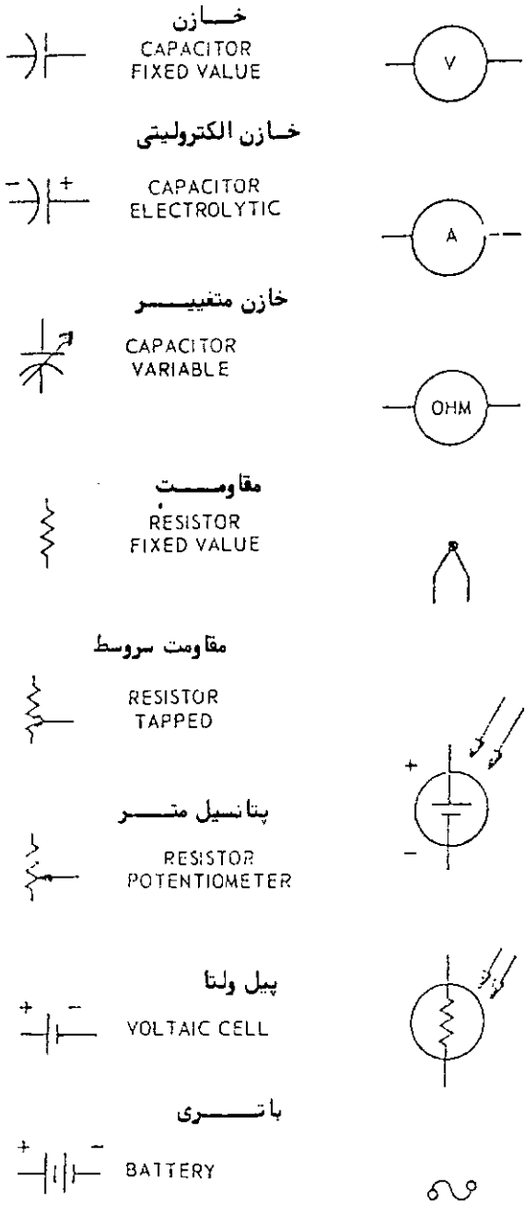
شـــــــرح	علامت اختصاری	علامت اتصالی
موتور یك فـــــاز	M 1~	
موتور سه فـــاز	M 3~	
مبدل - موتور سه فاز و ژنراتور جریان مستقیم	M 3~ G	M 3~ G
مبدل یك رتوری	3~	3~
موتور دو فاز با رتور حلقه دار سه فاز	M 2~	M 2~
موتور سه فاز باتغییرقطب ۲جفت - ۳ جفت	M3 P=2	M 3~ P=2 P=3
کلید یك پـــل		
کلید قطع کننده دو پل		
کلید اتصال گروه		
کلید اتصال سری		
کلید تبدیل راه		
کلید صلیبی		
پریز ساده	—	
پریز با کنتاکت محافظ	—	

شـــــرح	علامت اختصاری	علامت اتصالی
بلند گو دو سیم	—	
بلند گو چهار سیم	—	
کریستال پیزو الکتریك	—	
یکسو کننده خشك	—	
یکسو کننده جریان ـ لامپ با بخار جیوه	—	
لامپ دیدیك صفحه ای بدون کاتد	—	
لامپ دید یك صفحه ای با کاتد	—	
لامپ دوپل دید	—	
لامپ تـرید	—	
لامپ تترد	—	
لامپ پنتد	—	
لامپ تترد گازدار	—	
لامپ دید گازدار	—	

شـــــــرح	علامت اختصاری	علامت اتصالی
لامپ نئون	—	
ترانزیستور نوع P-N-P	—	
ترانزیستور نوع N-P-N	—	
لامپ فتوسل	—	
اندازه‌گیرها با آهن‌ربای دائمی و قاب متحرک	—	
اندازه گیر با آهن ربای دائم و قاب متحرک صلیبی	—	
اندازه گیر با سیم پیچ ثابت و آهن متحرک	—	
اندازه گیر با سیم پیچ ثابت دو طرف و آهن متحرک	—	
اندازه گیر الکترودینامیکی با آهن مسدود	—	
اندازه گیر الکترودینامیک باسیم پیچی صلیبی	—	
اندازه گیر الکترودینامیکی	—	
مساد ر ساعت	—	
ساعت الکتریکی	—	

شـــــــرح	علامت اختصاری	علامت اتصالی
تقویت کننده صوت	—	
گیرنده رادیو	—	
فرستنده رادیوئی	—	
گیرنده و فرستنده رادیوئی	—	

علائم ومشخصه های الکترونیکی

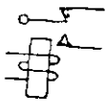


جک میکروفون



JACK, PHONO

رله دواتصاله



RELAY,
DOUBLE CONTACT

کریستال



CRYST

پیک کاپ



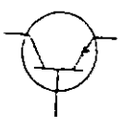
PHONO PICKUP

میکروفون



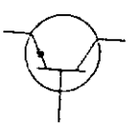
MICROPHONE

ترانزیستورنوع



TRANSISTOR,
PNP

ترانزیستورنوع



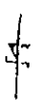
TRANSISTOR
NPN

سیلکون کنترل رکتی فایر



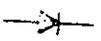
SCR
SILICON
CONTROLLED
RECTIFIER

دیود زینر



ZENER DIODE

دیودنیمه هادی



DIODE,
SEMICONDUCTOR

اتصال زمین واقعی



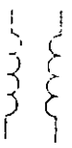
GROUND,
EARTH

اتصال بدنه



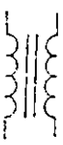
GROUND,
CHASSIS

ترانسفورماتورباهسته‌هوا



TRANSFORMER
AIR CORE

ترانسفورماتورباهسته‌آهنی



TRANSFORMER
IRON CORE

سیم‌پیچ‌یاچوک باهسته‌هوا



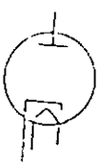
COIL, CHOKE
AIR CORE

سیم‌پیچ چوک باهسته‌آهنی

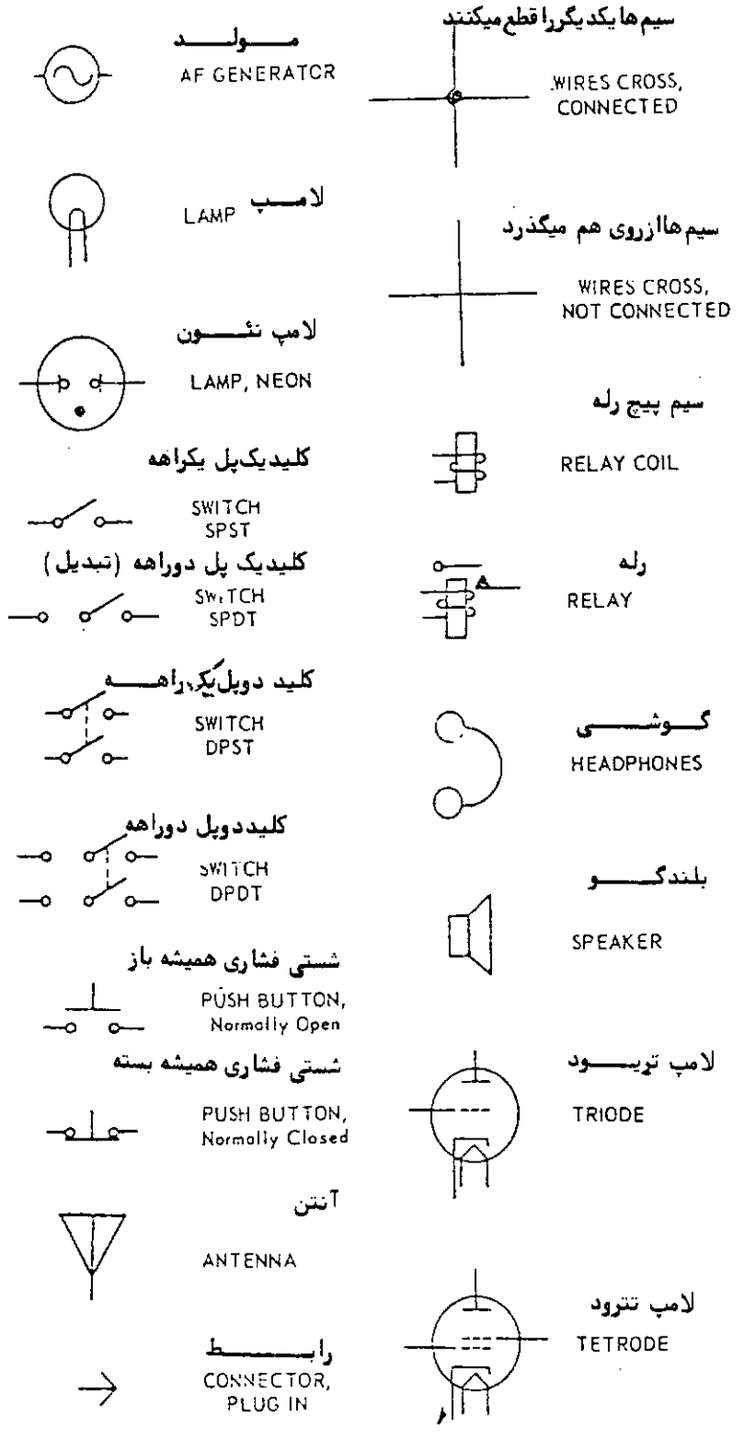


COIL, CHOKE
IRON CORE

دیودلامپ خلاء



DIODE,
VACUUM TUBE


سیم ها یکدیگررا قطع میکنند
WIRES CROSS, CONNECTED
سیم هاازروی هم میگذرد
WIRES CROSS, NOT CONNECTED
سیم پیچ رله
RELAY COIL
رله
RELAY
گوشی
HEADPHONES
بلندگو
SPEAKER
لامپ تریود
TRIODE
لامپ تترود
TETRODE
مولد
AF GENERATOR
لامپ
LAMP
لامپ نئون
LAMP, NEON
کلیدیک‌پل یکراهه
SWITCH SPST
کلیدیک پل دوراهه (تبدیل)
SWITCH SPDT
کلید دوپل‌یک‌راهه
SWITCH DPST
کلیددوپل دوراهه
SWITCH DPDT
شستی فشاری همیشه باز
PUSH BUTTON, Normally Open
شستی فشاری همیشه بسته
PUSH BUTTON, Normally Closed
آنتن
ANTENNA
رابط
CONNECTOR, PLUG IN

رابـــــــط
CONNECTOR, RECEPTACLE

ترمینـــــــال
TERMINAL, BINDING POST

لامپ پنتود
PENTODE

CR SEMICONDUCTOR DIODE
دیود نیمه هادی

BT SOLAR CELL PHOTOVOLTAIC TRANSDUCER
پیل خورشیدی

CR CAPACITIVE DIODE, VARAC
ورکتور (دیودخازنی)

LS SPEAKER
بلندگو

CR LED PHOTOEMISSIVE TYPE LIGHT EMITTING DIODE
دیودمنتشرکننده نور

MK MICROPHONE
میکروفون

VR ZENER DIODE, VOLTAGE REGULATOR
دیودزینر (تنظیم‌کننده‌ولتاژ)

HT HEADSET DOUBLE HEADSET SINGLE
گوشی

CR DIAC BIDIRECTIONAL SWITCH
دایاک (کلیددوراهه‌نیمه‌هادی)

DS LAMP INDICATING LAMP PILOT LAMP INDICATION LIGHT
لامپ شاهد

Q PNP TRANSISTOR
ترانزیستور PNP

M METER
دستگاه اندازه‌گیری

Q NPN TRANSISTOR
ترانزیستور NPN

AR AMPLIFIER
تقویت کننده

Q UJT UNIJUNCTION TRANSISTOR
یونی‌جانکشن ترانزیستور

CR BRIDGE-TYPE RECTIFIER
یکسوسازنوع‌پل

Q FET N TYPE FIELD EFFECT TRANSISTOR
ترانزیستورمیدانی

Q MOSFET N TYPE SINGLE GATE INSULATED-GATE DEPLETION TYPE
ترانزیستورمیدانی‌باگیت MOSFET عایق نوع‌افزاینده

AND GATE
ورودی اند (مدار اند)

Q MOSFET N TYPE DUAL GATE INSULATED GATE DEPLETION TYPE
ترانزیستورمیدانی‌ترا‌کم‌نوع N با دو گیت عایق

NAND GATE
ورودی ناند (مدارناند)

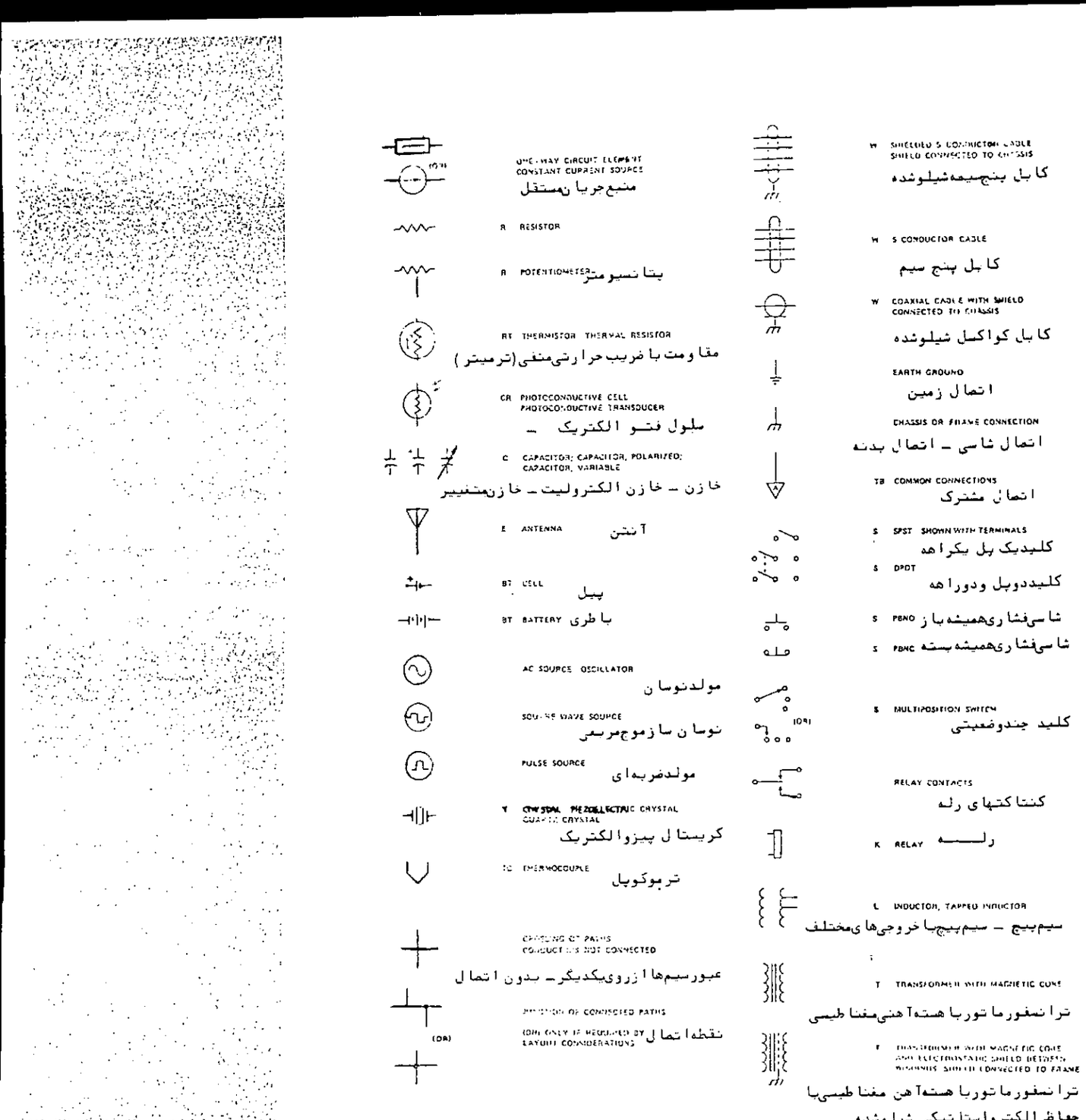
Q PUT PROGRAMMABLE UNIJUNCTION TRANSISTOR
ترانزیستورکلرل‌سلیکون کنترل

NOR GATE
ورودی نور (مدارنور)

Q SCR SILICON CONTROLLED RECTIFIER
سلیکون‌کنترل وکتی‌فایر

OR GATE
ورودی اور (مداراور)

G TRIAC BIDIRECTIONAL TRIODE
ترایاک (تریود دوراهه)


W SHIELDED 5 CONDUCTOR CABLE SHIELD CONNECTED TO CHASSIS
کابل پنج‌سیمه‌شیلوشده
W 5 CONDUCTOR CABLE
کابل پنج سیم
W COAXIAL CABLE WITH SHIELD CONNECTED TO CHASSIS
کابل کواکسل شیلوشده
EARTH GROUND
اتصال زمین
CHASSIS OR FRAME CONNECTION
اتصال شاسی ـ اتصال بدنه
TB COMMON CONNECTIONS
اتصال مشترک
S SPST SHOWN WITH TERMINALS
کلیدیک پل یکراهه
S DPDT
کلیددوپل ودوراهه
S PBNO
شاسی‌فشاری‌همیشه‌باز
S PBNC
شاسی‌فشاری‌همیشه‌بسته
S MULTIPOSITION SWITCH
کلید چندوضعیتی
RELAY CONTACTS
کنتاکتهای رله
K RELAY
رلـــــه
L INDUCTOR, TAPPED INDUCTOR
سیم‌پیچ ـ سیم‌پیچ‌با خروجی‌های‌مختلف
T TRANSFORMER WITH MAGNETIC CORE
ترانسفورماتوربا هسته‌آهنی‌مغناطیسی
T TRANSFORMER WITH MAGNETIC CORE AND ELECTROSTATIC SHIELD BETWEEN WINDINGS SHIELD CONNECTED TO FRAME
ترانسفورماتوربا هسته‌آهن مغناطیسی‌با حفاظ الکترواستاتیکی شیلوشده
ONE-WAY CIRCUIT ELEMENT CONSTANT CURRENT SOURCE
منبع‌جریان‌مستقل
R RESISTOR
R POTENTIOMETER
پتانسیومتر
RT THERMISTOR THERMAL RESISTOR
مقاومت با ضریب حرارتی‌منفی(ترمیستر)
CR PHOTOCONDUCTIVE CELL PHOTOCONDUCTIVE TRANSDUCER
سلول فتو الکتریک ـ
C CAPACITOR; CAPACITOR, POLARIZED; CAPACITOR, VARIABLE
خازن ـ خازن الکترولیت ـ خازن‌متغییر
E ANTENNA
آنتن
BT CELL
پیل
BT BATTERY
باطری
AC SOURCE OSCILLATOR
مولدنوسان
SQUARE WAVE SOURCE
نوسان سازموج‌مربعی
PULSE SOURCE
مولدضربه‌ای
Y CRYSTAL PIEZOELECTRIC CRYSTAL QUARTZ CRYSTAL
کریستال پیزوالکتریک
TC THERMOCOUPLE
ترموکوپل
CROSSING OF PATHS CONDUCTORS NOT CONNECTED
عبورسیم‌ها ازروی‌یکدیگر ـ بدون اتصال
JUNCTION OF CONNECTED PATHS
(DR) (DR) ONLY IF REQUIRED BY LAYOUT CONSIDERATIONS
نقطه‌اتصال

علائم دستگاههای اندازه‌گیری

بر حسب استاندارد VDE 0410/10.59

علامت	نوع دستگاه اندازه‌گیری
◯	با حفاظ آهنی
◯	با حفاظ الکترو استاتیکی
ast	دستگاه آ استاتیکی
—	برای جریان مستقیم
~	برای جریان متناوب
≂	برای جریان مستقیم و متناوب
≋	برای جریان سه‌فاز بابار دستگاه اندازه‌گیری
≋	برای جریان سه‌فاز بادو دستگاه اندازه‌گیری
≋	برای جریان سه‌فاز با سه دستگاه اندازه‌گیری
⊥	صفحهٔ دستگاه بطور قائم قرار گیرد
⌐	صفحهٔ دستگاه بطور افقی قرار گیرد
∠60°	درجهٔ تمایل مجاز دستگاه اندازه‌گیری
⊙	پیچ تنظیم صفر
☆	علامت امتحان دستگاه از نظر ولتاژ عدد داخل ستاره ولتاژ امتحان را برحسب KV نشان میدهد(ستاره بدون عدد: ۵۰۰ ولت)
⚠	کتابچهٔ دستگاه راحتماً بخوانید
ϟ	دستگاه خارج از استاندارد امتحان ولتاژ شده است

علامت	نوع دستگاه اندازه‌گیری
∩	با سیم‌پیچ گردان ومغناطیس دائمی
∩	ثابت سیم (با سیم‌پیچ صلیبی)
⊣	با مغناطیس گردان
	با آهن گردان
	الکترو دینامیکی
	الکترودینامیکی با آهن بسته
	ثابت سیم الکترودینامیکی
	ثابت سیم الکترو دینامیکی با آهن بسته
	اندوکسیونی
	بی‌متال
	الکترواستاتیکی
	ارزان (با تیغه‌های مرتعش)
	مبدل حرارتی
	دستگاه با مبدل حرارتی
	مبدل حرارتی عایق شده
	یکسوساز
	دستگاه با یکسوساز

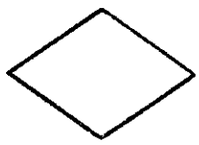
علائم نرم افزار

علامت محاسبه ـ این علامت هر وظیفه مهم محاسباتی را ، مانند برنامه کامپیوتر مشخص میسازد .



علامت جهت جریان ـ این علامت جهت جریان یک برنامه محاسب را مشخص میکند ، مثلا از بالا به پائین یا از چپ براست .

علامت اتخاذ تصمیم ـ این علامت استفاده زیادی در شمای عملیاتی برنامه و سیستم دارد و مشخص کننده نقطه ای از برنامه است که ممکن است جریان کنترل را به یکی از انشعاب های موجود بفرستد .



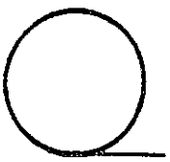
علامت اسناد ـ این علامت انواع و اقسام اطلاعات چاپی در روی کاغذ را مشخص میسازد .



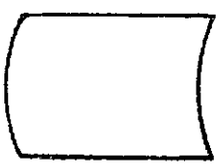
علامت کارت منگنـــه ـ این علامت انواع کارت های منگنه شده را مشخص میسازد .



علامت نوار مغناطیسی ـ این علامت اطلاعات ضبط شده روی نوار مغناطیسی را مشخص میسازد .



علامت RANDOM ACCESS ـ این علامت معـرف نحوه ضبط و دریافت اطلاعات (ضبط و دریافت فوری بر خلاف نوار مغناطیسی) میباشد .

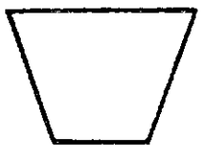


علامت نوار منگنه شده ـ این علامت معرف نوار کاغذی (نوار منگنه شده) است که ممکن است در یک دستـگاه ورودی یا خـــروجـــی استفاده گـردد .



علامت اتصال دهنده صفحه ـ این علامت بیشتـــــر در ارائـــه فلوچارت هائی که بیش از یک صفحه میباشند بکار میرود تا بتـــوان صفحات مختلف را بهم مربوط ساخت .

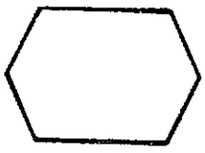




علامت عملیات دستی ـ این علامت مشخص کننده عملیاتی است که با دست و بدون دخالت دستگاههای متصل به کامپیوتر صورت میگیرد . مثلا منگنه کردن کارت ها بمنظور ورود اطلاعات به سیستم .



علامت اتصال دهنده قسمت های برنامه ـ این علامت نشان دهنده ورود به یا خروج از یک قسمت شمای عملیاتی برنامه میباشد .



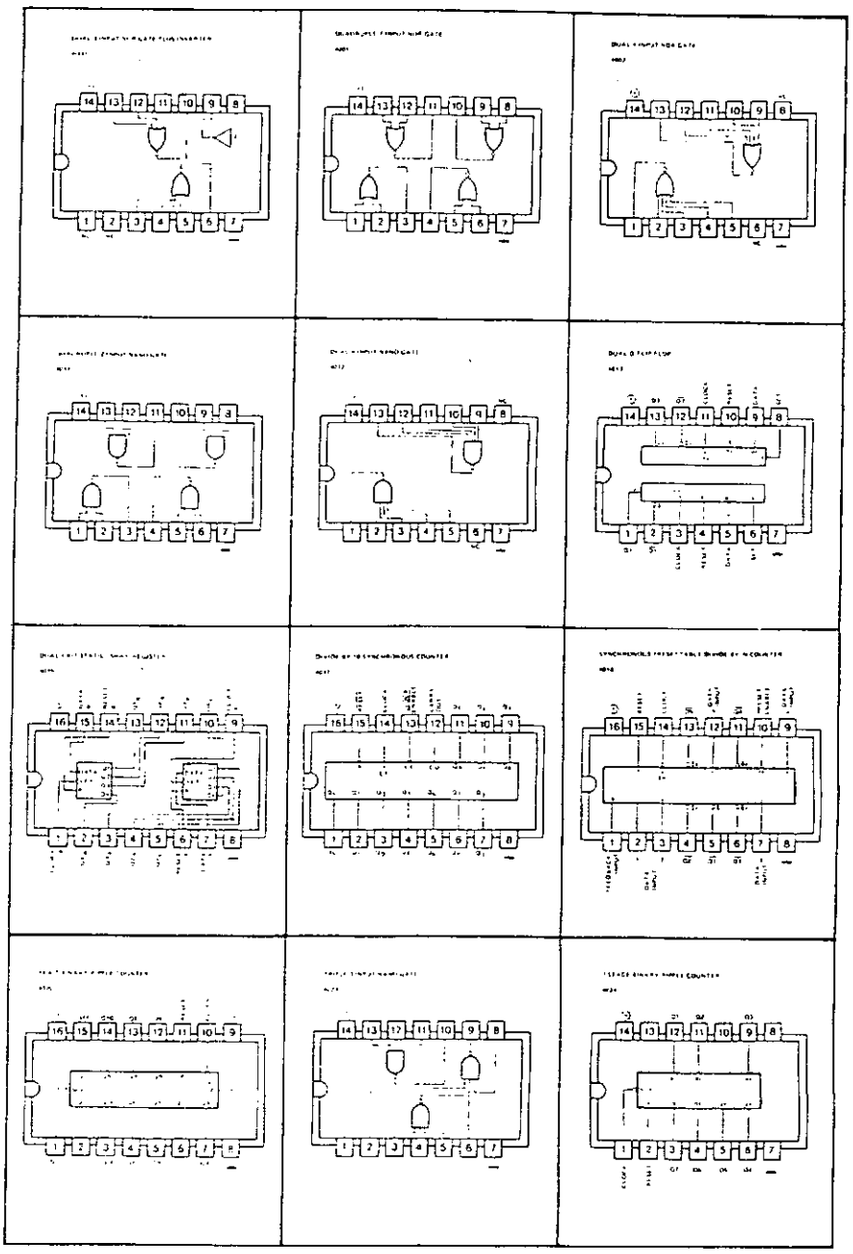
علامت محاسبات مهیا شده ـ این علامت گروهی از عملیات را مشخص میسازد که بطور وضوح مشخص نمیگردد ولی توسط برنامه استفاده میگردد . مثل برنامه هائی که در حافظه های ماشین نگهداری میشوند .

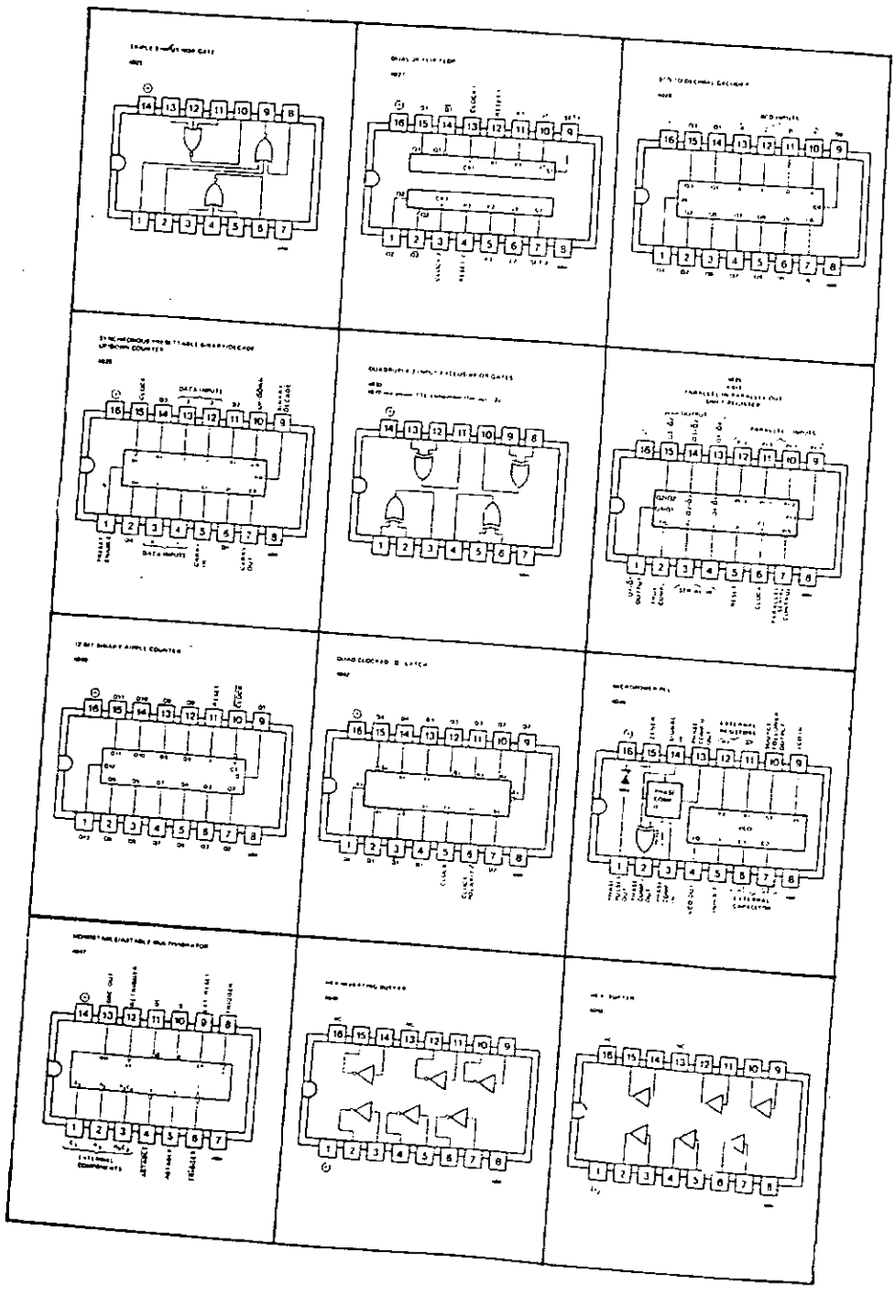


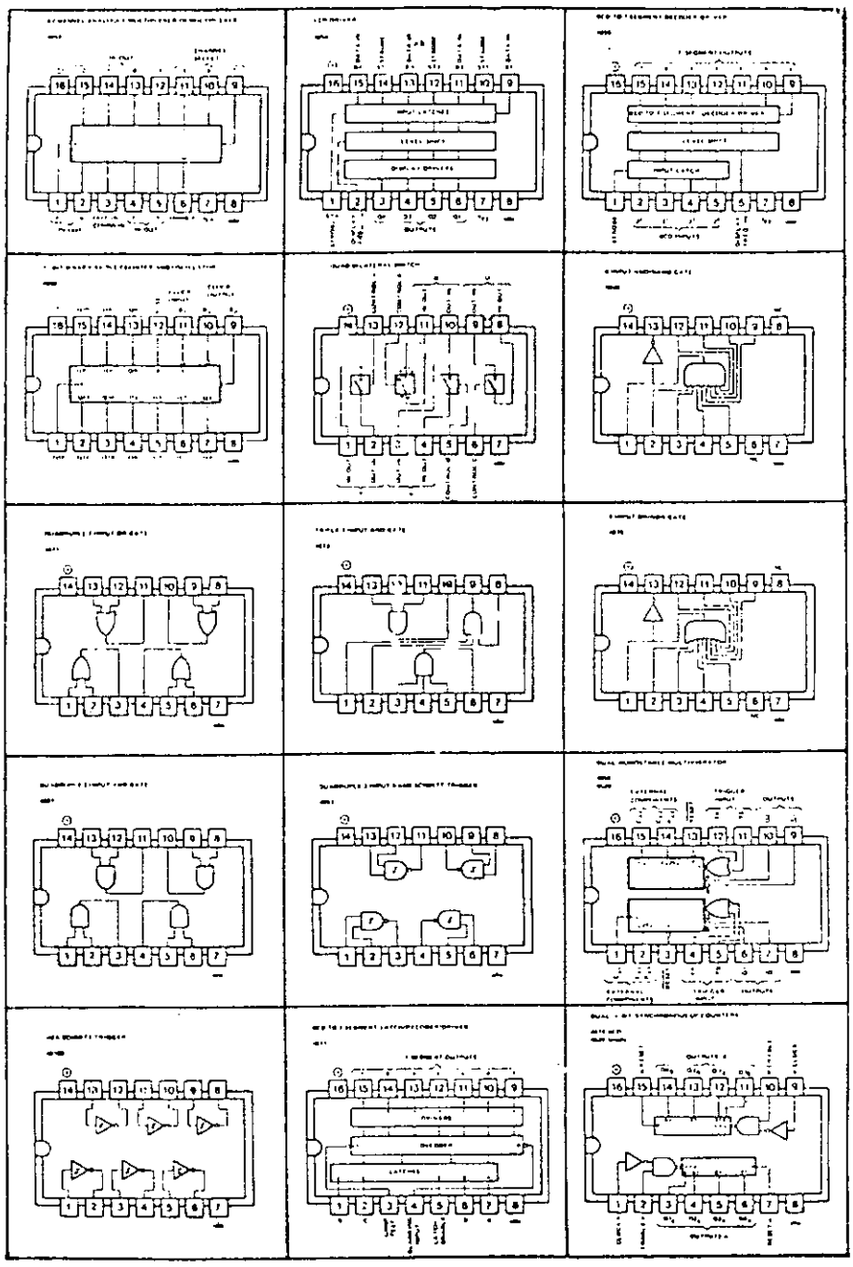
علامت ابتدا و انتهای برنامه ـ این علامت ابتدا و انتهای برنامه را مشخص میسازد .

شناسائی پایه چند خانواده از مدارهای مجتمع (IC)

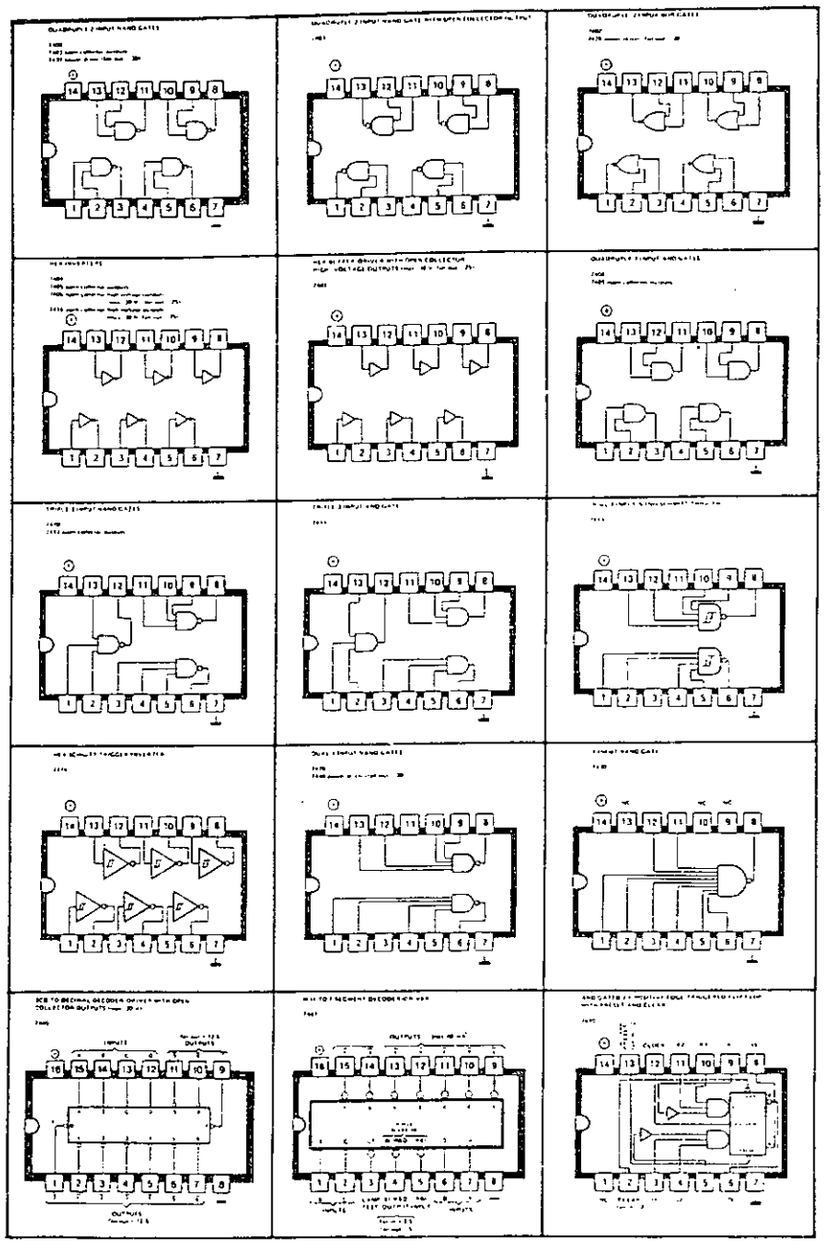
مدارهای مجتمع CMOC سری ۴۰۰۰

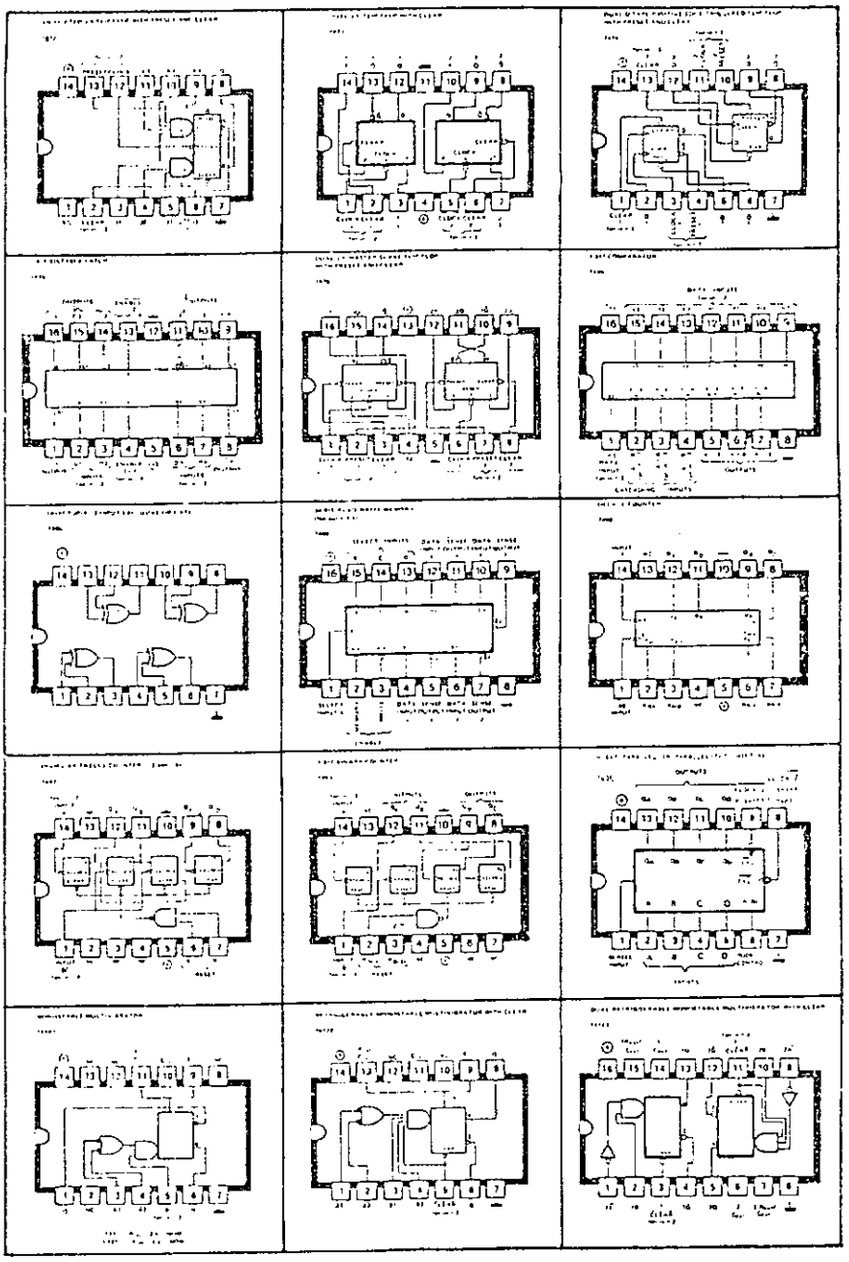


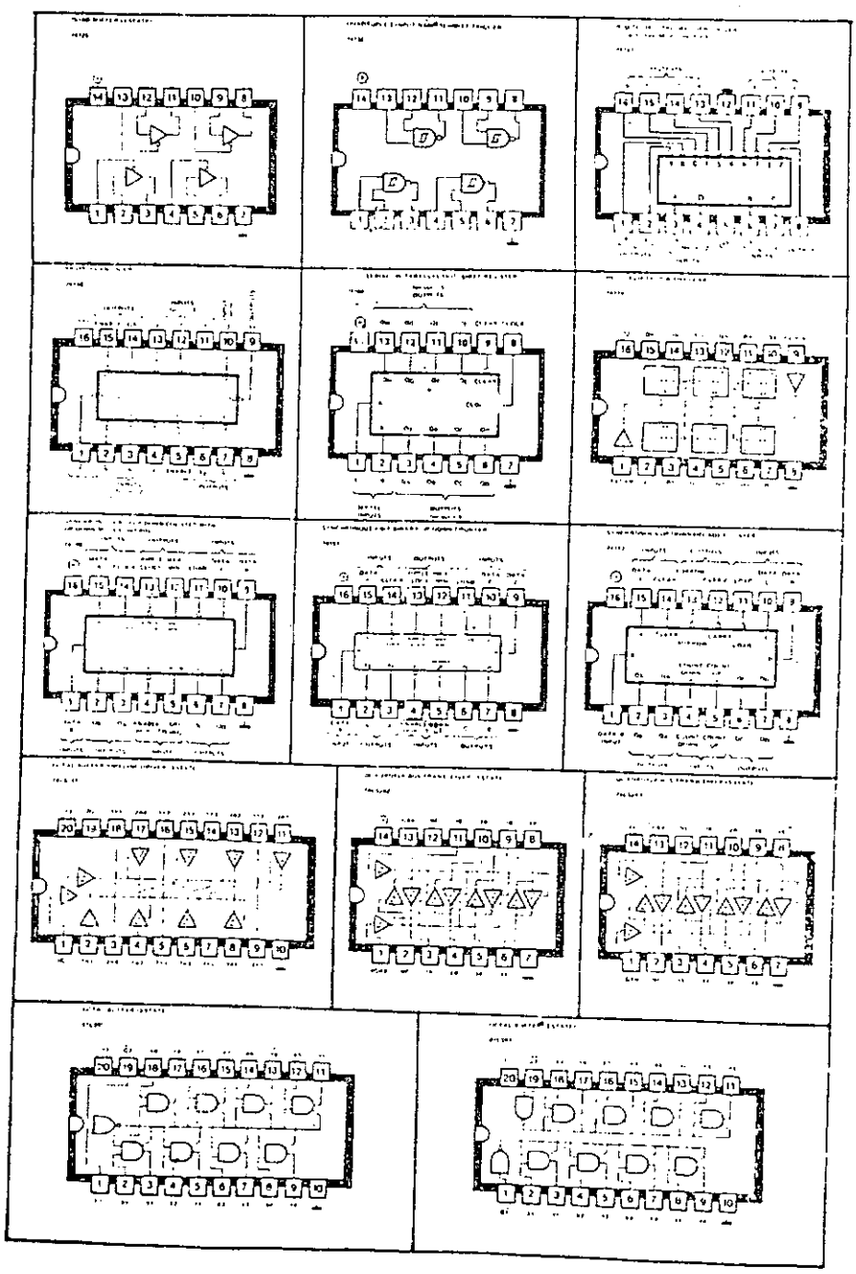




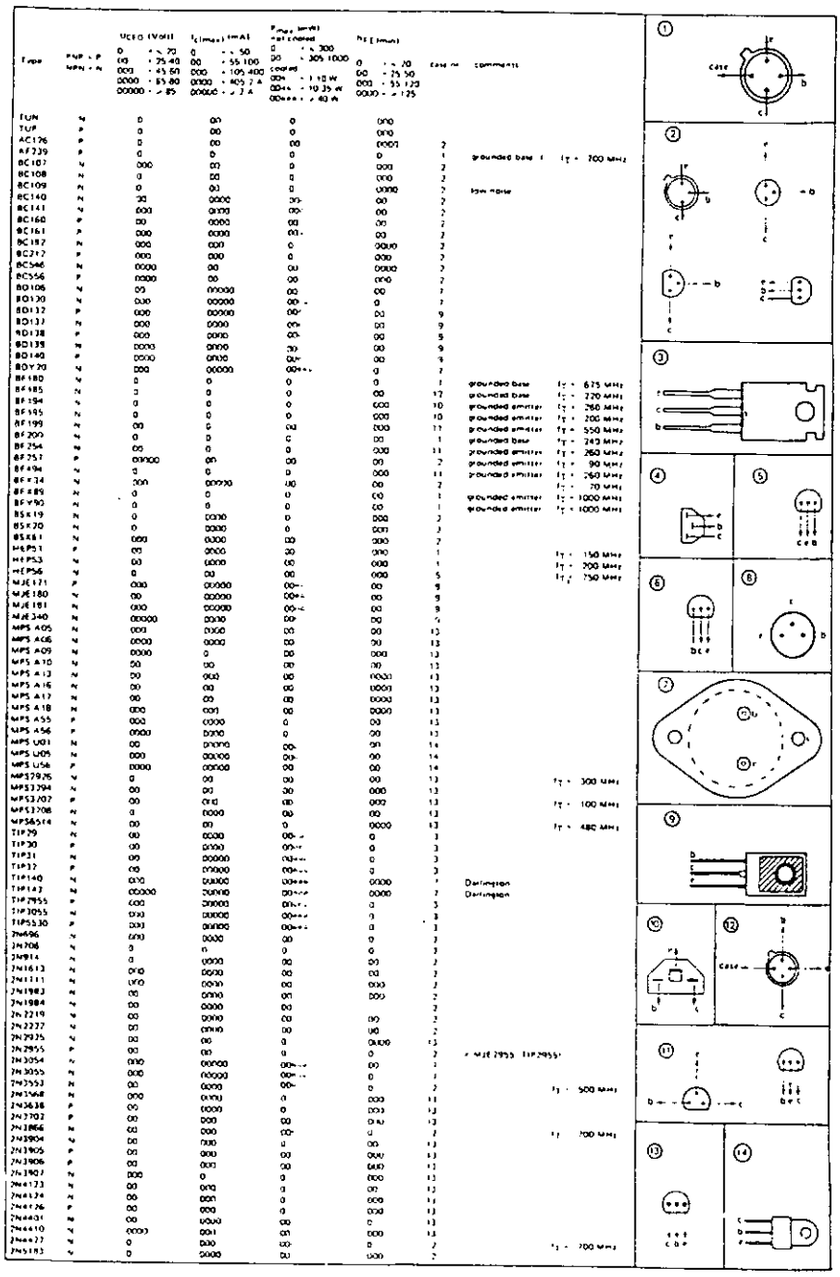
مدارهای مجتمع سری ۷۴



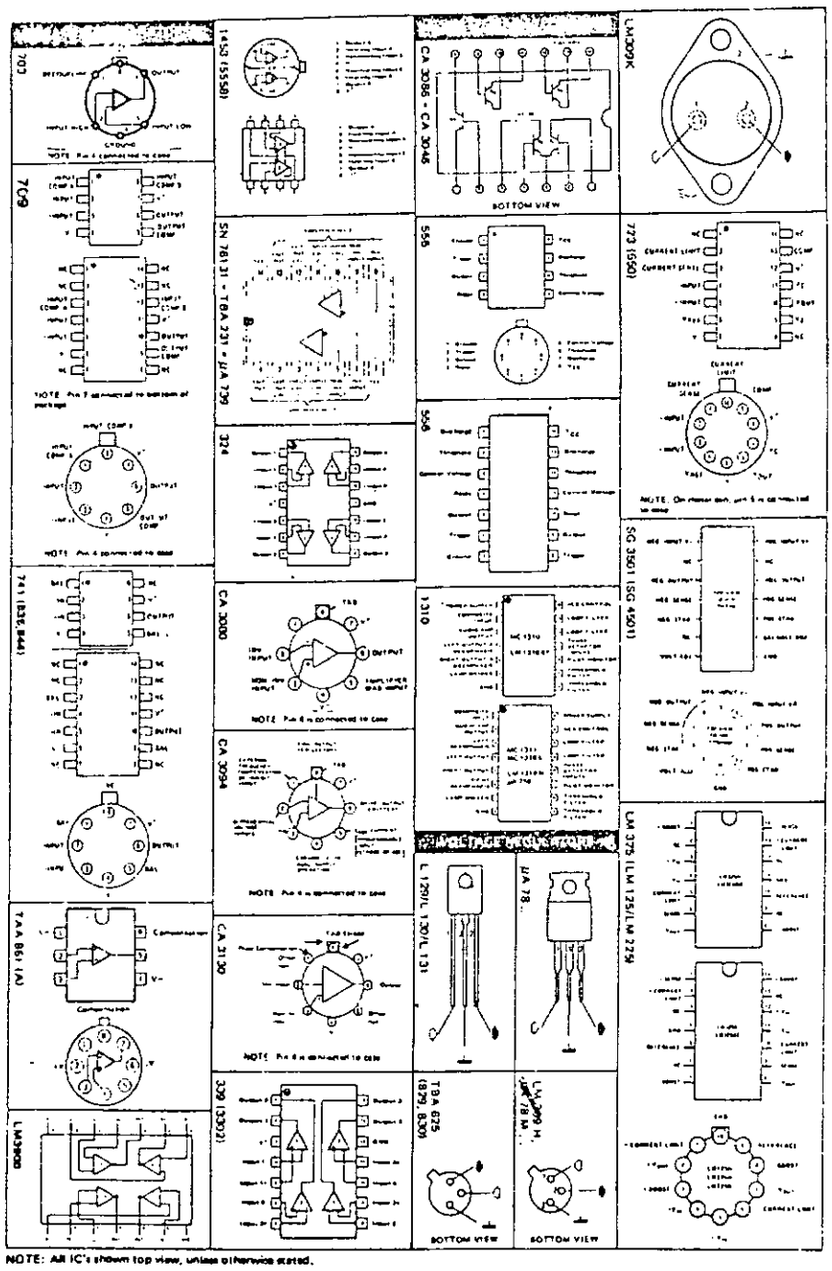




مشخصات ترانزیستورها



مدارهای مجتمع خطی



NOTE: All IC's shown top view, unless otherwise stated.

وضعیت ترانزیستورها

Wherever possible in Elektor circuits, transistors and diodes are simply marked 'TUP' (Transistors, Universal PNP), 'TUN' (Transistor, Universal NPN), 'DUG' (Diode, Universal Germanium) or 'DUS' (Diode, Universal Silicon). This indicates that a large group of similar devices can be used, provided they meet the minimum specifications listed in tables 1a and 1b.

	type	U_{CEO} max	I_C max	h_{FE} min.	P_{tot} max	f_T min.
TUN	NPN	20 V	100 mA	100	100 mW	100 MHz
TUP	PNP	20 V	100 mA	100	100 mW	100 MHz

Table 1a. Minimum specifications for TUP and TUN

Table 1b. Minimum specifications for DUS and DUG.

	type	UR max	IF max	IR max	P_{tot} max	CD max
DUS	Si	25 V	100 mA	1 µA	250 mW	5 pF
DUG	Ge	20 V	35 mA	100 µA	250 mW	10 pF

Table 2. Various transistor types that meet the TUN specifications.

TUN		
BC 107	BC 208	BC 384
BC 108	BC 209	BC 407
BC 109	BC 237	BC 408
BC 147	BC 238	BC 409
BC 148	BC 239	BC 413
BC 149	BC 317	BC 414
BC 171	BC 318	BC 547
BC 172	BC 319	BC 548
BC 173	BC 347	BC 549
BC 182	BC 348	BC 582
BC 183	BC 349	BC 583
BC 184	BC 382	BC 584
BC 207	BC 383	

Table 3. Various transistor types that meet the TUP specifications.

TUP		
BC 157	BC 253	BC 352
BC 158	BC 261	BC 415
BC 177	BC 262	BC 416
BC 178	BC 263	BC 417
BC 204	BC 307	BC 418
BC 205	BC 308	BC 419
BC 206	BC 309	BC 512
BC 212	BC 320	BC 513
BC 213	BC 321	BC 514
BC 214	BC 322	BC 557
BC 251	BC 350	BC 558
BC 252	BC 351	BC 559

The letters after the type number denote the current gain

A	h_{FE}	125 260
B		240 500
C		450 900

Table 4. Various diodes that meet the DUS or DUG specifications.

DUS		DUG
BA 127	BA 318	OA 85
BA 217	BAX 13	OA 91
BA 218	BAY 61	OA 95
BA 221	1N914	AA 116
BA 222	1N4148	
BA 317		

Table 5. Minimum specifications for the BC107, -108, -109 and BC177, -178, -179 families (according to the Pro-Electron standard). Note that the BC179 does not necessarily meet the TUP specification ($I_{C,max}$ = 50 mA).

	NPN	PNP
	BC 107 BC 108 BC 109	BC 177 BC 178 BC 179
U_{CEO} max	45 V 20 V 30 V	45 V 25 V 20 V
U_{EBO} max	6 V 5 V 5 V	5 V 5 V 5 V
I_C max	100 mA 100 mA 100 mA	100 mA 100 mA 50 mA
P_{tot} max	300 mW 300 mW 300 mW	300 mW 300 mW 300 mW
f_T min	150 MHz 150 MHz 150 MHz	130 MHz 130 MHz 130 MHz
F max	10 dB 10 dB 4 dB	10 dB 10 dB 4 dB

Table 6. Various equivalents for the BC107, -108, . . . families. The data are those given by the Pro-Electron standard; individual manufacturers will sometimes give better specifications for their own products.

NPN	PNP	Case	Remarks
BC 107 BC 108 BC 109	BC 177 BC 178 BC 179		
BC 147 BC 148 BC 149	BC 157 BC 158 BC 159		P_{max} = 250 mW
BC 207 BC 208 BC 209	BC 204 BC 205 BC 206		
BC 237 BC 238 BC 239	BC 307 BC 308 BC 309		
BC 317 BC 318 BC 319	BC 320 BC 321 BC 322		I_{Cmax} = 150 mA
BC 347 BC 348 BC 349	BC 350 BC 351 BC 352		
BC 407 BC 408 BC 409	BC 417 BC 418 BC 419		P_{max} = 250 mW
BC 547 BC 548 BC 549	BC 557 BC 558 BC 559		P_{max} = 500 mW
BC 167 BC 168 BC 169	BC 257 BC 258 BC 259		169/259 I_{Cmax} = 50 mA
BC 171 BC 172 BC 173	BC 251 BC 252 BC 253		251 253 low noise
BC 182 BC 183 BC 184	BC 212 BC 213 BC 214		I_{Cmax} = 200 mA
BC 582 BC 583 BC 584	BC 512 BC 513 BC 514		I_{Cmax} = 200 mA
BC 414 BC 414 BC 414	BC 416 BC 416 BC 416		low noise
BC 413 BC 413	BC 415 BC 415		low noise
BC 382 BC 383 BC 384			
BC 437 BC 438 BC 439			P_{max} = 220 mW
BC 467 BC 468 BC 469			P_{max} = 220 mW
	BC 261 BC 262 BC 263		low noise

Complete ASCII

CHARACTER	BINARY BIT 7 TO BIT 0	OCTAL	DECIMAL	HEXADECIMAL
NUL	00000000	000	000	00
SOH	00000001	001	001	01
STX	00000010	002	002	02
ETX	00000011	003	003	03
EOT	00000100	004	004	04
ENQ	00000101	005	005	05
ACK	00000110	006	006	06
BEL	00000111	007	007	07
BS	00001000	010	008	08
HT	00001001	011	009	09
LF	00001010	012	010	0A
VT	00001011	013	011	0B
FF	00001100	014	012	0C
CR	00001101	015	013	0D
SO	00001110	016	014	0E
SI	00001111	017	015	0F
DLE	00010000	020	016	10
DC1	00010001	021	017	11
DC2	00010010	022	018	12
DC3	00010011	023	019	13
DC4	00010100	024	020	14
NAK	00010101	025	021	15
SYN	00010110	026	022	16
ETB	00010111	027	023	17
CAN	00011000	030	024	18
EM	00011001	031	025	19
SUB	00011010	032	026	1A
ESC	00011011	033	027	1B
FS	00011100	034	028	1C
GS	00011101	035	029	1D
RS	00011110	036	030	1E
US	00011111	037	031	1F
SP	00100000	040	032	20
!	00100001	041	033	21
"	00100010	042	034	22
#	00100011	043	035	23
$	00100100	044	036	24
%	00100101	045	037	25
&	00100110	046	038	26
'	00100111	047	039	27
(	00101000	050	040	28
)	00101001	051	041	29
*	00101010	052	042	2A
+	00101011	053	043	2B
,	00101100	054	044	2C
-	00101101	055	045	2D
.	00101110	056	046	2E
/	00101111	057	047	2F
0	00110000	060	048	30
1	00110001	061	049	31
2	00110010	062	050	32
3	00110011	063	051	33
4	00110100	064	052	34
5	00110101	065	053	35
6	00110110	066	054	36
7	00110111	067	055	37
8	00111000	070	056	38
9	00111001	071	057	39
:	00111010	072	058	3A
;	00111011	073	059	3B
<	00111100	074	060	3C
=	00111101	075	061	3D
>	00111110	076	062	3E
?	00111111	077	063	3F
@	01000000	100	064	40
A	01000001	101	065	41
B	01000010	102	066	42
C	01000011	103	067	43
D	01000100	104	068	44
E	01000101	105	069	45
F	01000110	106	070	46
G	01000111	107	071	47
H	01001000	110	072	48
I	01001001	111	073	49
J	01001010	112	074	4A
K	01001011	113	075	4B
L	01001100	114	076	4C
M	01001101	115	077	4D
N	01001110	116	078	4E
O	01001111	117	079	4F
P	01010000	120	080	50
Q	01010001	121	081	51
R	01010010	122	082	52
S	01010011	123	083	53
T	01010100	124	084	54
U	01010101	125	085	55
V	01010110	126	086	56
W	01010111	127	087	57
X	01011000	130	088	58
Y	01011001	131	089	59
Z	01011010	132	090	5A
[	01011011	133	091	5B
\	01011100	134	092	5C
]	01011101	135	093	5D
^	01011110	136	094	5E
_	01011111	137	095	5F
`	01100000	140	096	60
a	01100001	141	097	61
b	01100010	142	098	62
c	01100011	143	099	63
d	01100100	144	100	64
e	01100101	145	101	65
f	01100110	146	102	66
g	01100111	147	103	67
h	01101000	150	104	68
i	01101001	151	105	69
j	01101010	152	106	6A
k	01101011	153	107	6B
l	01101100	154	108	6C
m	01101101	155	109	6D
n	01101110	156	110	6E
o	01101111	157	111	6F
p	01110000	160	112	70
q	01110001	161	113	71
r	01110010	162	114	72
s	01110011	163	115	73
t	01110100	164	116	74
u	01110101	165	117	75
v	01110110	166	118	76
w	01110111	167	119	77
x	01111000	170	120	78
y	01111001	171	121	79
z	01111010	172	122	7A
{	01111011	173	123	7B
|	01111100	174	124	7C
}	01111101	175	125	7D
~	01111110	176	126	7E
DEL	01111111	177	127	7F

Note: The bit 7 in the binary column is sometimes used as a parity bit.

Abbreviations for Control Characters:

NUL – null, or all zeros
SOH – start of heading
STX – start of text
ETX – end of text
EOT – end of transmission
ENQ – enquiry
ACK – acknowledge
BEL – bell
BS – backspace
HT – horizontal tabulation
LF – line feed
VT – vertical tabulation
FF – form feed
CR – carriage return
SO – shift out
SI – shift in
DLE – data link escape
DC1 – device control 1
DC2 – device control 2
DC3 – device control 3
DC4 – device control 4
NAK – negative acknowledge
SYN – synchronous idle
ETB – end of transmission block
CAN – cancel
EM – end of medium
SUB – substitute
ESC – escape
FS – file separator
GS – group separator
RS – record separator
US – unit separator
SP – space
DEL – delete

ASCII (آسکی) : کدی که حروف ، اعداد ، علائم نقطه گذاری ، و سکنالهای کنترل را بصورت گروههای هفت بیتی نمایش میدهد . این کد توسط آمریکابعنوان یک کد استاندارد برای ارسال دیتا استفاده میشود .این علامت اختصاری حروف اول کلمات American Standard Code for Information Interchange میباشد .

۵ سمبل کلیدها در دو حالت انالوگ و دیجیتال



امکانات بین مراکز انالوگ یا سیگنالینگ کانال مربوطه

امکانات بین مراکز دیجیتال باسیگنالینگ کانال مشترک

خط مشترک بصورت پیوندی (Hybrid) با دیجیتال

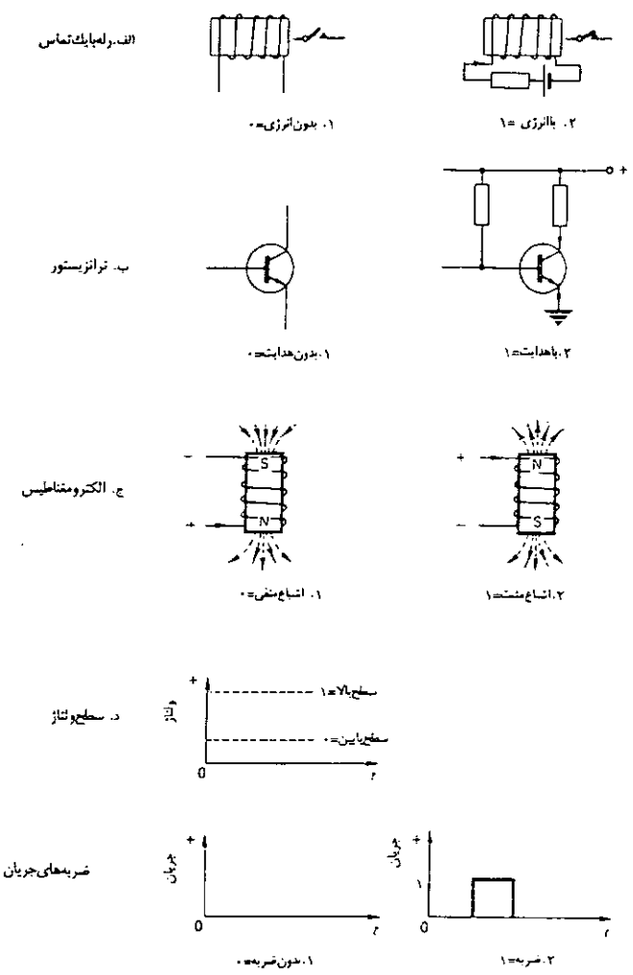
خط مشترک انالوگ

سوئیچینگ کنترل‌شده انالوگ با برنامه ذخیره‌ای — SPC/A

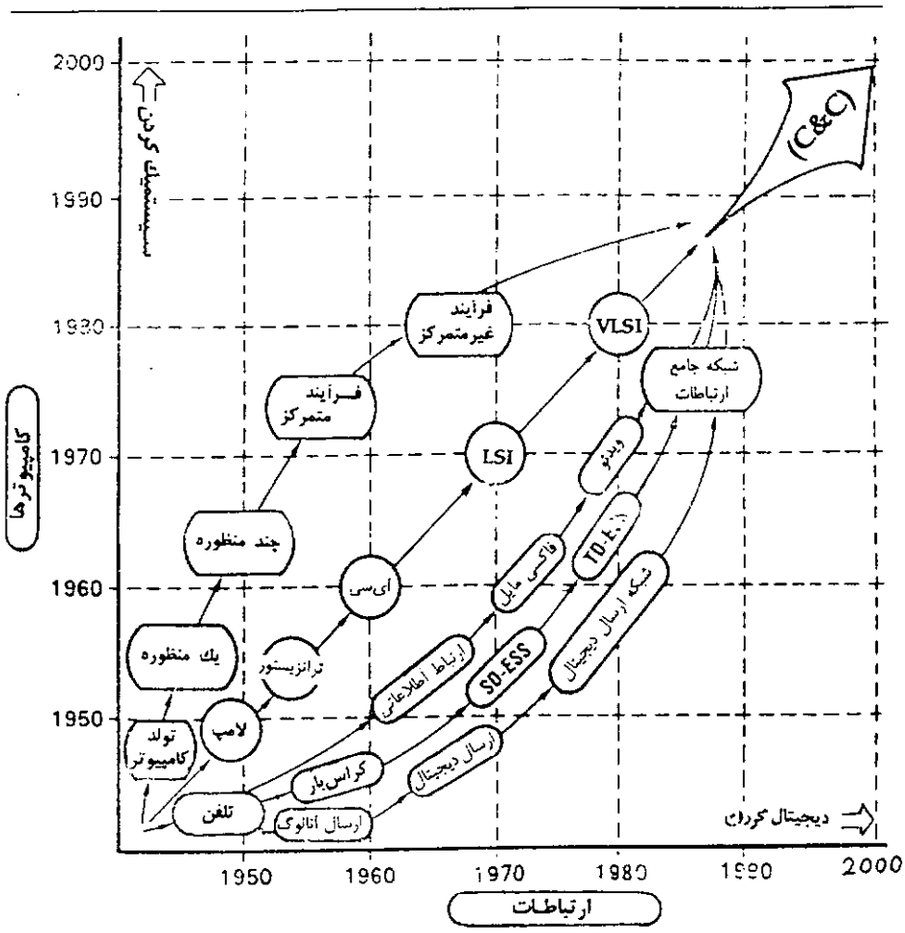
سوئیچینگ کنترل‌شده انالوگ با برنامه ذخیره از طریق امکانات ISDN — SPC/Â

سوئیچینگ کنترل‌شده دیجیتال با برنامه ذخیره‌ای — SPC/D

بعضی از دستگاهها باوضعیتهای دوتایی سادهٔ الکتریکی و الکترونیکی.

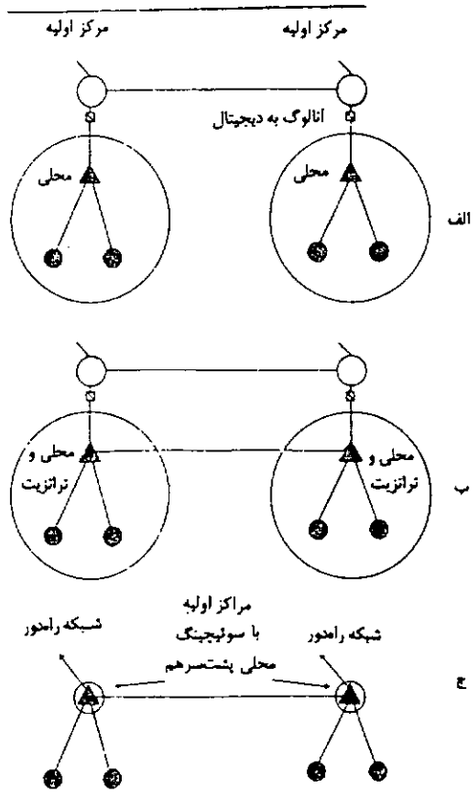


ارتباطات به روایت تصویر

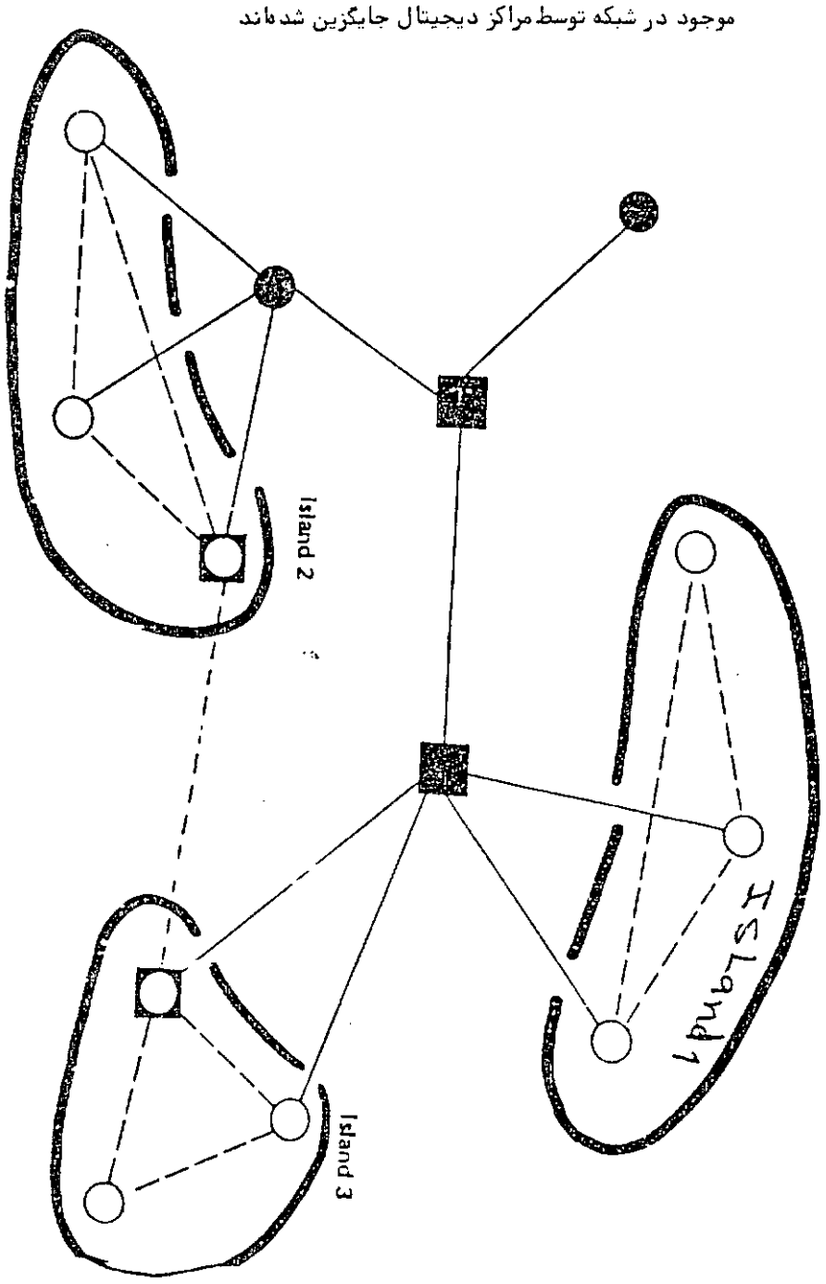


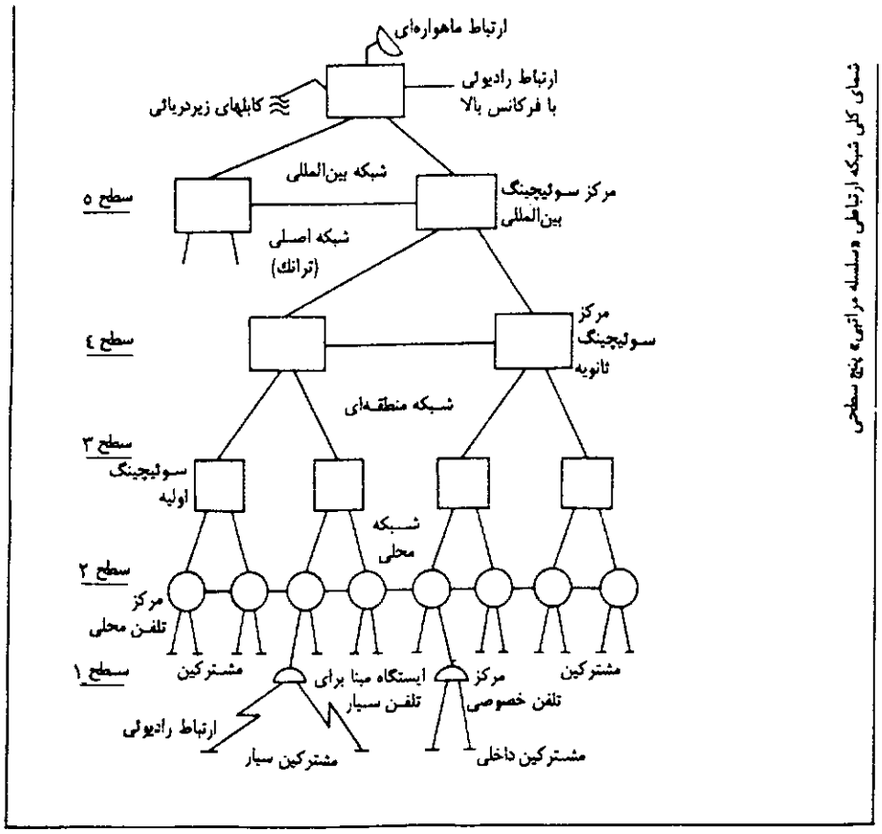
مسیر توسعه کامپیوتر و ارتباطات بموازات همدیگر

شمای تبدیل تدریجی شبکه به دیجیتال با روش جزیره‌ای

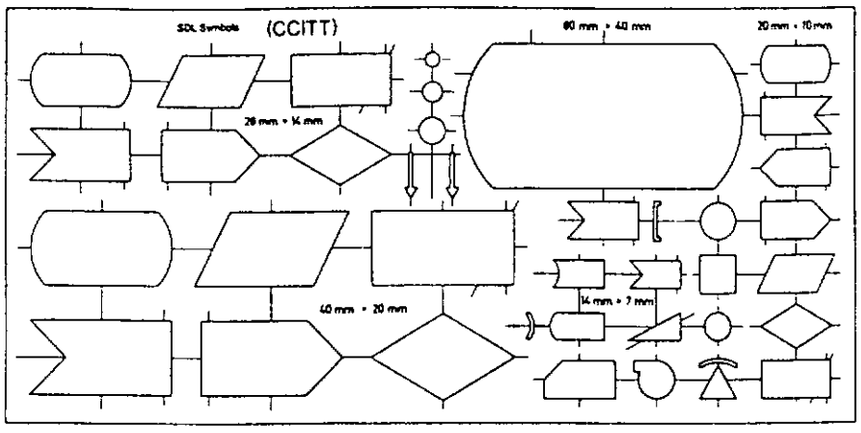


استراتژی جزیره‌ای که به تدریج مراکز سوئیچینگ الکترومکانیکی
موجود در شبکه توسط مراکز دیجیتال جایگزین شده‌اند



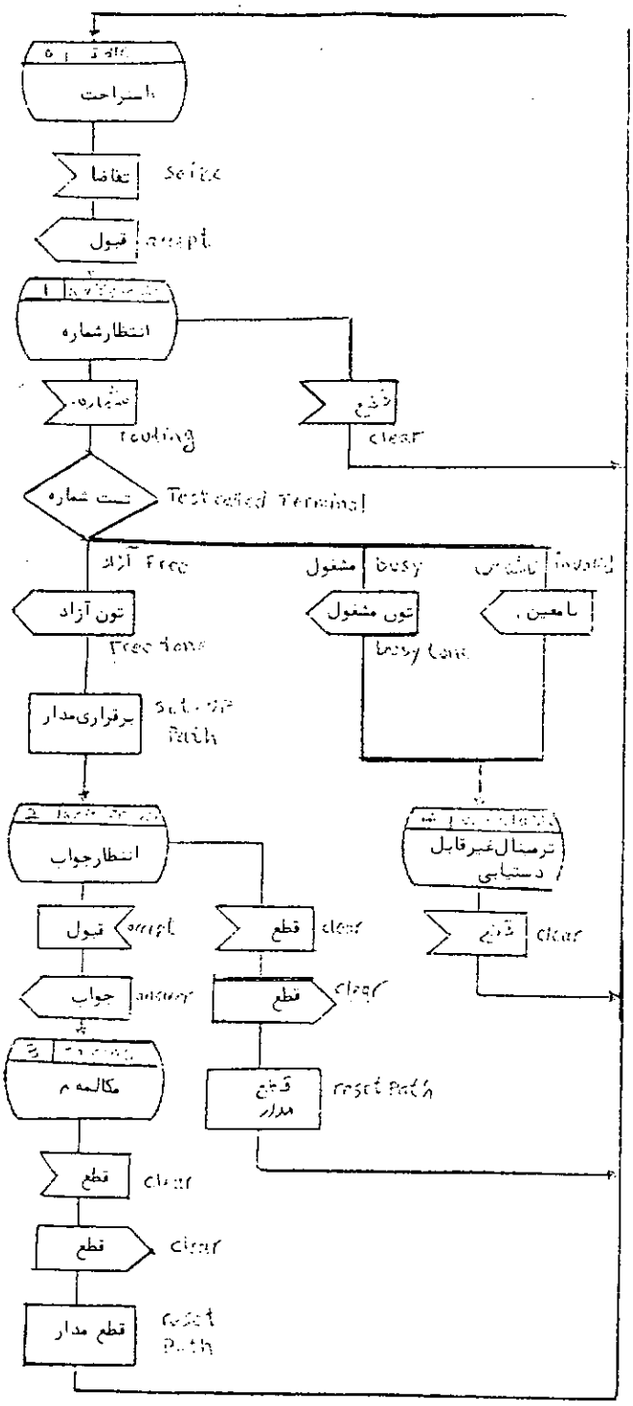


شمای کلی شبکه ارتباطی «سلسله مراتبی» پنج سطحی

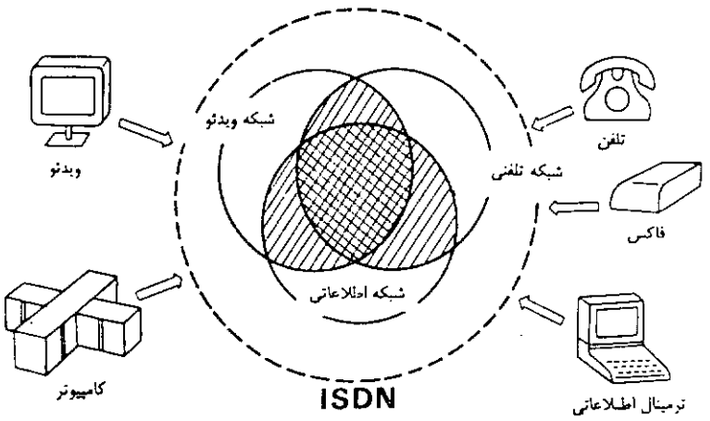


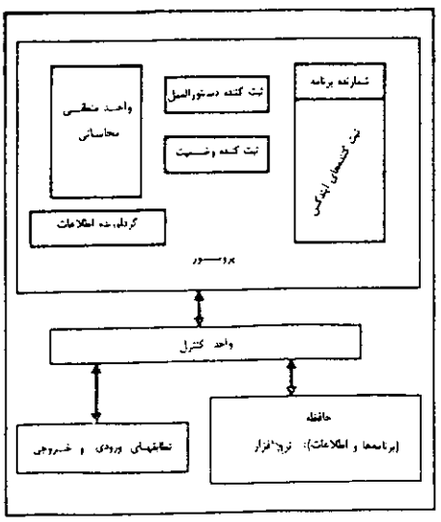
شمای کلی سمبل‌ها و تصاویر مورد استفاده در برنامه نویسی به زبان SDL

نمودار ساده برای واحد کنترل مقاصی



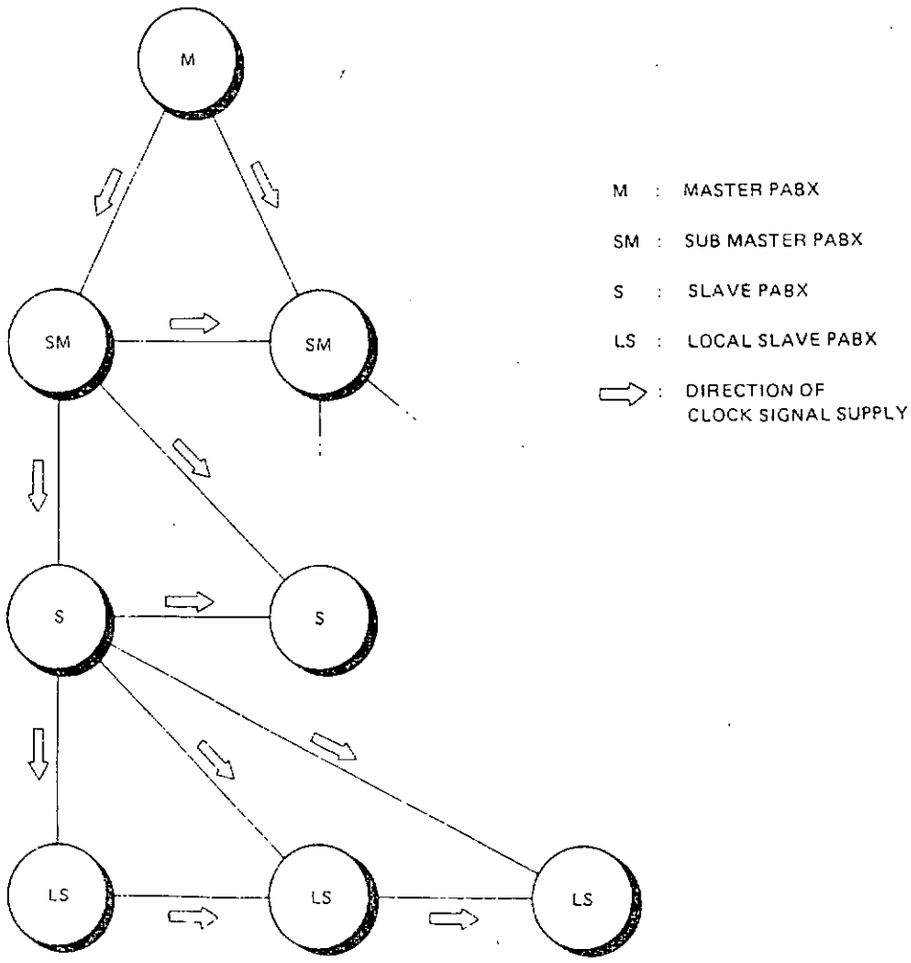
● شمای کلی شبکه جامع سرویس‌های مخابراتی دیجیتالی



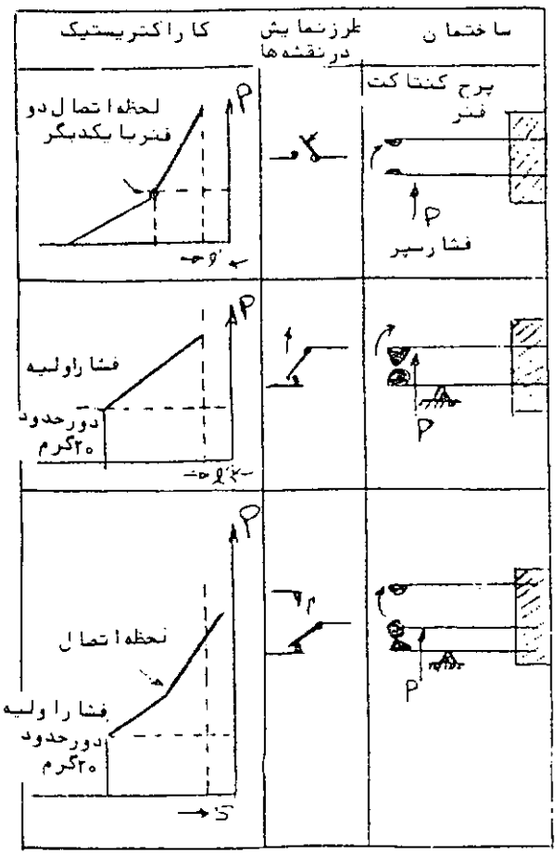


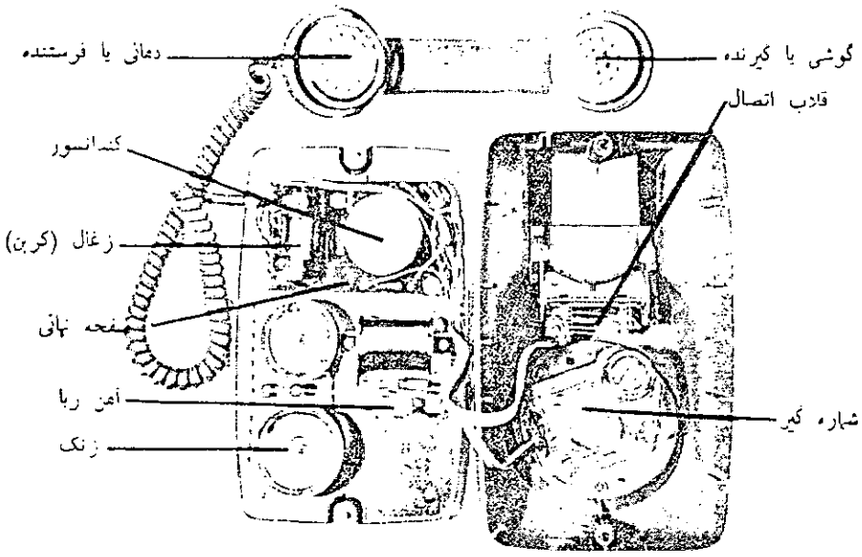
ساختمان کلی یك کامپیوتر و اجزاء تشکیل دهنده آن.

برنامه همزمانی در شبکه دیجیتالی

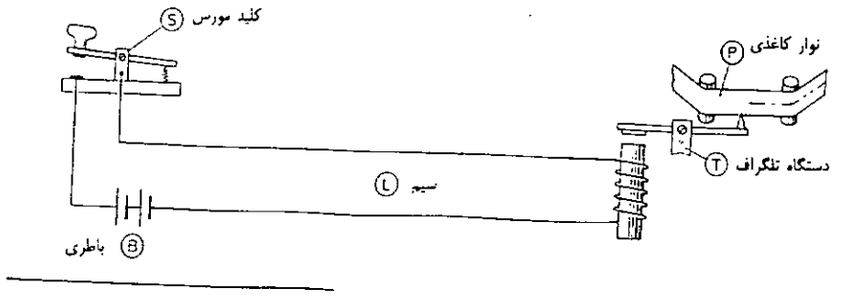


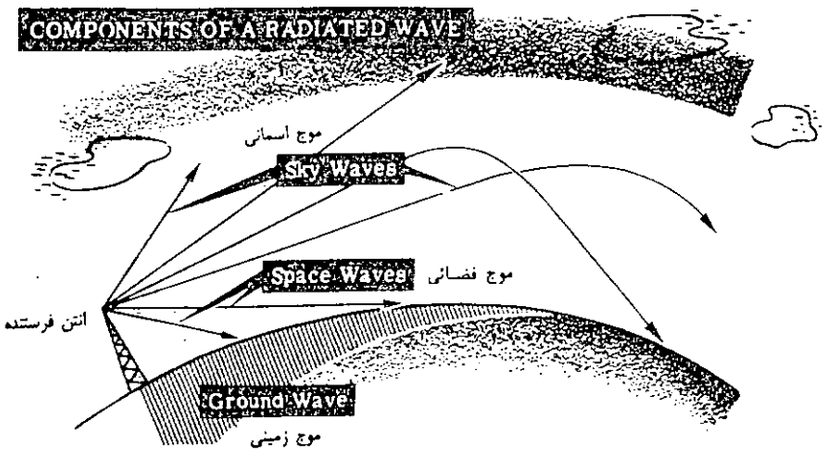
انواع کنتاکتها و کار الکتریستیک آنها



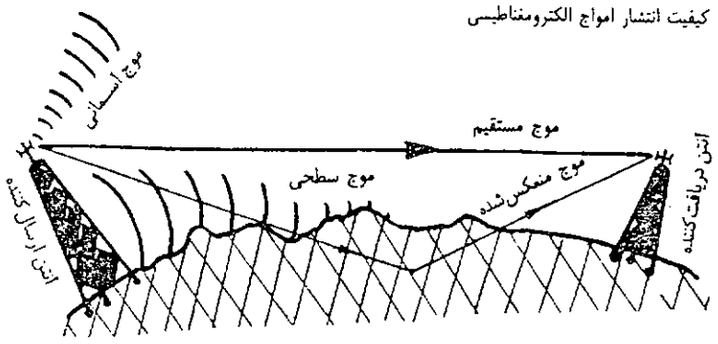


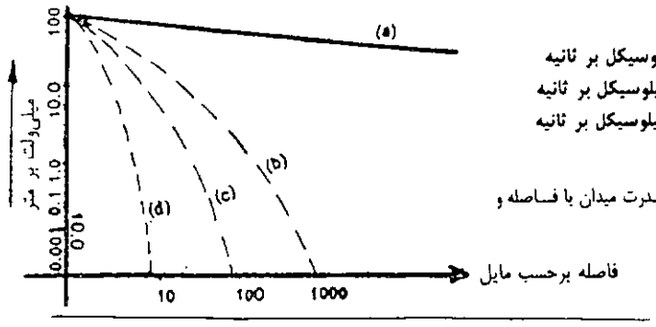
● کیفیت کار دستگاه تلگراف مورس




COMPONENTS OF A RADIATED WAVE
موج آسمانی
Sky Waves
Space Waves
موج فضائی
آنتن فرستنده
Ground Wave
موج زمینی

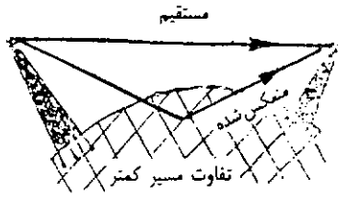
شکل یك: کیفیت انتشار امواج الکترومغناطیس



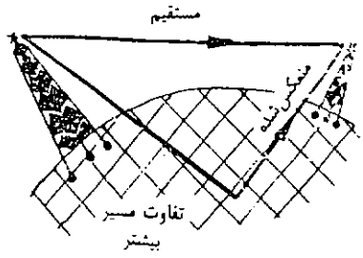


a: معکوس فاصله
b: برای فرکانس ۵۰۰ کیلوسیکل بر ثانیه
c: برای فرکانس ۱۰۰۰ کیلوسیکل بر ثانیه
d: برای فرکانس ۲۰۰۰ کیلوسیکل بر ثانیه

شکل دو: منحنی‌های مربوط به رابطه قدرت میدان با فاصله و فرکانس

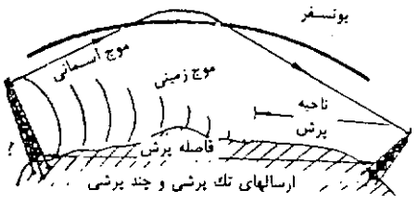


(a)



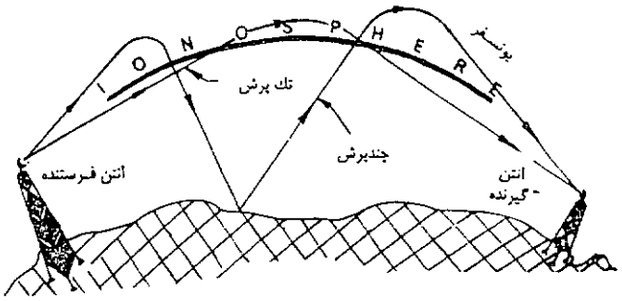
(b)

شکل سه: کیفیت کاهش مقدار حذف از طریق افزایش اختلاف

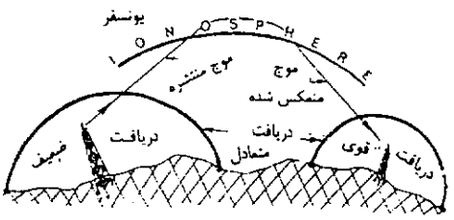


ارسالهای تک پرشی و چند پرشی

موقعیت فاصله پرش و ناحیه پرش

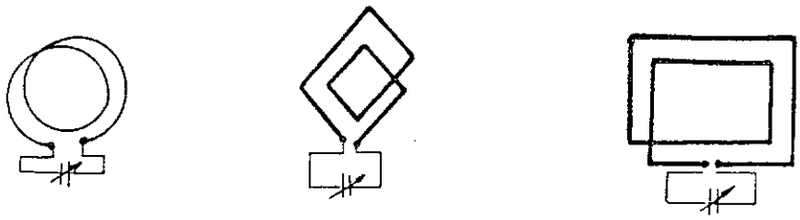


نموداری از ارسالهای تک پرشی و چندپرشی

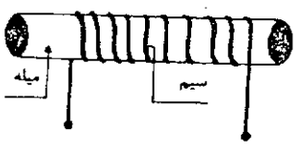


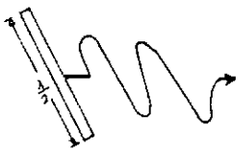
مقایسه قدرت دریافت امواج کوتاه نسبت به فاصله از فرستنده

. سه نوع آنتن لوپ (حلقه‌ای).



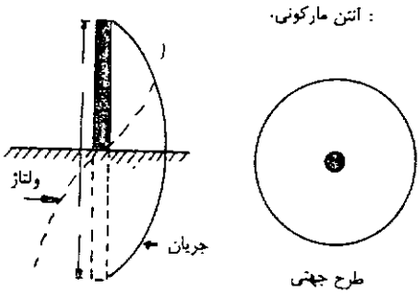
: آنتن لوپ‌استیک که برای گیرنده‌های ترانزیستوری بکار

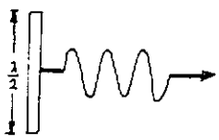




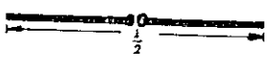
شکل ۱۲: آنتن هرتز: یك قطبی ▲
و یك قطبی قائم ●

: آنتن مارکونی.

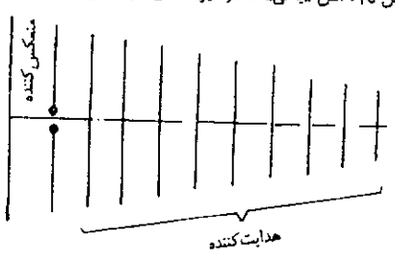




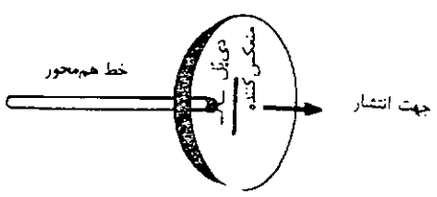
: آنتن دوقطبی (دی‌پل).

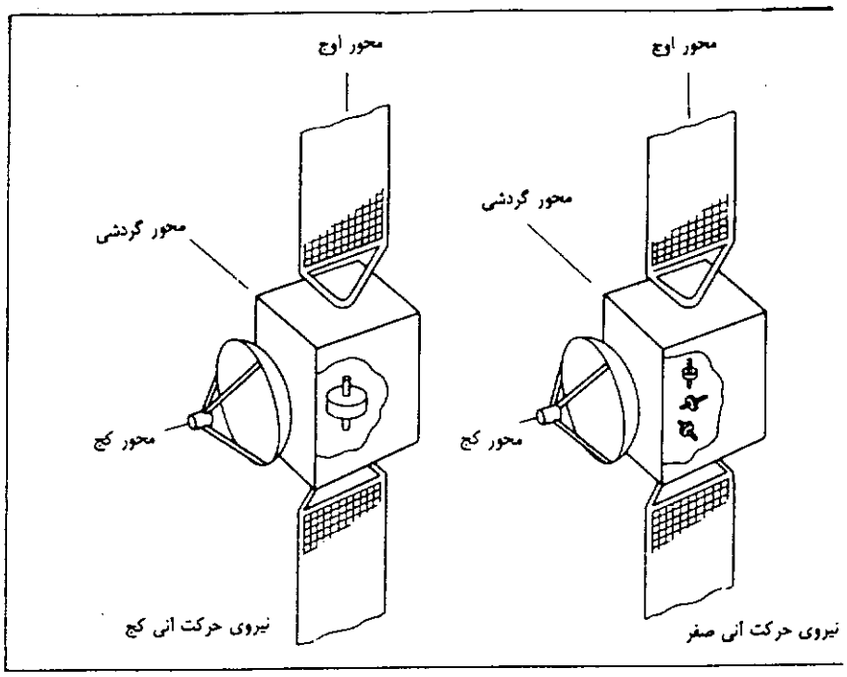


شکل ۱۵: آنتن «یاگی» که در گیرنده‌های تلویزیونی بکار می‌رود.



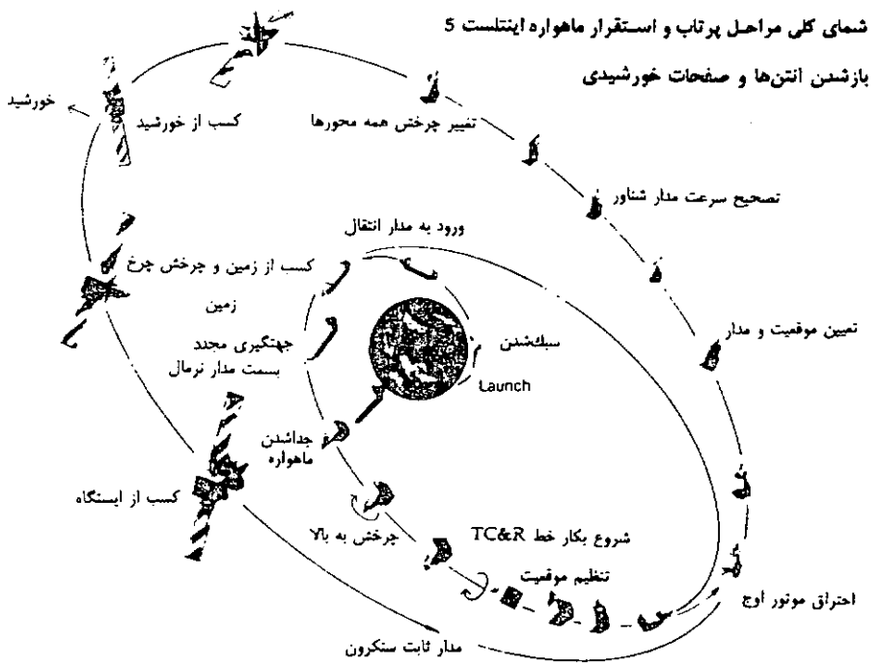
: آنتن کاسه‌ای (سهمی شکل).



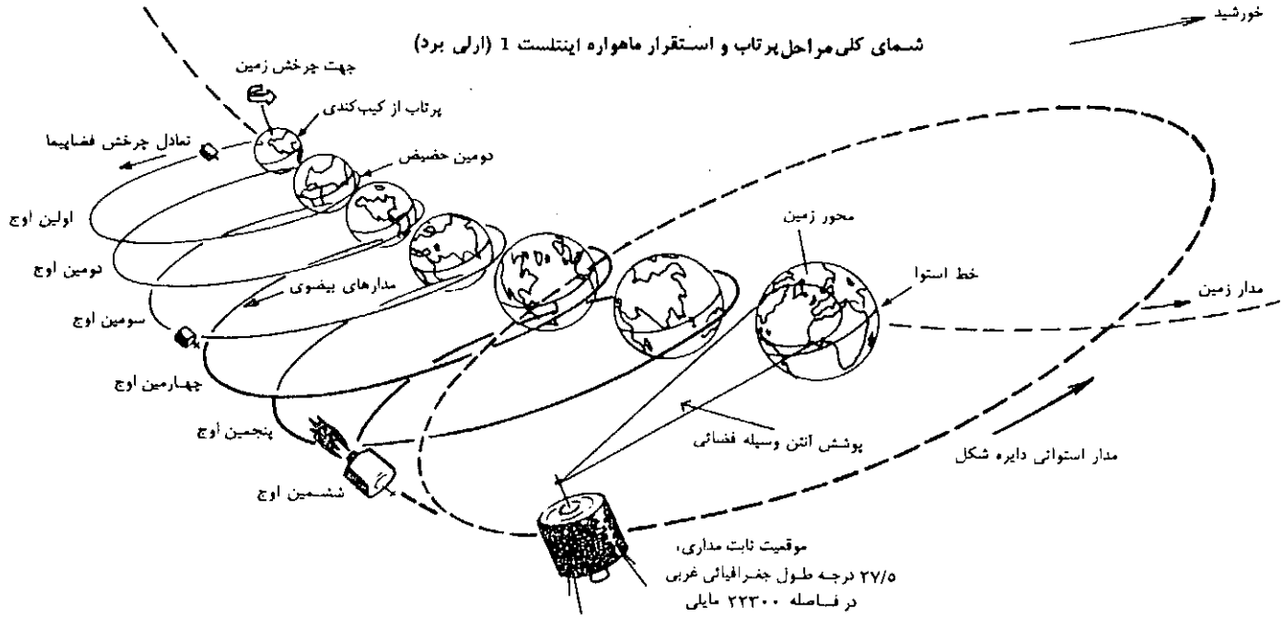


شمای کلی مراحل پرتاب و استقرار ماهواره اینتلست 5

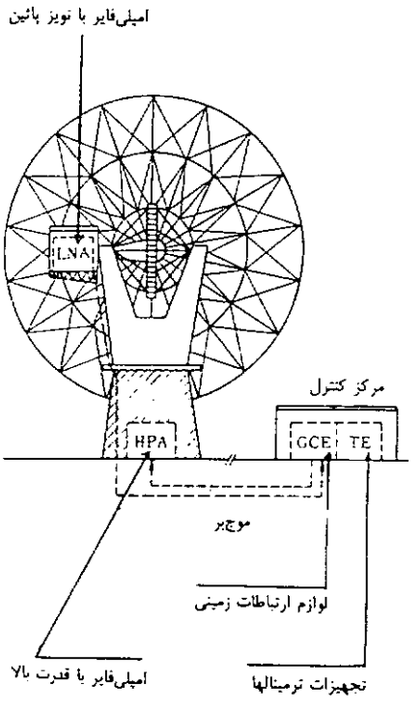
بازشدن آنتن‌ها و صفحات خورشیدی

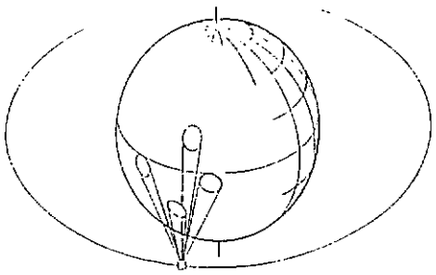


شمای کلی مراحل پرتاب و استقرار ماهواره اینتلست 1 (ارلی برد)

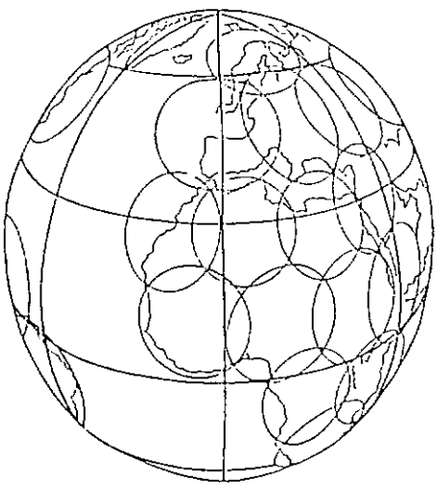


اجـزای ارتباطـی یـک ایستگـاه زمینـــی

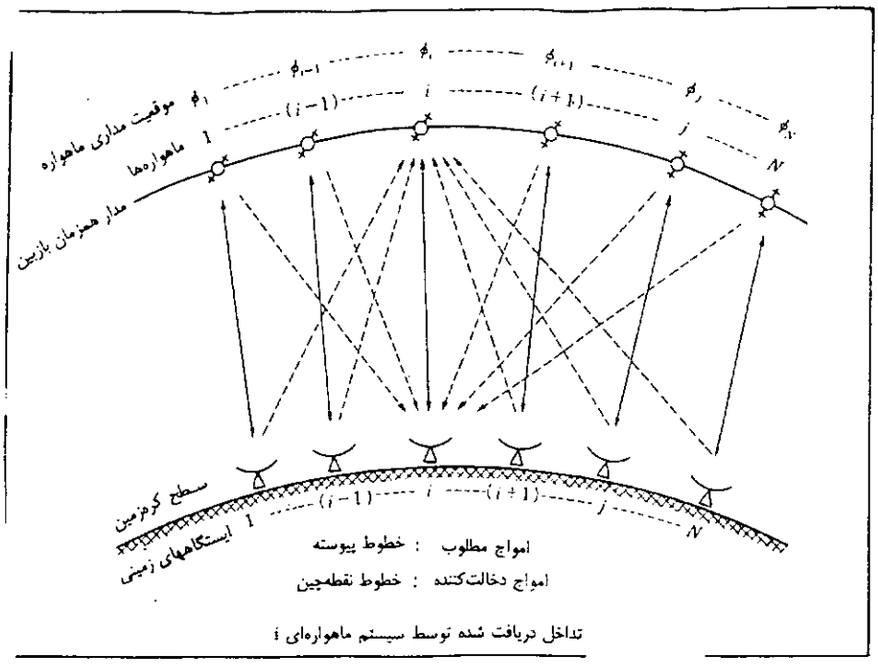




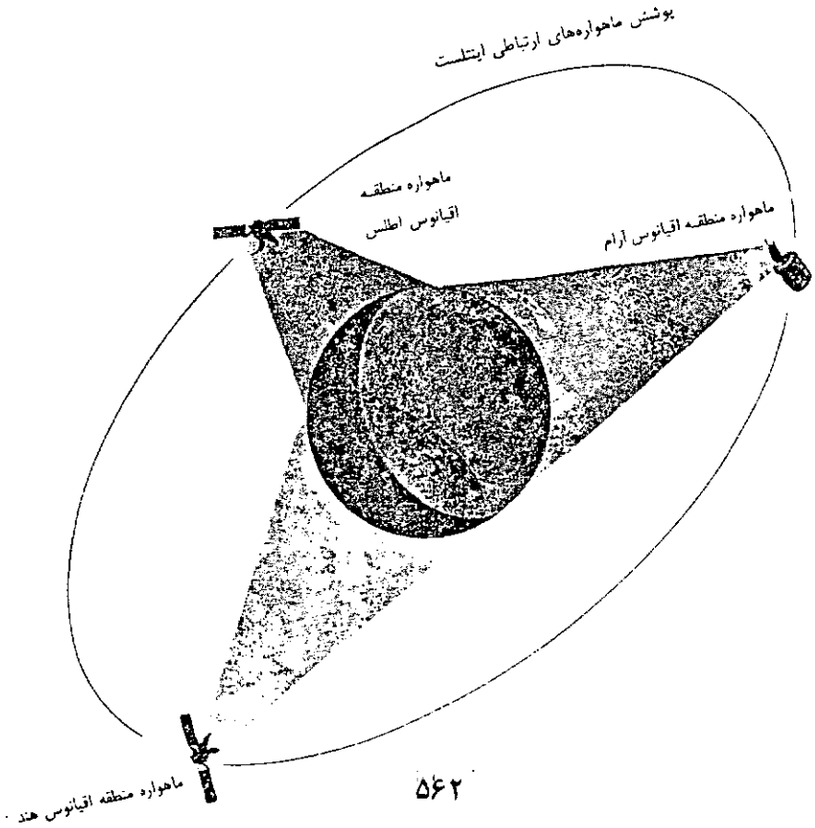
یک ماهواره بزرگ یا چندین ماهواره کوچـک: هر ماهواره می‌تواند چندین منطقه جغرافیائی را سرویس بدهد.



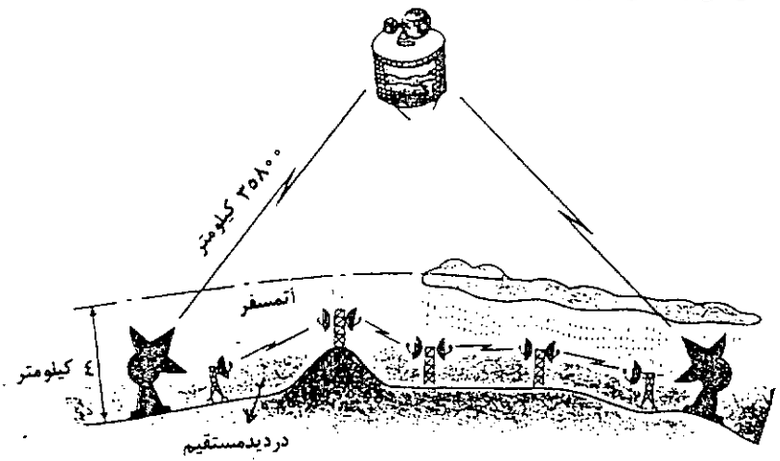
مدل ظرفیت مدار اصلاح شده.



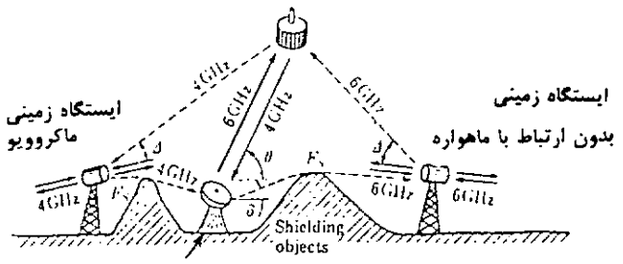
تداخل دریافت شده توسط سیستم ماهواره‌ای i



شمای کلی لینک های ماهواره ای وزمینی

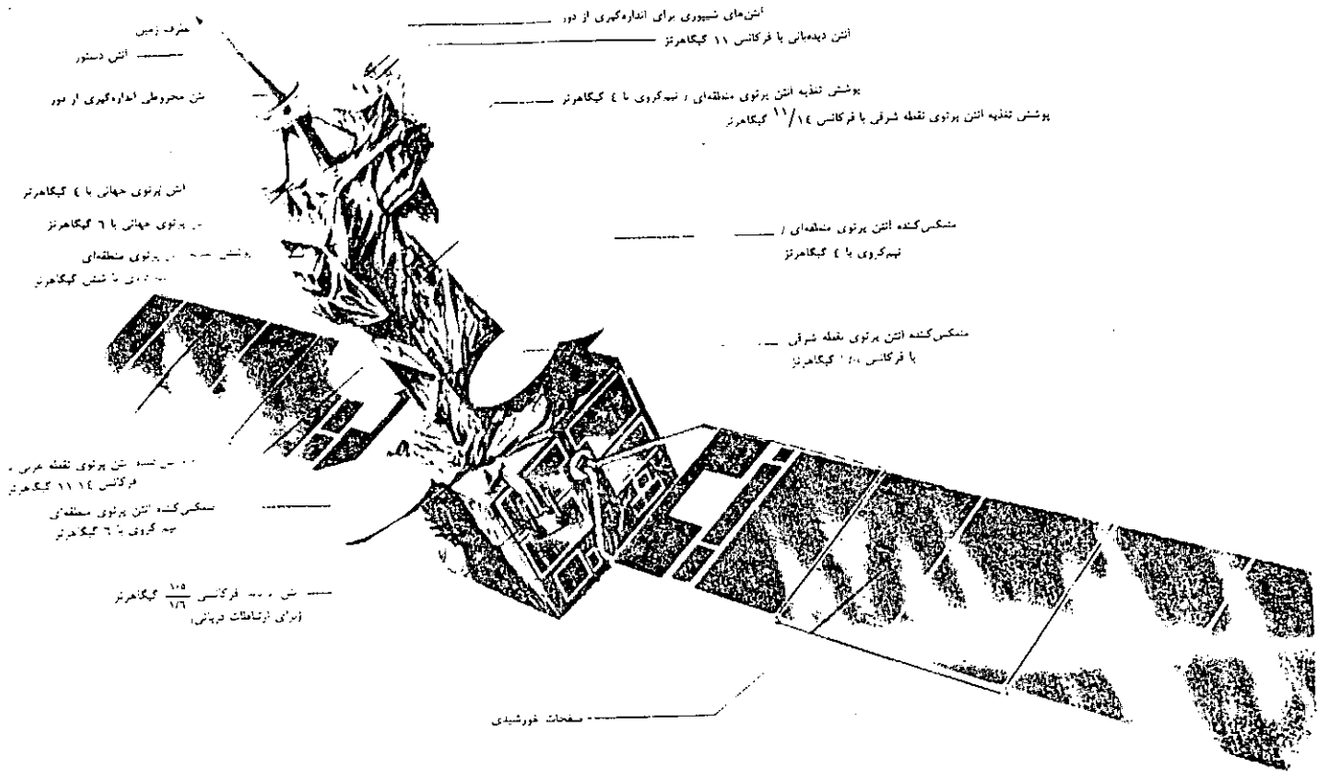


ایستگاه فضائی



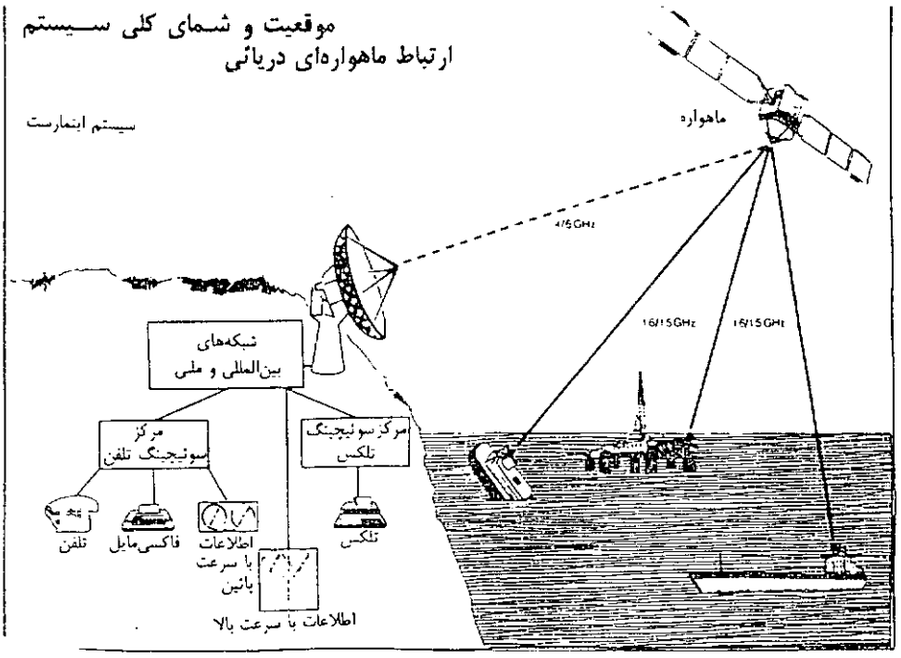
ایستگاه زمینی (ارتباط دو طرفه با ماهواره)

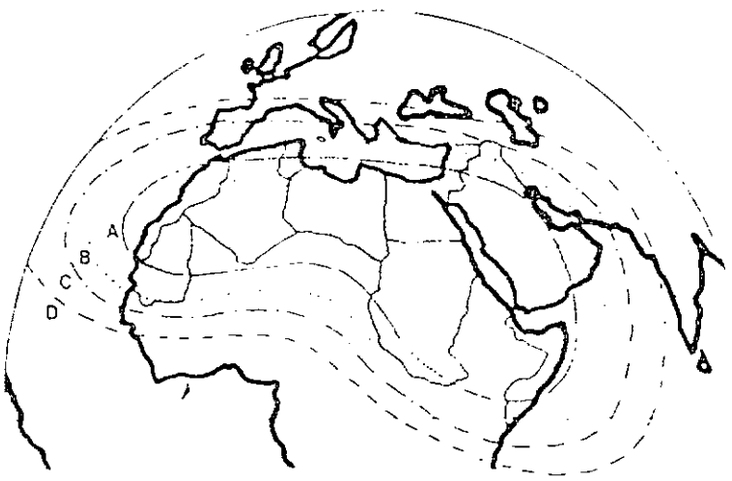
شمائی از کیفیت تداخل بین ایستگاه فضائی و ایستگاه زمینی در باندهای فرکانس مشترک ٤/٦ گیگاهرتز.



برخی از اجزای فنی ماهواره اینتلست 5

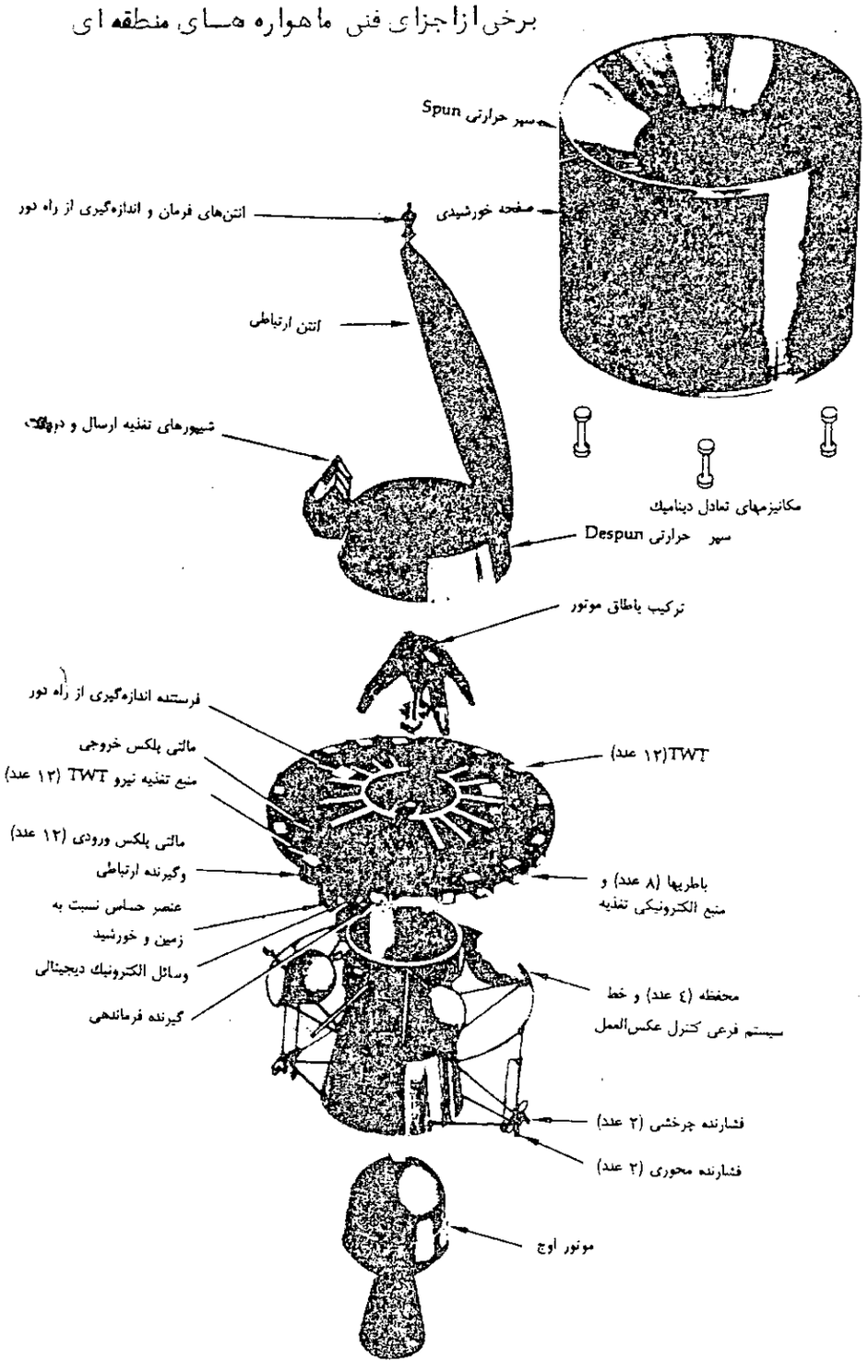
موقعیت و شمای کلی سیستم
ارتباط ماهواره‌ای دریائی

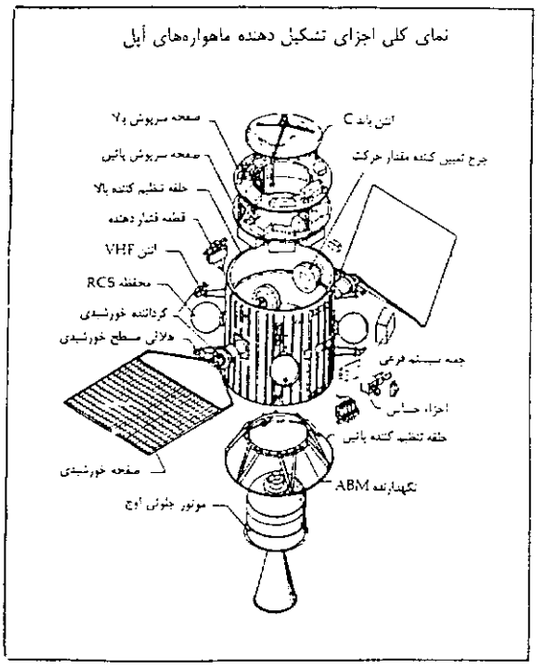


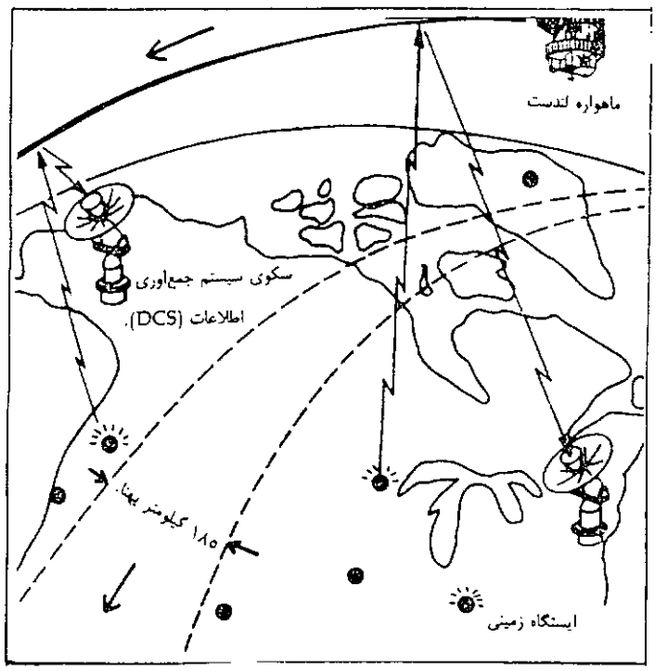


منطقه زیر پوشش ماهواره‌ای اینمارست

برخی از اجزای فنی ماهواره های منطقه ای

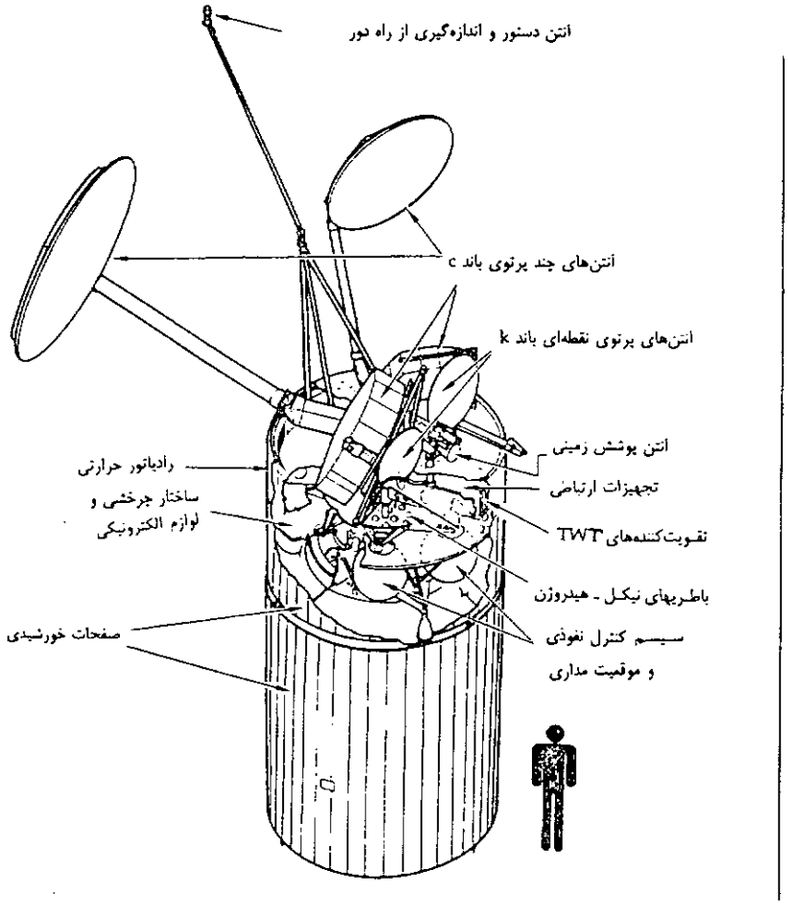


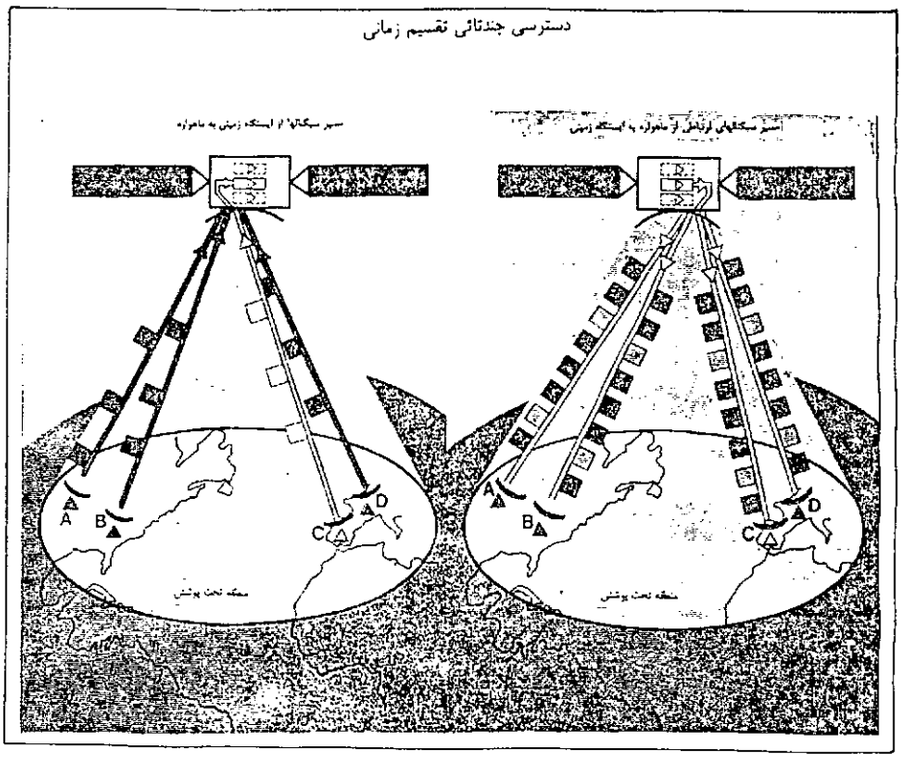




نحوه کار سیستم جمع‌آوری اطلاعات (DCS).

❁ قسمتی از اجزای فنی ماهواره‌های اینتلست 6





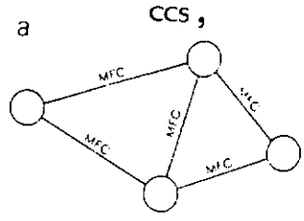
▲ در روش دسترسی چندتایی از طریق تقسیم زمانی هر ایستگاه زمینی اطلاعات دیجیتالی را با استفاده از یك فرکانس معمولی به ماهواره ارسال می‌نماید. هر ایستگاه بنوبه خود عمل ارسال را انجام می‌دهد. بنابراین اطلاعات از ایستگاههای مختلف بطور متوالی به ماهواره می‌رسد. در نتیجه عمل انتقال بطور مداوم نیست ولی بصورت تکراری است و تمام ظرفیت ترانسپاندرها را اشغال می‌کند. بعد از تقویت سیگنالهای ورودی، ماهواره همه اطلاعاتی را که در اختیار دارد بصورت دسته‌بندی شده ارسال می‌دارد. سپس ایستگاه زمینی اطلاعاتی را که مربوط به خود می‌باشد دسته‌بندی کرده و به کانالهای مربوطه می‌فرستد.

مسیر صحبت

لینک‌های سیگنالینگ هم کانال (CCS)

کیفیت انتقال (گذر)بین سیستم سیگنالینگ MFC و CCS

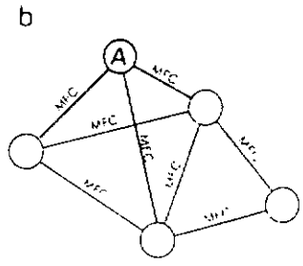
a



قسمت (a):

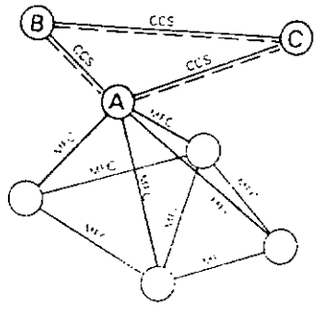
تمام مراکز تلفنی موجود از نوع کراس‌بار می‌باشد.

b



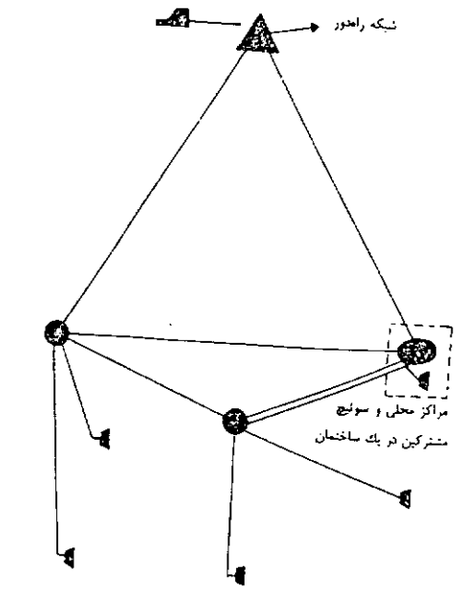
قسمت (b): اولین مرکز تلفنی ازنوع دیجیتال نصب شده و هنوز سیستم سیگنالینگ MFC وجود دارد و هیچ تغییری در سیستم سیگنالینگ پیدا نشده است.

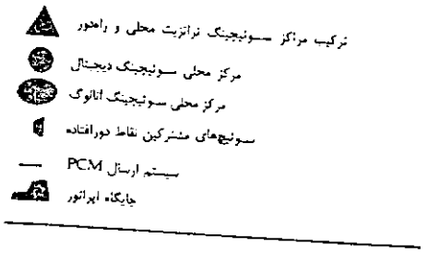
c



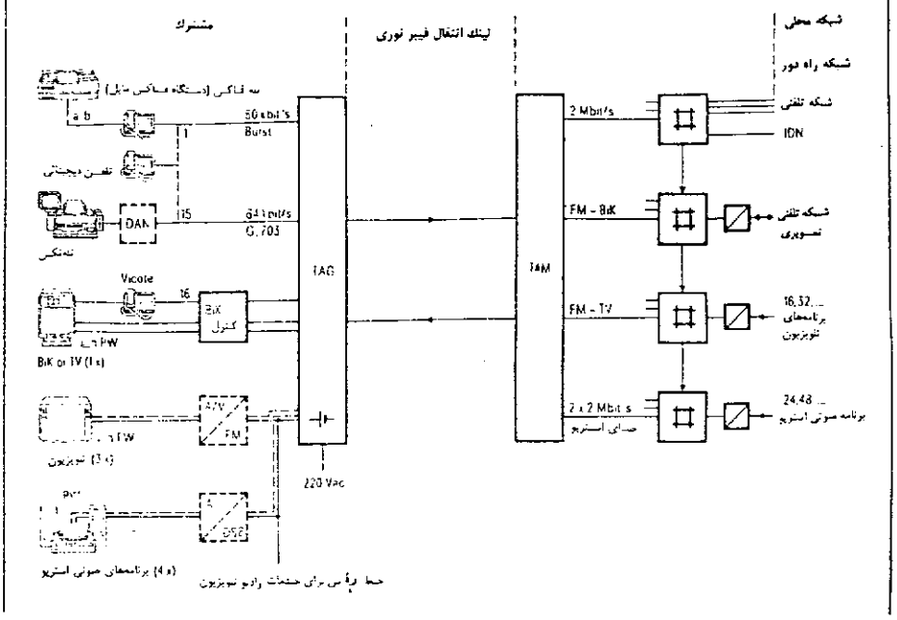
قسمت (c): شبکه‌ای با نصب چند مرکز دیجیتالی، که در بین آنها سیستم سیگنالینگ هم کانال (CCS) معرفی شده است.

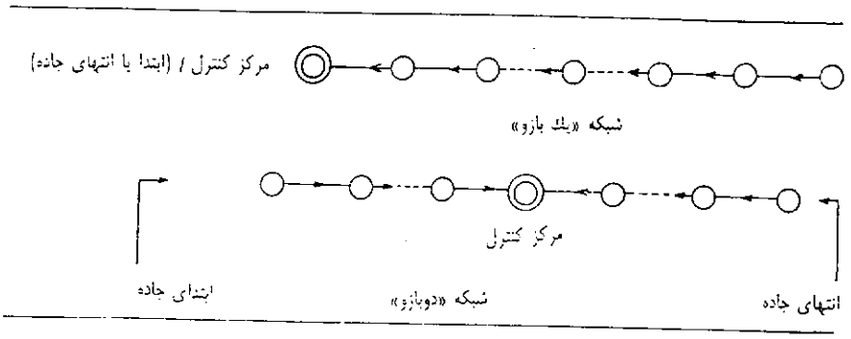
ترکیب مراکز ترانزیت محلی و رامدور در شبکه



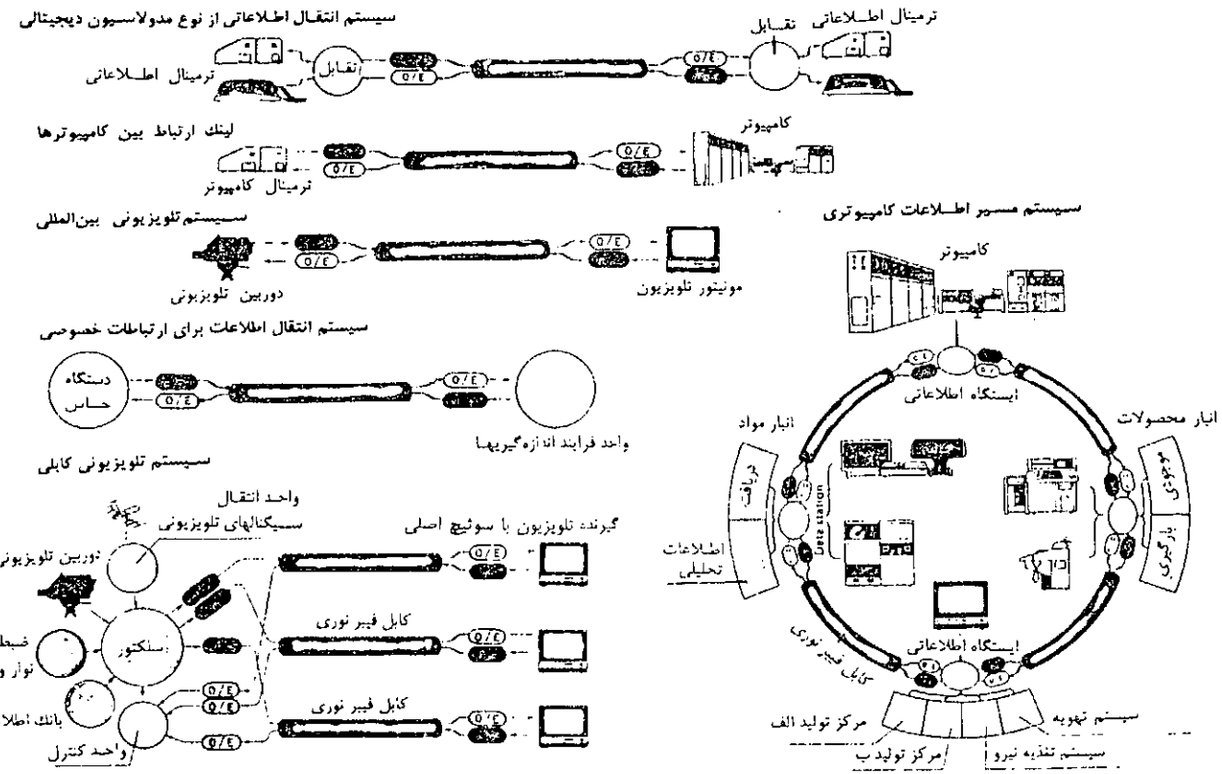


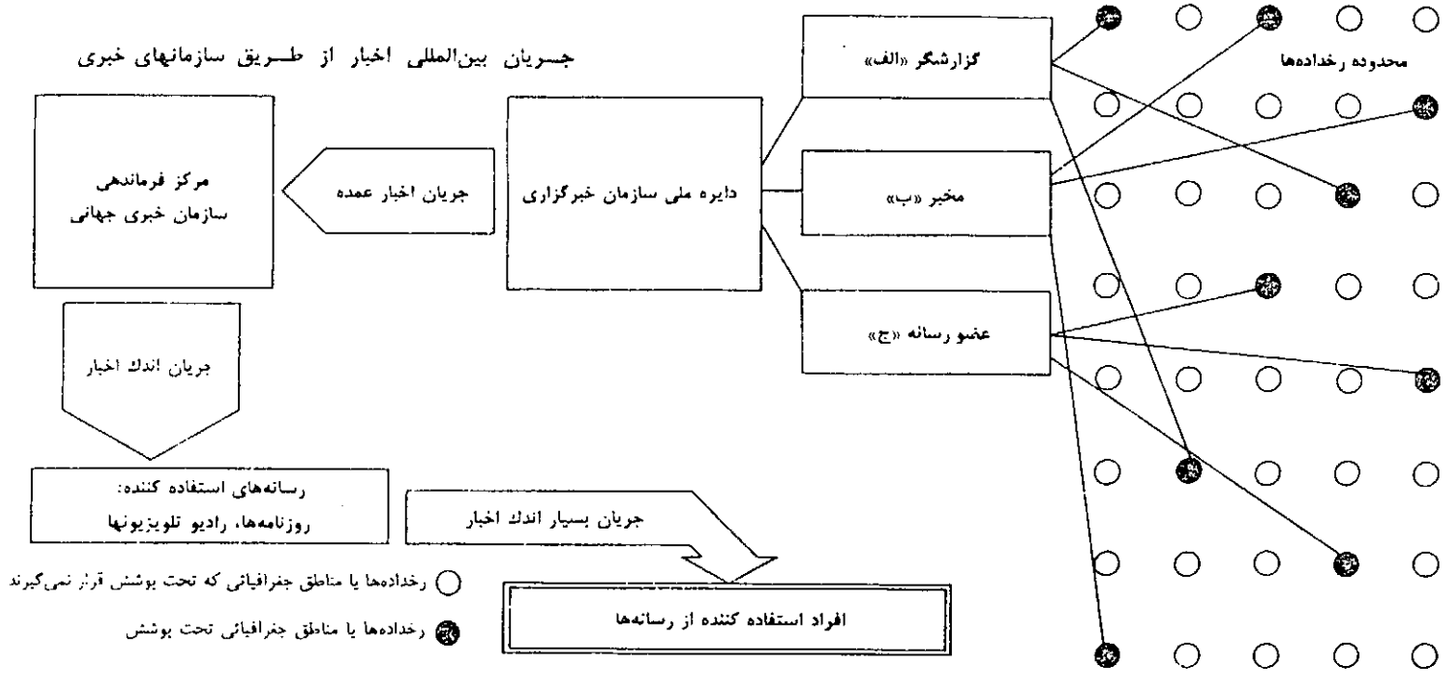
دیاگرام شبکه جامع (ISDN) با استفاده از ارتباطات نوری

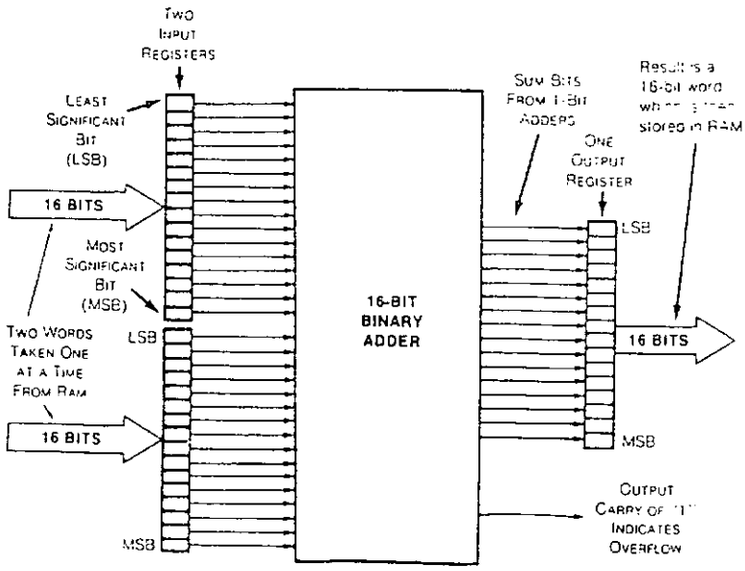




مثال‌هایی از سیستم انتقال فیبر نوری

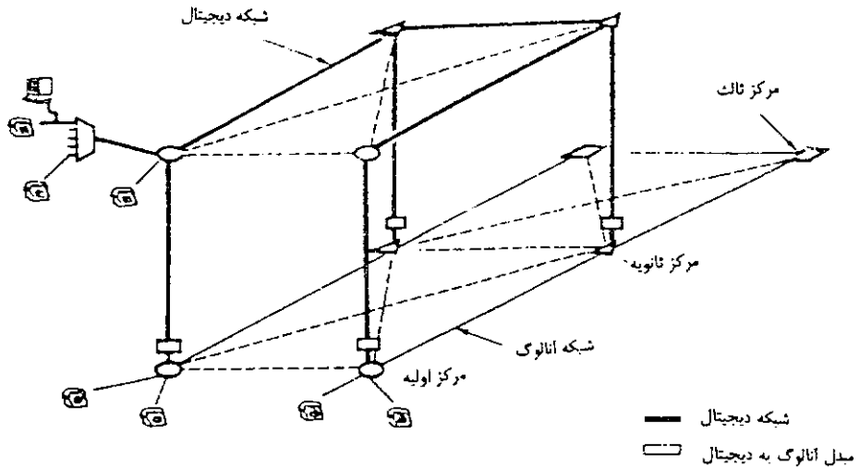



جریان بین‌المللی اخبار از طریق سازمانهای خبری
مرکز فرماندهی
سازمان خبری جهانی
جریان اخبار عمده
دایره ملی سازمان خبرگزاری
گزارشگر «الف»
مخبر «ب»
عضو رسانه «ج»
محدوده رخدادهها
جریان اندك اخبار
رسانه‌های استفاده کننده:
روزنامه‌ها، رادیو تلویزیونها
جریان بسیار اندك اخبار
رخدادهها یا مناطق جغرافیائی که تحت پوشش قرار نمی‌گیرند
رخدادهها یا مناطق جغرافیائی تحت پوشش
افراد استفاده کننده از رسانه‌ها

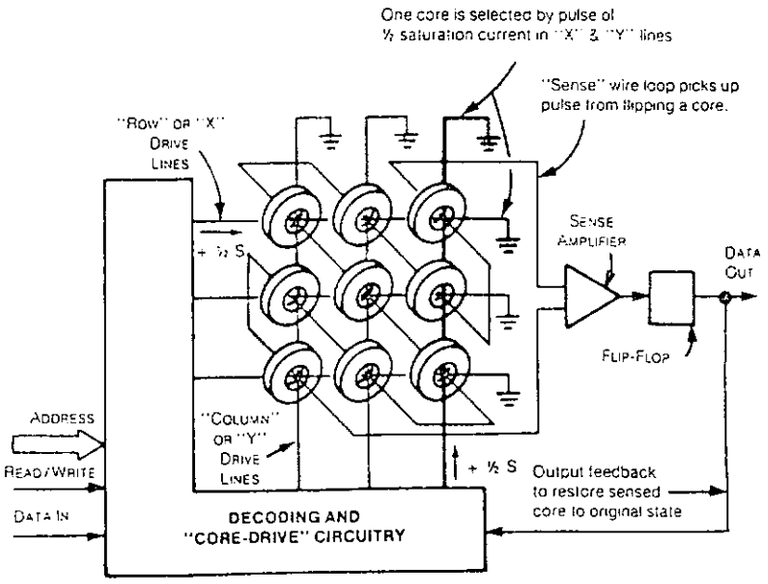


یک جمع کننده ۱۶ بیتی در "واحد حساب و منطق" یک کامپیوتر گروه بیت‌ها (کلمات) که بصورت تمام موازی عمل آورده میشوند، نشان میدهد. (جزئیات حرکت در مسیرهای معین از و به رجیسترها نشان داده نمیشود.)

سمبل کلیدها در دو حالت آنالوگ و دیجیتال

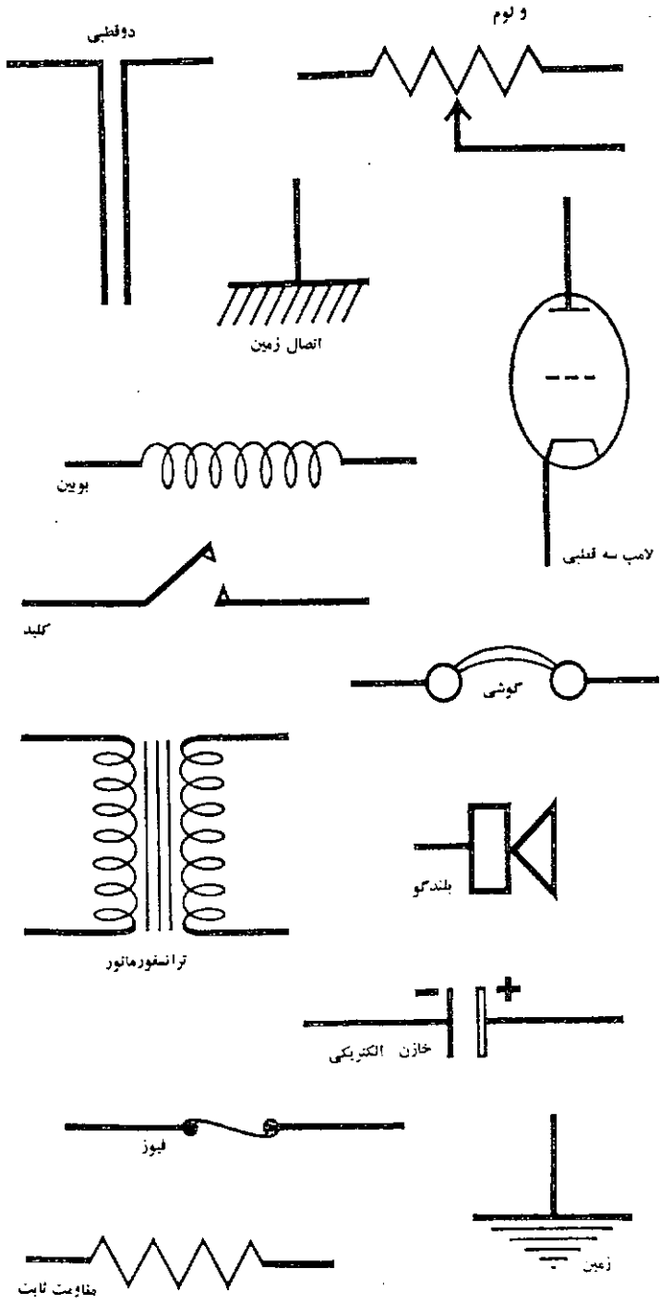


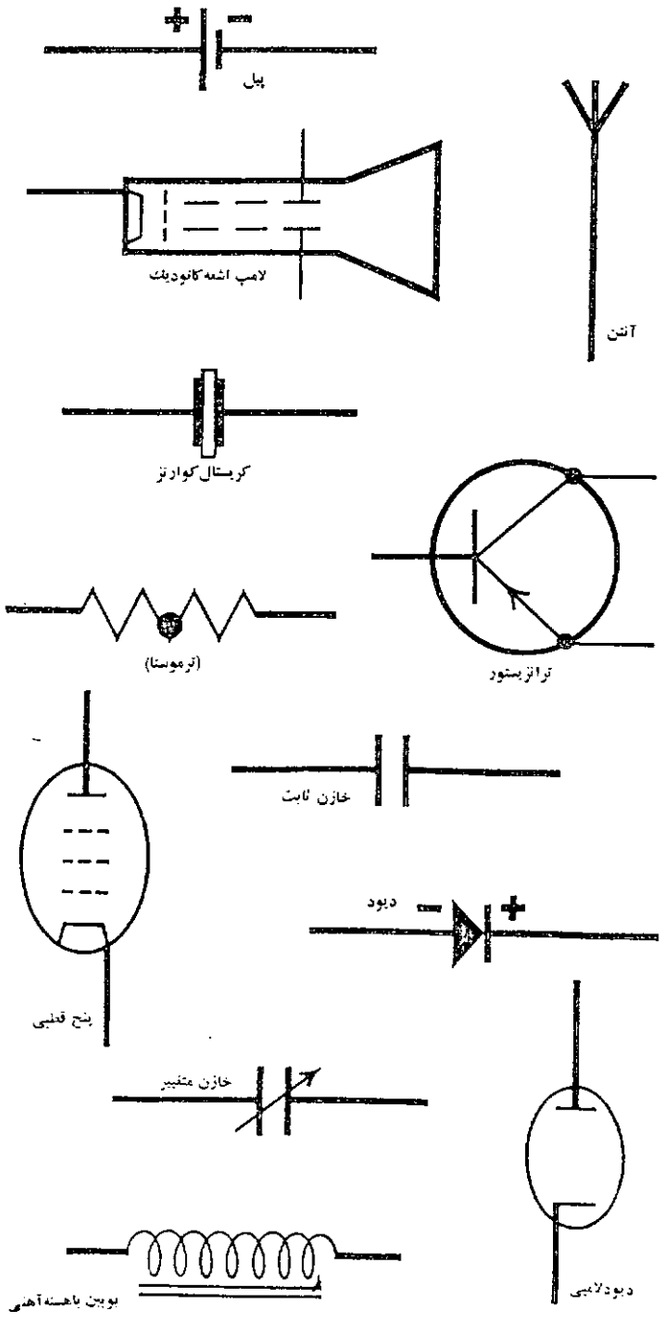
شمای کلی شبکه overlay (روکشی)



در یک واحد حافظهٔ هستهٔ واقعی ، هزاران هسته روی سیمها
بصورت طرح چهارگوشی شبیه این، بنام "صفحه"، بهرشته درآمده اند

اجزای گیرنده رادیوئی




پیل
لامپ اشعه کاتودیک
آنتن
کریستال کوارتز
ترانزیستور
(ترموستا)
خازن ثابت
دیود
پنج قطبی
خازن متغیر
دیود لامپی
بوبین با هسته آهنی

چگونه یك سیستم متمرکزکننده در شبکه های مخابراتی بکار گرفته می‌شود ؟

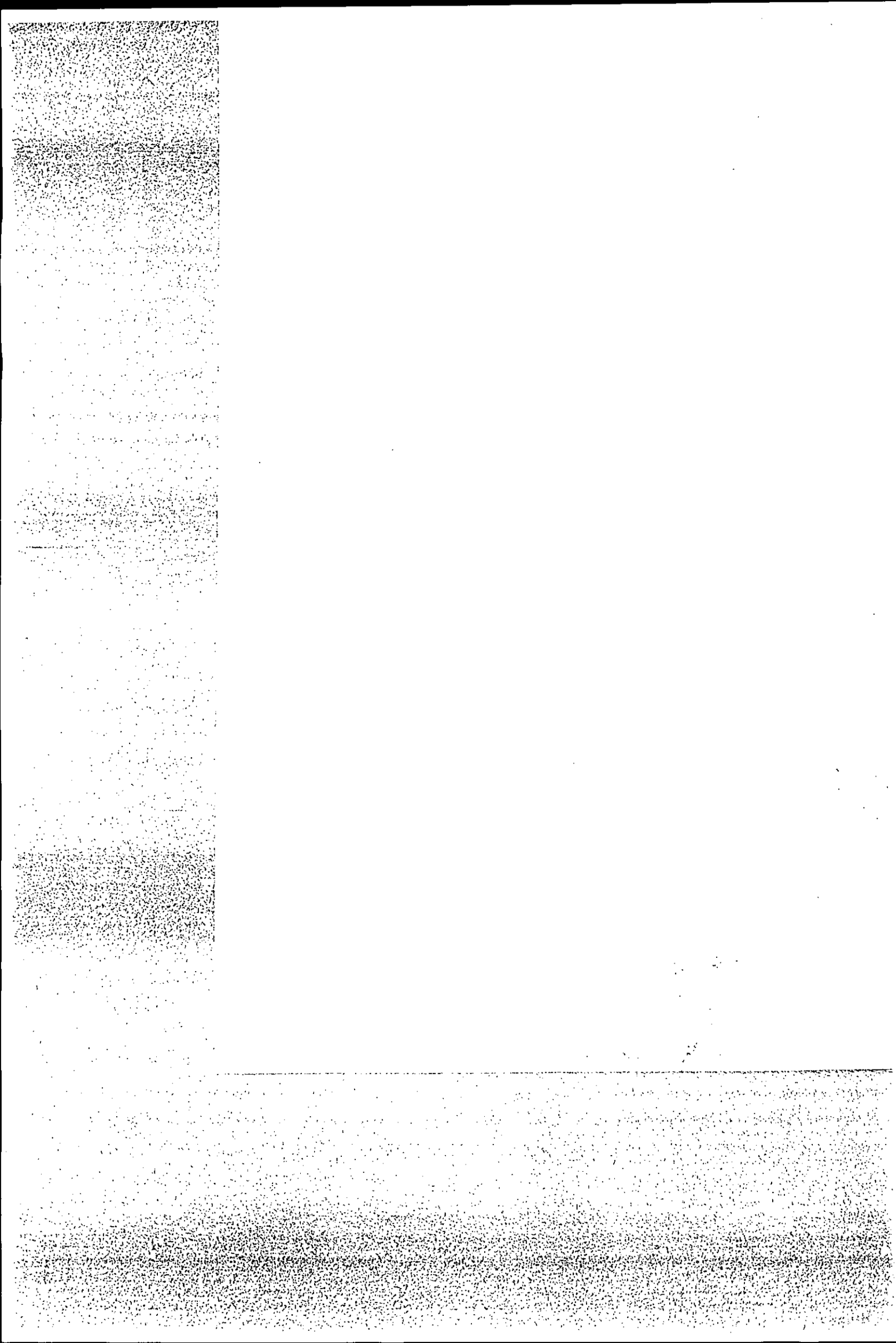
روش Host remote برای اتصال مراکز فرعی به مرکز اصلی

اتصال مراکز فرعی به مرکز اصلی به روش NODAL

از این مؤلف کتابهای زیر منتشر شده است :

۱ـ دنیای شگفت انگیز ارتباطات ماهواره‌ای. تهران: سروش . ۱۳۶۳.

۲ـ تلفنها ، عیب یابی و تعمیرات . تهـــــــران : دانش و فن . ۱۳۶۳.



A Dictionary of Telecommunication

Compiled by : Hassan Hossini Alast

Published by: Iranian Documentation Centre

1188, Enqelab Avenue, Palestine Cross Road

P.O.Box 15815-1568, Tehran, Iran.

Copies : 1000

Price : 600 Rials

Printed at the print House of Iranian Documentation Centre

Islamic Republic of Iran
Ministry of Culture and Higher Education

A Dictionary of Telecommunication

«English-Persian»



Iranian Documentation Center
Tehran, 1985